

學問



## مسجد اهل سنت و جماعت

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد

انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷

نویسنده: محمدجواد ولی‌زاده

ویراستار: حمید ابوالحسنی

مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی.

نش کوجه عطارد، پلاک ۵.

کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹

تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷

[www.masjed.ir](http://www.masjed.ir)



# مسجد کودک و نوجوان

محمد جواد ولی زاده

## فهرست

فصل اول، کلیات	۲۵
بخش اول: آشنایی با نهاد مسجد	۲۶
بخش دوم: آشنایی با کودک و نوجوان	۴۳
فصل دوم، کلیات نگرش سازی و ارزش آفرینی از مسجد	۶۳
بخش اول: مهد کودک	۶۹
بخش دوم: آموزش و پرورش	۸۵
بخش سوم: خانواده	۱۰۰
بخش چهارم: رسانه ملی (برنامه های تلویزیون)	۱۱۲
بخش پنجم: اسباب بازی	۱۲۲
بخش ششم: بازی های رایانه ای	۱۳۵
بخش هفتم: نوشت افزار	۱۵۳
بخش هشتم: شبکه های اجتماعی	۱۶۳
بخش نهم: شبکه های ماهواره ای	۱۷۹
نتیجه فصل دوم	۱۸۷

فصل سوم، ایجاد ارتباط با مسجد و تقویت آن	۲۰۷
بخش اول: دسترسی به مسجد	۲۱۱
بخش دوم: امام جماعت	۲۴۸
بخش سوم: خادم مسجد	۲۷۰
بخش چهارم: نمازگزاران	۲۸۰
بخش پنجم: کانون مسجد	۲۹۰
بخش ششم: هیئت امنا	۳۱۱
بخش هفتم: مدیریت کلان مساجد	۳۲۱
بخش هشتم: خانواده و والدین	۳۴۱
بخش نهم: مدرسه	۳۵۶
نتیجه فصل	۳۷۰
فهرست منابع	۲۸۹









## دیباچه

در طلیعه چهل سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»<sup>۱</sup>

در تمام این سالها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه

و نافذالکلمه ای در امر مساجد<sup>۱</sup> محسوب می شود، در حوزه های مطالعاتی، برنامه ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندر کاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم.

امید است ضمن مطالعه و بهره مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینه های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد<sup>۲</sup>».

مرکز رسیدگی به امور مساجد

۱: ابلاغیه ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز

۲: رهبر معظم انقلاب - ۱۳۹۰/۷/۱۹

«آن‌قدر آدم‌سازی و پرورش انسان‌های والا و با ایمان مهم است که اگر یک روحانی همت خود را صرف کند و در طول زمان بتواند تعدادی انسان مناسب و استوار بسازد کار بزرگی را انجام داده است.»<sup>۱</sup>

پرورش و تربیت انسان‌ها کار مقدسِ عظیمی است، تا آنجا که خداوند بزرگ وظیفه اصلی همه پیامبران علیهم‌السلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام را تعلیم و راهنمایی انسان‌ها می‌داند.<sup>۲</sup> اهمیت این مسئله زمانی روشن‌تر می‌شود که خداوند خود را نیز معلّم و ربّ انسان‌ها معرفی می‌کند.<sup>۳</sup>

مقام ربوبیت بندگان ذاتاً متعلق به خداوند متعال بوده و تنها ربّ واقعی اوست. وظیفه پرورش انسان‌ها توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام در طول مقام ربوبیت الهی است که از طرف خداوند بر عهده ایشان گذارده و تفویض شده است. چنانچه می‌بینیم این وظیفه بعد از ائمه معصومین علیهم‌السلام به عهده علمای امت اسلام گزارده شده و همواره بزرگان دینی ما از صدر اسلام تاکنون به این مهم توجه ویژه

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در سال ۱۳۷۹.

۲. بقره: ۱۵۱.

۳. بقره: ۲۱؛ الرحمن: ۲ تا ۴.

داشتند. نقل است از مرحوم آیت‌الله خوشوقت پرسیدند چرا کتاب نمی‌نویسید و مکتوبات ندارید، ایشان اظهار می‌دارند: من آدم نویسی را مهم‌تر می‌دانم. نوشتن کتاب خوب است و برکت دارد اما خیلی از کتاب‌ها خوانده نمی‌شوند و خاک می‌خورند؛ در حالی که اگر آدم‌ها تربیت شدند نه تنها خیانت نمی‌کنند بلکه خدمت‌های فراوانی می‌کنند و استاد نیز در همه آنها شریک است. اینها همه نشان از اهمیت و جایگاه ویژه تربیت انسان‌ها در چهارچوب نظام معرفتی اسلامی است. از طرفی، باید توجه داشت که تعلیم و تربیت چنانچه در اسلام نیز به آن اشاره شده سن مشخصی ندارد و انسان در تمام طول زندگی می‌تواند همواره در حال تعلیم و تربیت باشد؛ لیکن میزان تأثیرپذیری در سنین مختلف متفاوت است و همه روانشناسان اسلامی و غیراسلامی بر این مهم تأکید دارند که در دوران کودکی و نوجوانی، روح و روان انسان، شکل اصلی خود را پیدا می‌کند و شخصیت کودک و نوجوان در این دوران همانند موم نرم قابل شکل دادن است. لذا این قابلیت را در این برهه باید غنیمت شمرد تا بتوان انسانی در طراز اسلامی آن پرورش داد. از آنجا که وظیفه تربیت و تعلیم به عهده عالمان دین می‌باشد شاید سخن‌گرافی نباشد اگر بگوییم بهترین و مقدس‌ترین مکان برای تربیت کودک و نوجوان مسجد است. تجربه تاریخی صدر اسلام تاکنون نیز به همین مهم اشاره دارد که همواره از ابتدای بعثت پیامبر تاکنون انسان‌های پاک، باتقوا و تأثیرگذار در دین و در جهت تعالی پرچم اسلام، در مسجد پرورش یافته و رشد نموده‌اند. چه اینکه محل پرورش انسان‌ها در زمان رسول خدا ﷺ مسجد بود و اساساً مسجد مبنای هر حرکت آموزشی و تربیتی بوده است. در انقلاب شکوهمند اسلامی ایران نیز، با اندک تأمل در سیره بانیان و پیشتازان آن درمی‌یابیم که همه پرورش یافته مساجد بودند و شهدای گرانقدر انقلاب نیز از خانه خدا مسیر عروج به ملکوت را آغاز کردند.

مرکز رسیدگی به امور مساجد با عنایت به این موضوع پر اهمیت و البته با علم به تلاش همه جانبه نظام سلطه و دشمنان قسم خورده در به انحراف کشاندن نسل آینده فرزندان انقلاب، سال ۱۳۹۳ را سال مسجد و کودک و نوجوان نام‌گذاری نموده و در تلاش است با مجموعه‌ای از برنامه‌ها و اقدامات فرهنگی، متولیان و

اثرگذاران و دغدغه‌مندان حوزه تربیت را به اهمیت و حساسیت این موضوع رهنمون سازد. امید است مساجد، این خانه‌های امید همچون گذشته مهد تربیت و اعتلاء فرهیختگان و آینده‌سازان فردای روشن ایران و جهان اسلام باشند و خادمان و خدمت‌گزاران مساجد بیش از پیش در این راه قدم بردارند.

این اثر علمی نیز حاصل تلاش پژوهشگر ارجمند آقای دکتر محمد جواد ولی زاده می باشد که با هدف ارائه تحلیل‌ها و راهکارهای علمی و عملی برای جذب و رشد و پرورش همه جانبه شخصیت کودکان و نوجوانان، به رشته تحریر درآمده است و به حضورتان تقدیم می‌گردد.

ضمن تشکر از همکاران گران‌قدر در اداره تولید و تأمین محتوای معاونت فرهنگی - اجتماعی، امیدواریم این اثر، در نگاه شما گرامیان به ویژه ائمه محترم جماعات مقبول افتد و پیشنهادهای و نظرهای ارزشمند خویش را از خادمان خود در معاونت فرهنگی - اجتماعی مرکز دریغ نفرمایید.

## پیشگفتار

کودکان و نوجوانان بخش قابل توجهی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند و از آنجاکه آینده‌سازان جامعه هستند، اهمیت خاصی دارند؛ لذا فضای آموزشی و نظام تربیتی که سبب جهت‌دهی به باورها و نگرش‌ها، ارزش‌ها و ذائقه‌ها، رفتارها و الگوگزینی‌های آنان می‌شود، برای خانواده‌های متعهد و نیز برای نظام‌های حکومتی دنیا اهمیت فراوانی دارد. به طوری که کمترین تسامح و بی‌توجهی به آب‌سخورهای تربیتی کودکان و نوجوانان، خسارات جبران‌ناپذیری برای خانواده و جامعه در پی دارد. اهمیت ویژه دادن به تربیت کودکان و نوجوانان، اختصاص به نظام‌های ایدئولوژیک و خدامحور ندارد - هر چند در آن‌ها بیشتر است و باید باشد - به دلیل آنکه حتی در نظام‌های مادی، آشنایی کودکان و نوجوانان با فرهنگ و آداب و رسوم و مبانی فکری آن نظام‌ها، به دلیل پیامدهایی که پس از بزرگ شدن آن‌ها برای جامعه دارد، امری کاملاً ضروری و گریزناپذیر است. در جامعه ایرانی، با سابقه دیرینه بر خردمندی از فرهنگ غنی و مترقی اسلام که به معنای واقعی کلمه، آیین حیات‌بخشی برای انسان‌هاست، این موضوع اهمیت دوچندان دارد؛

خصوصاً که با تأکیدات آموزه‌های دینی دربارهٔ توجه ویژه به تربیت کودکان و نوجوانان همراه است و آموزه‌های تربیتی دینی، پایه و مبنای اصلی تربیت را نه در بزرگسالی بلکه در همین سنین و حتی قبل از آن در رحم مادر مورد توجه قرار داده و توصیه‌های ارزشمندی در این خصوص دارد.

از سوی دیگر استقرار همین فرهنگ و دین حیات‌بخش اسلام سبب به وجود آمدن نهادها و نمادهای دینی عمده‌ای شده که شاید مهم‌ترین آن‌ها نهاد و نماد متعالی مسجد باشد. جایی که هرچند در اصل برای عبادت خداوند در نظر گرفته شده، لیکن هر کارکردی که در راستای تقویت این هدف اولیه باشد و سبب تربیت انسان‌ها و تقویت دین خداوند باشد، مورد اهتمام مسجد است و نهاد مسجد از آن استقبال می‌کند؛ و جالب‌تر اینکه در منظومه تربیت دینی در جامعه اسلامی، نهادی مقدس‌تر، کارسازتر، تأثیرگذارتر و مهم‌تر از مسجد وجود نداشته و ندارد و به جرئت می‌توان ادعا کرد که در اسلام، راه عبودیت و به خدا نزدیک‌تر شدن از ارتباط با مسجد می‌گذرد و بدون مسجد و آموزه‌های تربیتی و معنوی آن، وصول به معرفت و بندگی خالص خداوند تقریباً غیرممکن است.

در همین راستا کودکان و نوجوانان هرچند که به صورت بالفعل واجد تکالیف شرعی نیستند، ولی از آنجاکه اولاً چند صباحی بعد بزرگ‌شده به سن تکلیف می‌رسند و در دوراهی‌های انتخاب خیر و شر قرار می‌گیرند، ناگزیر باید قبل از قرار گرفتن در این مسیر، با پیچ و خم این راه و بی‌راهه‌های آن آشنا شوند و نحوه قدم گذاشتن در راه درست را فراگیرند؛ ثانیاً تکلیف نداشتن و مترتب نشدن ثواب و عقاب بر اعمال، ملازمه‌ای با عدم تأثیر وضعی اعمال و سکنت و نحوه زندگی انسان ندارد؛ خصوصاً اگر با کوتاهی‌هایی همراه باشد. مثلاً چنانچه مشروبات الکلی به خیال اینکه آب است نوشیده شود، هرچند عقابی دربر ندارد، ولی از تأثیر وضعی آن بر جسم و روان انسان نمی‌توان به راحتی گذشت؛ خصوصاً اگر همراه با کوتاهی در شناسایی آن باشد. اینجا نیز مسئله همان‌طور است. نحوهٔ زندگی کودکان و نوجوانان و اینکه در چه فضایی بزرگ می‌شوند و با چه اندیشه‌ها، نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهایی آشنا می‌شوند و با چه افرادی ارتباط برقرار می‌کنند، هرچند ثواب و عقابی مترتب بر

آن نیست، ولی در ساخت زندگی آینده آن‌ها تأثیر تمام و کمال دارد؛ به طوری که هویت، فرهنگ، سبک زندگی و چارچوب ارزشی آنان بعد از رسیدن به سن تکلیف، کاملاً متأثر از نحوه زیست آنان قبل از این سن و فضای تربیتی و آموزشی آن زمان است. در نتیجه توجه به مسئله ارتباط کودکان و نوجوانان با فضای روحانی مسجد و تحت تعالیم حیات‌بخش آن قرار گرفتن، امری مهم و حیاتی برای زندگی آینده آنان و سعادت اخروی‌شان به شمار می‌رود.

اینکه کودکان و نوجوانان، در ارتباط با افراد باتقوای مسجدی و اندیشه‌های ارزشمند امام جماعت، چنین افراد و اندیشه‌هایی را الگوی زندگی و روش فکری خود قرار دهند، امری بسیار مهم و قابل توجه است که لازم است برای برقراری چنین ارتباطی و تسهیل آن، گام‌های لازم برداشته شود. خصوصاً با تغییرات پیش‌آمده در جهان کنونی و مناسبات ارتباطی آن، نحوه ارتباط کودک و نوجوان با مسجد کاملاً متحول شده و تحت تأثیر قرار گرفته است. اگر تا دیروز کانال‌های تربیتی کودکان و نوجوانان در جامعه ایرانی منحصر به مسجد، خانواده، مکتب‌خانه و نهاد مدرسه بود، امروز با بروز و ظهور عوامل محیطی دیگر و ابزارها و نهادهای آموزشی جدید، این پازل کاملاً تغییر شکل داده و نحوه تأثیرگذاری‌ها و تأثیرگرفتن‌ها با گذشته متفاوت شده است:

کودکان و نوجوانان امروز از طریق آشنا شدن با ابزارهای اطلاع‌رسانی و ارتباطی جدید همچون بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی اعم از رایانه‌ای و موبایلی و نظام‌های آموزشی خارج از مدرسه، با منابع تربیتی متعددی مواجه هستند.

به دلیل جهانی شدن و به بیان صحیح‌تر مقوله جهانی‌سازی، حتی آن ابزارهای ارتباطی گذشته نیز کارایی گذشته خود را ندارند و نهادی همچون مدرسه، با مشکلات زیادی در امر آموزش و تربیت صحیح مواجه است و از نهادهایی همچون مکتب‌خانه هم خبری نیست و نهاد تربیتی خانواده نیز به دلایل متعددی - که در ضمن تحقیق توضیح داده خواهد شد - جایگاه تربیتی خود را از دست داده و با اتخاذ سبک‌های جدید از زندگی - که نوعاً در سمت‌وسوی سبک زندگی غربی است - چندان احاطه‌ای بر امر تربیت فرزندان ندارد؛ اگر نگوییم که خود،



آسیب‌دیده است و لازم است کسی نجاتش دهد.

با انقلاب صنعتی و پدید آمدن مقوله اقتصاد فرهنگ، جهان غرب از هر چیزی که می‌شد و می‌شود سود و عایدی اقتصادی داشته باشد استفاده کرده و بدان نظر انداخته است؛ در نتیجه با شکل‌گیری انقلاب صنعتی و به وجود آمدن صنعت تولید انبوه، بسیاری از مقولات فرهنگ‌ساز که تا دیروز صرفاً جنبه فرهنگی داشتند، وارد عرصه رقابت اقتصادی شده و در این رهگذر وجه فرهنگی آنها تحت تأثیر جنبه اقتصادی قرار گرفته است. لذا در فضای کم‌کاری و بی‌توجهی خودی به این مقوله، رقبا، چه عامدانه و چه صرفاً با نیت اقتصادی، از صنایع فرهنگی در جهت سودآوری و نیز تبلیغ و ترویج فرهنگ خود استفاده برده‌اند، از نمونه‌های بارز آن می‌توان از صنعت اسباب‌بازی و نوشت‌افزار نام برد که ضمن سودآوری فراوان برای دشمنان، مسیری برای ورود فرهنگ منحط آن‌ها به جامعه ایرانی و القای این فرهنگ به کودکان و نوجوانان جامعه شده است.

با توجه به پیشرفت‌های علمی بشری در دستیابی به سازوکارهای تولید انبوه و فراتر از نیاز و به تبع، اشباع بازار نیازهای اولیه انسانی همچون مسکن و خوراک و پوشاک، بخشی از تولیدات به سمت تولیداتی سوق یافته است که جنبه اوقات فراغتی و تفریحی دارند. اگر تا دیروز تمام همت بشر برای تولید نیازهای حیاتی خود همچون گندم و جو و مانند آن بود و تازه آن را هم نمی‌توانست تمام و کمال برآورده سازد، با انقلاب صنعتی این مشکل نه تنها مرتفع شد بلکه صرفاً به وسیله بخش محدودی از توانایی جامعه بشری محقق شد و کلی از افراد باقی ماندند که به کاری مشغول نبودند؛ لذا توجه به مرتفع ساختن نیازهای درجه دوم از نوع تفریحی و سرگرمی مورد توجه قرار گرفت. بنابراین در بخش کودکان و نوجوانان علاوه بر مقولاتی همچون اسباب‌بازی و بازی رایانه‌ای که ذکر شد، تولید کارتن‌ها و پویانمایی‌های مخصوص کودکان به شدت گسترش یافته که در این حوزه نیز به دلیل پیش‌دستی غرب و عقب‌ماندگی دیرینه ما، گوی سبقت از ما ربوده شد و فرهنگ غربی، به شکل خواسته یا ناخواسته بر اندیشه و فرهنگ کودکان و نوجوانان ما تحمیل شده و می‌شود.

تغییر سبک زندگی و تعریف نیازهای جدید - که برخی نیز کاملاً کاذب و غیر ضروری هستند - سبب شده تا آسایش و فراغ‌بال از زندگی مردمان امروزی رخت بر بندد. برای مشغول نگه‌داشتن بشر امروزی که از معنویت و روحانیت و به بیان واقعی، از آرامش واقعی جدا افتاده، نیازهای کاذب جدیدی تعریف شده تا انسانها را در بسیاری از اوقات روز به کار واداشته و در بخش باقی مانده نیز سرگرم لذت‌های فیزیولوژیکی و حیوانی سازد؛ لذا همه این‌ها سبب شده تا پدران و مادران که واسطه‌های ارتباط‌دهنده کودک و نوجوان با نهاد مسجد هستند، فرصت و حتی انگیزه کافی برای ارتباط دادن کودکان و نوجوانان خود با مسجد نداشته باشند و علاوه بر اینکه خود از این نهاد مقدس فاصله گرفته‌اند، سبب دوری کودکان و نوجوانان نیز باشند.<sup>۱</sup>

شاید پدر و مادری که خود در کودکی و نوجوانی با نهاد مسجد در ارتباط بوده‌اند، نتوانند تبعات سنگین و آینده مبهم فرزندان را که حتی در کودکی نیز تجربه ارتباط با مسجد ندارند تصور نمایند، ولی بی‌گمان آینده فرزندانشان موضوع اساسی و مهمی است که نیاز به تأمل جدی دارد.

بنابراین در فضای فرهنگی موجود که عوامل تربیتی زیادی وارد حوزه تربیتی کودک و نوجوان شده‌اند و نوعاً هم فرهنگی معارض با فرهنگ مسجد و فضاهای معنوی به کودکان و نوجوانان عرضه می‌کنند و نیز سبک زندگی جدید که جایگاه ارتباط‌دهندگی والدین و فرزندان را با مسجد تنزل داده و متزلزل نموده است، این ضرورت را مبرهن می‌سازد که موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد و جذب وی به این نهاد برای استفاده از فرهنگ و سبک زندگی مسجدی، کاملاً نیازمند تحقیق‌های جدید با رویکرد کاملاً علمی و دقیق است که انتظار می‌رود این تحقیق، گامی مؤثر ولو بسیار اندک در این زمینه بردارد و مقدمه‌ای بر

۱. ر. ک: نش‌کیت، جامعه‌شناسی معاصر، جهانی شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمد تقی دل‌فروز، ص ۷۵؛ احمد گل محمدی، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، ص ۴۳؛ قدیر نصیری، در چیستی جهانی شدن، تأملی نظری در سمت و سرنوشت آهنگ جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، ص ۲۸۶-۲۸۵؛ آلبرت بغزیان، مجله توسعه مدیریت، «پیامدهای جهانی شدن یک رویکرد آماری»، ص ۱۵-۱۶؛ باری آکسفورد، نظام جهانی: سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، ص ۳۴؛ پل سوئیزی و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف، ترجمه ناصر زرافشان، ص ۸۴؛ سرژ لاتوش، غربی‌سازی جهان، ترجمه امیررضایی، ص ۱۱۰؛ امانوئل والرشتاین، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، ص ۲۲۵؛ محسن فراهانی، روزنامه جام جم، «جهانی شدن به اختیار یا به اجبار»، ص ۸.

انگیزه‌بخشی در جهت انجام تحقیق‌های جدی‌تر بعدی در این حوزه باشد. بنابراین برای این که بتوان از نهاد متعالی و مقدس مسجد در جهت تربیت دینی کودک و نوجوان بهره برد یا تربیت موجود را از طریق مسجد ارتقا داد با دو سؤال عمده و اصلی مواجه هستیم:

۱. چگونه می‌توان برای نسل کودک و نوجوان از نهاد مسجد، زمینه‌ها و تصورات مثبت ایجاد نمود تا در این کارزار که این همه رسانه‌های متنوع از شبکه‌های اجتماعی گرفته تا اسباب‌بازی‌ها، فرهنگ معارض با مسجد را تبلیغ می‌کنند، باور و نگرش مسجدی ارزش‌مدار آن را در ذهن و دل کودک و نوجوان نهادینه ساخت تا سرمایه ماندگاری برای روزهای آینده او باشد؟

۲. چگونه می‌توان ارتباط فیزیکی کودک و نوجوان را با مسجد نسبت به گذشته سهل‌تر و میسرتر نمود؟ و احیاناً در مواردی که این ارتباط برقرار نیست، چگونه می‌توان در جهت ایجاد آن اقدام نمود؟ طبیعتاً در پی این دو سؤال اصلی، سؤالات فرعی‌ای پدیدار می‌شوند که عبارت‌اند از:

۱. وضع موجود نظام‌واره تربیتی که کودک و نوجوان متأثر از آن، نظام باورها و ارزش‌های خود را کسب می‌کند چگونه است؟ در این عرصه کدام عوامل محیطی و ابزارهای آموزشی، تا چه اندازه و با چه کیفیت محتوایی تأثیرگذار هستند؟

۲. وضع موجود ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد و نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها در این عرصه چگونه است؟

حقیقت آن است که از حیث پیشینه، هرچند در موضوع مسجد و امام‌جماعت کارهای تحقیقی زیادی صورت گرفته، لیکن هیچ یک تاکنون در حوزه پژوهش‌های عملیاتی و آماری وارد نشده‌اند. حتی اخیراً برخی تحقیقات منتشر شده‌اند که نشانگر نگاه مدیریتی به‌روز نسبت به نهاد مسجد است و بارقه‌های امید را در این خصوص زنده می‌کند ولی در آن‌ها نیز رویکرد پژوهشی کاملاً نظری و تئوریک است و نشانه‌های چندانی از پرداختن عینی و مصداقی به مسائل و موضوعات کلان نهاد مسجد و ارتباط کودک و نوجوان با مسجد دیده نمی‌شود. لذا محدودیت

عمده این تحقیق، فقدان سوابق پژوهشی و تحقیقی در خور در این زمینه است و تاکنون پژوهشی عملیاتی بر اساس آمار موجود در این خصوص انجام نشده است؛ این ضعف نیز خود ناشی از عواملی است که یکی از عوامل اساسی و پایه‌ای آن، فقدان سامانه آماری ملی در حوزه نماز و مسجد است. اگرچه به صورت پراکنده تحقیقاتی در خصوص مساجد انجام شده است، اما به جز طرح سراسری تهیه شناسنامه مساجد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مرکز آمار [در سال ۱۳۷۵] انجام داده‌اند و حاوی مطالب بسیار مفیدی است، کار شاخص دیگری به چشم نمی‌خورد. این در حالی است که طبق قانون، هر ۱۰ سال یکبار باید این آمار بازنگری شود. آمار موجود بر اساس آمارگیری سال ۱۳۷۵ ستاد عالی کانون‌های مساجد با همکاری مرکز آمار است و به دلیل عدم اختصاص بودجه، آمار جدیدی ارائه نشده است.<sup>۲</sup>

درواقع یکی از مشکلاتی که در بخش عام فرهنگ و از جمله حوزه نماز و مسجد در کشور وجود دارد، عدم وجود آمارهای دقیق و جامع از وضعیت اقامه نماز در مساجد کشور است. حال آنکه، سازمان‌های فرهنگی مرتبط با نماز و مسجد، باید از مسائل، نیازها، انتظارات و توقعات تهاد مساجد و نیز اقامه‌کنندگان نماز آگاه باشند، با سازوکارهای هشداردهنده، مشکلات را سریعاً رصد کنند و در مقابل آن‌ها واکنش مناسب و سازنده نشان دهند.

پیشنهاد نگارنده به متصدیان عرصه فرهنگ و مسجد، راه‌اندازی «سامانه آماری ملی فرهنگ» در سطح کلان کشور است. این مرکز در واقع پشتیبان اطلاعاتی سازمان‌های فرهنگی و از جمله نهادهای متولی مسجد و نماز خواهد بود. «ارائه این آمارها، نوعی بازخور محسوب شده و امر برنامه‌ریزی و اطلاع از وضعیت محیطی را تسهیل خواهد کرد. البته تا زمان راه‌اندازی و قوت گرفتن چنین سازمانی، لازم است سازمان‌های مذکور، خود نسبت به رصد محیطی، نیازسنجی و همچنین

۱. محمدرضا حشمتی، به نقل از حجت‌الاسلام سلیمانی، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه اماکن مذهبی کشور، ص ۱۹۰.

۲. برزو فرهی بوزنجانی، چگونگی ساماندهی دستگاه‌های متولی نماز و مسجد، ص ۱۶۵.

تبادل اطلاعات فرهنگی و مسجدی با یکدیگر، اقدام نمایند.»<sup>۱</sup>

بر این اساس؛ این تحقیق در وهله اول برای نهادهایی که در موضوع مسجد مسئولیت دارند و مسئول ساماندهی به امور آن هستند، مفید و قابل استفاده خواهد بود. در واقع تحقیق حاضر به طور خاص با هدف به کارگیری توسط نهادهای مسئول در امور مساجد به نگارش درآمده است؛ در مرحله بعد نیز نهادهای دغدغه‌مند در امور تربیتی مرتبط با کودک و نوجوان، می‌توانند از بخش‌هایی از آن بهره‌مند شوند. نهادهای گسترده تربیتی از خانواده و آموزش و پرورش گرفته تا نهادهای تولید محتوا مانند بنیاد بازی‌های رایانه‌ای، اتحادیه اسباب‌بازی، شورای عالی فضای مجازی و رسانه ملی نیز از جمله نهادهایی هستند که هر یک به نوعی می‌توانند از نتایج و راهبردهای عملی این تحقیق بهره‌مند شوند.

در پایان قابل ذکر است که این تحقیق، بر حسب سؤالات اصلی و فرعی ذکر شده، از سه فصل تشکیل یافته است:

در فصل اول برای آشنایی خوانندگان با کلیات مباحث مربوط به کودک و نوجوان و مسجد، محتوای موردنظر در دو بخش مجزا ارائه می‌شود: در بخش اول و جهت آشنایی با نهاد مسجد به مباحثی چون واژه‌شناسی مسجد، جایگاه، اهمیت و نقش مساجد، ثمره و لزوم ارتباط با مسجد، کارکردهای مساجد و در بخش دوم که بخش مربوط به کودک و نوجوان است، به موضوعات مختلفی مانند تعریف نظری و عملیاتی کودک و نوجوان، اهمیت تربیت در دوران کودکی و نوجوانی، روان‌شناسی رشد اخلاقی در کودک و نوجوان، نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان، اهمیت آشنایی فرزندان با مسجد و آثار و فواید گرایش کودکان و نوجوانان به مسجد پرداخته می‌شود.

در فصل دوم به بررسی نقش و جایگاه عوامل محیطی تأثیرگذار در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان از بُعد تصویرآفرینی مثبت از مقوله نماز و مسجد و جذابیت‌بخشی به آن‌ها در منظومه نگرشی و ارزشی کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود؛ لذا عوامل محیطی عمده و هم‌عرض مسجد در امر آفرینش تصورات مثبت برای کودکان و

۱. حسین پرکان، ارتقای کیفیت خدمات و محصولات در دستگاه‌های فرهنگی، ص ۲۰۴-۲۰۵.

نوجوانان که برحسب استقرای نگارنده نه مورد هستند مورد بررسی قرار می‌گیرند و وضعیت نقش آفرینی آن‌ها در شکل مثبت یا منفی تبیین شده و نهایتاً راهکارهای لازم در جهت ارتقای بهره‌گیری از فرصت‌ها و شناخت نقاط قوت و نیز تقلیل تهدیدها و نقاط ضعف، ارائه می‌شود. این نه مورد عبارت‌اند از: نهاد خانواده، نهاد مدرسه و نظام آموزش و پرورش، مهدهای کودک، اسباب‌بازی، نوشت‌افزار، رسانه ملی به‌ویژه برنامه‌های مربوط به کودک و نوجوان، بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی و شبکه‌های ماهواره‌ای.

فصل سوم به موضوع وضعیت ارتباط فیزیکی کودک و نوجوان امروز (نه هر زمانی) با مسجد می‌پردازد. در واقع نوعی رابطه علی و معلولی بین مطالب مطرح‌شده این فصل و فصل دوم وجود دارد و نتیجه عملکرد عوامل محیطی مورد بحث در فصل دوم را می‌توان در میزان ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، در این فصل مشاهده نمود؛ زیرا نقش آفرینی خنثای عوامل مطرح‌شده در فصل دوم و عدم تصویر آفرینی مثبت آن‌ها از نماز و مسجد و نمادهای دینی و نیز احیاناً ارزش آفرینی منفی در این زمینه، عملاً سبب ضعف ارتباط فیزیکی کودک و نوجوان با مسجد خواهد شد؛ بنابراین در این فصل به وضعیت ارتباط عملی کودکان و نوجوانان با مسجد و عوامل مکملی که به صورت مستقیم (و نه غیرمستقیم مانند عوامل فصل دوم) در تقویت این ارتباط اثرگذار هستند پرداخته می‌شود؛ در این فصل و در وهله اول، عناصر کلیدی نهاد مسجد و عوامل درونی آن که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری این ارتباط دارند، مورد بررسی قرار می‌گیرند این عوامل عبارت‌اند از: وجود مسجد با امکانات سخت‌افزاری مورد نیاز کودکان و نوجوانان با دسترسی آسان به آنها، امام جماعت، خادم مسجد، نمازگزاران، کانون فرهنگی مسجد، هیئت‌امانای مسجد و مدیریت کلان و منسجم مساجد کل کشور. در گام بعدی نیز به عوامل خارج از مسجد اشاره می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای در برقراری ارتباط کودک و نوجوان با مسجد دارند و باید داشته باشند. این عوامل نیز عبارت‌اند از: خانواده (خصوصاً والدین) و مدرسه.

در این فصل نیز مانند فصل دوم، پس از بررسی وضع موجود عملکرد هر یک از

عوامل از نظر میزان نقش آفرینی آن‌ها در برقراری ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد، به راهکارهای تقویت‌کننده عملکرد مثبت آن‌ها در افزایش ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد پرداخته می‌شود.

امید آنکه، این تحقیق علمی و مستند بتواند گامی ولو مختصر در جهت تبیین هر چه بهتر وضعیت ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان با مسجد و آموزه‌های مسجدی بردارد و نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای کار را در حد توان خود برای دست‌اندرکاران و محققان این حوزه نمایان سازد.

کودکان و نوجوانان بخش قابل توجهی از جمعیت هر جامعه را تشکیل می‌دهند و از آنجاکه آینده‌سازان جامعه هستند، اهمیت خاصی دارند؛ لذا فضای آموزشی و نظام تربیتی که سبب جهت‌دهی به باورها و نگرش‌ها، ارزش‌ها و ذائقه‌ها، رفتارها و الگوگزینی‌های آنان می‌شود، برای خانواده‌های متعهد و نیز برای نظام‌های حکومتی دنیا اهمیت فراوانی دارد.

با تغییرات پیش‌آمده در جهان کنونی و مناسبات ارتباطی آن، نحوه ارتباط کودک و نوجوان با مسجد کاملاً متحول شده و تحت تأثیر قرار گرفته است. اگر تا دیروز کانال‌های تربیتی کودکان و نوجوانان در جامعه ایرانی منحصر به مسجد، خانواده، مکتب‌خانه و نهاد مدرسه بود، امروز با بروز و ظهور عوامل محیطی دیگر و ابزارها و نهادهای آموزشی جدید، این پازل کاملاً تغییر شکل داده و نحوه تأثیرگذاری‌ها و تأثیر گرفتن‌ها با گذشته متفاوت شده است.

در فضای فرهنگی موجود که عوامل تربیتی زیادی وارد حوزه تربیتی کودک و نوجوان شده‌اند و نوعاً فرهنگی معارض با فرهنگ مسجد و فضای معنوی به کودکان و نوجوانان عرضه می‌کنند و نیز سبک زندگی جدید که جایگاه ارتباط‌دهندگی والدین و فرزندان‌شان را با مسجد تنزل داده و متزلزل نموده است، این ضرورت را مبرهن می‌سازد که موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد و جذب وی به این نهاد برای استفاده از فرهنگ و سبک زندگی مسجدی، نیازمند تحقیق‌های جدید با رویکرد کاملاً علمی و دقیق است که انتظار می‌رود این تحقیق، گامی مؤثر هرچند بسیار اندک در این زمینه بردارد و مقدمه‌ای بر انگیزه‌بخشی در جهت انجام تحقیق‌های جدی‌تر بعدی در این حوزه باشد.



# فصل اول:

کلیات



## بخش اول: آشنایی بانهاد مسجد

### ۱. واژه‌شناسی مسجد

واژه مسجد در لغت، اسم مکان از ریشهٔ سجد یسجد به معنای جایگاه سجده و محل عبادت است و هر چند در تعریف لغوی مسجد در معجم‌ها و فرهنگ‌های لغت تعابیر گوناگون وجود دارد، ولی تمامی آن‌ها به مفهوم گفته شده بازمی‌گردد؛ چنانکه زجاج در تعریف مسجد می‌گوید: کل موضع يتعبد فيه فهو مسجد؛ هر جایی که در آن عبادت شود، «مسجد» است<sup>۱</sup> و در مفردات راغب اصفهانی آمده است: المسجد موضع الصلاة اعتباراً بالسجود؛ «مسجد» به معنی محل نماز خواندن است، به اعتبار وجود مفهوم «سجده کردن» که در نماز اتفاق می‌افتد.<sup>۲</sup> به این ترتیب، مسجد که در زبان عربی اسم مکان مشتق از ریشه ثلاثی مجرد سجد است، در زبان فارسی به معنای جایگاه نماز و محل عبادت به کار رفته است. در اینکه چرا کلمه مسجد برای مکان عبادت و محل نماز استعمال شده است،

۱. محمد مرتضی الزبیدی، تاج العروس (من اهر القاموس)، ج ۲، ص ۳۷۱.

۲. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۱.

گفته‌اند: از آنجا که سجود، شریف‌ترین و مهم‌ترین ارکان نماز است، در آن بیش از دیگر افعال نماز، انسان به خداوند نزدیک می‌شود؛ لذا اسم مکان را از این فعل اتخاذ و بر محل عبادت و نماز اطلاق کرده‌اند.<sup>۱</sup>

در اصطلاح عرفی نیز مسجد عبادتگاه خاص مسلمانان است؛ ولی در قرآن کریم بر معابد اهل کتاب نیز اطلاق شده است: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا؛ آنان که به‌واقع احوال اصحاب کهف اطلاع یافتند، گفتند: به یادگار آنان برایشان مسجدی می‌سازیم»<sup>۲</sup> و «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا؛ پاک و منزّه است خدایی که شبی بنده خود، محمد ﷺ را از مسجد حرام به مسجد اقصی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساخت، سیر داد تا آیاتمان را به او بنمایانیم»<sup>۳</sup>

در اصطلاح شرعی، مسجد به مکان معینی برای نماز نیز اطلاق شده، چنانکه در متون فقهی در این باب آمده است: «المراد بالمسجد المكان الموقوف علی کافه المسلمین للصلاه؛ منظور از مسجد، مکانی است که برای نماز خواندن هر مسلمانی در آن اختصاص یافته است»<sup>۴</sup>

۱. محمد بن عبدالله زرکشی، اعلام المساجد باحکام المساجد، ص ۲۸.

۲. کهف: ۲۱.

۳. اسراء: ۱.

۴. محمدحسن النجفی، جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۶۱.

مساجد در واقع خانه‌های خداوند بر روی زمین هستند که ملجأ و پناهگاه مردمند خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ همانا مساجد (سجده‌گاه‌ها) از آن خداست، پس هیچ‌کس را غیر از خدا بخوانید»<sup>۱</sup>.

واژه مسجد، جمعاً ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد<sup>۲</sup> و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع آمده است.<sup>۳</sup> در این آیات، به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد و مسجدا الحرام و احکام خاص آن، مسجدا لاقصى و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است؛ مانند: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اٰمَنًا وَ اتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّی وَّ عٰهَدْنَا اِلٰی اِبْرٰهٖمَ وَ اِسْمٰعِیْلَ اَنْ طَهِّرَا بَيْتِیْ لِلطَّائِفِیْنَ وَ الْعٰكِفِیْنَ وَ الرُّكْعِ السُّجُوْدِ؛ و چون این خانه را محل اجتماع مردم و جای امنی کردیم [و فرمودیم]: از مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود برگزید؛ و به ابراهیم و اسماعیل سپردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و راکعان و ساجدان پاکیزه دارید»<sup>۴</sup>.

البته، آیه‌های دیگری نیز در قرآن درباره مسجد و اهمیت آن آمده است که هر چند لفظ مسجد در آن‌ها نیامده است، ولی بنا بر مفهوم این آیات و گفته تمامی مفسران، می‌توان این آیات را در مورد مساجد نیز ذکر کرد؛ مانند «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَ هُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ به یقین نخستین خانه‌ای که برای (عبادت) مردم نهاده شده همان است که در بکه (مکه مکرمه) است که پر خیر و برکت و وسیله هدایت برای جهانیان است»<sup>۵</sup>.

۱. جن: ۱۸.

۲. بقره: ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۹۱، ۱۹۶، ۲۱۷، مائده: ۲، اعراف: ۲۹ و ۳۱، انفال: ۳۴، توبه: ۷، اسراء: ۱، کهف: ۲۱، عنکبوت: ۷، فتح: ۲۵ و حج: ۲۵.

۳. بقره: ۱۴ و ۱۸۷، توبه: ۱۷ و ۱۸، حج: ۴۰، جن: ۱۸.

۴. بقره: ۱۲۵.

۵. آل عمران: ۹۶.

در روایات زیادی به موضوع مسجد و فضیلت و آثار آن اشاره شده است که از باب «ما لایدرک کله لا یتدرک جله» به دو مورد از آن‌ها اشاره می‌شود:

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «فِی التَّوْرَةِ مَكْتُوبٌ أَنَّ بُیُوتِی فِی الْأَرْضِ الْمَسْجِدِ، فَطُوبَى لِعَبْدٍ تَطَهَّرَ فِی بَیْتِهِ ثُمَّ زَارَنِی فِی بَیْتِی، أَلَا إِنَّ عَلَی الْمَزُورِ كِرَامَةَ الزَّائِرِ، أَلَا بَشَرَ الْمَشَائِنِ فِی الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسَاجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ یَوْمَ الْقِیَامَةِ؛ در تورات نوشته شده است که: خانه‌های من در زمین مسجدهايند. پس خوشا بنده‌ای که در خانه‌اش خود را پاکیزه کند و سپس در خانه من، به دیدارم بیاید. بدانید! بر میزبان است که میهمان را گرمی دارد. هان! آنان را که در تاریکی‌های شب به مساجد می‌روند، بشارت بادا به نور درخشان در روز رستاخیز.»<sup>۱</sup>

و امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِاتِّیَانِ الْمَسَاجِدِ؛ فَإِنَّهَا بُیُوتُ اللَّهِ فِی الْأَرْضِ وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَ كَتَبَ مِنْ زُورِهِ فَأَكْثَرُوا فِیهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاءِ. بر شما باد رفتن [به] مساجد؛ زیرا مساجد خانه‌های خدا در روی زمین‌اند. هر که پاک و پاکیزه وارد آن‌ها شود، خداوند او را از گناهانش پاک گرداند و در زمره زائران خود قلمدادش کند. پس در مساجد نماز و دعا بسیار بگزارید.»<sup>۲</sup>

۱. محمد بن علی ابن بابویه، ثواب الاعمال، ص ۲۷.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۸۰.

از احکام و تاریخچه مسجد این گونه پیداست که مقدس ترین و بااهمیت ترین مکان روی زمین، مسجد است و برحسب اتفاق همه اماکن مقدس نظیر مکه، مدینه، بیت المقدس و کوفه نیز به اعتبار مسجد مقدس شده اند؛ و در حدوث و بقای انقلاب اسلامی به ویژه در مقطع دفاع مقدس، مسجد خدمات قابل توجهی داشته است و جایگاه و نقش آن در صورت توجه کافی در مرحله حساس مقابله با هجوم فرهنگی دشمن می تواند کارساز باشد.<sup>۱</sup>

درواقع از همان ابتدا و در صدر اسلام، از همان روزهای آغاز نهضت اسلامی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیاری از امور با مساجد مرتبط بودند؛ امور داوری، قضاوت، حل و فصل دعاوی، مسائل مهم و اساسی اجتماعی، مشورت و طرح جنگ، پذیرش وفود، اعزام نماینده به نقاط دیگر، اجتماعات عمومی، پرستاری بیماران و مجروحان و اعلام وظایف حکومتی در مسجد صورت می گرفت. به هر کجا که اسلام گام می نهاد، چه مسلمانان آن را فتح می کردند یا می ساختند، به زودی و بی درنگ مسجدی ساخته می شد.<sup>۲</sup>

این میراث عظیم در طول سال ها دچار فراز و فرودهای فراوانی شده است و حال در دوره استقرار حکومت اسلامی انتظار می رود که الگوهای عبادی، آموزشی و تربیتی نهاد مسجد که در طول تاریخ فرهنگ و تمدن پرافتخار اسلامی به وجود آمده، احیا شود و نواقص و معضلات مرتبط نیز حل گردد تا جایگاه مطلوب خود را به دست آورد.

۱. محمد رضا حشمتی، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه اماکن مذهبی کشور، ص ۱۹۰.

۲. ر.ک: محمد بن احمد ابن جبیر، مساجد الاسلامیه.

## ۵. ثمره و لزوم ارتباط کودک و نوجوان با مسجد

از آنجاکه موضوع این تحقیق و هدف نهایی آن برقراری ارتباط نسل کودک و نوجوان با مسجد و آمدن آن‌ها به این مکان مقدس است، مناسب خواهد بود اگر به روایاتی که در این خصوص وجود دارد و از وجوه مختلف به آثار، ثمرات و فضیلت آمدن به مسجد و برقراری ارتباط با این کانون معنویت پرداخته‌اند، اشاره شود. این امر در واقع ضرورت توجه به مقوله ارتباط‌گیری با مسجد را از منظر روایات، تبیین می‌سازد. بر این اساس به‌طور مختصر روایاتی چند در این خصوص بیان می‌شود:

### الف: فضیلت رفت و آمد به مسجد

در حدیثی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي أَلَا إِنَّ عَلَى الْمَرْوِرِ كَرَامَةَ الزَّائِرِ أَلَا بَشِّرِ الْمَشَاءِينَ فِي الظُّلُمَاتِ إِلَى الْمَسْجِدِ بِالنُّورِ السَّاطِعِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌اش وضو گیرد، سپس مرا در خانه‌ام زیارت کند که در این صورت اکرام و گرمی داشت زیارت‌کننده بر زیارت‌شونده لازم است. همان کسانی را که در تاریکی‌ها به سوی مساجد گام برمی‌دارند به نوری درخشان در روز قیامت بشارت باد»<sup>۱</sup>.

و امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «يَا فَضْلُ لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَ مِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيبُهَا؛ به مسجد نمی‌آید از هر قبیله‌ای مگر پیش‌گیرندگانش و از هر خانه‌ای مگر نجیبانش»<sup>۲</sup>.

آن حضرت در حدیثی دیگر می‌فرماید: «مَنْ مَشَى إِلَى الْمَسْجِدِ، لَمْ يَضَعْ رِجْلَهُ عَلَى رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ الْأَرْضُ إِلَى الْأَرْضِينَ السَّابِعَةَ؛ هر که به سوی مسجد برود، پایش را بر هیچ تر و خشکی نگذارد مگر اینکه زمین تا طبقات هفت گانه آن برای او تسبیح بگویند»<sup>۳</sup>.

### ب: ثمره آمدن به مساجد

پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ: إِمَّا

۱. محمد بن علی ابن بابویه، همان، ص ۲۸.  
۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۵، ص ۱۹۳.  
۳. محمد بن علی ابن بابویه، همان، ص ۲۷.



دُعَاءِ يَدْعُو بِهِ يَدْخُلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَإِمَّا دُعَاءٍ يَدْعُو بِهِ لِيَصْرِفَ اللَّهُ بِهِ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا وَإِمَّا أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عِزًّا وَجَلًّا؛ شَخْصٍ مَسْجِدْرُو، دَسْتِ كَمِ يَكِي اَز اَيْنِ سَه چيزِ نَصيبِشِ مِي شُود: يَا دُعَائِي كِه بَه دَر گَاهِ خُدَا مِي كُند وَ خُدَاوندِ بَا آنِ اَوْ رَا بَه بَهشتِ مِي بَرَد، يَا دُعَائِي كِه بَه سَببِ آنِ خُدَاوندِ بِلَايِ دُنْيَا رَا اَز اَوْ بَر مِي گَر دَانَد وَ يَا بَرادَرِي كِه بَه خَاطِرِ خُدَاوندِ عِزِّ وَ جَلِّ بَه دَسْتِ مِي آوَرَد اَوْ نَه بَر اَسَاسِ اَنگيزِه هَايِ دُنْيَوِي وَ مَادِي].<sup>۱</sup>

همچنين در كلام بارزش ديگري از آن حضرت است: «بَشِّرِ الْمَشَائِينَ اِلَى الْمَسَاجِدِ فِي ظُلْمِ اللَّيْلِ بُنُورِ سَاطِعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ؛ بَشَارَتِ بَادِ كَسَانِي رَا كِه دَر شَب هَايِ تَارِيكِ آهَنگِ رَفْتَنِ بَه مَسَاجِدِ كُنند كِه اَيْنانِ دَر رُوزِ قِيَامَتِ اَز نُورِي دَر خَشَانِ بَر خُور دَارِ خُواهندِ بُوَد.»<sup>۲</sup>

و از ايشان روايت شده است: «مَنْ مَشَى اِلى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَايَا حَتَّى يَرْجِعَ اِلى مَنْزِلِهِ، عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ؛ هَر كَسِ رَاهِي رَا بَه سَوِي مَسْجِدِي اَز مَسَاجِدِ خُدَاوندِ مَتَعَالِ دَر پيشِ گَرَفْتِ، دَر بَرابَرِ هَر گَامِي كِه اَز هَنگَامِ رَفْتَنِ بَر مِي دَارَد تا زَمَانِي كِه بَه مَنزَلِشِ بَا ز گَر دَد، بَرايِ اَوْ پاداشِ دِه كَارِ نِيكِ نُوشتِه شُود وَ دِه گَناهِ اَز اَوْ مَحُو گَر دَد وَ دِه دَر جِه رَفَعْتِ يَابَد.»<sup>۳</sup>

نيز از اميرالمؤمنين علي (عليه السلام) است: «الْجَلْسَةُ فِي الْمَسْجِدِ خَيْرٌ لِي مِنَ الْجَلْسَةِ فِي الْجَنَّةِ فَإِنَّ الْجَنَّةَ فِيهَا رِضًا نَفْسِي وَ الْجَامِعَ فِيهِ رِضًا رَبِّي؛ نَشِستَنِ دَر مَسْجِدِ بَرايِ مَن بَهتَرِ اَز نَشِستَنِ دَر بَهشتِ اَسْت؛ زِي رَا دَر بَهشتِ خُودِ رَا خَشَنُودِ مِي سَا زَمِ وَ دَر مَسْجِدِ پَرُور دِگَارَمِ رَا.»<sup>۴</sup>

ايشان در روايتي ديگر مي فرمايد: مَنِ اخْتَلَفَ اِلى الْمَسْجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِي: اَخَا مُسْتَفَادَا فِي اللَّهِ، اَوْ اِعْلَمَا مُسْتَطَرَفَا، اَوْ اَيَّةَ مُحْكَمَةٍ، اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، اَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدِي، اَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَي هُدِي، اَوْ يَتْرُكُ ذَنْبًا خَشِيَةً اَوْ حَيَاءً؛ هَر

۱. محمد بن حسن حر عاملي، همان، ج ۵، ص ۱۹۳-۱۹۴.

۲. محمد بن علي ابن بابويه، همان، ص ۲۸.

۳. همان، ص ۲۹۱.

۴. محمد بن حسن حر عاملي، همان، ج ۵، ص ۱۹۹.

که به مسجد آمدوشد کند به یکی از این هشت چیز دست یابد: یافتن برادری به خاطر خدا، یا دانشی جدید، یا آیتی محکم، یا رحمتی که آن را چشم‌به‌راه بود، یا سخنی که او را از هلاکت برهاند، یا شنیدن جمله‌ای که او را به هدایت رهنمون شود، یا آن که گناهی را از ترس و یا شرم ترک گوید.<sup>۱</sup>

۱. همان، ص ۱۹۷.

## ۶. جایگاه کارکردی مساجد در نظر بنیان‌گذار کبیر انقلاب

چنانکه در بحث کارکردها به تفصیل اشاره خواهد شد، مسجد صرفاً برای عبادت و پرستش نیست؛ هرچند فلسفه وجودی مسجد برای این امر است، ولی با اندکی تفکر و دوراندیشی مشخص می‌شود که اگر صرفاً به این کار پرداخته شود، بسیاری از امورات نظام اسلامی بر زمین مانده و نهایتاً، علاوه بر آموزه‌های متعالی دینی، اصل نظام دینی و به تبع آن، نهادهای دینی همچون مسجد در خطر نابودی و زوال قرار خواهند گرفت. لذا مسجد در واقع سنگر و پایگاهی آماده برای لشکر و نظام اسلام است که در هر زمان و مکانی بر حسب اقتضائات مخصوص آن، از ظرفیت مادی و معنوی مسجد بهره گرفته شده و استمداد می‌شود؛ بنابراین اگرچه مسجد برای عبادت و پرستش بنا شده و می‌شود، ولی این نهاد همواره با تمام هستی خود از هرگونه اقدام و کارکردی که در راستای تقویت بُعد عبودیت و بندگی انسان‌ها و مقابله با جبهه طاغوت و بندگی نفس و شیطان باشد حمایت می‌کند و امکانات خود را برای استفاده و کارکرد این چنینی بسیج می‌نماید؛ و بر اساس همین رویکرد استفاده از مساجد بود که خداوند بر ملت بزرگ ایران منت نهاد و تلاش‌های آن‌ها را در استقرار نظام اسلامی در این برهه زمانی و جغرافیایی حساس به رهبری امام خمینی (ره) و از طریق بهره‌گیری از سنگرهای اسلام یعنی مساجد به ثمر نشاند، لذا در این قسمت به تبیین جایگاه واقعی مسجد (از حیث بهره‌گیری از آن) از منظر رهبر کبیر انقلاب - امام خمینی (ره) - پرداخته می‌شود تا واضح شود که سخن از توجه به ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد و لزوم بسیج امکانات مسجد در جهت جذب هر چه بیشتر این قشر مهم از جامعه، حرف ناصوابی نیست:

### الف: مساجد، حافظ کبان اسلام:

حضرت امام (قدس سره) در اهمیت مساجد در صدر اسلام می‌فرماید: در صدر اسلام هر وقت مسلمین می‌خواستند به جنگ عزیمت کنند از مساجد تجهیز می‌شدند و هر وقت که کار مهمی داشتند، در مساجد آن را مطرح می‌ساختند و

درباره مسائل سیاسی به بحث و گفت‌وگو می‌نشستند.<sup>۱</sup> مسجد مسلمین در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان خلفایی که بودند... مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، این‌ها همه در مسجد درست می‌شده است. شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است، در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر (علیه السلام) ... ما یک چنین سلطانی دیده‌ایم که چراغ را خاموش می‌کند که آن چراغ به قدر دو دقیقه که با این شخص می‌خواهد صحبت عادی بکند، صحبت رفاقتی مثلاً بکند، این دیگر روشن نباشد؛ خودش هم دستگاه و بارگاهش این مسجد است؛ توی این مسجد می‌آید می‌نشیند، همه می‌آیند حرف‌هایشان را به او می‌زنند؛ از مسجد هم لشکر درست می‌کند و می‌فرستد به این طرف و آن طرف.<sup>۲</sup> لذا از جمله ترفندهای استعمار برای محو اسلام، از رونق انداختن مساجد بوده است که این حیل در رژیم‌های گذشته تا حد زیادی مؤثر افتاد و برخی دولت‌های حاکم از این ترفند خائانه استقبال کردند. بر همین اساس یکی از موضوعاتی که حضرت امام به کرات به آن اشاره کرده‌اند، همین وضع اسفبار مساجد در رژیم‌های گذشته بوده است: اسلام منزوی در مساجد بود؛ با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند؛ در چهار دیوار مساجد، مساجد بی‌تحرک. این مسجدالحرام و مساجد در زمان رسول اکرم ﷺ مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. این‌طور نبوده است که در مسجد پیغمبر ﷺ همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده. هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را بسیج کنند و مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را... مع‌الأسف در دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی بعد از یک مدتی تا زمان ما، مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می‌شد؛ محکوم کردن اسلام به این نیست که کسی بگوید من اسلام را محکوم می‌کنم. محکوم کردن اسلام به این است که از چیزی که اسلام می‌خواهد در مسجد، زیر پا

۱. امام خمینی صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۴، بیانات امام در جمع ائمه جمعه مراکز استان‌های سراسر کشور، ۱۳۶۱/۷/۲۲.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۴، بیانات امام در مورد وظایف و مسئولیت‌های رؤسا و سلاطین دول اسلامی و علمای اسلام.

۳. همان، ج ۲، ص ۲۳۵، بیانات امام در مورد ابعاد سیاسی عبادی احکام اسلام و کیفیت حکومت اسلامی، ۱۳۵۸/۸/۶.

گذاشته شود.<sup>۱</sup>

از آن وقتی که غرب به اینجا راه پیدا کرده و مطالعات در حال مردم مشرق عموماً کرده‌اند و رسیدگی به اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مردم شرق آن‌ها کرده‌اند. همه این‌ها را مطالعه کردند و به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد؛ یعنی آن نتیجه‌ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود خنثی کنند، چه بکنند، مأمورشان که رضاخان آمد و شاید (اگر) شما یادتان نباشد که چه کرد. تمام منابر تعطیل شد، تمام مساجد نیمه تعطیل، تمام مجالس روضه‌خوانی همه از بین رفت.<sup>۲</sup>

### ب: مساجد، سنگر انقلاب اسلامی:

امام خمینی (رحمه الله علیه) در سال ۴۷ در نامه‌ای خطاب به شهید حجت‌الاسلام سعیدی می‌فرماید: در هر صورت سنگرها را حتی الامکان نباید از دست داد.<sup>۳</sup> ایشان در پیامی خطاب به ملت ایران ابراز داشتند: مساجد و محافل دینی را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگاه‌دارید.<sup>۴</sup> همچنین در جمع روحانیون تهران فرمودند: این مسجدها را سنگر قرار بدهید برای اسلام. در صدر اسلام از این مسجدها همه چیز بیرون می‌رفت. مسجد محل قضاوت بود. مسجد چه بود، مسجد محل بسیج بود، بسیج سپاه بود؛ این مسجدها را شما باید محکم نگاه‌دارید و این مساجد سنگرهای اسلام است. محراب، محل حرب است؛ این‌ها سنگرند. برای اسلام حفظ کنید این‌ها را.<sup>۵</sup> و در جمع طبقات دیگر مردم فرمودند: این‌ها از مسجد بد دیدند خصوصاً در این دو سه سال اخیر؛ در این دو سه سال اخیر مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد؛ این‌ها می‌خواهند این سنگر را

۱. همان، ج ۱۸، صص ۶۷-۶۸، بیانات امام در دیدار با نماینده امام و سرپرست حجاج ایرانی و روحانیون کاروان‌های حج، ۱۳۶۲/۵/۲۶.

۲. همان، ج ۷، ص ۱۲۷، بیانات امام در دیدار با جامعه و عاقل تهران، ۱۳۵۸/۳/۲۶.

۳. همان، ج ۱، ص ۱۴۸، نامه امام خطاب به حجت‌الاسلام شهید سعیدی.

۴. همان، ج ۱، ص ۱۹۰، پیام امام به ملت ایران، ۱۳۵۱/۶/۲۰.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۵۸، بیانات امام در جمع روحانیون تهران، ۱۳۶۰/۴/۱۰.

بگیرند.<sup>۱</sup>

حضرت امام (قدس سره) همین سفارش را به دانشجویان کرده‌اند: این‌ها از مسجد می‌ترسند... شما دانشگاهی‌ها، شما دانشجویان، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید. سنگر هست اینجا، سنگرها را باید پر کرد.<sup>۲</sup>

### ج: مساجد محل تربیت:

این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد و مساجد بحمدالله اکثراً این‌طوری است. اشخاصی که در مسجد می‌روند، باید تربیت بشوند، تربیت‌های اسلامی. مساجد را خالی نگذارید؛ آن‌هایی که می‌خواهند نقشه بکشند و شما را دور کنند از مساجد، دور کنند از مراکز تعلیم و تربیت، آن‌ها دشمن‌های شما هستند... باید در ماه مبارک رمضان تربیت و تعلیم به تمام معنا در همه بعدها پیش در مساجد باشد، در محافل دیگر باشد؛ مساجد را خالی نگذارید... انقلاب از مساجد پیدا می‌شود؛ از این مساجد این‌طور امور تحقق پیدا می‌کند. هم دانشگاه‌ها را حفظ کنید، هم مساجد را حفظ کنید، منافات با هم ندارند... دانشگاهی باشید، مسجد هم بروید، مساجد را هم تعمیر کنید، مساجد را هم آباد کنید از رفتن خودتان.<sup>۳</sup>

### د: لزوم حفظ مساجد:

مسجد محلی است که از مسجد باید امور اداره بشود، این مساجد بود که این پیروزی را با رأی ملت ما درست کرد؛ این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند؛ این‌طور نباشند که خیال کنند که حال دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه بکنیم؛ پیروزی ما برای اداره مسجد است، مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است؛ بسط فقه اسلامی است و آن مساجد است. این‌ها را خالی نگذارید. این یک توطئه است که می‌خواهند مسجدها را کم‌کم خالی کنند... اینکه می‌آیند مسجدها را می‌خواهند خلوت کنند و بیچاره جوان‌ها و متدینین ما هم اشتهاً به خطا می‌روند، این است که مسجدها کم‌کم

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۷، بیانات امام در جمع اقشار مختلف مردم قم، ۱۳۵۹/۸/۲۷.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۷۷، بیانات امام در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات و معارف اسلامی، ۱۳۵۹/۳/۱۴.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۲۱۷-۲۱۸، بیانات امام در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور و استانداری‌ها و رؤسای آموزش و پرورش سراسر کشور، ۱۳۵۹/۱۰/۱.

امسال یک قدری ماه رمضان کمتر باشد، سال دیگر یک خرده کمتر، بعد از ده سال، پانزده سال دیگر چه بشود. آن‌ها عجله ندارند، به تدریج هر چه شد؛ شما باید هوشیار باشید که مسجدهایتان و محراب‌هایتان و منبری‌هایتان را حفظ کنید و بیشتر از سوابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید که هم قدرت‌ها را در هم شکست... نباید سستی کنید... مسجدها را محکم نگه‌دارید و پرجمعیت کنید. من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او وابسته است.<sup>۱</sup>

۱. همان، ج ۱۲، ص ۲۳۰-۲۳۴، ۱۳۵۹/۴/۲۰.

## ۷. جایگاه مسجد در نقشه مهندسی فرهنگی کشور

موضوع مسجد و تقویت جایگاه آن و نیز ارتقای سطح ارتباط مردم با این نهاد مقدس در نقشه مهندسی فرهنگی مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز مورد توجه واقع شده است طوری که در جاهای مختلف و به تناسب از لزوم توجه به آن و به اشکال مختلف سخن به میان آمده است.

عمده محورهای نقشه مهندسی فرهنگی که به شکل مستقیم بدین موضوع پرداخته و باید‌ها و نبایدها را مشخص نموده، به شرح ذیل است:

- [حفظ و تقویت عناصر] هویت اسلامی، ایرانی و انقلابی [که عبارت‌اند از]: انتظار منجی، قرآن و عترت، نماز و مسجد، ولایت فقیه، فرهنگ بسیجی، ایثار و جهاد و شهادت، زبان، ادبیات و خط فارسی.

- برنامه‌ریزی برای زمینه‌سازی و نهادینه کردن انس با نماز جماعت و مسجد و احیای کارکردهای فرهنگی-اجتماعی آن متناسب با نیازهای زمان و مخاطبان.

- بهره‌گیری از تعامل سازنده خانواده، مدرسه و مسجد در تحکیم خانواده.

- نهادینه‌سازی ارتباط و تعامل مؤثر خانواده، مسجد، مدرسه، محله با پلیس و بسیج در مقوله نظم و امنیت اجتماعی.

- طراحی و استقرار نظام تعامل و همکاری خانواده، مسجد، مدرسه، بسیج و پلیس برای ایجاد نظم و امنیت اجتماعی و محله سالم.

- تدوین و اجرای سند ملی توسعه، گسترش و تقویت نهاد مسجد و سامان بخشی و راهبری آن در سطح ملی و بین‌المللی.

- حفظ و تقویت محوریت مساجد در فعالیت‌های نظام فرهنگی، تربیتی، آموزشی و تبلیغ دینی و ارتقای جایگاه و نقش راهبری نهاد مسجد در نظام‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و در حل مسائل عمومی.

- تدوین و اجرای برنامه ملی توسعه اقامه نماز جماعت در مساجد و نمازخانه‌ها و بهره‌گیری هم‌افزا از ظرفیت‌های آموزشی، پژوهشی، تبلیغی، رسانه‌ای و هنری در جهت تبیین و ترویج احکام، اسرار و آثار فردی و اجتماعی نماز بر طهارت ظاهری و باطنی و آرامش روحی و روانی



برای همه اقشار جامعه.

- فرهنگ سازی برای پیشگیری از ناهنجاری ها و تعارضات درون خانواده و حل آن ها با استفاده از حکمیت قرآنی، معتمدان فامیلی، محلی و مساجد و مراکز امداد و ارشاد خانواده و حمایت از خانواده های آسیب دیده یا در معرض آسیب.
- طراحی و اجرای برنامه انجام عبادات جمعی و تعامل محلی با محوریت مساجد و تقویت و گسترش ارتباطات خویشاوندی و حمایت از صلۀ ارحام.
- تهیه طرح جامع ایجاد و گسترش تعاون و مشارکت عمومی و مدیریت کلان تشکل های مردمی و شبکه های اجتماعی و ارتقای کارکردهای آن در سطوح محله، روستا، شهر، منطقه و کشور، مبتنی بر آموزه های اسلامی و انقلابی با تأکید بر محوریت مساجد.
- حمایت از ایجاد، توسعه و فعالیت مساجد، مراکز، مؤسسات و تشکل های بومی پیرو مکتب اهل بیت (علیهم السلام) با تأکید بر بهره گیری از ظرفیت های بومی.
- حمایت از گسترش و تقویت نهادهای اصیل دینی مروج فرهنگ اسلامی مانند بقاع متبرکه، مساجد، هیئت ها و وقف با استفاده از ظرفیت روحانیت و نهاد حوزه علمیه.
- بهبود شرایط مساجد موجود و گسترش مساجد متناسب با آمایش سرزمینی و محیطی در سطح شهرها، روستاها، راهها، شهرکها، مجتمع ها و سازمان ها و نهادهای دولتی، عمومی و خصوصی و فضاهای عمومی.
- ارتقای مشارکت مردم در آبادانی و اداره مساجد و افزایش حضور و انس آحاد مردم و اقشار اجتماعی به ویژه نوجوانان و جوانان در آن برای عبادت و سلوک دینی.
- حمایت و پشتیبانی نظام مند دولت و نهادهای عمومی از مساجد، حسینیه ها، هیئت ها و پیگیری حل مشکلات آن ها با حفظ استقلال و اتکای محوری آن ها به مردم.<sup>۱</sup>

۱. نقشه مهندسی فرهنگی کشور، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال ۱۳۹۲ ش

## ۸. کارکردهای مساجد

در صدر اسلام مسجد نقش‌های گوناگونی داشته و از نقش و کارکرد مساجدی مثل مسجدالنبی، مسجد کوفه و مسجد سهله، می‌توان موارد متعدد زیر را استنتاج کرد:

۱. کانون عبادی، نماز، اعتکاف، عبادت، دعا و نیایش.
۲. پایگاه قضایی، رسیدگی به مسائل و دعوای حقوقی مردم؛ «دکه القضا».
۳. جایگاه امور حسبیه، رسیدگی به امور شهروندی و شهرداری و وظایف شورای شهر.
۴. کانون ارتباطات جمعی مردم، نماز جماعت، نمازهای عید فطر و قربان و اجتماعات مردمی در مناسبت‌های مذهبی، مرکز اطلاع‌رسانی به مسلمانان.
۵. محل رفع مشکلات فردی و اجتماعی و اداری، رسیدگی به امور محرومان و مردم گرفتار و دچار مشکل و فقر و محرومیت.
۶. پایگاه جهاد و مبارزه با دشمن.
۷. مرکز آموزش.
۸. پایگاه جهاد فکری، تعلیم و تربیت و فراگیری معارف اسلامی.
۹. پایگاه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی؛ از طریق مساجد، انقلاب اسلامی شکل گرفت؛ اطلاع‌رسانی انقلاب، در مساجد صورت می‌گرفت، بیانیه‌ها و نوارهای حضرت امام و سخنان علاقه‌مندان انقلاب در مسجد و از مسجد به مردم منتقل می‌شد. هسته مرکزی راهپیمایی‌هایی که به نفع نظام و انقلاب برپاشده مسجد بوده است. امروزه هم مساجد همین نقش را ایفا می‌کنند.

## بخش دوم: آشنایی با کودک و نوجوان

### ۱. تعریف نظری کودک و نوجوان

برای تعیین گروه سنی مشخص کودک و نوجوان، اتفاق نظر چندانی وجود ندارد و گفته‌ها و نوشته‌ها برحسب مبانی مختلف، متفاوت‌اند. از نظر فقه اسلام کودک - که معادل آن لفظ صغیر در متون به کار برده می‌شود - از محجورین است و به محض رسیدن به سن بلوغ، حجر از او زایل می‌گردد؛ لذا در فقه اسلامی ابتدای دوره بلوغ، پایان دوره کودکی است؛ یعنی بلوغ مرز بین کودکی و نوجوانی را مشخص می‌کند. به تعبیری سن کودکی از ولادت تا بلوغ است و منظور از کودک کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. همچنین کودک یا صغیر در اصطلاح حقوقی به کسی گفته می‌شود که از نظر سن به نمو جسمی و روحی لازم برای زندگی اجتماعی نرسیده باشد. چنانکه قانون مجازات اسلامی (که از صغیر، رفع مسئولیت کیفری شده) در ماده ۴۹ صغیر را کسی می‌داند که به سن بلوغ شرعی نرسیده باشد. یکی از محققان می‌نویسد: معمولاً از آغاز تولد

تا حدود ۱۲-۱۳ سالگی را که پایان دوره دبستان است، دوران کودکی می‌نامند.<sup>۱</sup> از نظر کنوانسیون حقوق کودک نیز منظور از کودک افراد انسانی زیر سن ۱۸ سال است؛ مگر آن‌که قانون قابل‌اعمال در مورد کودک سن قانونی کمتری را تعیین کرده باشد.<sup>۲</sup>

یکی دیگر از محققان می‌گوید: به‌طور کلی لفظ کودک را (با توجه به معنای جامعه‌شناختی آن) به کسی می‌توان اطلاق کرد که وظیفه اجتماعی بر دوش ندارد؛ کودک تا زمانی کودک است که موظف نیست.<sup>۳</sup>

لیکن در خصوص دوره نوجوانی قابل‌ذکر است که پس از کودکی، سن نوجوانی شروع می‌شود. چنانکه برخی از محققان بر آن‌اند که سن ۱۱-۱۲ سالگی تا ۱۹-۲۰ سالگی دوره نوجوانی محسوب می‌شود. برخی دیگر گفته‌اند که سن نوجوانی به دوره سوم رشد معروف است و با بلوغ آغاز می‌شود. روانشناسان نیز این دوره را دوره هویت‌یابی، بلندپروازی و دوره تثبیت شخصیت می‌دانند. نوجوانی در شرایط، موقعیت‌ها و وضعیت‌های گوناگون با هم متفاوت است.<sup>۴</sup>

۱. سید محمد موسوی بجنوردی، پژوهشنامه متین، «بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مربوطه»، ص ۳۳-۳۵ و ۴۰-۴۳.

۲. ماده اول کنوانسیون حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۹۰ م مجمع عمومی سازمان ملل متحد.

۳. حمیدرضا شاه‌آبادی، مقدمه بر ادبیات کودک (بجئی در شناخت مفهوم دوران کودکی)، ص ۴۸.

۴. ر. ک: هیلگارد و همکاران، زمینه روانشناسی، ترجمه جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۱ ش؛ ماسن، کانجر و همکاران، روانشناسی رشد و شخصیت، ترجمه مهشید یاسایی، ۱۳۷۲ ش؛ دادستان، محمود، روانشناسی ژنتیک (پیاژه)، ۱۳۷۰ ش؛ گریدانوس و همکاران، مراقبت از نوجوانان، ترجمه صرافعی و مطهری، ۱۳۸۲ ش.

## ۲. تعریف عملیاتی کودک و نوجوان

این تحقیق در مقام بررسی و ارائه راهکار برای ارتباط هر یک از این دو دوره سنی با نهاد مسجد نیست و به صورت تخصصی وارد بحث نمی‌شود؛ حتی این دوره‌ها که خود شامل سنین مختلفی است و هر کدام از بازه‌های سنی، اقتضائات تربیتی خاص خود را دارد، موضوع بحث این پژوهش نیست بلکه آنچه در این مقام و در این تحقیق از «کودک و نوجوان» مدنظر است عبارت است از یک گروه سنی که وابستگی کامل به نهاد خانواده و والدین دارد و حضورش در مسجد مستلزم همراهی آنان است. همچنین به دلیل ویژگی‌های کودکان و شیطنتها و بازیگوشی‌هایی که دارند، حضورشان در مسجد با اما و اگرهایی همراه است؛ این قشر که بیشترشان نیز به سن تکلیف نرسیده‌اند، به دلیل اینکه افکار، اندیشه‌ها و سبک زندگی امروزشان، سازنده و شکل‌دهنده شخصیت آینده آن‌ها خواهد شد، ارتباطشان با نهاد مسجد، بسیار مهم و حائز اهمیت است لذا در این تحقیق مراد از کودک و نوجوان اجمالاً آن گروه سنی است که ویژگی‌های گفته‌شده را دارا باشد. این تحقیق در تعریف کودک و نوجوان به ویژگی‌های اختصاصی و متمایزکننده آن‌ها از هم نظر ندارد.

### ۳. اهمیت تربیت در دوران کودکی و نوجوانی

دوران کودکی در زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوران می‌توان یک زندگی سالم و سعادتمندانه را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است؛ بنابراین، اگر خانواده با اصول و روش‌های صحیح تربیت کودک آشنا باشد و آن‌ها را به کار بندد، بعداً با مشکلات کمتری روبرو خواهد شد. لذا آموزش خانواده‌ها و آشنا ساختن آن‌ها با روش‌های صحیح تربیتی به مقدار زیادی در تأمین سعادت فردی و اجتماعی افراد جامعه مؤثر است.<sup>۱</sup>

همچنین یکی از دوره‌های حساس که نقش بسیاری در سرنوشت افراد ایفا می‌کند، سنین پس از کودکی یعنی شروع نوجوانی است. نوجوانی و تغییراتی که در آن برای نوجوان رخ می‌دهد، یکی از مسائلی است که توجه والدین و مربیان آموزشی را به خود معطوف کرده است. این دوره که حفاصل کودکی و بزرگسالی است، بنا به تحولاتی که در جسم و روان نوجوان روی می‌دهد، دارای اهمیت است. یک نوجوان دیگر نمی‌خواهد مانند یک کودک با او رفتار شود و می‌خواهد دیگران بدانند که بزرگ شده. او احساس می‌کند که اطرافیانش او را درک نمی‌کنند. آن‌ها تنها در مقابل دوستان همسال خود، احساس راحتی می‌کنند و مایل‌اند که بیشتر اوقات خود را با دوستان سپری کنند. روی عقاید و نظرات همسالان خویش حساسیت خاصی دارند و به داوری و قضاوت آن‌ها بیش از بزرگسالان اهمیت می‌دهند. به همین دلیل در این دوره توجه والدین به دوستان و ارتباط فرزندشان با دوستان و نظارت بر اعمال و رفتار آن‌ها ضروری است. [که البته «دوستان» دایره بس فراتری دارد و صرفاً شامل اشخاص هم‌سن‌وسال نوجوان نمی‌شود؛ بلکه هرگونه عامل محیطی مانند شبکه اجتماعی موبایلی و بازی‌های رایانه‌ای نیز که مقبول نظر نوجوان هستند و نوجوان، دمی از زندگی خود را با آن‌ها می‌گذراند و برای گذران اوقات فراغت با آن‌ها، تمایل و رغبت از خود نشان می‌دهد، از منظر تأثیرگذاری،

۱. محمدعلی سادات، رفتار والدین با فرزندانشان، مقدمه.

به‌منزلهٔ دوستان نوجوان به شمار می‌روند<sup>۱</sup> به همین دلیل توجه به نیازها و خواسته‌های نوجوان و آموزش و آگاهی دادن درباره مسائل این دوره و تغییراتی که در فرد روی می‌دهد، ضروری است. [می‌تواند تأثیر مثبتی بر جای گذاشته و احیاناً تنش و شکاف بین والدین و نوجوان را در موضوعات دینی و مسجدی از بین ببرد.] از سوی دیگر به لحاظ کمبود مؤسسات و مراکزی برای هدایت و راهنمایی خانواده‌ها در زمینهٔ پرورش فرزندان و چاره‌جویی هنگام مواجهه با مشکلات دینی و تربیتی، نقش مساجد و مدارس و امامان جماعت و معلمان، به‌مراتب دشوارتر می‌شود؛ بنابراین لازم است مسئولان پیش‌تر به این دوره و مسائل مربوط به آن در مساجد و مدارس بپردازند تا همگان حتی خود نوجوان با آگاهی و اخذ توشه‌های لازم، این دوره را پشت سر بگذارند.<sup>۱</sup>

شاید در واقع دلیل اهمیت و حساسیت دورهٔ نوجوانی در میان سایر دوره‌های زندگی انسان به این خاطر است که در این دوره، نوجوان به دنبال یافتن هویت خویش، در مسیر شکل دادن به شخصیتی متکی به خود گام برمی‌دارد. سؤالات متعددی نیز چه در حوزهٔ مسائل دینی و غیر آن در ذهن نوجوان نقش می‌بندد که چنانچه نتواند پاسخی مناسب برای آن‌ها بیابد، چه‌بسا ممکن است شخصیتی متزلزل و احیاناً دوگانه پیدا کند؛ بنابراین، شناخت جنبه‌های مهم جسمانی، روانی، اجتماعی، عقلانی و اخلاقی نوجوانان، این توانایی را به نوجوان، اطرافیان و نهادهای مسئول می‌دهد تا شیوه صحیح برخورد با تغییرات جسمی-روانی به وجود آمده را بدانند و [با انجام اقدامات لازم و برنامه‌ریزی‌های مناسب و به‌موقع] تا حدی از بروز ناسازگاری‌های خاص این دوران جلوگیری نمایند.<sup>۲</sup>

۱. عطایی، نوجوانی گذر از کودکی، ص ۱۱۰.

۲. محمدرضا محمدی، جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان، ص ۲۸.

#### ۴. روان‌شناسی رشد اخلاقی در کودک و نوجوان

اگر نهاد مسجد بخواد در مقولهٔ ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان و وضعیت جذب آن‌ها موفق شود، ناگزیر از شناسایی ویژگی‌ها و خصوصیات کودکان و نوجوانان و دنیایی است که آن‌ها در آن به سر می‌برند. بر این اساس در این قسمت به تبیین بخشی از ویژگی‌های عمدهٔ کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود:

**الف:** رشد قضاوت و وجدان اخلاقی در نوجوانی: رشد وجدان از دوره پیش‌دبستانی شروع می‌شود؛ یعنی از زمانی که کودک هنجارهایی را برای رفتارهای قابل قبول در ذهن خود ایجاد می‌کند.

نوع الگویی که والدین به کودک و نوجوان ارائه می‌دهند و نوع نظم و انضباطی که اعمال می‌کنند، بر چگونگی شکل‌گیری و قوت وجدان کودک یا نوجوان تأثیر می‌گذارد.

نوع انتخاب الگو، چگونگی حل تعارضات شناختی در قضاوت اخلاقی و کیفیت استفاده از فرصت‌ها برای پذیرش نقش اخلاقی، می‌تواند در رشد وجدان اخلاقی تأثیر بسیار داشته باشد.

رشد وجدان اخلاقی از طریق ارائه الگوهای بحث و گفت‌وگوی والدین و مربیان با نوجوانان و جوانان در خصوص چگونگی تفکر اخلاقی نیز امکان‌پذیر است. برخی از تحقیقات نیز نشان می‌دهد که از طریق این بحث و گفت‌وگوها می‌توان سطح رشد اخلاقی را به مراحل بالاتری ارتقا داد. این تحقیقات بر غنا بخشیدن در مفاهیم رشدی شناخت اخلاقی مبتنی است.

**ب:** رشد احساس اخلاقی در کودکی و نوجوانی: رشد احساس اخلاقی اساساً در خانواده و در فرایند ارتباطی عاطفی والدین با فرزندان شکل می‌گیرد. روش‌ها و فنون تربیت فرزند، میزان همدلی والدین با فرزندان و نقش عواطف و رشد وجدان اخلاقی را می‌توان در شمار مهم‌ترین عوامل شکل‌دهنده فراخود و احساس اخلاقی به حساب آورد. فراخود که بخش اخلاقی شخصیت فرد است، از سنین پیش‌دبستانی در او شکل می‌گیرد؛ یعنی آن زمان که کودک برای حفظ و افزایش محبت والدین نسبت به خود و از ترس و اضطراب از دست دادن عشق و علاقهٔ والدین و برای



اجتناب از تنبیه شدن توسط آنان، سعی می‌کند خود را با والدین و به‌خصوص با والد هم‌جنس خود همانند سازد.

در فرایند شکل‌گیری وجدان و همانندسازی با والدین (و بعداً با مربیان و همسالان) است که احساس مثبت و منفی درباره هنجارهای اخلاقی خیر و شر نیز در وجود فرد ریشه می‌گیرد و فراخود او را می‌سازد. انتظارات و فرمان‌ها و چارچوب‌های مجاز و غیرمجاز اخلاقی فراخود فرد است که احساس معینی را نسبت به تفکر و رفتار مثبت اخلاقی (احساس صواب یا پاداش وجدانی) و نسبت به تفکر و رفتار غیراخلاقی (احساس گناه یا تنبیه وجدانی) در فرد به وجود می‌آورد.

**ج:** رشد ارزش‌ها در کودکی و نوجوانی: سانتروک، مانند سایر روان‌شناسان غربی که فقط گوشه‌چشمی به حقایق ارزشی و اخلاقی دارند و گهگاه واقعیت‌های کوچکی از تلخی‌های بزرگ زندگی مادی غربی را بیان می‌کنند، در بحث خود این سخن «برتراند راسل»<sup>۱</sup> را در کادر قرار داده است که: «جوامعی که فاقد ارزش‌های اخلاقی جمعی هستند نابود می‌شوند، اما بدون ارزش‌های اخلاقی شخصی بقای آنان نیز ارزشی ندارد»<sup>۲</sup>.

بر همین مبنا گفتنی است ارزش‌ها [که عبارت از همان خوب‌ها و بد‌ها و شناخت آن‌هاست و از طریق آشنایی با مزایا و پیامدهای مثبت خوب‌ها و مضرات و نتایج سوء بد‌ها حاصل می‌شود]، در هیچ دوره‌ای به‌اندازه دوره نوجوانی برای انسان مطرح نمی‌شود. توانایی‌های شناختی فزاینده نوجوانان بیشتر آنان را متوجه ارزش‌ها و به عبارتی خوب و بد‌ها می‌کند. جالب اینکه نوجوان هم مانند بزرگسال ممکن است بتواند به موضوعات ارزشی تیزبینانه بنگرد و راه و روش ارزشی مناسبی را فرمول‌بندی کند؛ ولی شاید همیشه نتواند بر اساس این فرمول‌بندی عمل کند.<sup>۳</sup>

Bertrand Russell . ۱

۲. ک: حسین لطف‌آبادی، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، «روان‌شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی» ص ۸۵-۷۵.

۳. پاول هنری ماسن، رشد و شخصیت کودک، ص ۹۷۵.

## ۵. نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان

شناخت این نیازها - که برآورده ساختن آنها عمدتاً مورد رغبت کودکان و نوجوانان هست و تطابق بین نیاز درونی و ذاتی آنها با خواسته‌های بیرونی‌شان وجود دارد - نقش اساسی در تولید محتوای جذاب نسبت به مقوله نماز و مسجد (در فصل دوم) و نیز در برنامه‌ریزی به‌منظور ارتباطدهی بهتر کودکان و نوجوانان با مسجد (در فصل سوم) دارد.

برخی از این ویژگی‌های عمده کودکان و نوجوانان عبارت‌اند از:

### ۱. ابراز محبت به کودکان:

در صورتی که کودکان و نوجوانان به لحاظ محبت احساس کمبود کنند و در برخوردهای اجتماعی، چه در محیط خانه چه در اجتماع - از نظر احساسی و عاطفی - اقناع نشوند و به سنین بالاتر بروند، دوگانگی شخصیت پیدا می‌کنند و زمینه‌های بهتر تربیت و هدایت در آنها کاهش می‌یابد. در نتیجه، نظام‌های آموزشی و تربیتی نیز با افرادی سرگردان و عقده‌ای و بعضاً قانون‌گریز مواجه می‌شوند که نمی‌توانند کار چندان برای اصلاح و تربیت آنها انجام دهند.

امام صادق (علیه السلام) در این زمینه می‌فرمایند: «حضرت موسی (علیه السلام) از خداوند پرسید: خدایا، برترین اعمال نزد تو کدام است؟ خداوند فرمود: دوست داشتن کودکان؛ زیرا من آنها را بر فطرت توحید خود آفریدم و اگر آنها را بمیرانم، همه آنها را، به رحمت خود، به بهشت داخل می‌کنم.»<sup>۱</sup>

### ۲. امنیت خاطر:

کودکی که در محیط زندگی‌اش احساس امنیت و آرامش دارد، فضای زندگی خود را متناسب و ایدئال می‌بیند، با روحیه اعتماد، تکیه به ارزش‌های وجود خویش و اطمینان از اطرافیان، بهتر می‌تواند استعداد‌های درونی خود را به ظهور برساند، در زندگی آینده سردرگم نمی‌شود.

کودکان برخوردار از امنیت خاطر، سلیقه‌های درونی و ابتکار و خلاقیت‌های درونی

۱. ر.ک: اسماعیل اخلاقی، مجله پیام زن، «نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان در روش تربیتی امام صادق (ع)»، ص ۸۰.

۲. ابی الحسن بن فضل الطبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۴۲.

خود را بروز می‌دهند و علاوه بر آن، نیازها و خواسته‌ها و هنجارهای درونی را بسیار صادقانه با مربیان در میان می‌گذارند و در محیط آموزشی، بسیار سریع و مطلوب به‌وسیلهٔ آموزه‌های دینی و تربیتی موفق می‌شوند.

### ۳. تحسین کارهای آن‌ها:

در سرشت انسان حب ذات نهفته است و نمی‌شود آن را نادیده گرفت یا به شکلی آن را سرکوب کرد؛ زیرا تمام انسان‌ها خود را دوست دارند و برای حفظ حرمت خویش جان‌فشانی می‌کنند و از بی‌حرمتی به خود، احساس بدی دارند. امام صادق (علیه‌السلام) در این باره فرموده‌اند: «طبعت القلوب علی حب من احسن الیهما و بغض من اساء الیهما؛ قلب انسان‌ها چنان سرشته شده است که هر کس به انسان احسان کند او را دوست می‌دارد و هر کس به او بدی کند او را دشمن می‌دارد.»<sup>۱</sup> کودکان و نوجوانان بر اساس غریزهٔ حب ذات، بسیار علاقه‌مندند که دیگران تحسین و تشویقشان کنند و کارها و رفتار آن‌ها تحسین‌برانگیز باشد. بر همین اساس اگر کودکان از بزرگ‌ترها یا مربیان بی‌احترامی ببینند و کارهای هرچند کوچک ولی ارزشمند آنان را تحسین نکنند یا تحقیر و تمسخر کنند، تربیت اثر معکوسی خواهد داشت و رهنمودهایشان کاربردی آموزشی نخواهد داشت و کودکان با ناباوری نسبت به آنان، به حرف‌هایشان گوش فرامی‌دهند.

### ۴. بهادادن:

اهل بیت (علیهم‌السلام) برای کودکان و نوجوانان اهمیت خاصی قائل بودند و کارهای ثمربخش آن‌ها را تحسین می‌کردند و هیچ‌گاه از اشتباهات آن‌ها انتقاد نمی‌کردند. طوری رفتار می‌کردند که کودکان احساس شرمندگی نکنند و با این کار، زمینه‌های تربیت آن‌ها را فراهم می‌کردند.

اگر کودکی در حضور دیگران و همسالان سرزنش شود، به‌جای آنکه رفتار ناپسند خود را ترک کند، با لجبازی به آن ادامه می‌دهد؛ و متقابلاً میدان دادن به کودکان، شخصیت آن‌ها را پربار می‌کند و فرهنگ گفتاری و ادب، اخلاص و... آن‌ها رشد

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۱۶، ص ۱۸۴.

می‌کند. محمد بن مسلم می‌گوید: «ابوحنیفه، پیشوای حنفی‌ها، خدمت امام صادق علیه السلام رسید. در آن حال فرزندش موسی علیه السلام نماز می‌گزارد و مردم از جلو او می‌گذشتند و او مانع آن‌ها نمی‌شد و حال آنکه این کار اشکال دارد. - البته بر اساس فقه حنفی - وقتی ابوحنیفه وارد شد. به امام صادق علیه السلام این خبر را داد. امام فرزند گرامی‌اش را خواست و خطاب به وی فرمود: فرزندم، ابوحنیفه می‌گوید: تو وقتی نماز می‌خواندی، مردم از جلو تو عبور می‌کردند و تو آن‌ها را نهی نکردی. عرض کرد: بلی، پدر، کسی که من برای او نماز می‌گزارم، از این مردم به من نزدیک‌تر است؛ زیرا خدا می‌فرماید: من از رگ گردن به آن‌ها نزدیک‌ترم. امام صادق علیه السلام همین که این دلیل را از زبان فرزندش امام موسی کاظم علیه السلام شنید، او را در آغوش کشید و فرمود: پدر و مادرم به فدایت! ای کسی که اسرار الهی در تو به ودیعه گذاشته شده است.»<sup>۱</sup>

لذا امام صادق علیه السلام در اعتراض ابوحنیفه نسبت به فرزندش موسی علیه السلام از خود واکنش منفی نشان نداد. نخست از فرزندش پرسید و به وی مجال و میدان دادند تا برای کار خویش برهان اقامه کند. اگر کودکان و نوجوانان مورد تحقیر و اهانت والدین و یا مربیان خود قرار بگیرند، اثرات منفی و نامطلوبی در رفتار و گرایش‌های آینده آن‌ها دارد. در روایتی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ما من رجل تکبر او تجبر الا لذله وجدها فی نفسه؛ هیچ کس تکبر نمی‌کند و زور نمی‌گوید مگر به سبب ذلت و حس حقارتی که در خود می‌بیند.»<sup>۲</sup>

## ۵. شرکت در بازی کودکان و نوجوانان:

بازی و سرگرمی برای کودکان و نوجوانان یک خصیصه طبیعی به حساب می‌آید و زمینه رشد جسمانی و روانی آن‌ها را فراهم می‌کند. وقتی کودک در بازی‌های گروهی شرکت می‌جوید، روحیه تعادل و خویش‌نظمی او تقویت می‌شود و از تجربیات و لیاقت دیگران استفاده می‌کند و بر توانایی‌های شخصی خویش می‌افزاید. حضور بزرگ‌ترها - هر چند به مدت محدود - در این بازی‌ها، بها دادن

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۲۹۹.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۲۲۴.

به شخصیت کودک به حساب می‌آید. برخی از بازی‌های خوب ممکن است باعث انتقال برخی از رفتارهای پسندیده و آموزش مسائل تربیتی شود. اسلام به این نیاز طبیعی کودکان توجه جدی دارد. امامان (علیهم‌السلام) علاوه بر اینکه کودکان را در بازی کردن آزاد می‌گذاشتند، خود نیز در بازی‌های آنان شرکت می‌کردند و با حضور خود در فضای با طراوت بازی، به شخصیت آن‌ها احترام می‌گذاشتند.

از انس بن مالک نقل شده است: «پیامبر ﷺ برای ادای نماز به مسجد آمد در حالی که امام حسن (علیه‌السلام) بر دوش آن حضرت قرار داشت. در هنگام نماز او را در کنار خود نشانید. وقتی پیامبر ﷺ به سجده رفت، سجده طولانی شد. من سر را از سجده برداشتم. دیدم امام حسن (علیه‌السلام) بر دوش پیامبر ﷺ سوار شده است. وقتی نماز تمام شد، مردم از پیامبر اکرم ﷺ پرسیدند: این سجده را به قدری طول دادی که هیچ‌گاه چنین نکرده بودی. آیا وحی نازل شده است؟ فرمود: وحی نازل نشده ولی فرزندم بر دوشم سوار شده بود، نخواستم عجله کنم تا اینکه خود [ش] از دوشم پایین آمد.»<sup>۱</sup>

در سیره امام صادق (علیه‌السلام) می‌خوانیم که امام در بازی کودکان شرکت می‌کرد و هرگاه با عدم صداقت برخی از کودکان مواجه می‌شد، بازی را ترک می‌کرد و با خواهش دیگران به بازی برمی‌گشت؛ یعنی امام (علیه‌السلام) در واقع به این طریق پایبندی و عمل به قوانین و مقررات یا راستی و صداقت را به آن‌ها می‌آموخت.

## ۶. ورزش و نقش تربیتی آن:

ورزش، نیازهای جسمی و روحی کودکان و نوجوانان را برطرف می‌کند و آثار جسمی مطلوبی دارد. کوه‌نوردی، شنا، اسب‌سواری و مسابقات تیراندازی، در روایات گوناگون از پیشوایان دین از ورزش‌های مفید دانسته شده است.

امام صادق (علیه‌السلام) نقل کرده‌اند: «روزی پیامبر ﷺ به منزل فاطمه (سلام الله علیها) وارد شد. امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) با او بودند. پیامبر ﷺ به آن‌ها فرمود: برخیزید و با هم کشتی بگیرید. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) که برای کاری بیرون رفته بود، بر آن‌ها وارد شد و مشاهده کرد که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۴۳، ص ۲۹۴.

عجله کن حسن بر حسین سخت بگیر! فاطمه (سلام الله علیها) تعجب کرد و فرمود: آیا بزرگ‌تر را بر کوچک‌تر تشویق می‌کنید؟ پیامبر ﷺ فرمود: من حسن را تشویق می‌کنم؛ درحالی‌که برادرم جبرئیل حسین را تشویق می‌کند و می‌گوید: یا حسین، بر حسن سخت بگیر.»<sup>۱</sup>

کودکان در ورزش‌های گروهی، دوستی، رقابت، افتخار به برنده شدن و بروز شخصیت را که در درون پنهان می‌داشتند ظاهر می‌کنند؛ زیرا در صحنه بازی‌های منظم ورزشی از همبازی‌های خود چیزهای خوبی می‌آموزند. از جمله آثار مطلوب ورزش، تقویت جنبه‌های جسمانی است ولی عمده اثری که در ورزش وجود دارد، تقویت فکری، اعتماد به نفس، درک میزان توانایی خود و رقیب و باور کردن دیگران است؛ که این‌ها سبب می‌شود تا عقل و خرد کودکان پرورش یابد و رشد کند. طبع کودکان موافق بازی کردن است و این برای رشد آنان بسیار مفید است. گفتنی است اگر جهت ورزش غلط باشد، همین ورزش تبدیل به ضد ارزش می‌گردد و ممکن است آسیب‌هایی مانند پرخاشگری، ماجراجویی، سودطلبی، غرور کاذب و خودمحوری را در پی داشته باشد.

۱. همان، ج ۱۰۰، ص ۱۸۹.

## ۶. تربیت دینی فرزندان و نقش مساجد در این مورد:

در متون دینی به کرات و به تناسب موقعیت‌های مختلف، نسبت به تأدیب فرزند و ملازمت والدین بر این امر سفارش شده است؛ چنانکه آمده است:

### ۱. پیامبر خدا ﷺ فرمود:

«أَكْرِمُوا أَوْلَادَكُمْ وَأَحْسِنُوا آدَابَهُمْ يَغْفِرُ لَكُمْ؛ به فرزندان خود احترام گذارید و آنان را آداب نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید.»<sup>۱</sup> نیز فرمود: «مَنْ كَانَتْ لَهُ ابْنَةٌ فَأَدَّبَهَا وَأَحْسَنَ آدَبَهَا وَعَلَّمَهَا فَأَحْسَنَ تَعْلِيمَهَا؛ فَأَوْسَعَ عَلَيْهَا مِنْ نِعْمِ اللَّهِ الَّتِي أُسْبَغَ عَلَيْهَا، كَانَتْ لَهُ مَنَعَةٌ وَسِتْرًا مِنَ النَّارِ؛ هر که دختری داشته باشد و خوب تربیتش کند و او را به خوبی دانش بیاموزد و از نعمت‌هایی که خداوند به او عطا کرده به‌وفور بهره‌مندش سازد، آن دختر، سپر و پوشش پدر در برابر آتش دوزخ خواهد بود.»<sup>۲</sup>

### ۲. امام علی (علیه السلام) به امام حسن (علیه السلام) فرمود:

«إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقَى فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَفْسُقَ قَلْبُكَ وَيَشْتَغَلَ لُبُّكَ؛ دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود می‌پذیرد؛ از این رو من پیش از آنکه دلت سخت و فکرت مشغول شود، به تأدیب و تربیت تو پرداختم.»<sup>۳</sup>

### ۳. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«لَمَّا نَزَلَتْ هَذِهِ آيَةُ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» قَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! كَيْفَ نَقِي أَنْفُسَنَا وَأَهْلِيْنَا؟ قَالَ: أَعْمَلُوا الْخَيْرَ وَذَكَرُوا بِهٖ أَهْلِيكُمْ فَأَدَّبُوهُمْ عَلَى طَاعَةِ اللَّهِ؛ چون آیه «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خود و خانواده خود را از آتش نگاه‌دارید»<sup>۴</sup> نازل شد، مردم گفتند: یا رسول الله! چگونه خود و خانواده‌مان را حفظ کنیم؟ فرمود: عمل خیر انجام دهید و آن را به خانواده خود نیز یادآوری کنید و بر پایه فرمان‌برداری از خدا پرورششان دهید.»<sup>۵</sup> همچنین آن

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۷۶.

۲. علی بن حسام‌الدین المتقی الهندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۵۲.

۳. سید رضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۴. التحريم: ۶.

۵. نعمان بن منصور ابوحنیفه، دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۸۲.

حضرت می فرمایند: «لا يزال العبد المؤمنُ يورثُ اهل بيته العلمَ و الأدبَ الصالحَ حتى يدخلهم الجنةَ جميعاً، حتى لا يفقدَ منهم صغيراً و لا كبيراً و لا خادماً و لا جارا؛ و لا يزال العبدُ العاصيُ يورثُ اهل بيته الأدبَ السيئَ حتى يدخلهم النارَ جميعاً، حتى لا يفقدَ فيها من اهل بيته صغيراً و لا كبيراً و لا خادماً و لا جارا؛ بنده مؤمن هماره برای خانواده خود دانش و تربیت نیکو به ارث می نهد تا همه آنها را وارد بهشت کند؛ به طوری که کوچک و بزرگ و خدمتکار و همسایه را در بهشت می یابد؛ و بنده گناهکار پیوسته برای خانواده خود بدادبی را به ارث می نهد، چندان که همه آنها را وارد دوزخ می کند؛ به طوری که کوچک و بزرگ از خانواده اش و خدمتکار و همسایه را در آنجا می بیند.»<sup>۱</sup>

#### ۴. امام رضا علیه السلام می فرماید:

«مُرِّ الصَّبِيُّ فَلْيَتَصَدَّقْ بِيَدِهِ بِالْكَسْرَةِ وَالْقَبْضَةِ وَالشَّيْءِ وَإِنْ قَلَّ، فَإِنَّ كُلَّ شَيْءٍ يَرَادُ بِهِ اللَّهُ - وَإِنْ قَلَّ - بَعْدَ أَنْ تَصَدَّقَ النَّيَّةَ فِيهِ عَظِيمًا؛ به کودک دستور ده که با دست خودش صدقه بدهد؛ اگر چه به اندازه تکه نان یا یک مشت چیز اندک باشد؛ زیرا هر چیزی که در راه خدا داده می شود، هر چند کم، اگر با نیت پاک باشد زیاد است.»<sup>۲</sup>

#### ۵. لقمان علیه السلام به فرزندش فرمود:

«يَا بُنَيَّ، إِنْ تَأَدَّبْتَ صَغِيرًا انْتَفَعْتَ بِهِ كَبِيرًا؛ پسر من! اگر در کودکی ادب آموزی، در بزرگی از آن بهره مند می شوی»<sup>۳</sup>

به نظر می رسد اولین نتیجه راهبردی احادیث مذکور برای عملی نمودن آنها این باشد که در یک جامعه اسلامی باید کودکان و نوجوانان از نگرشی مثبت و خوشایند نسبت به نمادها و اماکن مذهبی، همچون روحانیت، مساجد و نمازخانه ها برخوردار باشند. چون بخش قابل توجهی از فرایند تربیت دینی به واسطه آنها صورت می گیرد و البته محتوای تعالیم موجود در این اماکن و نیز رفتار تبلیغی و

۱. همان.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۹، ص ۳۷۶.

۳. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۱۳، ص ۴۱۱.



ترویجی والدین، برای آوردن فرزندان به این مراکز، باید از چنان استحکام و تدبیر شایسته‌ای برخوردار باشد که در نتیجه آن، کودکان و نوجوانان «مسجد» را محلی آرامش‌بخش، زیبا و دوست‌داشتنی بدانند.

به‌هر حال نباید از این واقعیت چشم پوشید که مسجد مهم‌ترین، ثمربخش‌ترین و پاک‌ترین نهاد تربیتی در طول تاریخ اسلام بوده است و حتی در زمان حال که ابزارهایی فراگیر و برحسب ظاهر تأثیرگذارتر به وجود آمده‌اند و علی‌رغم دارا بودن ضعف‌ها و نقایصی چند در برنامه‌های مساجد، باز هم هیچ‌کدام از ابزارهای مدرن از حیث تأثیر مثبت، با نهاد مسجد برابری نمی‌کنند؛ که البته این موضوع اهمیت و ضرورت پرداختن به این مسئله را بیش از پیش مشخص می‌سازد که مسجد نیز باید برحسب اقتضائات زمان خود قدم بردارد و برای اهداف والا و ثابتی که دارد از بهترین و به‌روزترین ابزارها در جهت هدایت انسان‌ها به‌ویژه نسل کودک و نوجوان استفاده نماید.

### ۱. دین آموزی و تقویت ایمان و اعتقاد:

برای صیانت کودکان و نوجوانان از آفت‌های فکری و نگرشی یکی از بهترین راه‌ها به مسجد بردن آنان است؛ زیرا مسجد در تغذیه فکری، روحی، عاطفی و هدایت آنان در بستر صراط مستقیم و بر اساس قرآن و عترت به‌عنوان مکان مقدّس گام بزرگی می‌تواند بردارد. فردی که به مسجد رفت‌وآمد داشته باشد، از آموزه‌ها و صحبت‌های دیگران استفاده می‌کند. وقتی که کودک نوجوانی در مسجد برای نماز حاضر شود و بعد از نماز صحبت‌های امام جماعت را بشنود، این کار در ایمان و اعتقاد او آثار بسیار سازنده‌ای برجا می‌گذارد؛ زیرا امام جماعت که در مورد مسائلی چون امامت، ولایت، معاد، قبر و قیامت، دنیا و مذمت دنیاگرایی در قالب احادیث و حکایات سخنرانی می‌کند در روحیه‌ی وی اثر گذاشته و باعث تقویت مبانی اعتقادی و ایمان او خواهد شد.<sup>۱</sup>

### ۲. تعلیم قرآن و دعا:

در میان همهٔ مباحث علوم دینی، پرداختن به علوم قرآن در مسجد دارای اهمیتی ویژه است؛ زیرا قرآن و مسجد پیوندی خاص با یکدیگر دارند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ؛ مساجد را برای (خواندن و فهمیدن) قرآن بنا کرده‌اند.»<sup>۲</sup> و نیز فرموده‌اند: «مَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْيَحِبِّ الْمَسَاجِدَ؛ دوستدار قرآن، مسجد را نیز باید دوست داشته باشد.»<sup>۳</sup>

### ۳. پرورش حبّ اهل بیت (علیهم السلام):

یکی از راه‌های محبت اهل بیت (علیهم السلام) در کودکان و نوجوانان، پدید آوردن صحنه‌ها و فضاهایی است که آن‌ها در شرایط روحی خاصی قرار بگیرند و به تدریج حس درونی آنان بیدار شود و جذب گردند. چه‌بسا اگر آنان را به حال خود رها

۱. زهرا رسولی شورکی، نقش مسجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۸/۲۷.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۵، ص ۱۳۲.

۳. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵.

کنید، به این سمت و جهت کشیده نشوند و به مجالس دعا و توسّل نیابند.<sup>۱</sup> این مسئله با حضور آنان در مسجد به دست می آید. وقتی که کودک و نوجوان در مسجد حضور پیدا کنند و در مسجد مجلس عزا و نوحه برپا شود، عواطف آنان بر محور اهل بیت (علیهم السلام) رشد و تعالی می یابد.

#### ۴. دوست یابی مناسب:

هنگامی که یک کودک و نوجوان به مسجد رفت و آمد داشته باشد، می تواند دوستان خوب زیادی پیدا کند و از دوست یابی در مراکز سوء و فحشا و دوستان ناباب مصون بماند. حضرت علی (علیه السلام) هنگام برشمردن آثار رفت و آمد و مرآوده با این مکان مقدّس یکی از فواید آن را «... أَخَا مُسْتَفَاداً فِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ...؛ ... برادر ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند...»<sup>۲</sup> بیان می فرماید؛ و نیز از مضمون حدیث معصوم که می فرمایند افرادی که وارد مساجد می شوند، افراد شایسته و اصیل هر قومی هستند، می توان استفاده کرد که به یقین هر کس توفیق نخواهد داشت نامش در شمار افراد دعوت شده به مسجد باشد و مسجد جایگاه افراد شایسته و مورد اعتماد است؛ لذا می توان در آنجا دوستان دینی و واقعی خود را پیدا کرد.<sup>۳</sup>

#### ۵. نظم آموزی:

مسجد در یک جامعه اسلامی جایگاه تجمع منظم و همه روزه مؤمنان حق جوست. آوای ملکوتی اذان به خودی خود آنان را به مسجد فرامی خواند و جلسه ای منظم از دوستداران معارف اسلامی فراهم می آید؛ بنابراین وقتی که کودکان و نوجوانان به مسجد بیایند و این نظم و هماهنگی اهل مسجد با همدیگر و با امام جماعت را بینند این را برای خود الگو قرار می دهند و مسئله نظم و یکپارچگی، بیشتر برایشان تجلی و بروز پیدا می کند.<sup>۴</sup>

۱. جواد محدثی، عشق برتر، ص ۷۱.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۵، ص ۱۹۷.

۳. عباس عرشی نیاسر، مسجد گوهر بی همتا، ص ۶۷.

۴. رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۱۶۲.

## ۶. ایجاد آرامش روحی و روانی:

مسجد خانه الهی در گستره زمین و پناهگاه مؤمنان است. در آنجا دل‌ها با ذکر و یاد خدا آرام گرفته، از تنش‌های روانی دور می‌شوند. همچنین اطمینان و آرامش که نتیجه ذکر خداست «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ؛ آن‌ها کسانی هستند که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا مطمئن (و آرام) است؛ آگاه باشید که تنها با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد!» اطمینان و آرامش در سایه مذهب و قداست مکان‌های مذهبی به اوج خود می‌رسد. پس اگر کودک و نوجوان امروز به مسجد رفت‌وآمد داشته باشند، تندرستی روحی و روانی آن‌ها تضمین شده خواهد بود. همان‌طور که حضرت رسول اکرم ﷺ می‌فرمایند: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ؛ هر کس مساجد خانه‌اش باشد خداوند آسایش و آرامش را برای او ضمانت می‌کند.»<sup>۲</sup>

## ۷. پرکردن اوقات فراغت:

هرگاه کودک و نوجوان به مسجد رفت‌وآمد داشته باشند و در مسجد با برنامه‌های مختلف، پر محتوا و متنوع مشغول شود، از این راه‌ها ارضای فکری می‌گردد و هیچ‌گاه در ذهنش مکانی برای فرهنگ مبتذل غرب باقی نمی‌ماند.<sup>۳</sup> برای پر کردن اوقات فراغت کودکان و نوجوانان بهتر است که به مناسبت‌های مختلف، مسابقه‌های مختلف و اردوهای تفریحی-زیارتی از طرف مسجد برگزار شود؛ این کار سبب می‌شود تا اوقات فراغت آن‌ها به شکل مفید و مطلوبی پر شود.

## ۸. پرورش روحیه جمع‌گرایی:

از تأثیرات مناسب مسجد بر تعلیم و تربیت افرادی که در آن حضور می‌یابند، تقویت و پرورش روح جمع‌گرایی، انعطاف‌پذیری، نظم‌پذیری و پیوستن به جمع

۱. رعد/۲۸.

۲. محدث نوری، همان، ج ۳، ص ۳۵۵.

۳. عباس عرشی نیاسر، همان، ص ۴۵.

را می‌توان برشمرد. حضور در مسجد درون‌گرایی، خودمحموری افراطی و بیگانگی از جمع را از کودکان و نوجوانان دور می‌کند. هنگامی که آنان وارد مسجد می‌شوند، با افکار گوناگون و اشخاص متفاوت برخورد می‌کنند. این علاوه بر آثار تربیتی و آموزشی، روح فردگرایی و خودبینی را در آنان از بین می‌برد و باعث می‌شود تنها به منافع شخصی خود فکر نکند و در صورت تزام منفعت شخصی و منافع جامعه، مصلحت شخصی را کنار گذاشته و جامعه را از خود بداند.<sup>۱</sup>

۱. همان، ص ۶۲-۶۳.

## چکیده فصل اول

### کلیات

مسجد صرفاً محلی برای عبادت و پرستش نیست؛ هر چند فلسفه وجودی مسجد برای این امر است، ولی با اندکی تفکر و دوراندیشی مشخص می‌شود که اگر صرفاً به این کار پرداخته شود، بسیاری از امورات نظام اسلامی بر زمین مانده و نهایتاً علاوه بر آموزه‌های متعالی دینی، اصل نظام دینی و به تبع آن، نهادهای دینی همچون مسجد در خطر نابودی و زوال قرار خواهند گرفت. مسجد در واقع سنگر و پایگاهی آماده برای لشکر و نظام اسلامی است که در هر زمان و مکانی بر حسب اقتضائات مخصوص آن، از ظرفیت مادی و معنوی مسجد بهره گرفته شده و از آن استمداد می‌شود؛ بنابراین اگرچه مسجد برای عبادت و پرستش بنا شده و می‌شود، ولی این نهاد همواره با تمام هستی خود از هر گونه اقدام و کارکردی که در راستای تقویت بُعد عبودیت و بندگی انسان‌ها و مقابله با جبهه طاغوت و بندگی نفس و شیطان باشد حمایت می‌کند و امکانات خود را برای این گونه کارکردها بسیج می‌نماید؛ بر اساس همین رویکرد استفاده از مساجد بود که خداوند بر ملت بزرگ ایران منت نهاد و تلاش‌های آن‌ها را در استقرار نظام اسلامی در این برهه زمانی و جغرافیایی حساس به رهبری امام خمینی (رحمه الله علیه) از طریق بهره‌گیری از سنگرهای اسلام یعنی مساجد به ثمر نشان داد.

دوران کودکی و نوجوانی در زندگی انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این دوران می‌توان یک زندگی سالم و سعادت‌مندانه را پی‌ریزی کرد و از بروز بسیاری از مشکلات در آینده جلوگیری نمود. بسیاری از نابسامانی‌های روانی و اخلاقی انسان ناشی از تربیت نادرست او در دوران کودکی است.

اگر نهاد مسجد بخواهد در مقوله ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان و وضعیت جذب آن‌ها موفق شود، ناگزیر از شناسایی ویژگی‌ها و خصوصیات کودکان و نوجوانان و دنیایی است که آن‌ها در آن به سر می‌برند.

## فصل دوم:

نگرش سازی و ارزش آفرینی از مسجد





## مقدمه

بخش قابل توجهی از علل و عوامل ارتباط‌گیری افراد با مسجد و یا عدم آن، مربوط به وضعیت نگرشی و ارزشی آنان در موضوع مسجد است که از دوران کودکی و توسط عوامل مختلف، شروع به شکل‌گیری می‌کند.

درواقع انسان با آن چیزی ارتباط برقرار می‌کند که قبلاً آن را شناخته و ارتباط‌گیری با آن را ارزشمند و مفید تلقی نماید و این در تمام جریان زندگی صدق پیدا می‌کند که البته ماجراجویی‌ها و اقدامات متهورانه را که از منظر عقل، جایگاه چندانی ندارند باید از این مقوله جدا کرد.

در موضوع مسجد نیز لازمه و گام زمینه‌ساز ارتباط با آن، ابتدا شناخت‌یابی و آگاه شدن از این نماد هویت‌ساز و اثرگذار دینی است؛ اینکه واقعیت وجودی مسجد چیست؟ فلسفه پیدایش آن چیست؟ کارکردهای عمده آن کدامند و جایگاه، فضیلت و احکام خاص ارتباط داشتن با مسجد از منظر متون دینی چیست؟ این‌ها و مواردی مانند آن، در نیل به نگرش، بینش و شناخت نسبت به مسجد اثر گذارند. در گام دوم لازم است شناخت و بینش به ارزش و احساس تبدیل شود؛ لذا با آموزش

و آگاهی از مزایا و منافع ارتباط داشتن با مسجد و نیز مضرات و خسران دنیوی و اخروی دوری‌گزینی از مسجد، خوب بودن ارتباط با مسجد حاصل می‌شود و ارزش داشتن ارتباط‌گیری با مسجد که چیزی جز همان خوب و مفید دانستن ارتباط با آن است حاصل می‌شود و لذا احساس و هیجان مثبت برای ارتباط به وجود می‌آید و این مقدمه‌ای می‌شود برای تحریک عضلانی و فیزیکی جهت رفتن به مسجد و ارتباط سازنده داشتن با مسجد و تعالیم ارزشمند موجود در آن.

بر این اساس خود موضوع نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از مقوله نماز و مسجد از موضوعات مهم و اساسی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد است. لازم است وضعیت موجود آن در جامعه فعلی سنجیده شده و مشخص شود که برونداد و خروجی عملکرد جامعه امروز از حیث نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی برای موضوع مسجد و نماز، برحسب عوامل محیطی مختلف که دارد و هر کدام در موضوع آموزش و تربیت نقش‌آفرینی می‌کنند، چیست و چگونه است و اگر نهاد مسجد بخواهد در این خصوص اقدام مناسب و متناسب با داشته‌های خود انجام دهد، اولویت‌های همکاری و یا احیاناً مقابله‌اش کدام عوامل محیطی هستند و چه نحو از تعامل را باید در کوتاه‌مدت و بلندمدت در قبال آنان درپیش بگیرد.

شاید اگر بخواهیم از منظر دیگری به قضیه نگاه کنیم این‌طور بشود: با این پیش‌فرض که شناخت انسان از مسائل، عمدتاً از طریق عوامل محیطی موجود در جامعه صورت می‌گیرد و خصوصاً در جامعه امروزی که عوامل رسانه‌ای با شدت و حدت بیشتری در این مقوله اثرگذاری می‌کنند، در چنین شرایطی، لازم است بدانیم شناخت کودکان و نوجوانان از مسجد و خوب یا بد بودن ارتباط‌گیری با آن چگونه رقم می‌خورد؟ آیا خروجی پرداخت عوامل محیطی - که نه مورد آن‌ها و مهم‌ترینشان در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرند - به مسائل دینی و مسجد، سبب ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد می‌شود؟ یا اینکه نه از این حیث خنثی هستند و یا احیاناً تعالیم و پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها، سبب کم‌ارزش تلقی شدن مسائل دینی و نماد مسجد و در مواردی در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان موجب شکل‌گیری تصویر ضد ارزشی از این‌ها می‌شود؟

بر این اساس، پرداختن به وضعیت محتوایی این عوامل، امری ضروری و لازم است. هرچند در مواردی از عوامل، ممکن است بخش زیادی از بررسی مطالب، عمومیت داشته باشد و اختصاص به مسجد نداشته باشد، ولی این دلیل موجهی بر بی‌ارتباط بودن بحث با موضوع تحقیق نخواهد بود؛ زیرا چنانکه گفته شد، هدف این فصل آن است که به مسئولان فرهنگی مرتبط با موضوع کودک و نوجوان و مسجد، این نگاه و شناخت را ارائه نماید که فضای عوامل محیطی و رسانه‌های متعدد آن که شناخت کودکان و نوجوانان از نماز و مسجد و خوب و بد بودن آن‌ها، عمدتاً از طریق این رسانه‌ها شکل می‌گیرد، چه وضعیتی دارد و ارزش‌ها و نگرش‌های کودکان و نوجوانان در موضوع مسجد در چه فضا و محتوایی رقم می‌خورد؛ که بدون تردید این هدف، ما را ناگزیر می‌کند تا در مواردی به نوع توجه عوامل مذکور به کلیت مسائل دینی بپردازیم؛ چون به صورت مستقیم در خصوص مسجد پرداختی ندارند - که هرچند خود این عدم پرداختن به مسئله، نوعی از پرداختن است که خروجی آن عدم آشنایی کودک و نوجوان با مسجد است - و بیشتر به سایر مسائل دینی به شکل مثبت یا منفی توجه می‌شود؛ ولی از آنجاکه نمی‌توان انکار نمود که مسجد و نماز نیز بخشی از مجموعه مسائل دینی هستند و جذابیت و یا عدم جذابیت آن در ذهن کودک و نوجوان، بدون تردید متأثر از جذابیت سایر مسائل دینی و خصوصاً در حوزه اعتقادات بنیادین در اندیشه کودک و نوجوان است؛ و به‌راستی! مگر می‌شود که یک رسانه‌ای، مسائل ضددینی را به مخاطبان کودک و نوجوانش عرضه کند و آنگاه یگوییم که این عملکرد، تأثیری در چگونگی شکل‌گیری تصویر مثبت یا منفی از مسجد در افکار مخاطبان مذکورش ندارد؟! بنابراین پرداختن به کلیات و اینکه برخی رسانه‌ها در حالت کلی در چه فضای فرهنگی سیر می‌کنند، بدون تردید بخشی کاملاً مرتبط و لازم با موضوع تحقیق است و وجود آن در محتوای موجود این پژوهش، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت است.

بنابراین در این فصل به وضعیت عوامل عمده محیط نُه‌گانه و نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی مثبت یا منفی یا حتی خنثای آن‌ها از موضوع مسجد در ذهن و اندیشه کودکان و نوجوانان پرداخته می‌شود و راهکارهای لازم نیز در پایان هر

بخش - که اختصاص به بررسی یکی از عوامل دارد- ارائه می شود.

## بخش اول: مهدکودک

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

### ۱. تعریف مهدکودک

بنا به تعریف سازمان بهزیستی کشور «مهدکودک به مرکز یا موسسه یا کانون فرهنگی- تربیتی اطلاق می‌شود که مسئولیت نگهداری، مراقبت، پرورش و فراهم نمودن زمینه بروز رشد استعدادهای کودکان تا سن قبل از ورود به دبستان را بر عهده‌دارند که با توجه به مدت فعالیت روزانه، جغرافیای فعالیت و نوع خدمات دارای انواعی است.»

مهدهای کودک در بچه‌ای برای ورود کودک به دنیای روابط اجتماعی گسترده‌تر و تسریع در روند جامعه‌پذیری نیز قلمداد می‌شوند و از این نظر دارای اهمیت بالایی هستند. مهدکودک می‌تواند و باید گزینه‌ای مناسب برای تربیت دینی و مسجدی کودک بعد از خانه و خانواده باشد و اگر آموزش به صورت درست و اصولی صورت گیرد، در آینده اجتماعی و فرهنگی کودک تأثیر فراوان خواهد گذاشت.

## ۲. اهمیت نقش تربیتی مهدهای کودک

در بین مقاطع آموزشی-تربیتی نیروی انسانی، مهدکودک اهمیت بسزایی دارد؛ زیرا اولین برهه‌ای است که فرزند خردسال آماده‌فراگیری، درون محیطی غیر از خانواده قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، اولین مرحله جامعه‌پذیری نیروی انسانی، مهدکودک است.<sup>۱</sup>

روان‌شناسان نیز امروزه معتقدند که آموزش‌های دین‌داری باید از دوران کودکی آغاز شود تا نهاد کودک رنگ و بوی دینی بگیرد و رفتار او در دوره‌های دیگر زندگی، مبتنی بر دین‌داری باشد.<sup>۲</sup>

درواقع دوران کودکی نقش مهمی در سرنوشت انسان ایفای کند و خاستگاه بسیاری از موفقیت‌ها و یا نارسایی‌های تربیتی در دوران بزرگسالی در این دوران است. رشد جسمی، ذهنی، عاطفی، اجتماعی و شخصیتی کودکان در دوران قبل از دبستان و توجه به این مراحل، چنان اهمیتی دارد که سهل‌انگاری و کم‌توجهی به آن‌ها، خسارت جبران‌ناپذیری را برای فرد و جامعه به همراه خواهد داشت.

در حال حاضر مهدکودک بیشتر از اینکه یک مکانی برای نگهداری کودکان در هنگام اشتغال والدین باشد، به یک نهاد آموزشی و پرورشی تبدیل شده‌اند. مهدکودک درواقع امروزه به مکانی برای آموزش مهارت‌های اولیه زندگی به کودکان تبدیل شده است.

۱. محمدصادق فقهوری، نشریه کیهان، نگاهی به تربیت نیروی انسانی در مهدکودک‌های ایرانی، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳.

۲. میرچا الیاده، دین‌پژوهی، بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، ص ۲۴.

### ۳. مهد کودک، لازمه سبک زندگی جدید

با به وجود آمدن مهدهای کودک - از حدود ۴۰ سال پیش<sup>۱</sup> - در واقع، برحسب ضرورت‌های خواسته یا ناخواسته اجتماعی - که عمدتاً متأثر از فرهنگ مدرنیته و سبک زندگی غربی بود<sup>۲</sup> - یک قطب دیگر تربیتی در کنار قطب مسجد - به شرطی که مسجد به‌عنوان یک قطب باقی مانده باشد - در جامعه کودکان به وجود آمده که مسئولیت نگهداری و تربیت فرزند را در کنار مادر به عهده دارد.

بدون تردید نکته کلیدی بحث مهدهای کودک و مرکز ثقل آن در ارتباط با موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، حذف این نهاد تربیتی و خارج نمودن رقیب از گردونه تربیت نیست. چنانکه شدنی هم نیست. بلکه لزوم توجه به چند و چون محتوای تربیتی مهدها و اصلاح آنهاست و لذا جامعه دینی ما نیاز به مهدهای کودکی دارد که بتواند بچه‌ها را در همان سال‌های اولیه عمرشان با آموزه‌های دینی و نمادها و شعائر آن همچون نماز و مسجد آشنا سازد. مهد کودکی که بتوان آن را با صفت مهد کودک اسلامی شناخت.

۱. سارا جمال آبادی، روزنامه سلامت، اولین‌های جهانی مهد کودک، ۱۳۸۹/۷/۲۲.

۲. هم‌اکنون در کلان‌شهری مانند تهران که رواج فرهنگ مدرنیته و سبک زندگی جدید در آن به نسبت سایر مناطق بالاتر است مهدهای کودک هم از رونق بیشتری برخوردارند (خطری به نام کم‌توجهی والدین به وضعیت مهد کودک‌ها، مشرق نیوز، ۱۳۹۳/۸/۲۵، کد خبر: ۳۶۳۰۱۶).

## « ب: وضع موجود مهدهای کودک

### ۱. وضعیت کمی مهدهای کودک

طبق نتایج آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۱ تعداد کودکان ۰ تا ۶ سال کشور ۶۷۸۷۵۸۴ نفر بوده است که تقریباً ۹,۷ درصد جمعیت کل کشور را تشکیل می‌دهند و تعداد کودکان بهره‌مند از خدمات کل مهدهای کودک اعم از دولتی و خصوصی در همان سال ۶۶۵۸۶۹ نفر بوده که نسبت به کل کودکان گروه سنی مذکور ۹,۸۱ درصد است. همچنین لازم به ذکر است که تعداد کل مهدهای کودک در کشور در سال ۱۳۹۱، تنها ۱۴۳۳۶ مهدکودک بوده و از این تعداد نیز ۷۳۹۳ روستامهد در کشور وجود داشته است.<sup>۱</sup>

آنچه حائز اهمیت است آن است که تعداد مهدهای کودک به شکل شتابداری سالانه در حال افزایش است. چنانکه در تازه‌ترین آمار و در اسفند ۹۳ از سوی مدیرکل امور کودکان سازمان بهزیستی کشور اعلام شد که در حال حاضر ۱۷ هزار مهدکودک در سطح کشور فعال هستند و بالغ بر ۸ هزار روستامهد هم در مناطق مختلف حاشیه‌ای و کم برخوردار فعالیت می‌کنند.

گفتنی است در امر تأسیس نهاد مهمی همچون مهدکودک - که نیاز به حساسیت‌های خاص و رعایت ضوابط محکم دارد - چندان صحیح عمل نمی‌شود. به‌طوری که یکی از آسان‌ترین مسیرهای قانونی راه یافتن به ویتترین سیستم آموزشی کشورمان را می‌توان در راهنمای تأسیس مهدهای کودک جست‌وجو کرد! در مراجعه به سازمان بهزیستی کشور، به‌عنوان نهاد مجری و ناظر، برای تأسیس مهدکودک تنها کافی است اشتهار به مسلمانی داشته باشید همراه با مدرک کارشناسی در یکی از رشته‌های متنوعی که در لیست سازمان بهزیستی ذکر شده است. باقی شرایط به‌اندازه‌ای سهل است که به‌ندرت یک فرد معمولی در آن‌ها توفیق نمی‌یابد! در حال حاضر مدیریت پایش و نظارت بر مجموعه گسسته مهدهای کودک کشور بر عهده «سازمان بهزیستی» است. سازمانی که با وظایف

۱. فائزه زارعی، ارتقاء عملکرد مهدهای کودک، پورتال وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۳/۹/۸.



محولۀ زیادی که دارد، از سازوکار و ابزارهای مکفی برای اداره چنین سیستمی برخوردار نیست.<sup>۱</sup>

۱. محمدصادق فقفوری، همان، ۱۳/۱۱/۱۳۹۳.

### ۲-۱. مزایا و مضرات بالقوه مهدهای کودک:

برحسب نگاه موافقان، کودکان با قرار گرفتن در محیط مهد کودک، معمولاً رشد تکلم بهتری پیدا می کنند، اعتماد به نفسشان بیشتر می شود، اضطرابشان کاهش می یابد، اگر در مهد کودکی که شرایط خوبی دارد، نگهداری شوند، توان دوری از مادر را به تدریج پیدا می کنند و از طرفی سن مناسب برای آموختن زبان دوم، سه سالگی است و رفتن به مهد کودک آموزش آن را تسریع می کند. این افراد همچنین بیان می کنند کودکانی که به مهد نمی روند: دیرتر اجتماعی می شوند، هنگام بازی با همسالان قوانین را رعایت نمی کنند و این کودکان زمان رفتن به مدرسه به سختی از مادر جدا می شوند، زیرا هرگز تجربه دور بودن از مادر را نداشته اند.<sup>۱</sup>

در مقابل گروه بالا که از حامیان و مروجان مهد کودک هستند و برای آن مزایایی ذکر می کنند، عده ای هم رفتن به مهد کودک را مخصوصاً از سنین پایین دارای معایبی می دانند همچون: پر خاشگر شدن کودک، مستعد شدن برای بیماری های جسمی و فکری، تأثیر متقابل بچه ها از هم به ویژه در امور ناشایست، اصول تربیتی غلط برخی از مربیان مهدها، کم حوصله بودن مربیان و از همه مهم تر دور شدن کودک از آغوش مادر (که بهترین مأمّن خصوصاً برای بچه های کوچک تر است) و محیط خانه و خانواده و تربیت شدن در فضا، فرهنگ و اصولی بعضاً ناهماهنگ با فضای خانه و اطرافیان.<sup>۲</sup>

### ۲-۲. وضعیت فرهنگی موجود مهدهای کودک:

در بخشی از دستورالعمل مربوط به تأسیس، اداره و انحلال انواع مهدهای کودک که توسط سازمان بهزیستی اعلام شده، در قسمت اهداف عمده تأسیس آن آمده است:

« ماده ۲:

بند ۲- ارتقای هشیاری اخلاقی و توجه به ارزش های دینی و مذهبی

۱. کتابون خوشای، هفته نامه سلامت، «راهی برای اجتماعی شدن کودک»، ص ۱۴.

۲. نسرین صفری و اما مهد کودک، پورتال تبیان، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵.

بند ۴- آموزش مفاهیم اجتماعی نظیر تعاون، نوع دوستی، گذشت، ایثار، همکاری و ارزش‌های مطلوب زندگی از طریق آموزش غیرمستقیم و کسب تجارب گوناگون. برحسب این دستورالعمل، آشنا ساختن کودکان با ارزش‌های دینی که در رأس آن‌ها رفتارهایی همچون تعظیم و تکریم در برابر خالق هستی و نماز خواندن قرار دارد و نیز معرفی نهاد مسجد و کارکردهای آن به شکل نظری و عملی به کودکان -به‌عنوان نماد دین‌داری و نهاد ارتباط‌دهنده انسان‌ها با خداوند و ارزش‌های دینی- جزء وظایف اولیه مهدهای کودک است که با توجه به اهمیت دوران کودکی -که پیشتر ذکر شد- اگر کوتاهی در این قضیه صورت‌گیرده تبعات و پیامدهای منفی بسیار سهمگینی را در پی خواهد داشت. به طوری که در آینده با نسلی مواجه خواهیم بود که با ارزش‌های دینی همچون نماز آشنایی ندارد و تمایلی برای ارتباط‌گیری با نهادهای مذهبی همچون مسجد ندارد و در واقع فرهنگ زیستی او غیردینی و مستعد اخذ آموزه‌های انحرافی از رقبای مسجد است؛ چیزی که محتوای فعلی برخی مهدهای کودک نشان از آن دارد.

در مهدکودک‌های تشکیل‌شده در جامعه ما که نوعی کپی‌برداری از نمونه‌های غربی بود، کمتر به وظایف گفته‌شده و ارائه الگوهای اسلامی توجه می‌شود و لذا این موضوع سبب نگرانی برخی از مردم و مسئولان شده است؛ هم‌اکنون در تعدادی از مهدها به خصوص مواردی که در محله‌های مرفه شهر قرار دارند، سنخیت بسیار کمی میان محتوای آموزشی آن‌ها با آنچه مورد انتظار است دیده می‌شود:

برخی مهدکودک‌ها برنامه‌ها و فوق‌برنامه‌های به قول خودشان مفرح و جذاب دارند! کلاس‌های فوق‌برنامه مانند «آموزش آرف»<sup>۱</sup> و آموزش تئاتر و سرود؛ که منظورشان از برگزاری کلاس آموزش تئاتر، آموزش حرکات موزون و منظور از کلاس آموزش «آرف» نیز شناخت دستگاه «بلز»<sup>۲</sup> و اجرای آن توسط کودکان است!<sup>۳</sup>

در تعدادی از این مهدکودک‌ها علاوه بر آموزش رقص به آموزش شنا هم می‌پردازند

۱. Cours d'initiation musicale.

۲. Bell Music Instruments.

۳. سکولاریزه کردن مهدکودک‌ها، بخش فرهنگی پورتال یالثارات، ۱۳۹۲/۴/۲۹.

که در محیط استخر به صورت مختلط انجام می‌شود.<sup>۱</sup>

مورد دیگر، آموزش دادن مد روز لباس‌هایی که برگرفته از مدل‌های غربی است. در این مهدکودک‌ها به کودکان آموزش می‌دهند که لباس‌ها و مدل مویشان را چگونه انتخاب کنند تا بتوانند جذابیت جنسی خود را به دیگران نشان دهند. پخش و آموزش ترانه‌های «آن‌ور آبی» به بهانه شاد بودن یکی دیگر از موارد است.<sup>۲</sup>

بخش دیگر، آموزش‌ها و برنامه‌هایی ویژه از جمله آموزش زبان انگلیسی، سرود انگلیسی، شعر انگلیسی، «بالماسکه»<sup>۳</sup> انگلیسی و مانند آن است! در حالی که معلوم نیست چه اصراری بر «انگلیسیزاسیون»<sup>۴</sup> کردن مهدکودک‌ها و کودکان و آینده‌سازان کشوری مسلمان در تراز جمهوری اسلامی ایران، با وجود دشمنی چون کشور سلطنتی انگلستان، وجود دارد؟ آن‌هم زمانی که تعالیم مرتبط با زبان عربی که زبان دینی و هویتی ماست بسیار کمرنگ است.<sup>۵</sup>

برگزاری اعیاد با همراهی موزیک و رقص که در بسیاری از مراسم آرایش مو و صورت، عادی تلقی می‌شود.

رفتارهای مذهبی و پرورش اخلاقی و اسلامی کودک کمترین اقبال را در برنامه‌های آموزشی دارد و اغلب به صورت سرفصلی با نام آموزش قرآن در برنامه‌های هفتگی گنجانده می‌شود.<sup>۶</sup>

حتی مهدهای کودکی که دغدغه اسلامی دارند، بعضاً صلاحیت‌های تربیتی و بعضاً صلاحیت‌های دینی را چندان مورد توجه قرار نمی‌دهند و به‌رغم اقبال خانواده‌های مذهبی به این مراکز، به نظر می‌رسد به‌طور شایسته سامان نیافته‌اند و لازم است که متولیان امر تعلیم و تربیت به مدیریت محتوایی، کادر تربیتی و فضا و امکانات آن‌ها توجه جدی داشته باشند.

در جمع‌بندی آنچه گفته شد به نظر می‌رسد، در وضع موجود (با تأسیس

۱. هدی سادات پاك‌نهاد، رقص بابانوئل در مهدکودک‌ها، بخش اجتماعی پورتال تبیان، ۱۳۹۳/۱۰/۱۵.

۲. در مهدهای کودک چه می‌گذرد؟ خبرنامه دانشجویان، ۱۳۹۲/۷.

Balmasqué. ۳

Anglyszasyvn. ۴

۵. سکولاریزه کردن مهدکودک‌ها، بخش فرهنگی پورتال یالنارات، ۱۳۹۲/۴/۲۹.

۶. مهدکودک‌ها و تربیت مدرن، مجله اینترنتی دخت‌ایران: [www.dokhtiran.com](http://www.dokhtiran.com).

بی حساب و کتاب مهدهای کودک، مربیان و محتوای آموزشی ضعیف و عدم نظارت لازم بر کادر و محتوای آن‌ها) استعداد بالقوه مهدهای کودک در تربیت ناسالم و غیر مسجدی، بیشتر از قابلیت آن‌ها در تربیت اخلاقی و مسجدمحور باشد.

### ۲-۳. تقسیم انواع مهدها به لحاظ محتوایی:

بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان سه گونه مهدکودک را در نظر گرفت که هر کدام با عمق متفاوتی به مباحث دینی و آشناسازی کودکان با نمادها و شعائر دینی همچون نماز و مسجد می‌پردازند:

**الف:** دسته اول شامل مراکزی می‌شوند که به دین به‌عنوان امری فرهنگی توجه می‌کنند و فعالیت‌ها و برنامه‌های دینی را با همین نگاه در چارچوب کاری خود می‌گنجانند. برای چنین مهدهایی دینی بودن یا نبودن یک برنامه چندان اهمیتی ندارد و بعضاً صرف نوستالژیک بودن یک فعالیت برای پرداختن به آن کفایت می‌کند؛ همچون پخت و توزیع نذری. چنین مهدهایی از یک‌سو مناسبت‌های اسلامی همچون نیمه شعبان و عید غدیر را جشن می‌گیرند و از سوی دیگر ایامی همچون یلدا، کریسمس و ولنتاین را به‌صورت پررنگ مورد توجه قرار می‌دهند! چندان بعید نیست که تربیت‌شدگان چنین مهدهایی در هنگام تعارض مؤلفه‌های دینی و غیردینی، دین را کنار بگذارند.

**ب:** دسته دوم، مهدهایی را دربرمی‌گیرد که در آن‌ها مؤلفه‌های دینی به‌طور جدی‌تر مورد توجه قرار می‌گیرند، اما فعالیت‌های دیگری نیز تعریف می‌شود که نسبت آن‌ها با دین مبهم است. چنین مهدهایی گرچه تلاش دارند به اقتضا و در حد توان، به برخی از فعالیت‌ها و مناسبت‌های دینی بپردازند، اما به دلیل داشتن انگیزه اقتصادی و یا سطحی بودن برداشتشان از دین، عملاً فعالیت‌های دیگری نیز تعریف می‌کنند که در سبک زندگی دینی جایی ندارد؛ لذا شاید چندان عجیب نباشد که در این مهدها، «آموزش و حفظ قرآن» و «آموزش موسیقی، یوگا و رقص باله» با هم در برنامه روزانه گنجانده شود!

از آنجا که بخش قابل توجهی از مهدها در این دسته جای می‌گیرند، توجه جدی‌تر

به آن‌ها ضرورت می‌یابد. باید توجه داشت گرچه این مهدکودک‌ها کم‌وبیش به دنبال پیاده‌سازی تربیت مبتنی بر اسلام هستند، به دلیل خلأ الگوهای بومی دینی و یا ناآگاهی از مبانی تربیت دینی، به سمت الگوهای تربیتی غیربومی سوق پیدا می‌کنند که نسبتش با دین و آموزه‌های مسجد مشخص نیست؛ مهدهایی که از یک سو ابزارهای «مونه سوری» را به کار می‌گیرند و از سوی دیگر با گنجاندن برنامه‌های قرآنی و مناسبتی اسلامی سعی در تربیت کودک مسلمان دارند.

**ج: دسته سوم،** شامل مهدهایی می‌شود که دین را محور و مرکز فعالیت تربیتی خود قرار داده‌اند و تلاش دارند همه فعالیت‌های خود را بر این اساس سامان دهند. چنین مهدهایی که البته تعدادشان چندان زیاد هم نیست، دغدغه مشترکی دارند: برای فعالیت‌های مختلف خود، شواهد و مستندات دینی پیدا می‌کنند و در این مسیر، ارتباط قابل قبولی با کارشناسان تربیت دینی دارند. تأکید بر سبک زندگی اسلامی در بخش‌های مختلف فعالیت‌ها یکی از ویژگی‌های مهم چنین مهدهایی است.

به‌عنوان نمونه، تأکید بر آداب غذا خوردن، خواندن دعای سفره، مسواک زدن بعد از غذا، رعایت شئون پوشش کودکان دختر و پسر و مربیان در مهد، خواندن قرآن و دعای فرج در هر روز، طرح کارهایی با موضوعات و نمادهای اسلامی همچون نماز و مسجد، برگزاری مراسم‌های مذهبی (اعم از جشن و عزا) از این جمله است. این نگرش در فعالیت‌های ظاهراً غیردینی هم اثر می‌گذارد؛ به‌عنوان نمونه در اردوهای نیم‌روزه، بازدید از اماکن مذهبی مورد تأکید است تا کودکان از ابتدا با این عناصر انس بگیرند؛ البته در کنار این، آشنا کردن بچه‌ها با فضاهای مختلف هم مورد توجه است. کاردستی بچه‌ها هم در این نگرش تفاوت دارد؛ به‌عنوان مثال دوختن سربند، شابلون زدن اسامی ائمه، جنگیدن با دشمن اسرائیلی و کمک به فلسطینی‌ها در بازی‌ها، نقل داستان‌هایی از ائمه و شهدا از این قبیل فعالیت‌ها است.

البته مهدکودک‌های دسته اخیر، هنوز نتوانسته‌اند الگوی منسجم و نظام‌مند تربیتی به دست بدهند و به تعبیری هنوز «در حال شدن» هستند. حمایت از این چنین مراکزی و ثبت و تبادل تجربیات آن‌ها می‌تواند گامی در مسیر بهبود

فضای مهدکودک‌ها باشد. شایان ذکر اینکه با توجه به محوریت خانواده در تربیت کودک زیر هفت سال، همه سیاست‌ها و اقدامات باید در جهتی باشد که تا حد ممکن، خانواده‌ها خود، متولی تربیت کودکانشان باشند و مهدکودک به‌عنوان مکمل و در شرایط خاص توصیه شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۴. رگه‌های جریان نظام‌مند تربیت غربی در مهدکودک:

از سال ۱۳۸۲، شبکه‌ای از مهدهای کودک ایرانی به‌صورت الکترونیکی به یکدیگر متصل شدند که در این شبکه الکترونیکی مجموعه مدیران مهدهای کودک ایرانی اطلاعات پرونده آموزشی کودکان ایرانی را در فضای شبکه به ثبت می‌رساندند و همچنین شبکه به‌عنوان ابزار ارتباط‌گیری و ارائه جزوات آموزشی به کار گرفته می‌شد؛ اما متأسفانه اطلاعات شبکه مذکور در سال ۱۳۸۸ به یونسکو ارائه شد. طبیعتاً این سازمان و مجموعه سازمان‌های مردم‌نهاد وابسته به یونسکو و یونیسف در ایران موظف به تلاش برای نهادینه ساختن فرهنگ ایرانی-اسلامی میان کودکان ایرانی نیستند و برای برگزیدگان سیستم مطبوع خود در امر روانشناسی کودک همچون فروید، روسو، مونته‌سوری، پیاژه و دیگران به تبلیغ می‌پردازند. لذا هم‌اکنون در صفحه متعلق به اغلب مهدکودک‌های عضو شبکه الکترونیک مهدهای کودک، جزوات منطبق با دستورات روانشناسی فروید دیده می‌شود. در دوره‌های آموزشی که به‌صورت نیمه‌خصوصی در این شبکه برگزار می‌شود نیز نظریه شرطی کلاسیک پاولف، نظریه شرطی کنشگر اسکینر، نظریه فروید، نظریه رشد اجتماعی اریکسون، نظریه رشد اخلاقی کلبگ، نظریه رشد بندورا و نظریه رشد شناختی پیاژه تدریس می‌گردد. این در حالی است که متأسفانه هنوز دستورالعملی بهتر از همین فرمان‌های سیستم آموزشی غربی به زیرمجموعه مدیران مهدهای کودک ارائه نشده، هرچند بنا بر اطلاعات به‌دست‌آمده، طرحی پیشرفته و بومی با همین هدف در حال حاضر در شورای عالی انقلاب فرهنگی تهیه شده است.

در جزوات آموزشی تهیه‌شده توسط مرکز بین‌المللی آموزش «مونته‌سوری»<sup>۲</sup>

۱. مجتبی همتی فر، وقتی مهدکودک سکولار باشد، پورتال خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳، کد خبر: ۲۵۱۵۷۲۴.  
Monte Syria. ۲

به‌وضوح قوانین اولیه جهان‌بینی صهیونیستی، «کابالا»<sup>۱</sup> در قالب آزمایش‌های کودکانه و بازی‌های ساده به کودک یاد داده می‌شود. همچنین داستان تکامل برآمده از تز داروین‌یسم نیز در شکل داستانی «ماجرای آفرینش» برای کودکان بازگو می‌شود. در واقع مونته‌سوری، روش آموزشی غربی است که به دلیل فقدان برنامه آموزشی واحد، در مهدهای کودک ایرانی، به اسم ترویج فرهنگ صلح و مدارا، در قالب سازمان‌های غیردولتی در حال اجرای برنامه‌های سازمان‌های بین‌المللی در ایران و برای کودکان است.<sup>۲</sup>

با این حساب برآیند وضع موجود محتوای تربیتی مهدهای کودک حاکی از این است که مهدهایی که دارای تربیت عالمانه دینی باشند و بتوانند کودکان را با نمادها و شعائر دینی همچون نماز و مسجد آشنا سازند (نگرش‌سازی) و مهم‌تر اینکه، مهدهایی که متولیان آن‌ها و مربیانشان با رفتار و کردارشان، تصویرآفرینی مثبت دینی و مسجدی در کودکان داشته باشند و از نماز و مسجد ارزش‌آفرینی کنند در اقلیت‌اند. بخش کثیری از مهدهای کودک، التقاط محتوایی دارند و بخش قابل توجهی نیز محتوای غیردینی دارند.

به نظر می‌رسد از مهدهای کودک فعلی چندان نباید انتظار داشت که کودکان در این مهدها با نماز و مسجد آشنا باشند و نهاد مسجد در ذهن و اندیشه کودکان جذاب باشد.

۱. Kabbalah.

۲. محمدصادق فقفوری، همان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳.



**۱. لزوم توجه به ایجاد مهدهای کودک مناسب**

با توجه به نیاز جامعه دینی ما توجه به این موارد و سرمایه‌گذاری بیشتر برای تأسیس مهدهای کودک با معیارهای اسلامی مهم و ضروری است؛ زیرا از این طریق این‌گونه مراکز می‌توانند در کنار خانواده‌ها در امر تربیت صحیح فرزندان مشارکت کنند و بخشی از نگرانی‌های تربیتی والدین و به‌خصوص مادران را رفع کنند؛ البته نکته‌ای که باید در اینجا متذکر شد این است که هرگز نباید فراموش کرد که بن‌مایه‌های اولیه فرهنگی و اعتقادی لازم برای این مقوله وجود دارد و نیازی به وضع و دریافت پاره‌ای از مسائل از فرهنگ بیگانه نیست.<sup>۱</sup>

جالب است که اخیراً طرحی تحت عنوان مهد کودک مساجد مطرح شده و در شورای عالی انقلاب فرهنگی در دست بررسی است؛ در این طرح در نظر است تا مهدهای کودک در تعامل نزدیک با فضای معنوی مسجد و نیز محتوای تربیتی متعالی آن قرار گیرند. این طرح گام‌های ابتدایی خود را می‌پیماید و بدون تردید نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهایی دارد که لازم است بدون یکجانبه‌نگری و دخیل نمودن احساسات دینی، به شکلی کاملاً منطقی و آینده‌نگر، مورد بررسی قرار گیرد.

۱. اقدس عظیمی، مهد کودک هفته‌نامه حزب موتلفه اسلامی، «دینی از رؤیا تا واقعیت»، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸، کد مطلب: ۹۶۷۵.

## ۲. ضرورت آموزش دینی مربیان مهد کودک

ناکارآمدی شیوه‌های سنتی آموزش و تربیت، نداشتن نگرش دینی نسل پرورش‌دهنده، فقر مدیریت فرهنگی و آموزش‌های خرافه‌ای- و نه اخلاقی و عقلانی- از علل اصلی نهادینه نشدن ارزش‌های معنوی و فرهنگی در کودکان و جوانان هستند. همه این نتایج نقشه راه ضرورت توجه به آموزش در مهد کودک را ترسیم می‌کنند.

نهادهای مسئول در مهد کودک و در رأس آن‌ها سازمان بهزیستی باید چنان برنامه‌ریزی داشته باشند که:

**الف: کودکان مربیان** مجرب و زبده به لحاظ اخلاقی و دینی داشته باشند و برای این کار لازم است علاوه بر گزینش ابتدایی مربیان و اطمینان از وجود ملاک‌هایی در این خصوص، به آموزش‌های بدو و ضمن خدمت آن‌ها توجه ویژه داشته و آن‌ها را با محتوای تعالیم دینی و نمادها و رفتارهای آن همچون نماز و مسجد آشنا سازند و نیز نحوه انتقال این مفاهیم را به کودکان مهد کودک، یاد دهند.

**ب: محتوای مشخص** و معینی را برای همه مهدهای کودک تعریف نمایند تا هرکسی برحسب صلاحدید و تشخیص خود به ارائه محتوای تربیتی متفاوت اقدام ننماید. این کار نظارت بر آن‌ها را نیز بسیار سهل و ممکن خواهد ساخت. در این محتوا باید مهم‌ترین نیازهای زیستی کودک هم به لحاظ روحی و هم جسمی مورد توجه قرار گیرد.

بدون تردید یکی از موارد مطرح در این محتوا، محتوای مربوط به نماز و مسجد خواهد بود.

البته در خصوص این راهکار قابل ذکر است، از آنجاکه بخش عمده‌ای از مشکلات و یا به بیان دیگر، بهانه‌های مسئولان در عدم تحقق آموزش مناسب، کمبودهای مالی و ضعف بودجه آموزش است، می‌توان روی نهاد مسجد و آموزش‌های مخلصانه و بی‌هزینه و نهایتاً کم‌هزینه آن، حساب کرد و از ظرفیت‌های سخت‌افزاری و

نرم‌افزاری آن در جهت آموزش محتوای دینی به مربیان مهدها بهره گرفت. به‌ویژه که نهاد مسجد با مجموعه‌ای از نهادهای دینی دیگر همچون حوزه‌های علمیه ارتباط دارد و مسئولان متولی آن می‌تواند نقش خوبی را به‌عنوان حلقه وصل، در جهت سریان و جریان یافتن معارف اصیل دینی از سوی حوزه‌ها به مهدها، ایفا نمایند.

### ۳. جهت‌گیری فرهنگی دادن به نظارت‌ها

در مهدکودک‌های موجود، بیشتر به برگزاری جشن‌ها و اعیاد ملی و نه مذهبی تأکید می‌شود و این جداسازی به‌مرور ملکه ذهن کودک می‌شود. این‌ها همه در حالی است که نظارت بر کار مهدکودک‌ها بیشتر به رعایت بهداشت در محیط و بررسی امکانات عینی و ملموس در مهدکودک‌هاست و نظارتی بر شیوه آموزشی و برنامه‌پرورشی آنان اعمال نمی‌شود.<sup>۱</sup> لذا لازم است به‌طور جدی، بر محتوای تربیتی مهدهای کودک و نوع تغذیه فرهنگی آن‌ها توجه و نظارت جدی صورت گیرد. نهاد مسجد می‌تواند و باید چنین رویکردی را از سازمان‌های مسئول، مطالبه نماید و نیز در جهت همکاری نظارتی و در حد توان نیروی فرهنگی خود، اعلام آمادگی نماید.

۱. مهدکودک‌ها و تربیت مدرن، مجله اینترنتی دختران ایران: [www.dokhtiran.com](http://www.dokhtiran.com).

## بخش دوم: آموزش و پرورش

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

تربیت و شکل‌گیری شخصیت افراد به‌ویژه نسل جدید، تحت تأثیر عوامل مختلف درونی، بیرونی و حتی عوامل فوق طبیعی قرار دارد. عوامل گوناگون مؤثر در تربیت، هر کدام در جای خود مهم و دارای درجه خاصی از تأثیر است. در این میان دو عامل خانواده و مدرسه نقش بسیار برجسته‌ای نسبت به دیگر عوامل دارند و در واقع این دو هستند که شخصیت افراد را شکل می‌دهند. خانواده نخستین محل تعلیم و تربیت و عرصه آموزش برای تمام افراد است. اینجاست که بخش اعظم سلايق و علايق، شخصیت و الگوهای رفتاری افراد شکل می‌گیرد. مدرسه نیز به‌عنوان مکمل خانواده، کانونی است که در آن افراد علاوه بر کسب معلومات، تربیت می‌شوند و در آن دو عامل کلی بیش از سایر عوامل در نحوه تربیت دینی کودکان و نوجوانان نقش بازی می‌کنند: یکی از آن‌ها مربوط به محتوای کتب آموزشی است که در صورت داشتن استانداردهای لازم، نقش بسزایی در انگیزش دینی فرزندان خواهد داشت و دومی، نقش بارز و بی‌بدیل معلم است که بر حسب جایگاه و کارویژه‌های

خاصی که دارد مهم‌ترین نقش را در به‌ثمرنشستن محتوای آموزشی - بنابر فرض مطلوبیت- در روح و روان کودکان و نوجوانان بازی می‌کند. بر این اساس موضوع تربیت دینی دانش‌آموزان در مدارس و آشنا ساختن آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین اهداف نظام آموزشی است که در این قسمت از تحقیق به بررسی بایسته‌های محتوای آموزشی و معلم مطلوب و وضع موجود آن‌ها در مدارس کشور - در حد وسیع این تحقیق - پرداخته می‌شود:

۱. وضع موجود محتوای آموزشی کتب درسی

انجام رسالت تربیت دینی فرزندان و نیز آشنایی آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت، در کشور ما تا حد قابل توجهی به نهاد آموزش و پرورش واگذار شده است. در درون این نهاد نیز کتاب‌های درسی به عنوان یک سازوکار مؤثر مطرح هستند و محتوای این کتاب‌ها می‌توانند نقش مؤثری در هدایت و پرورش دینی و اسلامی دانش‌آموزان ایفا کنند.

در همین راستا نتایج یک تحقیق در محتوای کتب دینی سال دوم متوسطه نشان می‌دهد که توجه به معیار اهمیت دین و مفید بودن دین در زندگی در این کتاب زیاد مورد توجه قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد از جمله دلایلی که این کتاب نتوانسته است برای دانش‌آموزان اهمیت و کاربردی داشته باشد بتوان به مواردی چون تکراری بودن مطالب کتاب، عدم بیان مطالب اساسی و بنیانی تری که باید در قالب این درس ذکر شود (ولی به این موضوع توجهی نشده است) و ارتباط ضعیف محتوای درس با مسائل زندگی روزمره دانش‌آموزان و به عبارت دیگر به روز نبودن مطالب و بیان مطالب سطحی اشاره کرد. در حالی که محتوای این درس به خاطر اهمیت فراوانی که در جامعه دینی ما دارد، باید به گونه‌ای تدوین شود که قبل از هر چیز، دانش‌آموزان با مطالعه آن، این درس را کاملاً مفید احساس کنند و محتوا به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز، خود به دانستن آن احساس نیاز کند. علاوه بر این توجه به معیار سودمندی در این تحقیق با استفاده از شاخص‌های پاسخگویی به نیازها و مسائل دینی دانش‌آموزان، ارتباط بین دین و زندگی و سودمندی دین در زندگی مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد در کتاب دین و زندگی دوم متوسطه به معیار سودمندی دین در زندگی توجه زیادی نشده است.<sup>۱</sup> یکی دیگر از محققان در مقام تبیین ضعف‌های محتوای آموزشی نظام آموزش و پرورش

۱. ناهید صادقی لویه و همکاران، نشریه اطلاعات، «تحلیل محتوای کتاب درسی دین و زندگی پایه دوم متوسطه از دیدگاه معلمان»، ۱۳۹۲/۹/۳۰.

کشور می‌گوید: نخستین آسیب، فقدان برنامه‌ریزان و کارشناسان باصلاحیت، در طراحی و تولید برنامه‌های درسی دینی است. آموزش و پرورش برای برنامه‌ریزی درس دینی، به کارشناسان و صاحب‌نظرانی نیاز دارد که در آموزش معارف دینی متخصص باشند. وجود تنوع در مطالب کتاب‌های دین و زندگی، استفاده از آثار نویسندگان و متفکران اصیل و مشورت کردن با خود دانش‌آموزان برای انتخاب مطالب درس دینی، می‌تواند این اطمینان را به دانش‌آموزان بدهد که به‌هیچ‌وجه، هدف از کلاس دینی، تحمیل پاره‌ای از آموزه‌های از پیش تعیین‌شده نیست.

همچنین عدم آشنایی برنامه‌ریزان و مؤلفان کتب دینی با دین‌پژوهی‌های معاصر و تغییر و تحولات نوینی که در عرصه دین‌پژوهی صورت گرفته است، یکی دیگر از آسیب‌های جدی در برنامه‌ریزی و محتوای آموزشی است.<sup>۱</sup>

از محتوای کتب درسی آموزش و پرورش انتظار می‌رود همچنان که مفید بودن برخی مهارت‌های زندگی را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد و با استدلال‌های عقلی و مناسب برایشان مسائل را تبیین و درونی‌سازی می‌کنند، در موضوعات دینی و از جمله اقامه نماز به شکل نماز جماعت و همچنین آشنایی با نمادهایی همچون مسجد و روحانیت نیز با شکلی مطلوب و جذاب، اقدام شود. در حال حاضر، هر چند محتوای آموزشی غیردینی و ضد دینی در آموزش و پرورش تقریباً وجود ندارد و به لحاظ حجمی، بخش زیادی به محتوای دینی اختصاص یافته است، لیکن خروجی محتوای آموزش و پرورش در فراگیران آن، آشنایی مناسب، مستدل و الهام‌بخش با مسائل دینی و نمادهای آن همچون برپاداشتن نماز و برقراری ارتباط با مسجد نیست.

۱. بیژن عبدالکریمی، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، «آسیب‌شناسی پاره‌ای از مبانی نظری تعلیم و تربیت دینی در ایران»، ج ۱، ص ۲۱۷ و ۲۲۱.



## ۲. وضعیت معلمان نظام آموزش کشور

در مدرسه عوامل مختلفی وجود دارند که در امر تربیت مؤثرند از قبیل برنامه‌های درسی، مواد آموزشی، سازمان مدرسه و امکانات آموزشی آن؛ ولی هیچ‌یک از این‌ها به اندازه معلم، چه به لحاظ آموزشی و چه تربیتی اهمیت ندارد؛ زیرا این معلم است که به همه آن عوامل جان می‌بخشد و آن‌ها را سودمند و نتیجه‌بخش و یا احیاناً مضر و زیانبار می‌سازد. همچنین اوست که نسل‌ها را به همدیگر ارتباط می‌دهد، فرهنگ جامعه را حفظ می‌کند، تغییر می‌دهد و تکامل می‌بخشد، به رفتار دانش‌آموز شکل می‌دهد و افراد موردنیاز جامعه را تربیت می‌کند. از طرفی در نگاه اسلامی و در کشور ما، فرض تربیت بدون توجه به تربیت دینی مسئله‌ای بی‌مفهوم و حتی نامطلوب است و بخش قابل توجهی از تربیت مربوط به تربیت دینی است. لذا در تربیت دینی فرزندان در نظام آموزش و پرورش به دنبال سه هدف هستیم: دانش‌آموزان آموزه‌های تربیت دینی را درست و مستدل یاد بگیرند و برآشت‌های صحیحی از حقایق معنوی و دینی داشته باشند، با آگاهی از مزایا و مصالح دنیوی و اخروی آموزه‌های دینی، در ذهنشان ارزش‌آفرینی شود و آموزه‌ها و معارف شناسایی شده را با صفت خوب و مفید و دوست‌داشتنی بشناسند و نهایتاً هم به سمت انجام عملی آن‌ها سوق داده‌شده و رفتار و کردارشان در تمام زمینه‌ها در چارچوب این معارف باشند. معلم در هر سه محور نقش‌های مهمی باید و می‌تواند ایفا کند که محور سوم در فصل بعدی مورد بررسی قرار می‌گیرد و اینک به تبیین و وضعیت دو هدف ابتدایی می‌پردازیم:

### ۲-۱. نقش معلم در شناساندن معارف دینی و مسجدی:

معلم به از این نظر که مستعدترین افراد به لحاظ ذهنی و پاک‌ترین آن‌ها به لحاظ قلبی و روحی و عاطفی، یعنی کودکان را در اختیار دارد، و هم‌چنین به دلیل اینکه بیشترین وقت دانش‌آموزان را در اختیار دارد و مهم‌تر از همه عهده‌دار آموزش و تعلیم آنان است، می‌تواند نقش بسیار ممتازی در تربیت دینی و آشنایی کودکان با نمادها و شعائر دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت (امام‌جماعت) ایفا نماید.

او می‌تواند از فرصت‌های متعددی که در حین درس دادن برایش فراهم می‌شود، استفاده کند و عقاید اسلامی و آموزه‌های دینی را درست تبیین و باورهای نادرست و خرافاتی را مانند این عقیده که «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است» که در اذهان بچه‌ها از طریق خانواده، یا محیط بیرون نقش بسته، از نگرش‌ها و باورهای دینی آن‌ها جدا کند.

کودکان به خاطر حس کنجکاوی پرسش‌های فراوانی راجع به مسائل مختلف از جمله مسائل دینی دارند که ممکن است به پاسخ قانع‌کننده‌ای دست نیافته باشند؛ مانند اینکه «چگونه ممکن است خدایی که جسم و مکان ندارد مسجد خانه او باشد؟» و یا ممکن است با پاسخ‌های غلطی که از والدین و یا کسانی دیگر دریافت کرده‌اند، عقایدی نادرستی پیدا کرده باشند. معلم می‌تواند با جواب به سؤالات و در مواردی نیز با تفکیک مسائل دینی از غیر آن، عقاید آن‌ها را پالایش کند. او حتی وقتی که فیزیک، شیمی، ریاضی، زبان خارجی، ادبیات و ... تدریس می‌کند نیز می‌تواند در ضمن آن‌ها و در فرصت‌های مناسب به تبیین معارف دینی و مسجدی بپردازد.<sup>۱</sup>

## ۲-۲. نقش معلم در ارزش‌آفرینی:

شناخت معارف و آموزه‌های دینی مستقلاً و فی‌نفسه برای مطلوبیت ذهنی و روانی آن‌ها کافی نیست و سبب دوست داشتن آن‌ها نمی‌شود. همچنان که شناخت رذایل و عقاید نادرست نیز به تنهایی برای طرد ذهنی آن‌ها مکفی نیست و بلکه به تبیین مضرات و منافع و کارکردهای آن عقیده و رفتار نیاز دارد. باید مصلحت‌های موجود در فضائل اخلاقی مانند راست‌گویی و به مسجد رفتن و نماز خواندن و فواید دنیوی و اخروی آن‌ها گفته شود و متقابلاً مضرات و مفسده‌های ترک این رفتارها توسط معلم بازگویی شود تا دانش‌آموزان جذب آن‌ها شده و آن‌ها را به‌عنوان یک ارزش (امر مطلوب و مفید و خوب) در ذهن خود بپذیرند. با اینکه آگاهی از اصل وجود خدای واحد صرفاً یک شناخت است، ولی زمانی که

۱. مرضیه نوروزی، دانشنامه روانشناسی و علوم تربیتی، «مدرسه و اجتماعی شدن مذهبی دانش‌آموزان»، ۱۳۹۱/۲/۲۹، کد مطلب ۱۱۱۳۳.

از الطاف بی‌کران خداوند بر بندگان گفته شود و مضرات دور افتادن از خدا بیان گردد، از مقوله توحید، ارزش آفرینی نیز صورت می‌گیرد که نتیجه ارزش آفرینی، رفتار آفرینی‌های مورد نیاز است؛ لذا با ارزشمند دانستن نماد مسجد، کودکان به رفتن بدانجا سوق پیدا می‌کنند و با ارزشمند شناختن توحید، در امتثال اوامر خداوند از جمله نماز، کوشا و فعال می‌شوند.

همچنین هر چه دانش‌آموزان نگاه مثبت‌تری به معلمشان داشته باشند، احتمال بیشتری دارد که نگرش خود را مطابق نظر وی تغییر دهند؛ لذا معلم می‌تواند با دین‌داری، گشاده‌رویی و خوش‌رویی، خلق نیکو، تواضع و احترام به دانش‌آموزان، زهد و بی‌رغبتی به دنیا و آراستگی و زیبایی ظاهری، محبوبیت خود را نزد دانش‌آموزان افزایش دهد. معلم نباید هیچ‌وقت دانش‌آموز را مورد تحقیر و توهین قرار دهد؛ زیرا ممکن است کودک را فراری بدهد و نفرتی در دل او نسبت به معلم و آموزه‌های او مانند نماز و مسجد ایجاد کند، به‌گونه‌ای که گفتار و کردار معلم برای او قابل قبول نباشد.<sup>۱</sup>

#### « جمع‌بندی:

نگاه به وضع موجود گویای ناهمخوانی‌های قابل توجه و مشهود بین بایسته‌های مذکور با شرایط و ویژگی‌های معلمان موجود در مدارس است؛ خصوصاً از زمانی که نظام آموزش و پرورش صبغهٔ مادی به خود گرفته و با سوق دادن تعلیم و تربیت دانش‌آموزان به سمت مدارس غیرانتفاعی، مقوله تربیت در شکل عام آن و تربیت دینی در شکل خاص آن، اصولاً از اولویت‌های نظام آموزش کشور خارج شده است؛ هر چند متقابلاً مدارس نیز صرفاً با دغدغه‌های توجه به مسائل تربیتی شکل یافته‌اند، ولی تعداد آن‌ها بسیار کم و اندک است؛ لذا در حال حاضر یکی از مؤلفه‌های مهم که مانع تربیت صحیح دانش‌آموزان در حوزهٔ دین می‌شود، وجود مربیان و معلمان ناکارآمد در حوزه تربیت دینی و مسجدی است. (آموزش و پرورش در بسیاری از موارد، کسانی را در سمت معلم و خصوصاً معلم دینی، به کار گماشته

۱. همان.

که به علت ناپختگی و رفتار نامناسب و نیز عدم بینش و شناخت کافی از [اخلاق حرفه‌ای و تعالیم] دین، موجبات عدم آشنایی [و دل‌ن بستن به آموزه‌ها، معارف و نمادهای دین] و یا حتی یأس، افسردگی و نفرت دانش‌آموزان نسبت به مسائل دینی را فراهم آورده‌اند.<sup>۱</sup>

همچنین متأسفانه در مراکز آموزشی خصوصاً در پایه‌های ابتدایی مشاهده گردیده است که معلم و مربی در روان‌خوانی قرآن مشکل جدی دارد و تسلط کامل به قرائت و روخوانی قرآن ندارد. گاهی هم تسلط کامل دارد اما به دلیل نگرش‌های ضعیف و اشتباه، وقت کلاس قرآن و دینی را با کلاس ریاضی و زبان پر می‌کند و دلیل هم می‌آورد که این واجب‌تر است، بچه‌ها ضعف دارند والی آخر!<sup>۲</sup> با این وضعیت که اصل تربیت دینی و آموزه‌های اصولی دین در مدارس با مشکل مواجه است، حساب تعالیم و آموزش‌های مربوط به نماز و مسجد ناگفته معلوم است!

۱. محمدی، مزگان، «رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت»، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، ص ۳۲۲-۳۲۳.

۲. حسن آخوندپور، بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه و ارائه راهکارهای کاربردی، پورتال صلوات صدوسیما.

۱. اصلاح و ارتقای محتوای درسی و شیوه‌های آموزشی

۲. ارتقای الگوهای رفتاری دانش‌آموزان (معلمان)

۳. اقامه نماز جماعت مطلوب در مدارس

۳-۱. توسعه فرهنگ اقامه نماز و اهتمام به برپایی نماز جماعت در مدرسه با تلاش برای طراحی، ساخت و تجهیز مناسب نمازخانه، اصلاح برنامه‌ها و توانمندسازی معلمان.

اقامه نماز جماعت و شرکت جستن در مراسم مختلف، توسط عوامل مدرسه (مدیر، معاونان، مربی و معلمان) بسیار اهمیت دارد. این اهمیت زمانی بیشتر خواهد شد که آن‌ها سعی کنند با دانش‌آموزان رابطه‌ای ملموس، صمیمی و دوستانه‌تر برقرار کنند و آنان را در این امر واجب و مهم تشویق و راهنمایی نمایند.<sup>۱</sup>

۳-۲. اختصاص بهترین و زیباترین مکان در مدرسه به نمازخانه، همراه با تزئین و رنگ‌آمیزی مناسب، به‌طوری‌که برای ورود به این مکان در دانش‌آموز رغبت و تمایل درونی ایجاد نماید. (نوجوان و جوان در مقطع سنی قرار دارند که از حس زیباشناسی بالایی برخوردار بوده، به همین دلیل زیبایی مکانی که در آن حضور پیدا خواهند کرد، برایشان بسیار مهم است و نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.) در حال حاضر، از نظر امکانات، نمازخانه‌های موجود در مدارس، به جز فرش در مابقی موارد (حرارتی، برودتی و بهداشتی) در حد بسیار محدود و نامطلوبی قرار دارند که لازم است به برنامه‌ریزی جهت تهیه امکانات اولیه برای آن‌ها توجه شود.

۳-۳. سهیم نمودن دانش‌آموزان در مدیریت و برنامه‌ریزی اقامه نماز جماعت و فعالیت‌های نمازخانه‌ها و مساجد در سطح مدارس؛ بدیهی است ایجاد چنین بستری، باعث می‌شود تا نوجوانان با قبول مسئولیت‌ها بیشتر به مساجد و

۱. نتایج بیش از ۶۰ طرح تحقیقاتی از واحد تحقیق ستاد مرکزی اقامه نماز کشور، ص ۹.

نمازخانه‌های مدارس روی آورند. همچنین هماهنگی مدیریت مدرسه برای پخش اذان حلقومی و زنده، در ساعات شرعی به صورت چرخشی که دانش‌آموزان بیشتری را دربرگیرد، از دیگر راه‌های جذب نمودن دانش‌آموزان به نماز جماعت است. ۳-۴. شناسایی باورهای غلط و موانع حضور دانش‌آموزان در نمازخانه‌ها و مساجد سطح مدارس، همراه با ارائه راهکار عملی برای حذف موانع و تقویت موارد جذاب و تبیین باورهای عقلانی.<sup>۱</sup>

ذکر این نکته حائز اهمیت است که از آنجاکه خلق و خوی مجریان اقامه نماز و مهارت اجتماعی آنان، در برقراری ارتباط با نمازگزاران، به‌ویژه نوجوانان و جوانان در مدارس، فوق‌العاده حساس و مهم است، لذا انتخاب افرادی به‌عنوان مجریان اقامه نماز در مدرسه که از لحاظ ظاهری، اخلاقی، درسی و رفتاری موردعلاقه دانش‌آموزان باشند، توصیه می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. محمدعلی موظف رستمی، روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و نماز جماعت، ص ۱۸۳-۱۸۸.

۲. همان، ص ۱۷۵-۱۷۶.

## ۴. تعامل مدرسه با نهادهای تربیتی

نهادهای سازه‌ی و تقویت همکاری مدرسه با مراکز فرهنگی و علمی محله به‌ویژه مسجد و کانون‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه از راهکارهای عمده در این بخش است.<sup>۱</sup>

به‌عنوان نمونه دعوت از امام جماعت مسجد هم‌جوار مدرسه، برای ایراد سخنرانی در مناسبت‌های مختلف به‌خصوص ایام میلاد و برگزاری جشن‌های اسلامی و ملی، یکی از راه‌هایی است که می‌تواند زمینه‌آشنایی و انس بین دانش‌آموزان و مدیر مسجد (امام جماعت) را فراهم سازد. اگر ائمه جماعات مساجد، با برنامه‌ریزی دقیق و ارائه سخنرانی پرمحتوا، هدفمند و جهت‌دار (آمدگی کامل)، در این جلسات حضور پیدا کنند و از نظر ظاهری با چهره‌ای خندان، آراسته و پاکیزه در مراسم شرکت نمایند، زمینه استمرار این ارتباط را بیشتر فراهم خواهند نمود.

مدیریت مدرسه باید تلاش نماید تا از طریق انجمن اولیا و مربیان به‌صورت هفتگی، ماهانه و یا مقطعی، جلسات مشترکی را با امام جماعت مسجد هم‌جوار و یا مدیران مساجد برگزار نماید. تعامل ایجادشده موجب پیوند مدرسه، خانواده و مسجد خواهد شد و در سایه این هماهنگی، در چگونگی تشویق و ترغیب کودکان و نوجوانان به نماز و مسجد ایجاد خواهد شد و در نهایت زمینه جذب آنان را فراهم خواهد نمود.<sup>۲</sup>

۱. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، مصوب شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.

۲. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۷۷ و ۱۸۰.

## ۵. تبلیغات محیطی در مدارس

۵-۱. استفاده از تابلوهای زیبا حاوی عکس، طرح و تصویری از مساجد مشهور جهان اسلام که از حیث مذهبی، تاریخی و اعتقادی از ارزش و اهمیت ویژه‌ای در بین مسلمانان برخوردار باشند و نصب آن‌ها در مکان‌های مناسب مدرسه، جهت تبلیغ بصری حائز اهمیت خواهد بود. هم‌چنین پوستر، شعارنوشته، آویز و دیوارنویسی حاوی مطالب و اشعاری که جنبه عاطفی داشته و فریضه نماز جماعت را به شکل خوشایندی نشان داده، نصب کنند تا احساس خوب و مطلوبی از نماز جماعت در نظر دانش‌آموزان پدید آید.<sup>۱</sup>

۵-۲. مسئولان مدارس با مشارکت دانش‌آموزان بعضی رفتارهای معروف [همچون اقامه نماز و شرکت در نماز جماعت] را در تابلوی مدرسه نصب کنند و پس از تعیین زمان مناسب، از آن‌ها مسابقه‌ای برگزار کنند. هم‌چنین می‌توانند کتب مناسب را در این زمینه برای مسابقه معرفی کنند تا بدین وسیله دانش‌آموزان با این فرایض آشنا شده و از این طریق زمینه برای تربیت و تزکیه آن‌ها فراهم شود.<sup>۲</sup>

۵-۳. برگزاری نمایشگاهی از کتب، فیلم‌ها و عکس‌های مرتبط با موضوع نماز و مسجد در سطح مدارس، به خصوص در مقطع دبیرستان.<sup>۳</sup>

۱. ر.ک: نتایج بیش از ۶۰ طرح تحقیقاتی از واحد تحقیق ستاد مرکزی اقامه نماز کشور.

۲. همان.

۳. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۸۹.



## ۶. آگاهی دهی به دانش آموزان

تبیین جایگاه و منزلت مساجد در اذهان دانش آموزان و نیز بیان آثار و نتایج حضور در مساجد با تمسک به ذکر آیات و روایات به طریق مقتضی و سودمند (به خصوص در مواقعی که فضای لازم برای بیان آن توسط سخنرانان، مدیران، دبیران و مسئولین تربیتی مدرسه وجود دارد) از دیگر عوامل افزایش کمی نمازگزاران خواهد بود. چه بسا علت اصلی بسیاری از بی رغبتی های دانش آموزان نسبت به نماز، نداشتن آگاهی و شناخت کافی نسبت به نماز است. پس خانواده در درجه نخست و مربیان و معلمان مدارس در درجه بعد، باید سعی کنند تا در فرصت هایی که به دست می آید و با برنامه ریزی دقیق و منظم، آگاهی های صحیح و سالم، در مورد احکام نماز و ضرورت و اهمیت نماز در زندگی فرد را برای آنان شرح و توضیح دهند.<sup>۱</sup>

۱. همان، ص ۱۸۵.

## ۷. استفاده از ظرفیت تفریح و سرگرمی

تشکیل گروه‌های گردشگری و سفرهای زیارتی دانش‌آموزی با هدف بازدید از اماکن تاریخی و مذهبی. ضروری است در این سفرها، بازدید از مساجد تاریخی و مساجدی که به نحوی دارای امتیاز ویژه در فعالیت‌ها هستند، مورد توجه قرار گیرند.<sup>۱</sup>

## ۸. استفاده از ظرفیت کتابخانه مدرسه

تجهیز کتابخانه و نوارخانه مدرسه به کتب و نوارهای مذهبی و دینی به خصوص کتبی که در اهمیت نماز و جایگاه مسجد نوشته شده است و نیز فیلم‌های آموزشی با مفاهیم دینی جهت بهره‌برداری دانش‌آموزان.<sup>۲</sup>

## ۹. تعریف جایگاه نظارتی برای نهاد مسجد

همه آنچه گفته شد ناظر به این پیش‌فرض بود که در نظام اسلامی، توجه نهاد آموزش و پرورش به ترویج نماز و آشنا ساختن دانش‌آموزان با نماد مسجد و تصویرآفرینی مثبت از آن جزء وظایف اصلی و اولویت‌دار این نهاد در موضوع پرورش روحی و تربیت دینی است. لذا بیجا نخواهد بود که نهاد مسجد با اخذ تمهیداتی، جزء یکی از افراد گروه نظارت‌کننده بر عملکرد محتوایی و ساختاری مدارس باشد.

همه محورهای پیشنهادی، زمانی به شکل صحیح اجرا خواهند شد که مجری مناسب و در کنار آن ناظر توانمند و بینایی وجود داشته باشد و گرنه با توصیه و سفارش، کار به جایی نخواهد رسید.

نهاد مسجد و مسئولان آن باید به شکل جدی مطالبه‌گر وجود نمازخانه در مدارس، برگزاری نماز جماعت، پخش اذان، وجود محتوای نمازی و مسجدی مناسب در کتاب‌های درسی و مانند آن باشند و جایگاه رسمی و قانونی نظارت بر آن را داشته باشند.

۱. همان، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۱۸۸.

حضرت علی (ع) در وصف پیامبر (ص) می فرماید: «طَبِيبٌ دَوَّارٌ بَطِّبَهُ قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ وَ أَحْمَى مَوَاسِمَهُ يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ مِنْ قُلُوبِ عُمَى وَ آذَانِ صُمَّ وَ أَلْسِنِهِ بَكُمْ مُتَتَّبِعٌ بِدَوَائِهِ مَوَاضِعَ الْغُفْلَةِ وَ مَوَاطِنَ الْحَيْرَةِ» (نهج البلاغه، خ ۱۰۸) «پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) طبیبی است که برای درمان بیماران سیار است. مرهم‌های شفابخش او آماده و ابزار داغ کردن زخم‌ها را گذاخته. برای شفای قلب‌های کور و گوش‌های ناشنوا و زبان‌های لال، آماده و با داروی خود در پی یافتن بیماران فراموش شده و سرگردان است.»

امروز دیگر زمان آن نیست که نهاد مسجد بنشینند تا نهاد مدرسه به سراغش بیاید و از وی خاضعانه و با التماس در جهت تربیت دینی و مسجدی استمداد نماید؛ زیرا حقیقت آن است که در اثر رسوخ فرهنگ آموزش محوری آن‌هم با نگاه سوداگرانه در برخی مدارس و خارج شدن مقوله پرورش و تربیت دینی از اولویت‌ها، نهاد مدرسه بیمار شده و بر پیکره آن آسیب‌های فراوان وارد شده است به طوری که عزم و اراده لازم را برای حرکت خودجوش به سمت مسجد ندارد و لازم است که نهاد مسجد پیش قدم شود و گام اول و ابتدایی ارتباط با مدرسه و دانش‌آموزان از طریق امام جماعت و هیئت امنای مسجد محل برداشته شود.

## بخش سوم: خانواده

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

### ۱. نقش تأثیرگذار تربیتی خانواده

خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی است که نقش بسیار مهم و سرنوشت‌سازی، در شکل‌گیری شخصیت کودک و نوجوان ایفا می‌نماید. از سوی دیگر، انسان‌ها در تمامی جوامع و به‌خصوص در جامعه دین‌مدار مثل ایران تا پایان عمر ارتباط خود را با خانواده حفظ می‌نمایند؛ به‌گونه‌ای که توجه و الزام به اوامر و نواهی والدین، جزء لاینفک خصوصیات اخلاقی ایرانیان محسوب می‌گردد.<sup>۱</sup>

بنابراین جوّ تربیتی خانواده، در مذهبی و یا غیرمذهبی شدن فرزندان بسیار مؤثر است. خانواده‌هایی که مقید به انجام احکام و فرایض دینی هستند، از همان ابتدا فرزندان خود را با تکالیف دینی آشنا نموده و آموزه‌های دین را به آنان گوشزد می‌نمایند، در نتیجه چنین فرزندان‌هایی در هنگام جوانی مشکلی حاد پیدا نمی‌کنند؛ ولی خانواده‌هایی که اصولاً پایبند به احکام دینی نبوده و احساس مسئولیتی در

۱. محمدعلی موظف‌رستمی، همان، ص ۱۰۵-۱۰۶.

قبال پرورش معنوی فرزندان خود نداشته باشند، ضریب آسیب‌پذیری و شکست در انجام امور مذهبی را در آنان افزایش می‌دهند. جنبه بسیار مهم، مربوط به تربیت خانوادگی در خصوص جذب فرزندان به مساجد، نقش الگویی و سرمشق‌دهی خود والدین است. پدر و مادری که خود به‌ندرت به مسجد می‌روند و در انجام تکالیف شرعی مشکل دارند، پرواضح است که نمی‌توانند فرزندان مسجدرو و مسجسدوست تربیت نمایند و این یکی از معضلات فعلی بسیاری از خانواده‌هاست.<sup>۱</sup>

نظام خانواده با تولیت پدر و مادر، ویژگی‌ها و برون‌دادهایی در این خصوص دارد که این ویژگی‌ها در نهادی غیر آن عملاً ممکن نیست؛ برون‌دادهای تربیتی چون: کانون سالم تربیت و آموزش مسجدی؛ هرچند نهادهای دیگری نیز می‌توانند نقش تربیت و آموزش فرزندان را ایفا نمایند، ولی اغلب به سلامت و پاکی نهاد خانواده نمی‌توانند باشند. خانواده در انتقال ارزش‌های اخلاقی و مسجدی بهترین نقش را ایفا می‌کند. دلیل آن نیز عبارت است از دلسوزی عمیق و نیز عاشقانه و خالصانه بودن تربیت از طریق نهاد خانواده که در نهادهای هم‌عرض آن - غیر از مسجد - یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و صرفاً رویکرد مادی و سودآوری دارند و یا بسیار کم‌رنگ است.

#### « انتقال خالصانه تجربیات:

والدین فرزندان را جزئی از وجود خود می‌دانند و خالصانه و بی‌منت تجربیات دینی مانند مزایا و مصالح نماز خواندن و مسجدی شدن خود را به آن‌ها منتقل می‌نمایند؛ به‌طوری که تا این وظیفه خود را انجام ندهند آرام و قرار ندارند.

البته وجود خانواده شرط لازم برای موفقیت جامعه است نه کافی؛ لذا آوردن مثال‌های نقض از فرزندان ناموفق در برخی خانواده‌ها و مثال‌های موفق از تربیت در غیر خانواده کار درستی نیست زیرا اولاً باید کلیت یک جریان و مدل را بررسی و مقایسه نمود نه موردی و ثانیاً خانواده نیز برای موفقیت باید یکسری وظایف را درست انجام دهد. آری اگر خانواده مطلوب و سالم، زیربنای اصلی جامعه پایدار

۱. سید مهدی سجادی، جاذبه‌های مسجد؛ مسجد نقطه وصل، ص ۲۰۵.

است، متقابلاً خانواده متأثر از فرهنگ مادی الحادی و ناآشنا با اخلاق دینی و مسجدی، جایگاه مناسبی جهت رشد جسمی و عاطفی زوجین و کودکان ندارد؛ چنین خانواده‌ای به جای ارزش آفرینی از مسجد و آموزش نماز عاشقانه به کودکان، آن‌ها را با انواع رذایل آشنا می‌سازد و خود عاملی می‌شود برای بروز بسیاری از آسیب‌ها.<sup>۱</sup>

۱. محمدجواد ولی‌زاده، مسجد و خانواده/فروغ مسجد ۸ (مجموعه مقالات)، ص ۱۹-۲۰.

۳-۱. تفاهم بین والدین:

فعالیت‌های تربیتی و نگرش‌سازی‌ها و ارزش‌آفرینی‌ها از نمادها و رفتارهای دینی زمانی ثمربخش‌تر است که ثبات و آرامش بیشتری در خانواده موجود باشد. یکی از راه‌های ایجاد ثبات و آرامش در خانواده، تفاهم اعتقادی بین والدین است. رابطه بین اعضای خانواده (همسران با همدیگر و والدین با فرزندان) که از آن به جو یا بافت عاطفی خانوادگی تعبیر می‌شود، در انتقال مفاهیم تربیتی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

۳-۲. بعد الگویی خانواده:

اسلام به روش الگویی بسیار تکیه دارد و در ترسیم برنامه تربیتی همواره به این فن به‌عنوان شیوه‌ای بسیار مؤثر نگاه کرده و یکی از مکان‌های کاربرد آن را خانواده‌ها دانسته است. رفتار و اعمال والدین خواه‌ناخواه در فرزندان تأثیر می‌گذارد. فرزندان با چشمانی تیزبین به رفتار و گفتار والدین توجه می‌کنند. والدین در انتقال ارزش‌ها نقش الگو را به‌عهده‌دارند. اگر خانواده‌ها رفتارهای مذهبی را برای فرزندان خود می‌پسندند، ابتدا خود باید الگوی عملی باشند. اگر والدین مسجدي شدن را می‌پسندند، اول خود باید مسجدي باشند. اگر احترام به بزرگ‌تر را طالب هستند خود باید به بزرگ‌ترها احترام بگذارند.

۳-۳. جدیت و منظم بودن:

آموزش دینی، جدی است؛ بنابراین به نظم و جدیت نیاز دارد. خنده، شوخی و مزاح هرچند در حد خود پسندیده است، اما در خصوص دین و هنجارهای دینی جای هیچ‌گونه شوخی و مزاح نیست. کودک باید پی‌ببرد که هرآنچه به دین مربوط است، از ارزش و احترام برخوردار است. پس باید در برابر آن خاضع و خاشع بود. این اهمیت و جدیت در خانواده باید عملاً برقرار شود؛ مثلاً بسیار مشاهده می‌شود که هنگام مشاهده یک مسابقه فوتبال یا یک فیلم سینمایی، والدین،

۱. ایرج شاکری نیا، تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده، مصباح، ص ۱۵۵-۱۷۴.

بچه‌ها را مجبور به سکوت و آرامش می‌کنند؛ در حالی که چنین تعصبی را هنگام پخش برنامه‌های دینی و مذهبی ندارند و بدین ترتیب عملاً به این گونه برنامه‌ها بی‌حرمتی می‌کنند و ارزش آن‌ها را پایین می‌آورند. در حالی که اگر والدین این برخورد را برای برنامه‌های مذهبی به کار ببرند، نگرش فرزندان نیز دستخوش تغییر خواهد شد. خانواده‌های مذهبی همان گونه که برای درس و تحصیلات فرزندان با حرارت و جدیت صحبت و برنامه‌ریزی می‌کنند، برای ادای فرایض دینی و خصوصاً در مسجد نیز باید صبر، حوصله و وقت صرف کنند. همان گونه که ساعت‌ها صرف نقل و انتقال فرزندان برای کلاس‌های تقویتی می‌کنند، باید صرف حضور در مجالس وعظ و خطابه و مسجد و منبر کنند تا نتیجه مطلوب حاصل شود. همه‌چیز را نباید به دست حوادث و اتفاقات سپرد. باید با جدیت و تلاش زیاد به تربیت مذهبی فرزندان اقدام کرد و آن‌ها را نسبت به برخی آسیب‌های موجود واکسینه نمود.

### ۳-۴. تشویق تفکر و اندیشه:

تفکر در آموزش‌های اسلامی یکی از فعالیت‌های بسیار ارزشمند تلقی می‌شود به گونه‌ای که در حدیثی شریف، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «یک ساعت تفکر را از هفتاد سال عبادت برتر دانسته است»<sup>۱</sup> و حضرت علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «لا علم کالتفکر؛ هیچ دانشی مانند اندیشیدن نیست.»<sup>۲</sup> این تأکیدها برای این است که انسان جاهل به راحتی نمی‌تواند از اعتقادات خود دفاع کند. لازم است که فرزندان خود را نسبت به علت انتخاب رفتار دینی مانند نماز خواندن و مسجد رفتن هشیار ساخت و از آن‌ها خواست دنبال استدلال‌هایی باشند که در برابر مخالفان قافیه را نبازند و عرصه استدلال را تنگ نبینند.

### ۳-۵. ایجاد رابطه عاطفی:

برقراری رابطه صمیمانه و پرمهر و محبت برای الگو لازم است. تحقیقات روان‌شناسی نشان داده است که از بین عواملی نظیر شباهت، قدرت و صمیمیت، عامل صمیمیت

۱. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۶۶، ص ۲۹۳.

۲. سیدرضی، همان، حکمت ۱۱۳.



تأثیری قوی‌تر بر فرد به‌جای می‌گذارد<sup>۱</sup> ایجاد صمیمیت و رابطهٔ محبت‌آمیز باعث می‌شود که فرزندان از والدین و درخواست‌های آنان پیروی کنند؛ زیرا می‌ترسند که در غیراین‌صورت عشق و علاقه آنان را از دست بدهند.

### ۳-۶. کنترل‌های غیرمستقیم:

احتمال غفلت و فراموشی برای همگان هست خصوصاً برای کودک یا نوجوانی که اضطراب‌ها و اشتغالات ذهنی زیادی دارد. با توجه به این مراتب باید اذعان کرد که همگان به تذکر نیاز دارند و این امر برای کودکان و نوجوانان بیشتر صدق می‌کند؛ بنابراین آن‌ها برای انجام دادن اعمال و شعائر مذهبی نظیر نماز و روزه و حجاب و رفتن به مسجد نیازمند کمک و راهنمایی هستند. لذا مراقبت از برنامه‌های مذهبی کودک و نوجوان، تذکر به‌موقع و واداشتن آنان به این امور، لازم و حتمی است. در عین حال باید توجه داشت که این کنترل‌ها هراندازه غیرمستقیم‌تر و هنرمندانه‌تر باشد، مفیدتر است و احتمال گرایش نوجوان را به امور شرعی بیشتر می‌کند. نکته مهم دیگر اینکه این تذکرات و درخواست‌ها نباید جنبه خشونت، رسواگری و تنبیهی داشته باشد که در این صورت، نتیجه‌ای جز دوری هرچه بیشتر کودک و نوجوان از فعالیت‌های مذهبی نخواهد داشت.

۱. اتکینسون، ریتا، اتکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست، همان، ۱.

## « ب: وضع موجود

خانواده ایرانی در طی دهه‌های اخیر با تحولات گسترده‌ای روبرو بوده و در نتیجه تغییرات عمده‌ای در نقش‌های تربیتی آن پدید آمده است. شاید اگر بخواهیم همه تغییرات را در ذیل چند گروه ذکر کنیم، به دو محور کلی از تغییرات به شرح ذیل برسیم:

### ۱. تغییر در ارزش‌ها و هنجارها (عرفی شدن)

در گذار از سنت به مدرنیته و به همراه تغییرات فرهنگی جامعه، خانواده ایرانی دگرگونی‌های گسترده‌ای را تجربه کرده است. به طوری که بزرگ‌ترین مشکل خانواده امروزی گذار از دوره سنت به مدرنیته است. در این فرایند، بخشی از هنجارها و ارزش‌های نظام فرهنگی سنتی برایش کارکردی ندارد و بدیهی است که در توزیع وظایف، نقش‌ها و اهداف هم کارکردی نخواهد داشت. وضعیت کنونی نشانه‌هایی دارد که بیانگر ایجاد یکسری تغییرات ارزشی و هنجاری در نهاد خانواده است.

نتایج تحقیقاتی در شهر تهران نشان می‌دهد که دین‌داری مادران نسبت به دختران قوی‌تر و پایبندی آنان به اصول و ارزش‌های دینی محکم‌تر از دختران است و نیز در مورد داشتن حجاب اسلامی همسر، پدران نسبت به پسران به این امر اهمیت بیشتری می‌دهند. علاوه بر این مادران بیشتر از دخترانشان اوقات فراغت خود را در اماکن زیارتی و مذهبی همچون امامزاده‌ها و مساجد می‌گذرانند؛ اما در مقابل دختران بیشتر اوقات فراغت خود را صرف سینما، تئاتر، ورزش، پارک و کوه می‌نمایند. علاوه بر این پسران نسبت به پدران خود به معیارهایی نظیر خوش تیپ بودن همسر (۲۸,۴ درصد)، داشتن وضع مالی خوب (۳۱,۳ درصد) و دارا بودن تحصیلات عالی دانشگاهی (۴,۴ درصد) اهمیت بیشتری می‌دهند.<sup>۱</sup>

علاوه بر این بررسی‌ها نشان می‌دهد که صرف هزینه‌های زیاد برای قربانی کردن، سفر حج، سفره‌های نذری، صدقات و برگزاری مراسم‌ها و اعیاد مذهبی جای خود

۱. اسماعیل صدیق، جامعه‌شناختی تحولات فرهنگی - ارزشی خانواده در شهر تهران (پایان نامه)، ص ۲۱۷-۲۱۸.

را به‌صرف هزینه‌ها برای برگزاری جشن‌ها و سفرهای غیرمذهبی مانند جشن‌های تولد، عروسی، مهمانی‌های شبانه، سفرهای اروپا، دبی، آنتالیا، تایلند و جاهایی از این قبیل داده است. به‌طوری که بنا بر آمار رسمی مسافران ایرانی در صدر آمار گردشگران برخی از کشورهای غیر زیارتی قرار دارند.

از طرفی در زمینه صرف هزینه خانواده جهت امور مذهبی آمار نشان می‌دهد که ۱۰ درصد از شهروندان تهرانی هیچ هزینه‌ای را به‌عنوان صدقه، نذر، خیرات و مبرات نمی‌پردازند و یا درباره انجام مناسک مذهبی نیز ۷۲ درصد از شهروندان تهرانی اعلام کرده‌اند که هرگز در نماز جمعه شرکت نکرده و همچنین نزدیک به ۲۲ درصد هرگز در مراسم جشن‌ها و اعیاد مذهبی و یا عزاداری‌ها و مداحی‌ها شرکت نکرده‌اند؛ ۳۸ درصد هرگز در مراسم ختم قرآن و ۴۴ درصد در مراسم مذهبی و سفره‌های خانگی شرکت نکرده‌اند و نیز ۴۴ درصد اعلام کرده‌اند که برای زیارت به مشهد و ۴۷ درصد برای زیارت به قم نرفته‌اند.<sup>۱</sup>

۱. فرهنگ عمومی، طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیربیتی شهر تهران)، ص ۱۲۹-۱۴۴.

## ۲. تغییر در کارکردها و نقش‌های رفتاری

اگر یک چیز و تنها یک چیز در جامعه شهری امروز ایران به‌ویژه شهر تهران «واقعیت محض» باشد آن امر «تغییر رفتار خانواده» است. در یک بررسی که در سال ۱۳۸۹ و با عنوان «تحولات معاصر خانواده در شهر تهران» انجام شده «تنوع ساختاری»، «کاهش نقش حمایت‌گری شبکه خویشاوندی»، «فردگرایانه شدن ازدواج»، «گسترش روابط پیش از ازدواج»، «افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی»، «کاهش گفتمان خانواده‌گرایی»، «افزایش آسیب‌ها و اختلالات خانوادگی»، «افزایش مناسبات جنسی بیرون از خانواده»، «کاهش کارکردهای خانواده» و نهایتاً «کاهش اهمیت فرزندآوری ناخواسته» به‌عنوان روندهای روبه‌گسترش در زندگی خانوادگی تهرانی‌ها استخراج شده است.<sup>۱</sup> هم‌اکنون موجی از آسیب‌ها و تهدیدات از جمله «فمینیسم»<sup>۲</sup>، ورود فناوری‌های جدید و آسیب‌های اجتماعی مانند اعتیاد و طلاق، خانواده‌های ایرانی را تهدید می‌کند. جایگاه کنونی خانواده نسبت به گذشته بسیار متزلزل‌تر و نامطلوب‌تر شده است. خانواده امروزی نه دوام و بقای خانواده سنتی را دارد و نه در کارکردها و وظایفی که برای خانواده تعریف شده، همچون گذشته موفق و کارآمد است.

### « نتیجه‌گیری:

با توجه به آنچه گفته شد برحسب تغییرات ارزشی و رفتاری عمیق که در خانواده ایرانی پدید آمده، دیگر نمی‌توان کارکردهای شش‌گانه مذکور در محور قبلی را از خانواده امروزی و مانند گذشته انتظار داشت؛ در خانواده امروزی تفاهم بین والدین مانند گذشته مشاهده نمی‌شود. نگاهی به آمار بالای طلاق که روزبه‌روز نیز در حال افزایش است، گویای این امر است؛ مضاف بر اینکه بخش قابل توجهی از طلاق‌ها در آمار وجود ندارد و مشاهده نمی‌شوند زیرا از نوع طلاق عاطفی هستند. همچنین خانواده امروزی الگوی رفتاری مطلوبی برای فرزندان به شمار نمی‌رود و

۱. ر. ک: نعمت‌الله فاضلی، گونه‌های در حال ظهور خانواده در تهران، کتاب مجموعه مقالات زن و زندگی شهری، ۱۳۹۱.

۲. Feminism.

چنان نیست که توجهش به امتثال فضائل و دوری از رذایل، در حد الگوی خوبی برای فرزندان باشد، برای خانواده امروزی، نماز همچون گذشته، یک ارزش نیست و نماز جماعت رفتن و در مسجد حاضر شدن مورد اهتمام نیست. و در نهایت اینکه خانواده امروزی تعامل عاطفی خوبی با فرزندان ندارد و ارتباط عاطفی آن با فرزندان کمتر از گذشته شده است؛ افزایش آمار کودک‌آزاری، کودکان خیابانی و رهاشده، خانوارهای تک‌والد و خصوصاً از نوع زن‌سرپرست که با مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی مواجه‌اند و فرصتی برای امور عاطفی ندارند و نیز افزایش روابط فرازنشویی و خانوارهای بدسرپرست، همه و همه نشانه‌ها و قرائن دلالت‌کننده بر افول محبت و عاطفه در خانواده ایرانی هستند.

بی‌گمان بخش قابل توجهی از عوامل ایجاد این وضعیت، هم ناشی از فاصله گرفتن خانواده از تعالیم حیات‌بخش دینی و مراکز تربیت دینی همچون مساجد است و هم سبب فاصله گرفتن از تعالیم دینی و مراکز تربیتی همچون مساجد می‌شود.

**۱. نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی در فرزندان**

۱-۱. توجه جدی و اهتمام ویژه والدین به معاشرت فرزندان با دوستان و نیز ایفای نقش مثبت و فعال‌تر در دوست‌یابی فرزندان، می‌تواند سلامت اخلاقی و رفتاری آنان را در آینده تضمین نماید. والدین سعی نمایند در انتخاب دوستان فرزندان خویش، تأمل جدی داشته و زمینه‌ی دوستی با بچه‌های مسجیدی را فراهم نمایند و برعکس نسبت به ارتباط با دیگر دوستانی که به نحوی کمتر در مسائل مذهبی مقید می‌باشند، به‌طور غیرمستقیم، رفتاری سخت‌گیرانه (نه به‌صورت مستقیم و ملموس) داشته باشند. کمترین کار در این خصوص، معیار قرار دادن اقامه‌ی نماز و یا حضور در مسجد، برای انتخاب دوست برای فرزندان است.

۱-۲. والدین سعی نمایند در برقراری ارتباط با دیگر دوستان و خانواده‌ها دقیق‌تر عمل نمایند. برقراری ارتباط و دوستی والدین با خانواده‌های مذهبی و مسجیدی به‌طور غیرمستقیم بر فرزندان آنان نیز تأثیرگذار خواهد بود. حضور چندین ساعته در منازل یکدیگر، نوع‌گفتمان مورد استفاده در برقراری ارتباط، نوع فیلم‌هایی که نگاه می‌کنند و نوع برداشت و نگرش خانواده‌ها نسبت به پایبندی به امور دینی و مذهبی، در درازمدت تأثیرات مثبت و یا منفی خود را بر جای خواهد گذاشت.

۲-۳. والدین سعی نمایند با نزدیک شدن فرزندان به سن تکلیف، احکام مسجد و نماز جماعت را برای آن‌ها تبیین کنند. در این رابطه، استفاده از کتاب‌های احکام، ویژه نوجوانان و جوانان بسیار مناسب خواهد بود.

۱-۴. والدین لازم است از همان اوان کودکی به‌صورت حساب‌شده، نسبت به ترغیب فرزندان به انجام فرایض دینی اقدام نمایند و در مراحل بالاتر، به تقویت و بسط دامنه آموزه‌های دینی در آنان بپردازند.

۱-۵. والدین سعی نمایند افراد فعال و موفق مسجیدی را، به‌عنوان الگو برای فرزندان خود برگزینند و یکی از علت‌های موفقیت آنان را حضور مستمر در مسجد، معرفی نمایند.<sup>۱</sup>

۱. محمدعلی موظف‌رستمی، همان، ص ۱۲۵-۱۲۶، ۱۳۰-۱۳۱ و ۱۴۰-۱۴۱.

متولیان برنامه‌های مسجد، در این خصوص می‌توانند با تهیه جزوات آموزشی و فرهنگی نسبت به افزایش آگاهی خانواده‌ها از راهکارهای آشنا نمودن کودکان و نوجوانانشان با مسجد، به زمینه‌سازی جهت حضور فعال والدین همراه با فرزندان‌شان در برنامه‌های مساجد به‌ویژه مراسم عبادی اقدام نمایند.

گفتنی است طبق یک نظرسنجی از دانشجویان، عمده‌ترین مشوّق آن‌ها در مورد نماز، اولاً مادران و ثانیاً پدران آن‌ها بوده‌اند. در این موارد، میزان تأثیر مادران نسبت به سایر عوامل همراه با پدر، برابری می‌کند و مادران باید به نقش بااهمیت خود آگاه باشند. بنابراین پیشنهاد می‌شود از قدرت تأثیر روحانی و عاطفی مادران استفاده شود. این مهم با ارتباط مستمر آموزشگاه‌ها با خانواده و راهنمایی فردی مادران و استمرار کلاس‌های آموزش خانواده، قابل اجرا است.

همچنین در یک نظرسنجی، دانش‌آموزان، خانواده اعم از پدر یا مادر، برادر یا خواهر، پدربزرگ و مادربزرگ و اقوام درجه‌یک را مهم‌ترین عامل در فراگیری و آموزش نماز دانسته‌اند و پس از آن مدرسه و بعد کتاب، اعم از کتاب درسی، دینی سال چهارم دبستان و یا کتاب‌های نماز دیگر را در فراگیری نماز خود مؤثر دانسته‌اند، لذا شایسته است خانواده‌ها به این امر مهم نیز توجه کنند.<sup>۱</sup>

۱. همان، ص، ۱۱۲، ۱۴۲-۱۴۳.

## بخش چهارم: رسانه ملی (برنامه‌های تلویزیون)

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

امروزه، تأثیر رسانه‌های گروهی به‌ویژه رسانه‌های تصویری از جمله تلویزیون - که محبوب‌ترین و در دسترس‌ترین رسانه‌ها است - به دلیل داشتن جذابیت‌های خاص خود بر رفتار کودکان و نوجوانان، غیرقابل‌انکار است و این تأثیر به‌گونه‌ای است که آنان، ساعت‌ها از وقت خود را صرف تماشای برنامه‌های تلویزیونی می‌کنند. مطالعات انجام‌شده در مورد استفاده افراد در سنین مختلف از تلویزیون نشان می‌دهد که حتی نوزادان، روزانه حدود نیم ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند.<sup>۱</sup> اما کودکان و نوجوانان به‌واسطه جذابیت‌هایی که این جعبه جادویی دارد، به‌مراتب بیش از سایر اقشار جامعه به تماشای آن می‌نشینند و این خود عاملی است که آنان، اثرپذیری فراوانی در جنبه‌های مختلف از این رسانه داشته باشند. از طرفی، رسانه‌های گروهی از جمله تلویزیون نقشی به‌مراتب فراتر از یک رسانه سرگرم‌کننده یافته‌اند و نمی‌توان از نقش مهم و اساسی آن‌ها در فرهنگ‌سازی

۱. ر.ک: فیلیپ نیومن، باربارا نیومن، اثرات تلویزیون بر رشد کودکان، ترجمه اسماعیل بیابان‌گرد، نشریه تربیت، ص ۴۵.



چشم پوشید. با این مبنا که افراد در فرایند جامعه‌پذیری از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرند و یکی از این عوامل، رسانه‌های گروهی است که از میان انواع این رسانه‌ها، تلویزیون به علت داشتن طرفداران و علاقه‌مندان بیشتر از اهمیت خاصی برخوردار است. لذا با گرایش به سمت تلویزیون بنا به هر دلیلی، افراد به اثرپذیری وادار می‌شوند؛ به گونه‌ای که آنان آگاهانه و ناآگاهانه از برنامه‌هایی که تماشا می‌کنند، الگو می‌گیرند.

در کشور ما نیز در حال حاضر، تلویزیون در دسترس‌ترین رسانه‌ای است که عامه مردم، صرف‌نظر از موقعیت شغلی و شرایط سنی، مقداری از وقت خود را صرف تماشای برنامه‌های آن می‌کنند که در این میان، کودکان و نوجوانان، سهمی بیشتر از سایر اقشار دارند.

مطلب اساسی که پیرامون آموزش در برنامه کودک عملاً نادیده گرفته می‌شود، این است که آموزش در برنامه کودک محدود به بخش‌هایی که سازندگان، اراده آموزش از آن دارند، نیست. بلکه در عموم موارد، کل یک برنامه، نقشی آموزشی دارد و این امر در برنامه‌ای که کودک مخاطب آن است، به علل مختلف از جمله ظرفیت یادگیری شگفت‌آور کودکان صدچندان می‌شود؛ به‌خصوص در مواردی که منبع آن مفهوم یا پیام کاملاً غیرمستقیم باشد؛ زیرا کودکان در مورد بسیاری از حقایق فاقد پیش‌فرض‌های ذهنی هستند و اگر پیش‌فرض ذهنی ضعیفی نیز در ذهنشان باشد، ابزارهای چندرسانه‌ای با قدرت فوق‌العاده خود به راحتی ذهن کودک را مطابق مفهوم خروجی ناشی از اجزای برنامه، شکل خواهند داد.<sup>۱</sup>

کودکی که هنوز قادر به مکر و فریب نیست و مرز تخیل و واقعیت را از هم نمی‌شناسد، تمامی گزاره‌های دریافتی را حقیقتی مسلم می‌پندارد و اخلاقیات، ارزش‌ها و رفتارهایش را صرفاً از راه تقلید شکل می‌دهد. در سنین پایین، ورودی‌ها و خروجی‌های ذهنی افراد تقریباً برابر است و رسانه نقش عرضه‌کننده کلان و بانفوذی را دارد که اطلاعات خاصی را به صورت غیرمستقیم به ذهن کودک وارد می‌کند. به‌خصوص کودک زیر هفت سال که مطابق آنچه می‌بیند رفتار می‌کند.

۱. الوین تافلر، جابجایی در قدرت (دانایی، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم)، ص ۵۷۲-۵۷۳.

در مورد کودکان با سنین بالاتر نیز اگرچه از تأثیر آموزشی رسانه کاسته می‌شود و کودک لزوماً تمام ورودی‌های ذهنی‌اش را نمی‌پذیرد، اما هر انسانی وقتی خود را در موقعیت سرگرمی تصور می‌کند، واکنش‌های مؤثری در قبال مؤلفه‌های پنهان آن سرگرمی نشان نمی‌دهد و به همین دلیل کودکان و نوجوانان بسیاری از یافته‌های ذهنی خویش را از برنامه‌های تفریحی می‌آموزند و نه از برنامه‌های آموزشی.<sup>۱</sup> از این رو می‌توان گفت که یک برنامه فارغ از آنکه هدف آموزشی داشته باشد یا نداشته باشد، برای یک کودک مملو از آموزش‌های مختلف از جهان بینی تا سبک زندگی است؛ زیرا در هر سرگرمی بیش از انتظار سازنده و مخاطب، اطلاعات پنهان فراوانی در مورد سبک زندگی، ارتباطات، مشکلات و معضلات اجتماعی و آداب و رسوم منتقل می‌شود.<sup>۲</sup>

در پایان گفتنی است که سبک زندگی جدید عامل سوق یافتن بیشتر کودک به تلویزیون شده است؛ زیرا کودک به شدت تشنه امر بازی است ولی به دلیل سبک زندگی جدید در جامعه و معضل تک‌فرزندی و آپارتمان‌نشینی، کودکان اغلب تنها و منفرد بازی می‌کنند که این خود باعث انزوا و محدود شدن دایره تعاملاتشان با اجتماع و عدم توانایی در دوست‌یابی آن‌ها می‌شود که تلویزیون در این بین، همبازی کودکان تنها و وحید در خانه است.<sup>۳</sup>

درواقع؛ جامعه امروز که در بسیاری از ابعاد خود، صورت مدرن یافته و یا در مسیر آن قرار دارد، شکلی از سبک زندگی متناسب با الزامات خود را خلق کرده است. پیدایش مهدکودک‌ها و هم‌چنین بخشی از تولید و پخش گسترده برنامه‌های تلویزیونی مخصوص کودکان از جمله لوازم یا نموده‌های این سبک زندگی است. برنامه‌های کودک مستقل از محتوای خود، در پیوند با سبک زندگی مدرن تعریف می‌شوند که از الزامات زندگی آپارتمانی، تک‌فرزندی و نداشتن هم‌بازی و اشتغال مادران است.<sup>۴</sup>

۱. گی روشه، کنش اجتماعی، ص ۱۷۳.

۲. الوین تافلر، همان.

۳. مجید امامی، نشریه الکترونیکی باحجاب، «تلویزیون فرصتی برای تربیت کودک»، تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۸/۵، شماره مطلب: ۲۶۴۷.

۴. ر. ک: کمیل قیدرلو، مجله سوره اندیشه، «دایه مجازی؛ کودکی که تلویزیون برای ما پرورش می‌دهد».

**۱. وضعیت کمی و کیفی برنامه‌های کودک و نوجوان امروز**

در این سال‌ها به لحاظ کمی، صدا و سیما رشد بسیار چشمگیری در عرصه کودک داشته است؛ شبکه کودک تأسیس شده و با عنوان شبکه پویا فعالیت می‌کند. تلویزیونی که در طول ۲۴ ساعت فقط سه الی چهار ساعت برنامه کودک در تمام شبکه‌هایش پخش می‌کرد، الآن در برنامه‌های گوناگون بیش از ۳۰ ساعت برنامه کودک در روز پخش می‌کند.

اما برنامه‌های تلویزیون به لحاظ کیفی که باید هم‌تراز بخش کمی رشد می‌کرد، وضعیت مناسبی ندارد. یکی از صاحب‌نظران و مسئولان مربوطه در حوزه برنامه‌های کودک و نوجوان در مقایسه وضعیت کنونی با اوایل انقلاب می‌گوید: بخش قابل توجهی از برنامه‌ها، داستان‌های آموزنده اخلاقی که کارکرد اخلاقی داشته باشد و ابزار آن هم اخلاقی باشد، ندارند. در واقع بیش‌تر سرگرم‌کننده، فانتزی و تخیلی هستند. عملاً مجموعه‌ای همگن از غیرارزش‌ها و ضدارزش‌ها در کنار یکدیگر و به نحوی انباشته، جذاب و با یک راهبرد غلط که همان اتخاذ سرگرمی به جای آموزش و تربیت است، محتوای نامطلوب را به کودک انتقال می‌دهد. چون این کار به صورت همگن انجام می‌شود، هم‌زمان هم آموزش و هم تربیت در راستای نامطلوبی صورت می‌گیرد. البته در کنار آن و شاید برای تطهیر خود، از مایه‌های مذهبی هم استفاده می‌کنیم. مثلاً این که می‌گوییم اکنون عید غدیر است و از حضرت علی (علیه السلام) هم سخنی گفته می‌شود اما در ادامه باز هم به رقص و حرکات موزون پرداخته می‌شود. یا مثلاً در هنگام اذان و نماز، همان آدم‌هایی که تا الآن آواز می‌خواندند و می‌رقصیدند، اذان می‌گویند. این مایه‌های مذهبی با آن ساختار، نه از نظر حجم و نه از نظر جذابیت قابل مقایسه نیست؛ در واقع بچه می‌آموزد که در برابر آن موضوعات جذاب، موضوعات غیرجذابی هم وجود دارد که در کنار یکدیگر مورد استفاده هستند. به همین دلیل این امکان برای مخاطب کودک وجود دارد که از محورهای مذهبی صرف‌نظر کند. در بهترین حالت، به کودک آموزش داده

می‌شود که ارزش‌های برخاسته از مذهب هیچ تعارضی با ضدارزش‌ها ندارد و می‌توان تمام این موارد را در کنار یکدیگر داشت.

در رفتار افراد [مجری] هم دیده می‌شود که هیچ‌یک مروج رفتارهای مذهبی نیستند؛ بلکه مروج رفتارهای متناسب با عرف و هنجارهای طبقه غیرمذهبی (نه لزوماً ضدمذهبی) در جامعه هستند. نشانه‌ها و نمادهای مذهبی هم در رنگ‌ها، ساخت محیط و دکور و چهره‌ها استفاده نمی‌شوند. بازیگران و مجریان در بسیاری از موارد در تعاملات خود به طرق مختلف قوانین را دور می‌زنند تا بتوانند حرکات موزون داشته باشند. در ادبیات رفتاری آن‌ها مانند رفتار «امیرمحمد» با «عمو پورنگ» هیچ‌گونه نحوه رفتار و گفتار مؤمنانه‌ای مشاهده نمی‌شود. برخورد تند، اهانت و تند صحبت کردن این را می‌رساند که فرزند شما به تکرار در حال یادگیری چنین رفتارهایی است. چنین رفتاری، همان رفتار هنجاری و عرفی طبقه غیرمذهبی جامعه است.<sup>۱</sup>

ناگفته نماند که تعدادی پویانمایی باکیفیت مطلوب نیز وجود دارد که با هزینه‌های بالا ساخته شده و باید آن‌ها را به‌طور جداگانه بررسی کرد؛ اما طبق قاعده «النادرُ کالمعدوم» این تولیدات اثرگذاری و جریان‌سازی نمی‌کنند. قطعاً زمانی که معیار برای ساخت برنامه کودک، جذابیت باشد، آموزش و تربیت دین‌محور و مسجدمدار به حاشیه جذابیت تبدیل می‌شود.<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. ر.ک: کمیل قیدرلو، همان.

در گذشته‌ای نه‌چندان دور، فرد از دامان خانواده، اصول و مبانی دین را فرامی‌گرفت؛ ولی با گذشت زمان و ظهور فناوری‌های نوین اطلاع‌رسانی و گسترش و نفوذ آن در زندگی مردم امروزه شاهد آن هستیم که تبلیغ دینی با روش‌های گذشته چندان کارساز و جوابگو نیست و ابزارهای جدید و در رأس آن‌ها تلویزیون از تأثیرگذاری فراوانی برخوردارند. متصدیان تلویزیون نیز به‌خوبی اهمیت این کار را دریافته‌اند و تلاش کرده‌اند که در این راستا گام بردارند؛ اما باید اذعان داشت که آن‌گونه که شایسته است، تلویزیون در انتقال مفاهیم دینی موفق عمل نکرده است؛ وقتی بحث از مضامین و مفاهیم دینی است، با استفاده از قالب‌های مستقیم و صریح و آشکار به بیان آن پرداخته‌شده و قالب‌های نمایشی و غیرمستقیم، صرف موضوعات خنثی شده است. بسیاری از مفاهیم همچون عبادت‌های فردی، کمک به خلق، توسل، احترام به بزرگ‌ترها، احسان و نیکوکاری و توکل را می‌توان در قالب‌هایی که موردپذیرش [افراد در] دوران کودکی است منتقل کرد.<sup>۱</sup>

#### « جمع‌بندی:

در حال حاضر ظاهراً ارتباط نظام‌مند و تعریف‌شده‌ای بین نهادهای متولی مسجد با رسانه ملی وجود ندارد؛ ارتباطی که در آن نحوه تعامل و همکاری برای تولید محتوای مسجدی به‌منظور آشناسازی کودکان و نوجوانان با نماز جماعت و مسجد مشخص باشد و نیز نحوه تبلیغ و ترویج کارکردهای مثبت مسجد به‌منظور تصویرآفرینی و ارزش‌سازی در کودکان و نوجوانان معین باشد. هرچند نباید از رویکرد مثبت چند سال اخیر رسانه ملی در پخش اذان اول وقت در تمام شبکه‌ها و اقامه نماز جماعت چشم پوشید.

۱. مجید امامی، همان.

## « ج: راهکارها

۱-۱. ارتباط نهادی سازمان مساجد با رسانه ملی و انعقاد تفاهم‌نامه برای بهره‌گیری از ظرفیت رسانه ملی به منظور نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان.

طبیعتاً این تفاهم‌نامه دوسویه است و لازم است نهاد مسجد نیز از تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در جهت یاری‌رسانی به رسانه ملی برای هدف گفته‌شده کمک بگیرد و یا حداقل این ظرفیت‌ها را با هماهنگی‌های لازم در اختیار رسانه ملی قرار دهد.

برخی از محورهای پیشنهادی تولید برنامه به شرح ذیل است:

۱-۱. تولید برنامه از فعالیت‌های مسجدی کودکان و نوجوانان و شرکت آنان در نماز جماعت، خصوصاً مساجد تاریخی و مساجدی که به نحوی در میان عامه مردم به‌ویژه نوجوانان و جوانان از جایگاه خاصی برخوردار است؛ مانند اماکن مذهبی و مشهور ایران و جهان اسلام: بارگاه امام رضا (علیه السلام)، حرم حضرت معصومه (سلام الله علیها)، حضرت عبدالعظیم، کربلای معلی، نجف اشرف، مسجدالنبی و مسجدالحرام.

۱-۲. معرفی مساجد نمونه، موفق و فعال در حوزه ارتباط‌گیری با کودکان و نوجوانان و جذب آن‌ها، از طریق تهیه گزارش تصویری و خبری از مهم‌ترین برنامه‌ها و فعالیت‌های آن‌ها و درج و پخش آن در شبکه‌های مختلف صدا و سیما

۱-۳. تحت پوشش قرار دادن برنامه‌ها و فعالیت‌هایی که در خصوص ارتباط کودک و نوجوان با نماز و مسجد انجام می‌شود. مثل سمینار، همایش، کنگره و مراسم؛ به‌خصوص مراسم جشن تکلیف دانش‌آموزان.

۱-۴. تهیه گزارش زنده (مستقیم) و تولیدی از مراسم اقامه نماز جماعت در مساجد و مدارس (به‌ویژه در مکان‌هایی که غالب نمازگزاران نوجوان و جوان هستند) و درج و پخش آن از شبکه‌های مختلف صداوسیما<sup>۱</sup>

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۲۶۷، ۲۶۹.

۵-۱. تهیه‌ی برنامه‌های نرم‌افزاری، نماهنگ، کارت‌تون و فیلم با موضوع نماز و مسجد به شکل هدفمند و جذاب و با استفاده از مجریان و گویندگان خوش‌لحن و خوش‌چهره و پخش آن در خلال برنامه‌های پرمخاطب صداوسیما.

۶-۱. معرفی کودکان و نوجوانان برجسته و فعال در حوزه مسجد و نماز جماعت در آیتم‌های مختلف و در خلال برنامه‌های پربیننده، به‌صورت جذاب و متناسب در شبکه‌های مختلف صداوسیما.

۷-۱. مصاحبه با چهره‌ها و شخصیت‌های موفق و فعال در حوزه ارتباط‌دهی کودک و نوجوان با مسجد، شامل ائمه جماعات، مدیران، کارشناسان، نویسندگان و هنرمندان، جهت معرفی به نسل نوجوان، مضاف بر اینکه آثار و عملکرد فعالیت‌های آنان برای آشنایی بیشتر از حوزه فعالیت آن‌ها در معرض دید عموم مردم قرار گیرد.

۸-۱. به‌کارگیری هنرمندان و هنرپیشه‌ها و چهره‌های مشهور و جوان‌پسند سینما، تئاتر و تلویزیون در برنامه‌ها و فیلم‌هایی که در آن به‌صورت هدفمند، موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نماز و مسجد، از محوریت برخوردار است. ۹-۱. محور قرار دادن موضوع مسجد و نماز جماعت در فیلم‌ها و سریال‌های تلویزیونی و تبیین جایگاه والای آن‌ها در قالب‌های شیوای هنری.

۱۰-۱. تهیه متون و نمایش‌نامه‌های متناسب نمایشی (در حوزه مسجد و نماز جماعت) برای گروه‌های مختلف تئاتر و کمک مادی و معنوی در اجرای نمایشنامه‌های فوق‌باهدف تبیین آموزه‌های دینی به‌ویژه موضوع مسجد و نماز جماعت در قالب هنر نمایش<sup>۱</sup>.

۱۱-۱. برای تقویت فرهنگ مسجد در میان افکار عمومی، شخصیت‌های فیلم باید از یک الگوی روان‌شناختی و جامعه‌شناسی پیروی کند تا دید منفی علیه مسجد و اهل مسجد ایجاد نشود؛ زیرا بازتاب آن بی‌تفاوتی عمومی نسبت به مسجد خواهد بود. فیلم‌سازان می‌توانند الگوهای مطلوبی

۱. همان، ص ۲۶۹-۲۷۱ و ۲۸۳-۲۸۴.

از مسجد و اهل مسجد در اشکال ذیل ارائه دهند:

**الف:** مسجد را با شغل‌های مطلوب و مقبول اجتماعی مرتبط کنند.

**ب:** افراد مسجد از میان افراد با تحصیلات بالا انتخاب شوند تا معلوم شود که علم و دین با هم تضاد ندارد.

**ج:** اهل مسجد از افرادی با سلامت روانی مناسب باشند.

**د:** فیلم، به گونه‌ای باشد که مخاطبان را فقط در موقع گرفتاری به مسجد هدایت نکند.

**ه:** مسجدها را منظم و مرتب نشان دهند.<sup>۱</sup>

۱-۱۲. برنامه اذان و نماز قبل یا بعد و احیاناً وسط برنامه‌های کودک و نوجوان متناسب با نیاز و فهم آن‌ها تدارک شود. (به‌ویژه در هنگام اقامه نماز در خانه و مدرسه برنامه‌های رادیو و تلویزیون نباید به گونه‌ای باشد که قطع برنامه موجب دلخوری و بدبینی کودک یا نوجوان نسبت به نماز شود. به همین جهت، باید قبل و یا بعد از نماز از پخش سریال‌های پربیننده خودداری گردد تا این محدوده زمانی به زمینه‌سازی روانی و عاطفی برای برپایی فریضه نماز اختصاص داده شود)<sup>۲</sup>

۱-۱۳. از آنجاکه تصورات برخی از مردم به‌ویژه جوانان از محیط‌های غیراسلامی به‌خصوص غرب غیرواقعی است، یعنی این عده تصور می‌کنند هر آن کس و هر آنچه آنجاست از دین و معنویات به دور است و از سوی دیگر هنگامی که مظاهر پیشرفت و ترقی آن‌ها را در علوم تجربی و فناوری‌های نوین مشاهده می‌کنند ناخودآگاه گمان می‌کنند برای پیشرفت کردن یا مدرن بودن باید از دین و معنویات فاصله گرفت، در چنین شرایطی نشان دادن جلوه‌های دین‌داری و معنویات و به‌ویژه نماز خواندن در غرب این برداشت

۱. راضیه امینی، زهرا شریفی، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مسئول و مرتبط با مساجد جهت جذب جوانان به مساجد و نماز جماعت، پورتال ستاد اقامه نماز صدا و سیما.

۲. رضا فرهادیان، عوامل آموزش و گرایش نوجوانان و جوانان به نماز، ص ۷.



ناصحیح را که یکی از عوامل مهم بحران هویت نیز هست اصلاح می‌کند.<sup>۱</sup>  
۱-۱۴. برنامه‌های جذاب و پرمخاطب در زمان اذان و هنگام فعالیت مساجد، تعطیل و به تعویق افتد تا همه مخاطبان به سمت مساجد و شرکت در برنامه‌های مسجدی ترغیب شوند. همچنین، زمان پخش برنامه‌های زنده، مانند فوتبال (خارجی یا داخلی) نباید با اوقات شرعی و برنامه‌های مسجدی تداخل داشته باشد.<sup>۲</sup>

۲. استفاده از کارشناسان و صاحب‌نظران مسائل دینی در کنار برنامه‌سازان: در چنین حالتی برنامه‌سازان علاوه بر آگاهی بیشتر از مسائل دینی از جمله نماز، بهتر می‌توانند مفاهیم مربوط به نماز را به مخاطبان خود انتقال دهند.

۱. علیرضا پویا، ارزیابی و آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در گسترش فرهنگ نماز، موسسه فرهنگی تبیان.  
۲. ماهنامه مسجد، «مرکز رسیدگی به امور مساجد، رسانه ملی و مسجد (تقابل یا تعامل)»، ص ۶۱ و ۶۲.

## بخش پنجم: اسباب بازی

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

### ۱. نقش تربیتی اسباب بازی در کودک و نوجوان

اسباب بازی وسیله‌ای پرورشی است که کودک از ابتدای شکل‌گیری شخصیتش با آن مواجه می‌شود و اولین مفاهیم دنیای واقعی با کمک اسباب بازی به شکل پارادایم برای کودک درمی‌آید. اسباب بازی الگویی برای کودک محسوب می‌شود و از آن به‌عنوان وسیله کار یک کودک یاد می‌شود که با استفاده از آن، روش زندگی کردن را یاد می‌گیرد. صاحب‌نظران حوزه تربیت معتقدند بهترین وسیله برای شناخت و پی بردن به احساسات و تمایلات کودک، اسباب بازی است؛ زیرا از طریق آن کودک بسیاری از امیال درونی خود را آشکار می‌کند. نقش اسباب بازی‌ها، کارتون‌ها و سرگرمی‌های دوران کودکی در زندگی افراد بسیار پررنگ است. بررسی‌ها نشان داده است که شخصیت کودک با اسباب بازی‌ها و سرگرمی‌های دوران کودکی شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup>

۱. سیده فاطمه محبی، اسباب بازی؛ نمادی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، کد تحقیق: ۶۴۰۶۴۷ (کتابخانه الکترونیکی

## ۲. بایسته‌های اسباب‌بازی

اسباب‌بازی هر وسیله بازی برای کودکان، نوجوانان و یا حتی بزرگسالان است که به‌قصد بازی و سرگرمی ایجادشده باشد و در بازار توسط کانال‌های توزیع و عرضه‌کنندگان اسباب‌بازی در اختیار عموم قرار می‌گیرد. برخی از بایسته‌ها و ویژگی‌های فرهنگی اسباب‌بازی مناسب به‌قرار ذیل است:

اسباب‌بازی باید با سایر وسایل محیط زندگی کودک تناسب و هماهنگی داشته باشد تا کودک بتواند به‌راحتی از آن استفاده نموده و آن را با زندگی واقعی خود پیوند دهد.

اسباب‌بازی باید با ارزش‌های حاکم بر جامعه تناسب داشته باشد؛ زیرا کودک طی بازی با آن با ارزش‌های موجود آشنا می‌شود. ابزار و وسایل بازی که در اختیار کودک قرار می‌گیرد، نمادی از وسایل حقیقی هستند که باید ضمن هماهنگ بودن با فرهنگ جامعه، موردعلاقه کودک نیز باشد.

اسباب‌بازی باید به‌گونه‌ای باشد که ارزش‌های جامعه مانند نماز خواندن را تقویت و تحکیم کند و در ستیز با آن‌ها قرار نگیرد؛ زیرا یکی از فواید این تجانس فرهنگی و ارزشی اسباب‌بازی، فراهم‌سازی آرامش روانی و عاطفی برای کودک است.

اسباب‌بازی می‌تواند هم محتوا منتقل کند هم مهارت را ارتقا دهد و هم در نهادینه شدن بعضی فرهنگ‌ها در کودک کمک کند. در بخش تأثیر فرهنگی هم به شرطی که در گستره وسیعی کار شود می‌تواند موفق باشد. بهترین فرصت و شیوه عملی برای آموزش فرهنگ ایرانی و تربیت کودکان باهوش برای آینده کشور، در اختیار گذاشتن اسباب‌بازی‌هایی متناسب با فرهنگ و آداب و رسوم این مرز و بوم است.

تفکیک جنسیتی اسباب‌بازی‌ها به لحاظ توانایی‌ها و گرایش‌های مختلف جسمی، روحی و روانی دو جنس دختر و پسر، ضروری و اجتناب‌ناپذیر است؛ لذا باید برای هر کدام از دختران و پسران اسباب‌بازی‌هایی مناسب و مطابق با ذوق و استعداد آن‌ها طراحی نمود.<sup>۱</sup>

پورتال شورای عالی انقلاب فرهنگی).

۱. همان.

### ۳. تفکیک محتوایی اسباب‌بازی‌ها

در یک تقسیم‌بندی ساده، می‌توان اسباب‌بازی‌ها را به سه دسته: سازنده، مخرب و خنثی یا فاقد پیام تقسیم کرد. اسباب‌بازی‌های سازنده هم در چند حوزه قابل تفکیک هستند: اسباب‌بازی‌های خلاقیت‌زا (مثل احجام و ساختمان بازی‌ها)، اسباب‌بازی‌هایی که نقش اجتماعی کودکان را تقویت می‌کند (اسباب‌بازی‌های دسته‌جمعی و عروسک‌ها) و همچنین اسباب‌بازی‌های حاوی پیام‌های مذهبی که اسباب‌بازی‌ارزشی را می‌توان ذیل این دسته تعریف کرد. این نوع اسباب‌بازی علاوه بر ایجاد خلاقیت و یا تقویت نقش‌های اجتماعی کودکان، به تقویت فرهنگ اسلامی-ایرانی می‌پردازد. جای این‌گونه اسباب‌بازی‌ها در بازار اسباب‌بازی جهان و به‌طریق‌اولی در بخش تولیدات کشور خالی است.

اسباب‌بازی‌های مخرب را نیز می‌توان در چند دسته تقسیم‌بندی کرد: اسباب‌بازی‌های خشونت‌زا، اسباب‌بازی‌های دارای پیام‌های غیراخلاقی و برهنگی، اسباب‌بازی‌های مبلغ فرهنگ غرب و اسباب‌بازی‌های پخش‌کننده ترانه‌های غیرمجاز و غربی.

اسباب‌بازی‌های خنثی نیز همان اسباب‌بازی‌هایی است که صرفاً باعث گذران وقت می‌شوند و هیچ پیام و پیامد سازنده یا مخربی برای کودک ندارد. برخی نیز کارکردهای سیاسی اسباب‌بازی‌ها را یادآوری کرده‌اند که کشورها برای هارمونی فرهنگی خود از آن استفاده می‌کنند. ساخت عروسک شخصیت‌های سیاسی و اجتماعی و یا اساطیر تاریخی در هویت‌بخشی به قومیت‌ها از این نمونه اسباب‌بازی‌ها هستند. از جمله کارکرد سیاسی اسباب‌بازی، ساخت مدل اسباب‌بازی هوآپیمای جاسوسی پهباد آمریکایی است که در قفسه‌های اسباب‌بازی‌فروشی‌های ایرانیان خودنمایی می‌کند.<sup>۱</sup>

۱. حامد رضایی، ابراهیم معظمی‌گودرزی، گزارش‌رصدی اسباب‌بازی، سبک زندگی، مرکز‌رصد فرهنگ و علم شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۱. وضعیت آماری تولیدات و واردات اسباب‌بازی

بر اساس برخی اظهارنظرها حدود ۲۵ درصد جمعیت کشور در گروه سنی زیر ۱۵ سال قرار دارند و این یعنی بازار اسباب‌بازی کشور با تقاضای جمعیتی نزدیک به ۱۸ میلیون نفر روبرو است اما تولید اسباب‌بازی در داخل کشور از پاسخ به چنین تقاضایی ناتوان است و به همین علت، ایران به بازار ورود اسباب‌بازی‌های خارجی تبدیل شده است. روزانه این اسباب‌بازی‌ها به صورت مختلف یا به‌طور قانونی یا غیرقانونی مرزهای کشور را درمی‌نوردند تا به دست کودکان ایرانی برسند. هم‌اکنون تعداد عروسک‌های ملی بسیار اندک است؛ درحالی‌که کودکان تنوع طلب هستند و این میزان پاسخگوی نیاز آن‌ها نیست. باید حداقل ۱۰۰ نوع عروسک ملی و بومی تولید کرد و بعد از مردم انتقاد کرد که چرا از عروسک‌های بیگانه استفاده می‌کنند.<sup>۱</sup>

درحالی‌که بر اساس آمارهای موجود، تجارت اسباب‌بازی سومین تجارت پرسود جهان بعد از تولید مواد مخدر و تسلیحات نظامی است. انجمن بین‌المللی تولیدکنندگان اسباب‌بازی، گردش مالی این صنعت در سال ۲۰۱۱ را حدود ۸۵ میلیارد دلار اعلام می‌کند.<sup>۲</sup>

کشور چین بزرگ‌ترین تولیدکننده اسباب‌بازی در جهان به شمار می‌رود. محصولات غربی آمریکایی با ورود به چین به تولید انبوه می‌رسند و با این شیوه ۹۰ درصد از بازار اسباب‌بازی آسیا و ایران را به خود اختصاص می‌دهند.<sup>۳</sup>

در حال حاضر از کل مصرف اسباب‌بازی در کشور سهم تولید داخلی تنها ۲ الی ۳ درصد است و حدود ۹۵ درصد بازار اسباب‌بازی کشور در اختیار کشور چین است. هم‌اکنون تعداد واحدهای صنفی تولیدکننده اسباب‌بازی در کشور در حدود ۲۰ الی ۳۰ واحد است که در کنار اسباب‌بازی، کالاهای دیگری هم تولید می‌کنند.<sup>۴</sup>

۱. بازار اسباب‌بازی و حفره‌های قانونی، پایگاه خبری تحلیلی خرداد نیوز، ۱۳۹۰/۲/۱۴، کد خبر: ۱۴۶۴۲۳.

۲. رضا سادات، این صنعت ۸۵ میلیارد دلاری... نشریه جام جم، ۱۳۹۱/۸/۱.

۳. القای فرهنگ غرب در قالب اسباب‌بازی‌های چینی، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۱/۱۲/۱، شماره: ۱۳۹۱۱۲۰۱۰۰۹۲۵.

۴. آسیب‌شناسی، تحلیل و بررسی صنعت اسباب‌بازی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳/۱/۲۷، کد تحقیق: ۶۴۰۶۴۰ (کتابخانه

البته واردات اسباب‌بازی در سال ۹۱ به خاطر گران شدن دلار ۵۱ درصد نسبت به سال ۹۰ و در سال ۹۲، ۳۰ درصد نسبت به سال ۹۱ کاهش یافته است. در این مدت تولید اسباب‌بازی داخلی روند رو به رشدی داشته است. هرچند در سال‌های گذشته تنها ۵ درصد بازار در اختیار تولیدکنندگان داخلی بود؛ اما در حال حاضر، آمارها نشان می‌دهد که ما آرام‌آرام به سمت تصرف ۲۰ درصدی بازار اسباب‌بازی با تولیدات داخلی حرکت می‌کنیم.<sup>۱</sup>

همچنین درصد تولید اسباب‌بازی‌های داخلی نسبت به خارجی در انواع مختلف اسباب‌بازی متفاوت است. در برخی دسته‌ها، میزان تولیدات داخلی بیشتر و در برخی نیز کمتر است.<sup>۲</sup>

میانگین رشد اسباب‌بازی خلاقانه، کمک‌آموزشی و فکری به نزدیک ۱۵ درصد رسیده است؛ در حالی که در سال ۸۱ نزدیک یک درصد بود. از سال ۱۳۸۱ ما در صنعت اسباب‌بازی رشد معناداری داشته‌ایم. ما به سمتی می‌رویم که خلأهای موجود از نبود اسباب‌بازی و سرگرمی بومی را پر کنیم.<sup>۳</sup>

جریان ۱۰۰ درصد قاچاق اسباب‌بازی به ۵۰ درصد واردات قانونی تبدیل شده که هنوز هم این روند به صورت مثبت در حال اجراست.<sup>۴</sup>

بر همین اساس طبق گفته دبیر شورای نظارت بر اسباب‌بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در صنعت اسباب‌بازی ما نه از نظر محتوایی علم و دانش داریم و نه از نظر تجهیزات و ادوات. هم‌اکنون تعرفه واردات اسباب‌بازی و قطعات آن به کشور حدود ۵۵ درصد بوده که این وضعیت عملاً تولید اسباب‌بازی در کشور را غیراقتصادی کرده است. اگر تعرفه واردات قطعات اسباب‌بازی به حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش یابد، می‌توان تعدادی از قطعات موردنیاز تولید را از خارج وارد کرده و مابقی کار تولید را در داخل انجام داد که این کار باعث ایجاد اشتغال نیز می‌شود.<sup>۵</sup>

الکترونیکی پورتال شورای عالی انقلاب فرهنگی).

۱. کارنامه مسئولان در مقابله با عروسک‌های نامناسب فرهنگی، نشر به خراسان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷.

۲. حامد رضایی، ابراهیم معظمی گودرزی، گزارش رصدی اسباب‌بازی، سبک زندگی، مرکز رصد فرهنگ و علم شورای عالی انقلاب فرهنگی.

۳. درآمد تولید اسباب‌بازی چین، چند برابر درآمد نفتی ایران است، خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۰/۱۱، شناسه خبر: ۲۴۵۳۹۲۹.

۴. مجید قادری، ایران فاقد صنعت اسباب‌بازی است، گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما، ۱۳۹۱/۱/۲۳.

۵. اظهارات دبیر شورای نظارت بر اسباب‌بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در صنعت اسباب‌بازی، [www.1389/5/9](http://www.1389/5/9).

نکته حائز اهمیت این است که اکثریت قریب به اتفاق عروسک‌های چینی نیز تحت تأثیر فرهنگ غربی بوده و دارای شخصیت‌هایی غربی است. به عنوان مثال ساخت عروسک‌های باریبی، شخصیت‌های کارتونی والت دیسنی مثل سیندرلا و حیوانات موجود در کارتون‌های هالیوودی (که همه در کشور چین تولید می‌شود) حاکی از پیشرو بودن فرهنگ غرب در مقیاس جهانی است.

متأسفانه حتی یکی از مهم‌ترین سوغات حجاج بیت‌الله‌الحرام (هم در حج تمتع و هم عمره مفرده) عروسک‌ها و اسباب‌بازی‌های چینی است که هر ساله به وفور و از مرز رسمی و همراه زائران بیت‌الله‌الحرام وارد کشور شده و توزیع می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۲. وضعیت محتوایی اسباب‌بازی

در حال حاضر برخی از انواع اسباب‌بازی‌ها هیچ‌گونه جهت‌گیری فرهنگی ندارند و یا اساساً اثرگذاری فرهنگی از آن‌ها انتظار نمی‌رود (مانند توپ یا منیج)، اما اغلب آن‌ها امکان انتقال مفاهیم فرهنگی را دارند. کشورهای مثل چین نیز که به صورت صرفاً تولید انبوه و بدون توجه به تبعات فرهنگی اسباب‌بازی‌ها اقدام به تولید آن‌ها می‌کنند و از نمادهای غربی در شخصیت‌پردازی اسباب‌بازی‌ها بهره می‌گیرند، عملاً در راستای غربی کردن کودکان جهان و البته جمهوری اسلامی ایران گام برمی‌دارند. از این‌ها گذشته، ساختار برخی اسباب‌بازی‌ها ظرفیت بسیار بالایی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی را دارد؛ اما متأسفانه در این حوزه توجه زیادی به عوامل نهفته و زمینه‌ای موجود در حیطه فرهنگی تولید اسباب‌بازی‌ها صورت نگرفته است.

نکته مهم‌تر اینکه شرکت‌های ایرانی تولید اسباب‌بازی نیز در مواردی به دلیل ضعف جدی در سامانه‌های بازاریابی و فروش و به‌منظور پوشش بخشی از این ضعف‌ها، در طراحی‌های خود گوی سبقت را از شرکت‌های چینی ربوده و از جاذبه‌های جنسی بهره جسته‌اند!

لذا در حال حاضر اسباب‌بازی‌های تولید داخل نیز به دلایلی مثل ناهنجاری فرهنگی، بی‌تفاوتی و یا ضعف در حوزه بازاریابی و فروش، دارای نقوش و شخصیت‌های غربی با پیام‌هایی نظیر برهنگی، صورت‌های آرایش‌کرده، جاذبه‌های جنسی و امثال آن هستند؛ به‌عنوان مثال به تصویر کشیدن عکس زنان و دخترانی با اوصاف مذکور در پازل‌ها کاملاً مشهود است. حال آنکه در طراحی پازل، تنها مشقت موجود برای گریختن از این وادادگی فرهنگی انتخاب عکسی متناسب با فرهنگ و عقاید دینی - اجتماعی مردم است که با دسترسی شرکت‌ها به اینترنت، این مسئله امری کاملاً آسان است.<sup>۱</sup>

کودکان با استفاده از اسباب‌بازی‌های خارجی به‌جای اینکه با فرهنگ ایرانی آشنا شوند، فرهنگ و اصطلاحات خارجی را فرامی‌گیرند و از همان ابتدا، حس خودباوری

۱. حامد رضایی، ابراهیم معظمی گودرزی، همان.



ملی آنان تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ چون اسباب‌بازی‌های مصنوع شرکت‌های غربی، در عمل مبلغان و مروجان فرهنگ زندگی مدرن (غربی) برای کودکان آن کشورها و حتی دیگر کشورها هستند تا از همان سنین کودکی با این فرهنگ آشنا شده و با آن انس بگیرند.<sup>۱</sup>

۱. فاطمه محبی، همان.

### ۳. وضعیت نظارت بر بازار اسباب‌بازی

در حدود یک سال پیش مقام معظم رهبری خطاب به مسئولان در ۱۹ آذر سال ۱۳۹۲ در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره تأثیر منفی اسباب‌بازی‌های نامناسب بر ذهن کودکان فرمودند: «تهاجم فرهنگی یک حقیقتی است که وجود دارد؛ می‌خواهند روی ذهن ملت ما و روی رفتار ملت ما - جوان، نوجوان و حتی کودک - اثرگذاری کنند. این بازی‌های اینترنتی از جمله همین است؛ این اسباب‌بازی‌هایی که وارد کشور می‌شود از جمله همین است که من چقدر سر قضیه تولید اسباب‌بازی داخلی معنی دار و جذاب حرص خوردم با بعضی از مسئولین این کار که این کار را دنبال نکنند.»<sup>۱</sup>

هم‌اکنون یکی از وظایف شورای نظارت بر اسباب‌بازی‌ها، صدور مجوز برای ترخیص واردات کالا از گمرک به داخل کشور است؛ اما از لحاظ فرهنگی و بررسی کیفیت اسباب‌بازی‌های وارداتی، نظارت کاملی وجود ندارد. در حوزه اسباب‌بازی‌های تولید داخل هم تولیدکننده باید مجوز تولید اسباب‌بازی را از شورای نظارت بگیرد. به گفته دبیر شورای نظارت بر اسباب‌بازی‌ها دستگاه‌های مختلفی از جمله اماکن، سازمان تعزیرات حکومتی، سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان، شورای اصناف، اتحادیه خرازی‌ها و پلاستیک، برای بازرسی بازار اسباب‌بازی وظایف نظارتی دارند و می‌توانند برای فروشندگان مختلف، مجازاتی همچون جریمه یا پلمپ در نظر بگیرند. بارها به نمایندگان این دستگاه‌ها تذکر داده شده که گزارشی از نظارتشان بر بازار به ما بدهند؛ ولی متأسفانه این دستگاه‌ها به دلیل اینکه با مشکلاتی مانند بودجه و نیروی انسانی مواجه هستند، نتوانسته‌اند وظایفشان را آن‌طور که شایسته است، انجام دهند. حتی در بعضی دستگاه‌های نظارتی برای برخورد با متخلفان، ملاحظاتی انجام می‌گیرد و انگار برای برخورد قانونی با فروشندگان متخلف رودر بایستی دارند.<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹.

۲. کارنامه مسئولان در مقابله با عروسک‌های نامناسب فرهنگی، نشریه خراسان، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷.

## « جمع‌بندی:

برحسب آنچه از وضعیت کمی و کیفی اسباب‌بازی گفته شد، این نتیجه حاصل می‌شود که در حال حاضر، بازار اسباب‌بازی به لحاظ محتوایی، در دست اسباب‌بازی‌هایی با شخصیت‌ها و نمادهای غربی است که عمدتاً ضد اسلامی و ضد ایرانی هستند.

در اسباب‌بازی‌های موجود، به‌صورت مستقیم به موضوع نماز و مسجد، اهانت نشده و کار تبلیغاتی بر علیه‌شان صورت نگرفته است؛ لیکن در شکل غیرمستقیم کاملاً مورد حمله قرار گرفته است؛ بدین‌صورت که تصاویر و شخصیت‌های رایج در بازار اسباب‌بازی، عمدتاً از شخصیت‌های کارتونی اخذ شده‌اند و این شخصیت‌ها علاوه بر پوشش نامتجانس خود، در دنیای کارتونی کاملاً ناآشنا با رفتارها و نمادهایی همچون نماز و نماز جماعت و مسجد عمل می‌کنند و درحالی‌که به‌عنوان افراد موفق و پیروز در برنامه‌های کارتونی معرفی می‌شوند؛ ولی سبک زندگی و رفتار و گفتارشان کاملاً عاری از نمادها و نشانگان‌ها و ارزش‌های مسجدی است. این همان روش تبلیغ غیرمستقیم است که متأسفانه رسانه‌های ما در مفهوم عام خود به‌شدت از آن غافل‌اند و هر وقت هم که می‌خواهند مفاهیم نماز و مسجد را برای جذب کودکان و نوجوانان تبلیغ نمایند، به شکل مستقیم عمل می‌کنند که با این روش نتیجه مطلوبی حاصل نمی‌شود.

۱. راهبرد ساماندهی نظارت محتوایی - ارزشی بر اسباب‌بازی‌های وارداتی

با توجه به نقش عمده اسباب‌بازی‌ها در جامعه‌پذیری کودکان، لازم است تمهیدی اندیشیده شود تا ارزش‌های اجتماع و رفتارهای مطلوب دینی همچون نماز خواندن و مسجد رفتن، در طی فرایند جامعه‌پذیری کودک در او نهادینه شود. این امر به‌ویژه از آن جهت حائز اهمیت است که پاره‌ای از اسباب‌بازی‌های وارداتی با ارزش‌های مذکور سازگاری ندارند.

برای رفع این مشکل لازم است نهاد مسجد از مسئولان مربوطه مطالبه‌گر موارد ذیل باشد:

ساماندهی شورای ارزشیابی اسباب‌بازی برای تأیید انطباق اسباب‌بازی‌های وارداتی با ارزش‌های بومی.

تعیین برچسب‌هایی برای اسباب‌بازی‌های وارداتی که مناسب بودن آن‌ها را از حیث انطباق با ارزش‌های اجتماعی نشان می‌دهد.

دعوت از سازمان‌های مردم‌نهاد برای رصد مداوم اسباب‌بازی‌های وارداتی و تأیید انطباق آن‌ها با ارزش‌های اجتماعی.

ایجاد شبکه‌های پایش مدام در فضای مجازی برای آگاهی از نظرات بخش‌های گوناگون جامعه در خصوص استانداردهای ارزشی اسباب‌بازی‌ها<sup>۱</sup>

۱. پیشنویس سند نظام نوآوری فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳.

## ۲. راهبرد آموزش، اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی در سطح جامعه

به دلیل کم‌اطلاعی خانواده‌ها در خصوص اهمیت اسباب‌بازی و کارکردهای آن، به نظر می‌رسد از یک‌سو توجهات کافی در میان خانواده‌ها در خصوص ضرورت توجه به محتوای اسباب‌بازی و آگاهی از نقش تأثیرگذار آن‌ها بر فکر و اندیشه فرزندان وجود ندارد و از سوی دیگر خانواده‌ها به‌اندازه کافی آموزش داده نمی‌شوند تا بدانند چه نوع اسباب‌بازی انتخاب کنند.

برای رفع این مشکل لازم است نهاد مسجد علاوه بر آموزش و آگاهی‌دهی مستقیم از طریق کانون‌های مسجد و امام‌جماعت به مخاطبان مسجدی، به شکل غیرمستقیم و مانند راهکار قبلی وارد عمل شود و از طریق رسانه ملی و کانون پرورش فکری مطالبه‌گر آموزش در خصوص اسباب‌بازی‌ها برای آگاهی‌رساندن به والدین در قالب‌های مختلف باشد.<sup>۱</sup>

۱. همان.

### ۳. راهبرد تعامل بین نهادی

ارتباط نهادی سازمان مساجد با اتحادیه‌ی اسباب‌بازی و انعقاد تفاهم‌نامه برای بهره‌گیری از ظرفیت همدیگر با هدف تولید اسباب‌بازی مناسب کودکان و نوجوانان با رویکرد ترویج غیرمستقیم نماز و مسجد، یکی از عمده‌ترین کارهایی است که می‌تواند در این زمینه انجام شود.

در این خصوص، لازم است نهاد مسجد از تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در جهت یاری اتحادیه اسباب‌بازی برای هدف پیش‌گفته کمک بگیرد. شاید یکی از کمک‌های عمده، استفاده از ظرفیت عظیم شبکه مساجد در فروش اسباب‌بازی‌های تولیدی باشد. اگر با هماهنگی نهاد مدیریتی مساجد، امکان فروش اسباب‌بازی‌های مناسب تولیدشده، در فضای مساجد و بدون صرف هزینه‌های دیگر، برای تولیدکنندگان فراهم باشد، چه‌بسا بخش قابل‌توجهی از مشکلات تولید و هزینه‌های بالای آن از بین رفته و روند غلبه‌ی اسباب‌بازی‌های با محتوای نامناسب وارونه شود.

## بخش ششم: بازی‌های رایانه‌ای

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

بازی‌های رایانه‌ای یکی از ابزارهای رسانه‌ای است که کشورهای غربی با قدرت در این زمینه وارد شده‌اند و توانسته‌اند با طراحی مناسب، کیفیت و گرافیک مطلوب، مخاطب را جذب کرده و اهداف خود را از این طریق منتقل کنند.

بازی‌هایی ابتدایی ساخته شده در دنیا، بسیار ساده و تنها یک ابزار تفریحی آرام بودند؛ ولی به تدریج و با پیشرفت روزافزون بازی‌های رایانه‌ای و حضور آن‌ها در اماکن مختلف، حتی منزل‌های شخصی و استقبال بی نظیر جوامع بشری از آن‌ها، تولیدکنندگان را وادار به بازی‌هایی با هیجان بیشتر و داستان عمیق‌تر و دقیق‌تر کرد. هم‌اکنون بازی‌های رایانه‌ای یکی از ابزارهای مهم رسانه‌ای است که طی سال‌های اخیر به شدت مورد توجه قرار گرفته و عمدتاً توسط کشورهای غربی به ویژه آمریکا تولید شده و در سراسر جهان توزیع می‌شود.

بازی رایانه‌ای را می‌توان رسانه‌ای بی‌بدیل خواند که کاربر و بازیکن طی آن به انجام عملی دیدگاه‌های مورد نظر تولیدکنندگان و پشتیبانی‌کنندگان آن‌ها می‌پردازد و

با عمل خود، سبب نهادینه‌سازی این دیدگاه‌ها و رفتارها در روح و روان خود می‌شود.<sup>۱</sup>

صرف‌نظر از مثبت یا منفی بودن بازی‌های رایانه‌ای، به لحاظ ارتباط عمیقی که کاربر یا بازیکن در این بازی‌ها با شخصیت اصلی و کل داستان برقرار می‌سازد، فرد به‌شدت از فضای حاکم بر بازی تأثیر می‌پذیرد و خود این مسئله این فرصت را برای سازندگان فراهم می‌سازد که اهداف فرهنگی خود را به مخاطب عرضه کنند و لذا با توجه به نیت سازندگان و اهداف پیدا و پنهان آنان، می‌توان از این بازی‌ها به‌عنوان یک شمشیر دو لبه نام برد که هم می‌تواند سازنده یک فرهنگ و هویت ملی باشد و هم القاگر فرهنگ بیگانه در ذهن مخاطب.

این پدیده به‌مرور مورد توجه صاحب‌نظران دینی، سیاسی و اجتماعی قرار گرفت و هدایت تولیدکنندگان و پشتیبانی از آن‌ها برای تولید محصولات متناسب با دیدگاه‌های آن‌ها و استفاده رسانه‌ای از آن به فرآیندی ناگسستنی از بازی‌های رایانه‌ای تبدیل شد؛ به‌گونه‌ای که بررسی این پیوند خود نیازمند ساعت‌ها تأمل و جست‌وجو است.

بر همین اساس بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تأسیس شد که وظیفه آن هدایت، حمایت و برنامه‌ریزی برای تولید بازی‌ها و حمایت از مراکزی است که در این حوزه فعالیت می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. ایمن‌السادات موسوی نژاد، کالبدشکافی موشکافانه بازی رایانه‌ای، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۷/۷، شماره: ۱۸۹، ۱۳۹۲۰۷۰۷۰۰۱۸۹.



۱. وضعیت مخاطبان بازی‌های رایانه‌ای

جامعه هدف این محصولات عمدتاً کودکان و نوجوانان هستند و امروزه بازی‌های رایانه‌ای، یکی از اجزای غیرقابل تفکیک از زندگی کودکان، نوجوانان و جوانان محسوب می‌شوند که توانسته‌اند این قشرهای جامعه را به خوبی به خود جذب کرده و روزانه تا چندین ساعت به خود مشغول سازند؛ بنابراین طیف گسترده‌ای از جامعه را زیر پوشش خودش قرار می‌دهند و علاوه بر اینکه به عنوان ابزار تفریحی در اختیار جامعه هدف قرار می‌گیرند، اهداف مرموزانه‌ای را در لابه‌لای این بازی‌ها دنبال کرده و تفکرات نادرست جوامع غربی را به کودکان و نوجوانان و جوانان القا می‌کنند.<sup>۱</sup>

نمودارهای ذیل که نتایج پیمایش‌های صورت گرفته در نمایشگاه بازی‌های رایانه‌ای است، وضعیت سنی کاربران و بازیکنان ایرانی بازی‌های رایانه‌ای را نشان می‌دهند:



منبع: بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای

چنانکه مشاهده می‌شود میانگین سن بازیکنان روند صعودی دارد و رفته‌رفته، افراد بزرگ‌تر را نیز وارد بازی‌ها کرده است. همچنین نکته جالب توجه دیگر آنکه میانگین سنی بازیکنان حتی در پیمایش اخیر که چند سال بالا رفته است عدد ۱۶ را نشان می‌دهد که سن نوجوانی است؛ لذا بخش قابل توجهی از بازیکنان بازی‌های رایانه‌ای در ایران را سنین پایین و در رأس آن‌ها کاربران نوجوان تشکیل می‌دهد. این ادعا در نمودار ذیل به صورت عینی تری قابل اثبات است.



منبع: بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای

برحسب داده‌های این نمودار، بیشترین درصد بازیکنان را گروه‌های سنی ۱۲، ۹ و ۱۳ سال، به ترتیب با ۶٫۹ درصد، ۵٫۷ درصد و ۵٫۶ درصد تشکیل می‌دهد. در حال حاضر ۲۰ میلیون بازیکن بازی‌های رایانه‌ای در کشور ما وجود دارد. با این توصیف که هر کاربر در ایران به‌طور متوسط روزانه دو ساعت مشغول بازی رایانه‌ای است، روزانه ۴۰ میلیون ساعت در ایران صرف بازی‌های رایانه‌ای می‌شود.

## میزان کاربردان بازیهای رایانه ای در ایران

◀ بررسی پیمایش سال ۱۳۹۲

و مطابق با سرشماری ملی سال ۱۳۹۰

برآورد میزان بازیکنان بین سنین ۳ تا ۴۰ سال در ایران

جمعیتی معادل **۱۸ میلیون** و ۳۱۲ هزار و ۹۴۰ نفر می باشد

منبع: بنیاد ملی بازیهای رایانه ای

با رواج بازار این بازیها، بازیهای رایانه ای هم اکنون به عنوان یک صنعت و یکی از موارد عمده صنایع فرهنگی مطرح شده است که با گردش مالی بالا، نقش پررنگی را در حوزه اقتصاد ایفا می کند.

## ۲. وضعیت تولید بازی‌های رایانه‌ای در ایران

تولید بازی رایانه‌ای در ایران حرکتی ۶ ساله دارد و بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای به‌طور مستقیم به سرمایه‌گذاری برای بازی‌های تولیدشده در کشور می‌پردازد. محدودیت‌های اعتبار و بودجه به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌های تولید بازی رایانه‌ای در ایران مطرح است. بودجه‌ریزی اولیه کشوری مانند کره جنوبی برای ساخت و تولید بازی‌های رایانه‌ای ۲۰۰ برابر بودجه ایران برای این صنعت است (بر اساس آمار سال ۱۳۹۱) در ایران سالانه یک میلیون دلار بودجه به تولید بازی رایانه‌ای تعلق می‌گیرد و در این راه مصرف می‌شود.

در زمینه آموزش عالی «بازی‌سازی» در کشور نیز گام‌های مؤثری برداشته‌شده، به‌نحوی که هم‌اکنون سه واحد اختیاری تولید بازی رایانه‌ای در ۳ دانشگاه کشور راه‌اندازی شده و رشته کارشناسی ارشد بازی رایانه‌ای نیز در سال ۹۲ راه‌اندازی شد.<sup>۱</sup> متأسفانه نخبگان در ایران خیلی دیر متوجه اهمیت بازی‌های رایانه‌ای شدند. در حقیقت، هم دیر متوجه شدند و هم سرمایه‌گذاری مناسبی در این حوزه انجام نگرفت. لذا نتیجه این شد که ایران در بخش تولید بازی، به‌لحاظ کمی، تقریباً یک کشور مصرف‌کننده صرف در این حوزه است و متخصص این کار را نیز تربیت نکرده است. هیچ دانشگاهی در ایران متخصص بازی رایانه‌ای تربیت نمی‌کند؛ در حالی که در کشورهای مثل مالزی و اندونزی دانشگاه‌ها، خروجی متخصص بازی رایانه‌ای دارند.

در بخش بودجه نیز بودجه‌های لازم تخصیص پیدا نکرده است. در سال ۱۳۹۰ بودجه بازی‌های رایانه‌ای کشور چیزی حدود ۵/۱ میلیارد تومان بود که از این مبلغ شاید نصف آن به تولیدکنندگان اختصاص پیدا کرد.

همچنین در بحث کپی‌رایت، قانون مشخصی که سبب شود تولیدکننده با طیب خاطر در این حوزه وارد شود و سرمایه‌گذاری کند، وجود ندارد؛ زیرا قفل این بازی‌ها را خیلی راحت می‌شکنند و بعد آن را وارد بازار می‌کنند و درنهایت

۱. اظهارات رئیس بنیاد بازی‌های رایانه‌ای در مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۱۰/۲۶.

تولیدکننده ورشکسته خواهد شد.<sup>۱</sup>

## جدول بهترین بازی های ایرانی

نام بازی	هزینه ساخت	درآمد
مبارزه در خلیج عدن	۱۲۰ میلیون تومان	نزدیک به ۵۰۰ میلیون تومان
گرشاسب	۳۰۰ میلیون تومان	بیش از ۴۰۰ میلیون تومان
سیاوش	۲۵۰ میلیون	نلشخص

سالانه بین ۳ تا ۴ هزار بازی رایانه ای در جهان ساخته می شود که در داخل کشور حدود ۲۰۰ بازی رایانه ای ساخته می شود. ماهانه بین ۴۰ الی ۵۰ بازی الکترونیکی خارجی نیز وارد بازار ایران می شود.

طی چند سال گذشته ۲۰۰ بازی ایرانی به تولید رسیده و تاکنون ۳۰ بازی وارد بازار شده است.<sup>۲</sup>

میانگین خرید بازی رایانه ای در هر ماه (بر اساس ولاد و هزینه)  
توسط بازیکنان ایرانی

۲۰

بر اساس واحد در ماه

بر اساس واحد در ماه

تومان ۷۸۰۰

عدد ۲

▪ افراد ۱۵ تا ۱۶ سال و افراد ۲۰ تا ۲۱ سال بیشتر از سایر گروه های سنی بازی خریداری می کنند.  
▪ میانگین هزینه ماهانه برای خرید بازی، در روستاها بیشتر از شهرهای تابعه است.

منبع: بنیاد ملی بازی های رایانه ای

۱. حمید ضیایی پور، تأثیر بازی های رایانه ای، فردا نیوز، ۱۳۹۰/۸/۲۴، کد خبر: ۱۶۹۷۸۷.  
۲. اظهارات مسئولان در «نشست کمیته نوآوری فرهنگی در حوزه صنایع فرهنگی»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

با توجه به آمار و اطلاعات سایت رسمی بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۳۰ در فرآیند صدور مجوز تعداد ۲۰۷۸ بازی مورد بررسی قرار گرفته و تعداد ۱۵۳۰ بازی نیز موفق به دریافت مجوز گردیده‌اند؛ ضمناً ۳۵۳ بازی نیز غیرمجاز اعلام شده است. همین آمار در تاریخ ۹۰/۱۲/۲ به عدد ۸۱۷ عدد بازی غیرمجاز افزایش پیدا کرده و ۷۳۹ بازی نیز مجاز قلمداد شده است. در تاریخ ۹۱/۱/۲۴ نیز عناوین بررسی شده به ۱۷۳۲ بازی تقلیل پیدا کرده که از این تعداد ۷۴۷ عنوان، مجاز و حدود ۱۴۸ عنوان آن حکم ویرایش گرفته و مابقی غیرمجاز اعلام شده است.

از ۱۰۰ بازی ایرانی تولید شده حدود یک پنجم آن‌ها آنلاین هستند. ۱۰ درصد بازی‌ها توانسته به بازارهای خارجی راه پیدا کند. بازی‌های آنلاین را تقریباً همه کشورها استفاده می‌کنند؛ حتی در آمریکا مخاطبان جدی دارد. از میان بازی‌های داخلی، بازی گرشاسپ به ۱۰ زبان در بازارهای مختلف دنیا مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ بازی سیاره میترا، بازی شبان و بازی طلای سیاه نیز در اروپا منتشر شده است. برخی بازی‌ها به بسیاری از کشورهای اسلامی ارائه شده‌اند از جمله مالزی و کشورهای شرق آسیا.

طبق آمارهای منتشر شده، روزانه دو بازی رایانه‌ای جدید به بازار می‌آید؛ یعنی هر ماه حدود ۶۰ بازی رایانه‌ای جدید تولید و به بازار وارد می‌شود. ایران در تولید بازی رایانه‌ای در منطقه مقام اول را به خود اختصاص داده و در آسیا بعد از کشورهای چین، کره جنوبی، ژاپن و هند مقام پنجم را دارد. شایان ذکر است بازی آسمان دژ در جشنواره بازی‌های آلمان جایزه بهترین بازی مستقل دنیا را از آن خود کرد.

گفتنی است با توجه به نوع دسترسی به بازی‌های رایانه‌ای به‌ویژه از طریق اینترنت، رصد این بازی‌ها و فیلتر آن‌ها ظاهراً کاری مشکل و غیرقابل انجام است و طوری نیست که با بستن مرز جلوی آن‌ها گرفته شود.<sup>۱</sup>

### ۳. وضعیت محتوایی بازی‌های رایانه‌ای

۱. اظهارات مسئولان در «نشست کمیته نوآوری فرهنگی در حوزه صنایع فرهنگی»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.

بازی‌های رایانه‌ای به لحاظ محتوایی وضعیت مطلوبی ندارند و چنانکه از وضعیت آماری تولید داخل و خارج و نیز از پیش‌دستی زمانی غرب در ورود به این عرصه پیداست، بخش اعظمی از محتوای موجود در بازی‌های رایانه‌ای، محتوای عاری از نشانگان دینی و مسجدی است و بخش قابل توجهی از همین قسم، محتوای ضد دینی دارد. آن قسمتی هم که محتوای مناسب دارد و در داخل تولیدشده است، هنوز جذابیت‌های بصری و هنری لازم را به‌اندازه بازی‌های خارجی برای کودکان و نوجوانان ندارد؛ لذا درصد استفاده از بازی‌های داخلی از درصد حضور آن‌ها در میان تمام بازی‌ها کمتر است.

بنابراین بازی‌های رایانه‌ای حامل آسیب‌های فرهنگی متعددی هستند که بر اساس درون‌مایه‌ای که دارند آسیب‌ها را به کاربر و بازیکن وارد می‌نمایند. تفصیل برخی از آسیب‌ها به شرح ذیل است:

### ۳-۱. تخریب سبک زندگی دینی:

در بخشی از این بازی‌ها، کودکان و نوجوانان در مقابل رایانه‌هایشان می‌نشینند، به خرید می‌روند، مانکن‌ها را آرایش کرده و لباس‌هایشان را عوض می‌کنند و متناسب با زیبایی‌شان نمره می‌گیرند، وسایل گمشده زنان را پیدا می‌کنند، انواع غذاهای غربی را می‌پزند و در تمامی این بازی‌ها، سبک زندگی غربی را فرامی‌گیرند، بنابراین تخریب سبک زندگی اسلامی ایرانی که ارتباط مستقیم و جدی با هویت ملی، دینی و انقلابی دارد، کار عمده‌ای است که بازی‌های رایانه‌ای با کودکان می‌کنند.<sup>۱</sup>

### ۳-۲. تخریب اخلاق و عفت عمومی:

این بازی‌ها با به نمایش گذاشتن لباس‌های نامناسب، سناریوهای غیراخلاقی، صحنه‌های تحریک‌کننده و حرکات خلاف شئون اسلامی، ذهن کودکان و نوجوانان را با مسائلی درگیر می‌کند که برای سَنَشان بسیار زود است و این مسئله، هم در بازی‌های پر حجم به‌وفور قابل مشاهده است و هم در بازی‌های کم حجم.

۱. فلش‌بازی‌های کودکان و آموزش سبک زندگی غربی، خبرگزاری دانشجویان، ۱۳۹۲/۴/۴، کد خبر: ۲۴۶۹۹۹.

### ۳-۳. تخریب هویت دینی و انقلابی:

برخی از این بازی‌ها سیاسی است و اسلام و ایران انقلابی را هدف قرار داده است. این بازی‌ها که عموماً از نمادهای یکسانی بهره می‌برند، در ردیف بازی‌های بزرگ و مشهور هستند و کمتر موردی از بازی‌های رایانه‌ای فلش می‌توان یافت که جهت حمله به اسلام و انقلاب اسلامی طراحی نشده باشد. نمادها عموماً در تصویرسازی شامل مواردی از قبیل چهره‌ها (چهره‌های ایرانی و یا اسلامی و حتی گاهی شبیه به چهره حضرت امام یا سید حسن نصرالله) طرح‌های اسلیمی شبیه به طرح‌هایی که در مساجد ایران دیده می‌شود، استفاده از نام‌هایی چون اسمای متبرک الهی و نام‌های معصومین (علیهم‌السلام) در پرچم‌ها و سردرها، صداها شبیه به صدای بزرگان دینی-سیاسی مثل سید حسن نصرالله و صداهایی شبیه به شعارهای الله اکبر، است که به‌وفور در این گونه بازی‌های سیاسی به کار می‌روند؛ بنابراین تخریب هویت دینی و انقلابی از دیگر مشکلاتی است که به تبع بازی‌های رایانه‌ای به وجود می‌آید.

### ۳-۴. تقدس زدایی از منجی آخرالزمان:

برخی بازی‌ها رویکردی آخرالزمانی دارد و با معرفی منجیانی جعلی، تفکر آخرالزمانی کودکان و نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در این گونه بازی‌ها که گاه با جنگ‌های بزرگ شبیه به «آرماگدون»<sup>۱</sup> همراه هستند، بازیکنان نقش منجیانی می‌یابند که وجناتی شبیه به اسطوره‌های غربی می‌یابند.<sup>۲</sup>

۱. Armageddon.

۲. آنچه که بازی‌های رایانه‌ای با کودکان و نوجوانان می‌کند، خبرگزاری دانشجو، ۱۳۹۱/۴/۲۰، کد خبر ۱۹۵۳۱۳.



## ۴. تحلیل محتوای برخی از بازی‌های رایانه‌ای<sup>۱</sup>

هرچند دشمنی غرب با ادیان آسمانی و به‌خصوص اسلام، موضوع تازه‌ای نیست و سالیان سال است که در فیلم‌های هالیوودی و غیرهالیوودی تاخت‌وتاز و توهین آن‌ها به این دین مقدس و پاک مشاهده می‌شود، اما در این بین، در بخش دیگری از رسانه‌های غربی، توهین‌هایی به خداوند یکتا، ساحت مقدس انبیای الهی، ائمه اطهار، کتب آسمانی و اماکن مذهبی در حال انجام است که چندان به چشم نیامده و از دیده‌ها پنهان مانده است. توهین‌هایی که در بازی‌های رایانه‌ای غربی به مقدسات صورت می‌گیرد، نه تنها خشم و انزجار مسلمانان را به همراه نداشته، بلکه متأسفانه خیلی از این بازی‌ها زینت‌بخش اوقات فراغت کودکان و نوجوانان و جوانان مسلمان نیز شده‌اند!

باید توجه داشت که غرب در حال برنامه‌ریزی برای از بین بردن قبح اهانت به مقدسات در میان فرزندان مسلمانان است تا نسل بعد که در آینده حاکمیت کشورهای اسلامی را در دست خواهند داشت، نسبت به شعائر دینی که مانعی جدی بر سر راه نفوذ غرب خواهد بود، بی تفاوت باشند و زمینه نفوذ هر چه بیشتر غرب به ممالک اسلامی و غارت منابع آن‌ها را فراهم نمایند. از این‌رو، در این مجال به برخی از تعرض‌های فرهنگی پنهان این بازی‌ها به فرهنگ و آیین متعالی اسلام پرداخته شود:

### ۴-۱. خداوندی که جسم دارد و ناتوان است!

در چندین بازی، خداوند به شکلی مادی توصیف شده که عاری از خطا نیست و حتی توان لازم برای رسیدگی به امور بندگان خود را ندارد! به‌عنوان نمونه می‌توان به بازی‌های Black & White و El Shaddai: Ascension of the Metatron اشاره نمود.

در بازی Black & White قدرت و توان خداوند به میزان پیروان و عبادت‌کنندگان وی بستگی دارد و هر چه تعداد آن‌ها بیشتر باشد، اقتدار خدا نیز بیشتر است و

۱. ر.ک: کالبدشکافی بازی‌های رایانه‌ای: <http://www.vgpostmortem.blogfa.com/post.aspx.۴۴>

می تواند معجزات پیچیده تری انجام دهد.

#### ۴-۲. اهانت به مساجد عالی اسلام:

ارائه چهره‌ای مخدوش از قبله‌گاه مسلمانان و مسجد پیامبر، از دیگر مصادیق توهین به مقدسات اسلامی در بازی‌های رایانه‌ای به شمار می‌رود. نشان دادن این مکان‌ها به عنوان جایگاه شر و پلیدی و نمایش قرآن در کتابخانه شرورترین افراد، نشان از عمق کینه و نفرت کفار از اسلام و مسلمین دارد. بازی‌هایی چون Resident Evil 5&4 و تولید دیگر شرکت Capcom، یعنی بازی 3 Devil May Cry و بازی Clive Barker's Undying نمونه‌های آشکاری از این کینه‌توزی‌ها هستند.

به عنوان نمونه در بازی Devil May Cry داستان در مورد دو برادر شیطان زاده است که یکی از آن‌ها در جایگاه خیر! و دیگری در جایگاه شر توصیف می‌شوند. در این بین، برادر شرور برای دستیابی به ارثیه سیاه پدر خود، اقدام به مبارزه با برادرش می‌کند. نمایش فرزند شیطان به عنوان منجی و عامل خیر برای بشریت، توهین به قبله‌گاه مسلمین و نمایش در خانه خدا به عنوان دروازه‌ای برای ورود به دنیای شیاطین از نکات قابل توجه و توهین‌آمیز این فیلم است.

همچنین در Resident Evil دنیا به علت انتشار ویروس ناشناسی که محصول آزمایشگاهی چندین کشور ابرقدرت است، دچار فاجعه‌ای انسانی شده و انسان‌ها به مردگانی متحرک تغییر ماهیت داده‌اند؛ اما در این بین، دانشمندان سازنده ویروس موفق شده‌اند تا در آزمایشگاه‌های مخفی خود در کشور اسپانیا، با خلق نوع پیشرفته‌ای از این ویروس، گونه‌ای جدید از سربازان ژنتیکی را به وجود آورند و آن را در اختیار فرقه‌ای از افراطیون مذهبی اسپانیایی قرار دهند. رهبران این فرقه به منظور تحت فشار قرار دادن دولت آمریکا برای توجه به خواسته‌های آن‌ها، دختر رئیس جمهور را می‌ربایند و اقدام به اخاذی می‌کنند. دولت آمریکا برای یافتن دختر رئیس جمهور و نفوذ به این فرقه، لیان اسکات کندی (Leon S. Kennedy)، محافظ مخصوص رئیس جمهور را به اسپانیا می‌فرستد و لیان با این گروه درگیر می‌شود؛ در این بازی برای دری که به اتاق شکنجه فرقه مورد نظر باز می‌شود، از

تصویر در مسجدالنبی استفاده شده است.

#### ۴-۳. تحریف داستان‌های قرآن:

ایجاد شک و شبهه در داستان‌های قرآنی، از دیگر موارد توهین به اسلام به شمار می‌رود. در این بازی‌ها سعی شده تا برخلاف نص صریح قرآن، نابودی اقوام مختلف را به عوامل طبیعی ارتباط داده و مجازات الهی را داستانی خیالی و به دور از حقیقت جلوه دهد. بازی Uncharted 3 از همین دست بازی‌هاست.

#### ۴-۴. توهین به کلمه الله:

در بازی Guitar Hero III: Legends of Rock کلمه الله به شکل اهانت‌آمیزی در زیر پای خواننده و نوازندگان نقش بسته است؛ اما نکته قابل توجه دیگر در مورد این بازی، وجود شیاطینی سم‌دار در میان نوازندگان است که با سم‌های خود روی کلمه الله قدم می‌زنند.

#### ۴-۵. تخریب مسجد با خوک‌های درون آن:

در یکی از مراحل بازی پرطرفدار پرندگان خشمگین (Angry Birds)، بازیکن باید به خوک‌هایی که درون مسجد پناه گرفته‌اند، حمله کند و آن‌ها را نابود سازد!

#### ۴-۶. به سخره گرفتن جهنم:

بازی Dante's Inferno یکی دیگر از مصادیق توهین به مقدسات برای به سخره گرفتن بهشت و جهنم است.

#### ۴-۷. توهین به مقدسات شیعیان:

علاوه بر توهین به مقدسات مسلمانان، اهانت به مقدسات شیعیان نیز از دیگر اقدامات کفار در بازی‌های رایانه‌ای به شمار می‌رود.

#### جمع‌بندی:

بازی‌های رایانه‌ای غربی علی‌رغم تأثیرگذاری فراوانی بر نسل کودک و نوجوان، محتوای ناسالمی دارند؛ محتوایی که هم اعتقادات، هم ارزش‌ها، هم رفتارها و هم

نمادهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت (امام جماعت) را به چالش کشیده و مورد هجو و سخره قرار داده است.

در این بازی‌ها و اصولاً در هر بازی رایانه‌ای غربی نشانی از سخن و استدلال و منطق در اقداماتشان وجود ندارد؛ لیکن به دلیل تأثیرپذیری عقل و روان انسان از دیده‌های خود و خصوصاً مواردی که به کرات دیده می‌شوند، تصاویر موهن بازی‌های رایانه‌ای، در اندیشه و نگرش افراد به شکلی ناخواسته تأثیر می‌گذارند. این تأثیرگذاری در سنین پایین و برای کودکان و نوجوانان که هم اطلاعات اندکی دارند و هم قدرت تجزیه و تحلیل مسائل را ندارند، بسیار زیاد است؛ لذا به‌عنوان مثال کودک و نوجوانی که مشغول آن بازی‌ای است که مسجدالحرام را مورد وهن قرار داده و یا مسجدی را نشان می‌دهد که خوک‌های کثیف در آن جمع شده‌اند، ناگزیر نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی منفی از موضوع مسجد در فکر و روانش نقش می‌بندد. بنابراین با برنامه ریزی و تحمل سختی‌ها و زحمات و هزینه‌های گزاف می‌توان چنین تصاویر توهین‌آمیزی را از ذهن کودک و نوجوان در معرض این آسیب‌ها پاک کرد و تغییر داد.

۱. اقدام متناسب از طریق نهادهای مسئول

لازم است توسط شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای عالی فضای مجازی، در قوانین و مقررات مجوزدهی بازنگری و دقت شود. با توجه به اینکه علی‌رغم اعمال برخی محدودیت‌ها هنوز هم بازی‌های مخرب، یا مجوز پخش می‌گیرند و یا از طرق دیگری در دسترس کودکان قرار می‌گیرند، لازم است قوانین مربوط به این حوزه مورد بازبینی قرار گیرند.

دستگاه‌هایی مانند معاونت فرهنگی ستاد کل نیروهای مسلح، سازمان بسیج، آموزش و پرورش و وزارت ورزش و جوانان می‌توانند در این خصوص کارکرد تبلیغی، ترویجی و اطلاع‌رسانی داشته باشند.

اتحادیه‌ها و انجمن‌هایی مانند انجمن بازی‌سازان دفاع مقدس، انجمن فرهنگی بازی‌سازان ایران، انجمن فرهنگی ناشران بازی‌های رایانه‌ای، اتحادیه شرکت‌های ویدئورسانه ایران و انجمن بازی‌سازان انقلاب اسلامی هنوز کارکرد بایسته خود را ندارند.

اتاق بازرگانی نیز به‌رغم ظرفیت‌های عدیده‌ای که دارد، در حال حاضر نقشی در توسعه صنعت بازی‌های رایانه‌ای ایفا نمی‌کند. بخش قابل توجهی از بازی‌های رایانه‌ای که در داخل کشور مصرف می‌شود، از اینترنت دانلود شده و به‌طور غیرمجاز تکثیر، توزیع، فروخته و مورد استفاده قرار می‌گیرد و گمرک جمهوری اسلامی ایران و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، عملاً نقشی در نظام نوآوری این صنعت ایفا نمی‌کنند؛ بنابراین، برای مبارزه با کالاهای غیرمجاز در این صنعت که ماهیت دیجیتال دارد، نقش نهادهایی مانند مرکز توسعه فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و پلیس فضای تولید و تبادل اطلاعات ایران (فتا) پررنگ می‌شود.<sup>۱</sup>

نهاد مسجد با ایجاد گفتمان در این حوزه و نیز از طرق قانونی می‌تواند یکی از

۱. پیشنهاد سند نظام نوآوری فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مطالبه‌گران عرفی و قانونی از نهادهای مسئول - که ذکر شدند- در خصوص ایفای وظایفشان در این حوزه و نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از موضوعات دینی و رفتارهای مطلوب همچون اقامه نماز و رفتن به مسجد توسط بازی‌های رایانه‌ای باشد. همچنان که نهاد مسجد به‌عنوان چشم‌بینای وضعیت فرهنگی جامعه می‌تواند مطالبه‌گر ساماندهی و کارآمدسازی نظام ارزیابی بازی‌های رایانه‌ای باشد.

امامان جماعت و کانون‌های فرهنگی مساجد باید ضمن آشنایی با موضوع بازی‌های رایانه‌ای و نیز به‌صورت موردی با بازی‌های رایانه‌ای روز دنیا، خوب و بد آن را همراه با دلیل و تحلیل تشخیص دهند.

این شناخت دو ثمره باید داشته باشد؛ اول آگاهی‌دهی لسانی و مکتوب و مانند آن به مخاطبان مسجدهای خود و ارائه پیشنهاد برای بهره‌گیری از بازی‌های سالم رایانه‌ای؛ دوم اینکه مسئولان نهاد مسجد از طریق رسانه‌های موجود در کشور و سایر وسایل ارتباطی، سخن خود را به مسئولان مربوطه به شکل مستدل و منطقی برسانند و آن‌ها را بر لزوم اقدامات جدی -با پیشنهادهاى عملی که ارائه می‌کنند- مجاب نمایند.

### ۳. همکاری نهاد مسجد و بنیاد بازی‌های رایانه‌ای

ارتباط نهادی سازمان متولی مساجد با بنیاد بازی‌های رایانه‌ای و انعقاد تفاهم‌نامه برای بهره‌گیری از ظرفیت همدیگر با هدف تولید بازی‌های رایانه‌ای مناسب برای کودکان و نوجوانان با رویکرد ترویج غیرمستقیم نماز و مسجد، یکی از راهکارهای عمده است.

در این خصوص، لازم است نهاد مسجد از تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در جهت یاری به بنیاد بازی‌های رایانه‌ای برای هدف از پیش تعیین‌شده کمک بگیرد.



## بخش هفتم: نوشت افزار

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

یکی از عوامل اثرگذار در نگرش و تغییر رفتار دانش‌آموزان، نمادها و نشانه‌هایی هستند که در محیط زندگی و تحصیل آنان دائماً در حال ارسال پیام‌اند. انبوه نوشت‌افزارهایی که برای جامعه بزرگ و کم‌نظیر و اثرپذیر دانش‌آموزی وارد کشور می‌شود و در طول سال تحصیلی همراه آنان است، هر کدام با تصاویری از شخصیت‌های عروسکی و نشانه‌های محصولات فرهنگی بیگانه، یادآور موضوع فیلم‌ها و سریال‌ها و داستان‌ها و پیام‌های هدف‌گذاری شده‌ای هستند که با مخاطبان خود در خانه و مدرسه و کوچه و خیابان ارتباط برقرار می‌کنند. این نمادها و نشانه‌ها به مثابه یک «رسانه» به تدریج تغییراتی را در نگرش، ذائقه، رفتار و کردار دانش‌آموزان و دوستان و اطرافیان آنان به وجود می‌آورند. نوشت‌افزارهای حاوی نمادهای فرهنگ بیگانه که مسیر آسان و کم‌هزینه‌ای را برای ورود و توزیع در کشور پیش رو دارند و گاهی توسط تولیدکنندگان داخلی نیز به بهانه برخورداری از مشتری بیشتر و رایگان بودن اقتباس، تکثیر می‌شوند، از مصادیق تأثیرگذاری فرهنگی بعضی اصناف در غیاب سازمان‌ها و نهادهای مسئول هستند.<sup>۱</sup>

۱. سیدباقر پیش‌نمازی، نشریه رسالت، «نوشت‌افزار و سلامت تحصیلی»، ۱۳۹۳/۶/۱.

۱. وضعیت فرهنگی نوشت افزار

سال‌ها است که تصاویر «کاراکتر»<sup>۱</sup> فیلم‌های «پویانمایی»<sup>۲</sup> «هالیوود»<sup>۳</sup> و بازی‌های اینترنتی، نبض بازار لوازم‌التحریر کشور را در دست گرفته است و دانش‌آموزان، شاید رستم و سهراب و آرش کمانگیر را نشناسند اما «بن‌تن»<sup>۴</sup> و «باربی»<sup>۵</sup> را از اعضای فامیل و آشنایانشان هم بیشتر می‌شناسند.

درواقع سیطره شخصیت‌های آمریکایی و هالیوودی در بازار نوشت‌افزار در سال‌های اخیر، با گسترش اینترنت و شبکه‌های ماهواره‌ای افزایش یافت و کارتون‌ها و بازی‌های غربی با حجم مهارناپذیری راه ورود به ذهن مخاطبان کودک و نوجوان را در پیش گرفتند و به تبع آن فروش لوازم‌تحریر حاوی تصاویر این کاراکترها هم رشد روزافزونی به خود گرفت.

همجه شخصیت‌های هالیوودی و غربی روی جلد لوازم مدرسه در حالی بود که دانش‌آموزان ما هیچ شناختی نسبت به شخصیت‌های تاریخ‌ساز کشور خود ندارند و جای خالی تصاویر این بزرگان و نمادهای دینی همچون مسجد همواره بر روی نوشت‌افزار مصرفی دانش‌آموزان کشور ما احساس می‌شود.<sup>۶</sup>

- Character. ۱
- Animation. ۲
- Hollywood. ۳
- Benten. ۴
- Barbie. ۵

۶. کیانا نیکفام، دختران نیمه‌عریان روی دفترها، پورتال موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۹۳/۷/۳.

مدت‌ها گذشت تا برخی از تولیدکنندگان داخلی نوشت‌افزار از جمله «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» نیمه دوم سال ۹۱ مسابقه‌ای را در خصوص طراحی دفتر و نوشت‌افزار بر اساس نمادهای ایرانی و اسلامی برگزار کردند و در نهایت طرح‌های برگزیدگان این مسابقه، برای تولید انبوه در اختیار کانون پرورش فکری قرار گرفتند. در بین تصاویر و طرح‌های ایرانی و اسلامی به کار گرفته شده برای تولید نوشت‌افزار چهره‌های شاخصی مانند جهان‌پهلوان تختی، امیرکبیر، میرزا کوچک‌خان جنگلی، پوریای ولی، ابوعلی سینا، فردوسی، شهید مصطفی احمدی روشن، شهید مجید شهریاری، شهید عباس بابایی و شهید باقری دیده می‌شد. پس از این ماجرا، نمایشگاه‌ها و افتتاحیه‌هایی هم با عنوان نوشت‌افزارهای ایرانی و اسلامی در سال‌های اخیر برگزار شد و در نهایت در تیرماه ۹۳ هم بار دیگر از ۵۰۰ نوشت‌افزار ایرانی-اسلامی روشنا با حضور مدیران و مسئولان مربوطه رونمایی شد. در این بخش پنج شخصیت «پارسا»، «پروانه‌ها»، «بچه‌های ایران»، «خانواده رضوی» و «دلوران» طراحی شده است که هر کدام از این طرح‌ها دارای داستان و شخصیت‌های مستقل بوده‌اند و پس از آن هم نوشت‌افزار روشنا برای سال تحصیلی جدید دفترهای مشق با طرح‌های جدید مانند شخصیت‌های سریال «پایتخت» تولید و برای توزیع و فروش راهی فروشگاه‌های زنجیره‌ای کرده است. سعی و تلاش مؤسسات تولید نوشت‌افزار داخلی در طول چند سال گذشته در حالی بوده است که به گفته مدیر دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، تولیدات داخلی نوشت‌افزار ۵ میلیون دفتر در برابر نیاز ۱۵۰ میلیونی بازار مصرفی است. (در سال ۱۳۹۲) و بر حسب آمار سال ۱۳۹۳ (منتهی به شهریور و مهر ۹۳) ۹۰ درصد بازار لوازم‌التحریر در ایران در قبضه محصولات وارداتی و ۱۰ درصد در دست محصولات تولید داخل بوده است که البته آن هم اختصاص به دفتر و چند نوع خودکار داشته و بقیه اقلام همچنان کاملاً وارداتی هستند؛ لذا همچنان راسته لوازم‌التحریرفروش‌های بازار تهران در دست باربی و بن‌تن قرار دارد و نمونه‌های ایرانی آن‌قدر محدود هستند که در ازدحام نمونه‌های غربی گاه اصلاً

دیده نمی‌شوند.<sup>۱</sup>

البته نباید از یاد برد که با توجه به فعالیت تنها دو ساله در این حوزه، اختصاص ۱۰ درصد از این میزان به نوشت‌افزار اسلامی ایرانی، رقم قابل توجهی است؛ هر چند در حوزه‌های دیگر مانند کیف عدد چشم‌گیری حاصل نشده است. ضمن اینکه نباید از شدت گرفتن رقابت و داغ شدن تنور جنگ نرم در این حوزه غافل بود؛ به طوری که وقتی تولیدکنندگان ایرانی با تأخیری ۳۰ ساله توانستند در عرصه نوشت‌افزار و لوازم‌التحریر وارد شوند و تصاویری ایرانی اسلامی را که تجسمی از اسطوره‌ها و چهره‌های شاخص ایرانی است وارد بازار این‌گونه محصولات کنند، آن قدر هجمه فروش نوشت‌افزارهایی با برند و فرهنگ غربی و با نازل‌ترین قیمت در کشور افزایش یافت که مردم برای صرفه‌جویی در هزینه‌های زندگی ترجیح می‌دهند این کالاها را خریداری کنند.<sup>۲</sup>

### جدول روند افزایش تولید نوشت‌افزار ایرانی اسلامی

سال	تعداد تولید	سهم تولید	برندهای فعال	برندها
سال ۹۳	۱۵ میلیون دفتر ایرانی اسلامی	۱۰ درصد محصولات نوشت‌افزار کشور	حدود ۲۰ برند	-
سال ۹۲	بیش از ۷ میلیون دفتر ایرانی اسلامی	۵ درصد فضای نوشت‌افزارهای کشور	بیش از ۱۰ برند	فقط مجموع ۲ برند دولتی بودند
سال ۹۱	نزدیک به ۱ میلیون دفتر ایرانی اسلامی	-	۲ برند	«پام» و «قاصدک»

۱. همان.

۲. اظهارات مسئولان در «نشست کمیته نوآوری فرهنگی در حوزه صنایع فرهنگی»، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳.

## جمع‌بندی:

در حال حاضر محتوای فرهنگی نوشت‌افزار از نمادهای مسجدی تقریباً خالی است و تصاویری که نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد داشته باشد در حد صفر و یا بسیار پایین است؛ ولی توجه به چهار نکته اساسی، بسیار حائز اهمیت است؛

۱. چنانکه توضیح داده شد، اخیراً جریان فرهنگی انقلابی در این حوزه فعال شده و نمادها و تصاویر مناسب و ارزشی را در تولید نوشت‌افزارها وارد نموده که نوید آینده خوبی را می‌دهد و لازم است که این اقدام سازنده به‌طور فعال ادامه یابد.

۲. نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد لزوماً از طریق چاپ و نشر تصاویر آن‌ها بر روی نوشت‌افزار حاصل نمی‌شود و انتظار هم نمی‌رود که این‌گونه شود؛ زیرا این روش، همان روش تبلیغ مستقیم است که کارایی چندانی ندارد؛ بلکه باید رفتارها و نمادهای مطلوب همچون نماز و مسجد را به شکل غیرمستقیم از طریق نمادها و تصاویر مثبتی که آشنای کودکان و نوجوانان هستند انتقال داد. این نکته حقیقت دارد که درج نمادی همچون انرژی هسته‌ای و یا ماهواره امید در نوشت‌افزار که نشانگر رشد علمی و توانایی حیرت‌انگیز فناوریانه در منظومه «نظام و انقلاب» است، به شکل غیرمستقیم، مروج و مبلغ تمام آرمان‌های دینی و انسانی است و این نمادها در بطن خود از حجاب و نماز و مسجد و حج و جهاد و همه معارف و احکام دینی، نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی می‌کنند. به دلیل آنکه آن‌ها چهره مثبتی را از نظام و حکومتی تداعی می‌کنند که درصدد تبلیغ و ترویج تمام معارف و آموزه‌ها و نمادهای دینی است و هدف و رسالتش اقامه نماز و تبلیغ سایر ارزش‌های دینی است. به خاطر همین هم هست که دشمن با تمام این نمادها و ترویج آن‌ها مقابله می‌کند و تا می‌تواند در تحقیر و وهن آن‌ها می‌کوشد.

آنچه گفته شد در نمادهایی همچون تصویر پوریای ولی، شهدای هسته‌ای و شخصیت‌های مثبت کارتونی نیز صادق است. در کنار این‌ها نیز شایسته است در حد محدودی و به شکل برنامه‌ریزی‌شده، از نمادهای مستقیم نماز و مسجد نیز استفاده شود.

۳. واقعیت امروز دنیا چیزی جز مادی‌گرایی و اقتصادمحوری نیست. دنیای امروز، خدا و پرستشگاهش پول و سود مادی است و برای نیل بدان از هر طریق و ابزاری که می‌تواند استفاده می‌کند. بر این اساس در دنیای کنونی، چندان تعصبی بر مذهب و آیین‌های دینی وجود ندارد و بلکه در مواقع زیادی، خود آن‌ها را نیز ابزار و وسیله نیل به مادیات و منافع دنیوی قرار می‌دهند؛ چنانکه نگاهی به مقوله صنایع فرهنگی و روند رشد آن در جهان امروز گویای این مطلب است.

البته در این میان معدودی از کشورها که اهداف فرهنگی را نیز دنبال می‌کنند، از فرصت صنایع فرهنگی و نشر گسترده آن در جهت ترویج نمادهای فرهنگی خود بهره می‌گیرند و بخشی از جنگ نرم را از این طریق رقم می‌زنند. ولی چنانکه گفته شد این‌ها همه کاره و همه ماجرا نیستند؛ لذا به‌وفور دیده می‌شود که حتی در کشورهای غربی و برای جذب گردشگران مسلمان در مراکز گردشگری خود، نیازهای مسلمانان مانند تعبیه نمازخانه و محراب و مهر را مورد توجه قرار می‌دهند. یا اینکه کشوری همچون چین، داعیه و انگیزه چندانی برای ترویج فرهنگ غربی در نوشت‌افزار و مقابله با فرهنگ اسلامی ندارد و بلکه صرفاً دنبال منافع مادی خود است و در شرایطی که درصد قابل توجهی از نوشت‌افزار مصرفی در ایران از این کشور وارد می‌شود، تولیدکنندگان آن‌ها برحسب شناخت از دنیای کارتونها و بازی‌های رایانه‌ای کودکان و نوجوان ایرانی و ذائقه‌سنجی آن‌ها، تصاویر غربی را که بیشتر مورد توجه کودکان و نوجوانان هستند، در نوشت‌افزار صادراتی خود به ایران وارد می‌کنند و گرنه هیچ تعصبی بر این یا آن تصویر ندارند. نکته جالب توجه در اینجا آن است که حتی تولیدکنندگان داخلی نیز که فرهنگ غربی را قبول ندارند، برای کسب سود و فروش تولیداتشان، از تصاویر و نمادهای غربی بهره گرفته و می‌گیرند.

ماحصل این نکته آن است که در کنار شخصیت‌آفرینی در برنامه‌های رسانه‌ای و بازی‌های رایانه‌ای نباید از این واقعیت غفلت نمود که بخش زیادی از تولیدکنندگان دنبال سود مادی هستند و مصرف‌کنندگان نیز همان نوشت‌افزاری را مصرف می‌کنند که در بازار هست و گرنه خودشان درصدد تولید کیف و دفترچه با نمادهای مورد علاقه و دلخواهشان نیستند. لذا اگر نهادهای فرهنگی و نظارتی مسئول، با

هماهنگی همدیگر، فارغ از بحث مادی و بازار گردش مالی تولید داخلی و خارجی، فروش هرگونه نوشت افزار را اعم از داخلی و خارجی، با نمادها و تصاویر نامناسب ممنوع نموده و در این خصوص مجازات قانونی بازدارنده وضع نمایند و ضمن بستن مبادی ورود قاچاق نوشت افزار، به صورت قاطعانه در صدد اجرای این قوانین باشند، تردیدی وجود ندارد که در کوتاه زمانی، همه نمادها و تصاویر نوشت افزار از معضل نگرش سازی و ارزش آفرینی فرهنگ غربی خلاص خواهد شد.

۴. نکته آخر که همواره مورد غفلت قرار می گیرد، نگاه منفعلانه داشتن به نقش و تأثیر نوشت افزار است؛ با این توضیح که همواره سخن از این است که نمادها و تصاویر نوشت افزار، تحت تأثیر شخصیت های ساخته و پرداخته در کارتونها و بازی های رایانه ای هستند؛ لذا برای اصلاح نمادها و تصاویر نوشت افزار باید در لایه های پیشین، کار فرهنگی کرد و فکر و ذهن کودکان و نوجوانان را در کارتونها و بازی های رایانه ای با نماز و مسجد آشنا ساخت و ارزش آفرینی نمود تا آنگاه خودبه خود در نوشت افزار، نمادها و تصاویر مثبت و مناسب جایگزین شود. نگارنده ضمن تأیید این مطلب، آن را ناقص و منفعلانه می داند و بر این نظر است که این ارتباط دوسویه است و همچنان که نمادها و تصاویر کارتونها و بازی های رایانه ای در نمادها و تصاویر نوشت افزار تأثیر می گذارد، عکس آن نیز صادق است و شخصیت پردازی و نمادسازی از طریق نوشت افزار نیز در نحوه شکل گیری نمادها و تصاویر کارتونها و بازی های رایانه ای اثر می گذارد و کودکان و نوجوانان در کارتونها و بازی های رایانه ای از نمادها و تصاویری خوششان می آید که قبلاً آنها را در دنیای نوشت افزارشان - که مدام و روزانه با آنها سروکار دارند- شناخته و با آنها زندگی کرده باشند.

بنابر مطالب پیشین، مقوله فرهنگ و سیر حرکتی آن را در بحث صنایع فرهنگی و از جمله نوشت افزار باید از بحث اقتصاد و منافع مادی آن که فرمولها و عناصر خاص خود را دارد جدا کرد و ضمن اهتمام به لزوم تولید نوشت افزار با نمادها و تصاویر مطلوب و مروج ارزش های دینی همچون نماز و مسجد، بحث تأثیر گذاری بر دنیای کارتونها و بازی های رایانه ای را نیز دنبال کرد.

**۱. مطالبه‌گری**

نهاد مسجد باید وظایف هریک از نهادها را برای برآورده‌سازی هدف «مناسب‌سازی تصاویر نوشت‌افزار» از آن‌ها مطالبه نماید و یکی از مطالبه‌گران فرهنگی عمده در این حوزه باشد. بخشی از این مطالبات بدین شرح می‌تواند باشد:

شورای عالی انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگی دفتر مقام معظم رهبری، علاوه بر نقش هدف‌گذاری، نقش هماهنگی را نیز بر عهده داشته باشند.

سازمان گمرک جمهوری اسلامی ایران نقش قابل توجهی در این صنعت ایفا نمی‌کند که این مسئله شایسته تأمل و بازنگری است.



## ۲. تولید محتوای جذاب و متناسب با محصولات این صنعت

ناکافی بودن استفاده از نشانه‌های اسلامی - ایرانی در محصولات این صنعت، نبود الگوهای مناسب در صنایعی مانند پویانمایی یا بازی‌های رایانه‌ای برای تبدیل به فرم و محتوا در محصولات مختلف این صنعت و کم‌توجهی تولیدکنندگان به جذابیت محصولات داخلی به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، سبب ضعف ابعاد محتوایی در محصولات این حوزه شده است که نهاد مسجد می‌تواند یا خود از طریق برخی مخاطبان صاحب‌فن در این حوزه وارد کار شود و نوشت‌افزارهایی با نشانگان ایرانی و مسجدی تولید نماید، یا اینکه در قالب همکاری با نهادهای مسئول، ظرفیت‌های خود را در جهت تولید نوشت‌افزار مطلوب بسیج نماید.

### « نکته »

مطلبی که در ضمن راهکارهای موجود این فصل مورد توجه قرار گرفته است و در واقع با تجزیه و تحلیل آن، به راهکارهای ارائه‌شده نائل می‌شویم آن است که مسجد وظیفهٔ تعلیم علوم روز و تولید ابزارهای روز مانند اسباب‌بازی و نوشت‌افزار را ندارد و اگر می‌بینیم که در برخی کتب و در بیان ارائه‌کار، به بیان مواردی همچون آموزش ریاضی و زبان انگلیسی و فنون روز در مسجد اشاره‌شده و یا اینکه به ورود مسجد به حوزهٔ عوامل محیطی در این کتاب اشاره می‌شود، به دلیل تلاقی این موضوعات و عوامل محیطی روز مانند اسباب‌بازی با وظیفه ذاتی و اولی مسجد - محل عبادت و نشر معارف اسلامی و تربیت دینی بودن - است. با این توضیح که علوم و فنون روز، ناگزیر در فضای «تربیتی» اجتماع که وضعیت خاص خود را دارد ارائه می‌شوند. علاوه بر این، ابزارهایی همچون اسباب‌بازی، نوشت‌افزار، کارتون‌ها و ابزارهای سرگرمی و مانند آن، نوعاً وارد فضای «تربیتی» می‌شوند و این‌گونه نیست که صرفاً مهارت‌های زندگی روز را آموزش دهند و یا جنبهٔ سرگرمی صرف داشته باشند بلکه با دغدغه‌های فکری و یا حتی اقتصادی سوداگرانه وارد فضای تربیتی افراد می‌شوند؛ به‌طوری که خروجی کار آن‌ها (فراورده‌ها و محصولات تولیدشده) و آموزش‌های آن‌ها، در نحوهٔ تربیت فراگیران تأثیر تام و تمام می‌گذارد؛

اینجاست که مسجد به‌عنوان پشتیبان ارزش‌های اسلامی و مدافع تربیت دینی انسانی، احساس خطر می‌کند و با ارائه راهکارهای ذیل که به شکل طولی در تداوم همدیگر هستند وارد عرصه می‌شود:

در وهله اول به آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به مردم و خصوصاً مخاطبان خود نسبت به فضای تربیتی موجود در برخی آموزش‌ها و ابزارهای روز می‌پردازد.

در گام بعدی با نهادهای مسئول که با نهاد مسجد هم‌هدف هستند و در جهت اعتلای ارزش‌های اسلامی شکل گرفته‌اند، ارتباط برقرار نموده و ضمن هشدار برای اقدام در جهت کنترل مسائل تربیتی ناسالم، تولیدات فاخر و مناسب و نیز مدنظر قرار دادن مسائل تربیتی مفید را در کنار آموزش‌ها مطالبه می‌نماید؛ تولیدات و آموزش‌هایی که خروجی آن‌ها نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی مثبت و مطلوب از نمادها و رفتارهای دینی همچون مسجد و نماز جماعت باشد.

در گام سوم، خود نیز با آن نهادها همکاری می‌کند و ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود را جهت به ثمر نشستن تربیت سالم در کنار آموزش‌ها و نیز برای تولید ابزارهایی با نشانگان و فضای تربیتی سالم بسیج می‌نماید.

در گام آخر خود مستقلاً وارد کار می‌شود؛ بدین صورت که اسباب‌بازی مسجیدی تولید می‌کند، نوشت‌افزار مذهبی منتشر می‌کند، کلاس‌های آموزش علوم روز را در فضای روحانی مسجد برقرار می‌کند و حتی اردوهای تفریحی سالم برگزار می‌کند. این کارها همچنین باعث می‌شود تا برخی افراد که چندان ارتباطی با این مکان مقدس ندارند، پایشان به این محیط مملو از معنویت باز شود و با فضای روحانی مسجد آشنا و نهایتاً جذب آن شوند.

## بخش هشتم: شبکه‌های اجتماعی

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

شبکه‌های اجتماعی برحسب هدف راه‌اندازی و موضوع فعالیت خود علاوه بر امکانات عمومی متنوعی مانند اضافه کردن دوستان، به اشتراک‌گذاری متن، تصویر و فایل‌های چندرسانه‌ای و سیستم ارسال پیام، امکانات و ویژگی‌های دیگری هم نظیر خبرخوان، بازی‌های آنلاین، تماشای فیلم، ارتباط با سایر رسانه‌ها، ارتباط با دستگاه‌های قابل حمل نظیر موبایل و تبلت و نظایر این‌ها در اختیار کاربران قرار می‌دهند. این شبکه‌ها با فراهم نمودن این قبیل امکانات کاربران خود را از مراجعه به چندین سایت بازداشته و احتیاجات و نیازمندی‌های اطلاعاتی، ارتباطی و تفریحی مختلفی ایشان را پوشش می‌دهند؛ نتیجه آنکه گرایش به شبکه‌های اجتماعی رشدی روزافزون دارد.

شبکه‌های اجتماعی مرزهای قراردادی و عرفی را از میان برداشته و افراد را از ورای مرزهای جغرافیایی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و عقیدتی کنار هم نشانده است. از کودکان و نوجوانان گرفته تا مادر بزرگ‌ها، مدارس، شرکت‌های دولتی، انجمن‌های

خیریه و برندهای تجاری، همه و همه در رسانه‌های اجتماعی سعی می‌کنند حضور پیدا کرده و ضمن تولید محتوا برای خود مخاطبان ثابتی فراهم کنند. کاربران گوناگون در سطوح مختلف سنی، تحصیلی، فرهنگی و با جنسیت، نژاد و زبان‌های متفاوت برحسب علایق، اهداف، دلایل و نیازهای خود طیف وسیعی از محتوا را تولید و یا بازنشر می‌کنند.

هم‌اکنون با وجود محدودیت‌های سنی در نظر گرفته‌شده، کودکان و نوجوانان با انتخاب سن بالاتر در شبکه‌های اجتماعی ثبت‌نام کرده و فعالیت می‌کنند؛ بدین ترتیب کودکان وارد دنیایی می‌شوند که پیش‌ازاین بزرگ‌ترها نیز تجربه زندگی در آن را نداشته‌اند. چنانکه بر اساس آمارها، ۲۰ درصد کاربران فیس‌بوک زیر ۱۸ سال هستند.<sup>۱</sup>

اما نحوه کاربری کودکان و نوجوانان از شبکه‌های اجتماعی، نه تنها در شکل دهی به سبک زندگی‌شان بلکه در نوع قالب‌گیری هویت دینی و فرهنگی‌شان تأثیر تام و تمام دارد؛ این تأثیرپذیری بالا از آن جهت است که شبکه‌های اجتماعی جزء رسانه‌های دیجیتال تعاملی هستند و چنان نیست که عرضه محتوا در آن‌ها مانند سایر رسانه‌های موجود، به شکل یک‌سویه و یک‌طرفه باشد و احیاناً در مخاطب، انگیزش لازم برای پذیرش محتوای مورد انتظار به وجود نیاید. در این شبکه‌ها همه افراد حاضر، هم مخاطب‌اند و هم عرضه‌کننده و تولیدکننده محتوا (به شکل بالقوه) و این وضعیت هیجانی و پرنشاط، با فضای گفتمانی و فرصت ابراز وجود و شخصیت که برای افراد می‌آفریند، میزان تأثیر و تأثر را به شدت بالا می‌برد و اثرگذاری محتوای رد و بدل شده در آن را افزایش می‌دهد؛ محتوایی که ممکن است دینی و مسجدی باشد و یا غیردینی و یا ضد دینی.

۱. سبک زندگی کاربران شبکه‌های اجتماعی، پورتال مشرق نیوز، ۱۳۹۲/۱/۱۴، کد خبر: ۱۹۵۷۸۲.

۱. وضعیت برخورد جامعه ایرانی و غرب با مقوله فناوری های جدید

بررسی تطبیقی مواضع اولیای فرهنگی جوامع ایران و غرب، حکایت از برخوردی متفاوت در زمینه فناوری های جدید، دارد؛ در حالی که در ایران به لحاظ تحقیقاتی، با بی توجهی از کنار تبعات و پیامدهای اتاق های «چت»<sup>۱</sup> اینترنتی عبور شده است، در غرب تلاش وافری در جهت شناخت نقاط ضعف و قوت اتاق های گفت و گوی اینترنتی و کوشش در جهت گسترش بستر سازی های فرهنگی برای افزایش فرصت ها و کاهش تهدیدهای چت روم ها، صورت گرفته است.

بر همین اساس با گسترش پژوهش ها و تحقیقات اجتماعی در غرب، پژوهش های انجام شده در زمینه اتاق های گفت و گو، شامل سه محور کلان پژوهشی در زمینه آسیب های ناشی از حضور در چت روم ها، تلاش در جهت کاهش آسیب و تلاش در جهت گسترش فرصت های اتاق های چت شد. پژوهش های محور نخست، به بازشناسی آسیب های مترتب بر اتاق های گفت و گوی اینترنتی و موبایلی می پردازند. پژوهش های محور بعدی، با هدف مداخله در فضای پرفراز و نشیب اتاق های گفت و گو، کوشش در جهت کاهش آسیب های پیش گفته را تعقیب می کنند و سرانجام آخرین محور از محورهای یاد شده، به گزارش تحقیق هایی می پردازد که با هدف گسترش فرصت های اتاق های گفتمان، به بررسی و مطالعه پرداخته اند.<sup>۲</sup> بنابراین فناوری های ارتباطی نه در ایران بلکه در جهان حاضر نه یک انتخاب، بلکه یک تحمیل است، ولی برای مقابله با تهدیدهای شبکه های اجتماعی، غربی ها با اتکا به رویکردی مداخله گرایانه، کوشیده اند با گسترش فرصت های اتاق های گفت و گوی اینترنتی از میزان تهدیدهای آن بکاهند؛ اما به سبب دید متفاوت در ایران، فناوری های ارتباطی پیشرفته و در اینجا شبکه های اجتماعی، به سبب آنکه متضمن تهدید نیز هستند، در نگاه و برخوردی آرمان گرایانه، به کنار نهاده شده اند. نگاه آرمان گرایانه اخیر، مسئولان ایرانی را به سمت رویکرد مبتنی بر نفی و انکار

Chat. ۱

۲. صبا حسونندی و مرتضی منطقی، فراز و فرود چت روم ها، ص ۳۷.

فناوری‌های ارتباطی پیشرفته سوق داده است و همین مسئله سبب گردیده است با بی‌توجهی به بسترسازی‌های فرهنگی لازم جهت کاهش آسیب‌های فناوری‌ها، در جریان فرصت‌سوزی پدید آمده، فرصت‌های فناوری‌های پیش‌گفته، به شکل جدی امکان طرح نیابند و تنها و تنها تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، خود را در ایران به نمایش بگذارند.<sup>۱</sup>

نتیجه اینکه شبکه‌های اجتماعی را باید به‌مثابه فرصت و تهدید در کنار هم نگریست. باید پذیرفت که اصل این فناوری خود را بر جوامع مختلف و از جمله ایران، تحمیل کرده و خواهند کرد و در ارتباط با آن‌ها، انتخاب چندانی در «اصل» قضیه، وجود ندارد؛ همچنان که همین الآن چندین نرم‌افزار در حال فعالیت هستند و کاربران زیادی را جذب کرده‌اند، نرم‌افزارهایی همچون وایبر، تانگو. در واقع؛ این گزاره که «نمی‌توان در مقابل ورود فناوری ایستاد» در اصل، حرف درستی است که البته نتیجه‌ای که روشنفکران غرب‌زده مبنی بر یله و رها گذاشتن آن و تسلیم شدن در برابر آن و به عبارتی خودکشی از ترس مرگ، می‌گیرند، رویکرد کاملاً اشتباه و منفعلانه‌ای است؛ اگر نمی‌توان در مقابل ورود «اصل» فناوری ایستاد - که البته نباید هم ایستاد - بدان دلیل است که تغییر و تحول در ابزارها و به وجود آمدن فناوری‌های مدرن، در راستای قانون طبیعت است یعنی همان استفاده از عقل و خرد بشری و اختراع امکانات پیشرفته‌تر؛ و لذا هر کس و جریان و مکتبی نیز بخواهد در برابر پیشرفت‌های بشری قد علم کند محکوم به شکست و نابودی و یا نهایتاً انزوا و ضعف است. رویکرد صحیح در مواجهه با فناوری‌ها و تغییرات و تحولات اخیر، رویکرد مواجهه فعال و جهت‌دهی صحیح به آن‌هاست؛ باید با بسترسازی و فراهم آوردن زمینه‌ها، فرصت‌هایی را فراهم ساخت تا ابزار موردنظر مثلاً شبکه‌های اجتماعی در آن جهت، مورد استفاده قرار گیرد و نیز زمینه‌ها و بسترهای استفاده منفی را و یا در واقع همان زمینه‌های تهدید را به حداقل رساند و در مواقع معدودی نیز با حذف برخی بخش‌های آن، در برابرش مانع ایجاد نمود؛ در همین راستا لازم است به رویکرد بومی‌سازی البته با خلاقیت و نوآوری

۱. همان، ص ۷۱.

و جذابیت آفرینی و تنوع بخشی به امکانات نرم افزارهای هم عرض، توجه جدی مبذول شود و گرنه شانسی برای برنده شدن در این رقابت سهمگین وجود ندارد. البته این ها همه در کنار وظایف کلان و مسئولیت های عمده ای است که نظام در جهت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم و خصوصاً جوانان در حوزه سبک زندگی اسلامی دارد که در صورت مرتفع شدن نسبی آن ها، شاهد گرایش «فراطی» مردم به چنین ابزارهایی و آن هم در جامعه دین مدار ایرانی نخواهیم بود.

## ۲. وضعیت محتوای رد و بدل شده در شبکه‌های اجتماعی

برای تبیین این پرسش که محتوای رد و بدل شده میان کاربران چت‌روم‌ها یا شبکه‌های اجتماعی، چه چیزهایی است؟ پژوهشگران با حضور در چت‌روم آسیا، بدون آنکه مداخله فعالی در روند بحث‌های رد و بدل شده کاربران داشته باشند، از مباحث رد و بدل شده در این چت‌روم نسخه‌برداری کرده و آن را تجزیه و تحلیل نموده‌اند<sup>۱</sup> که حسب آن «دوست‌یابی و تبادل شماره تلفن»، «ارتباط‌های روزمره و تعامل‌های معمولی» و «مسائل غیر اخلاقی»، با ۸۹,۳ درصد عمده‌ترین حجم پیام‌های رد و بدل شده را در برمی‌گیرند.

در یک بررسی دیگر، نوسان ارزشی کاربران چت مورد توجه قرار گرفت و از کاربران اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی، این پرسش به عمل آمده که آیا چت کردن می‌تواند موجب دوری افراد از ارزش‌های فرهنگی‌شان شود یا خیر؟ در ۴۸٪ موارد پاسخ‌دهندگان پاسخ مثبت، در ۲۴٪ پاسخ بی‌نظر و در ۲۸٪ موارد گزینه منفی را انتخاب کردند.<sup>۲</sup>

البته در یک بررسی مقدماتی که توسط یک گروه پژوهشی در سطح هفتاد کاربر ایرانی اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی (۳۵ دختر و ۳۵ پسر) انجام پذیرفت، افرادی که از محیط گفت‌وگوی اینترنتی به عنوان فرصت یاد کرده بودند، با اشاره به مواردی مانند آشنایی با افراد دیگر، دوست‌یابی، تبادل تجربیات، اخذ ایده‌های جدید از دیگران، استفاده‌های مشاوره‌ای، تخلیه هیجانی، قیمت ارزان و سرعت زیاد و نظایر آن، بر مثبت دیدن اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی تأکید ورزیده بودند.<sup>۳</sup>

این مسئله همان بحث وجود فرصت در فناوری‌های روز و امکان بهره‌مندی مثبت از آن‌ها را نشان می‌دهد که در مبحث قبلی به تفصیل مورد بررسی قرار گرفت.

### « جمع‌بندی:

در خصوص نقش آفرینی شبکه‌های اجتماعی در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز

۱. مصطفی بلقان آبادی و مرتضی منطقی، نشریه سلامت روانی، «تحلیل محتوای اتاق‌های گپ اینترنتی (چت‌روم‌های) ایرانی».

۲. مرتضی منطقی؛ همان، ص ۲۴۱-۲۴۳.

۳. همان، ص ۲۵.



و مسجد در فکر و اندیشه کودکان می‌توان چنین بیان کرد که از آنجاکه شبکه‌های اجتماعی محصول خارجی هستند و فناوری مربوط به آن‌ها در گام اول در خارج از کشور ساخته و پرداخته شده است، لذا جدا از مشکلات امنیتی که در بردارند، محتوای اولیه آن‌ها با فرهنگ بیگانه شکل گرفته است.

این مطلب وقتی با این گزاره همراه می‌شود که رویکرد مواجهه با فناوری‌های روز در جامعه ایمانی ایرانی، نوعاً رویکرد طرد و نفی آن‌ها بوده است، نتیجه این می‌شود که بخش قابل توجهی از کاربران شبکه‌های اجتماعی در ایران و محتوای تولیدشده توسط آن‌ها، نامناسب و ضد فرهنگی است - که راهکارهای اصلاحی آن در قسمت قبلی توضیح داده شد - طوری که نگاهی به محبوب‌ترین صفحه‌های شبکه‌های اجتماعی که توسط برخی نهادهای آماری تهیه شده و نیز هنرمندان محبوب بین ایرانیان، رسانه‌های محبوب بین ایرانیان و شناسه‌هایی که بیشترین دنبال‌کننده را بین ایرانیان در شبکه‌های اجتماعی دارند، مؤید این مطلب است. در حال حاضر، با وجود مسدود بودن بسیاری از شبکه‌های اجتماعی، حضور ایرانی‌ها در فضاهایی از جمله «فیس‌بوک»<sup>۱</sup>، «توییتر»<sup>۲</sup>، «اینستاگرام»<sup>۳</sup> و البته شبکه‌های ارتباطی اینترنتی مانند Viber, WhatsApp به وضوح دیده می‌شود و حتی در برخی موارد کاربران ایرانی مخاطبان اصلی این شبکه‌ها را تشکیل می‌دهند. همچنین گفتنی است هرچند شبکه‌های اجتماعی بومی نیز ساخته شده‌اند لیکن به دلیل دیرجینیدن، ضعف خدمات و عواملی دیگر، به هیچ‌وجه مانند شبکه‌های اجتماعی غیربومی مورد استقبال واقع نشده‌اند.

بنابراین در محتوای فعلی شبکه‌های اجتماعی، نشانگان دینی و مذهبی اساساً کم‌رنگ است که در ضمن آن، موضوعات مربوط به رفتارها و نمادهای دینی همچون نماز و مسجد کم‌رنگ‌تر نمود دارد. این موضوع وقتی با قشر خاصی از جامعه و گروه سنی مشخصی مانند کودکان و نوجوانان ارتباط پیدا می‌کند، نقصان مضاعفی مشاهده می‌شود.

۱. Facebook  
۲. Twitter  
۳. Aynstagram

۱. تغییر رویکرد نفی مطلق:

شبکه‌های اجتماعی یکی از قابلیت‌های فضای مجازی است که به‌طور وسیع در معرض استفاده کودکان و نوجوانان و سایر اقشار جامعه قرار دارد و می‌تواند دارای پیامدهای مثبت و یا منفی باشد.<sup>۱</sup> اگر هم برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در داخل، حکایت از غلبه استفاده منفی از تالارهای گفت‌وگو در کاربران ایرانی و یا حتی در کل دنیا دارد، ناشی از دلایل خاصی است و دال بر تهدید صرف بودن شبکه اجتماعی بالذاته نیست و نمی‌تواند مستمسک و دلیلی برای حذف کلی آن از جامعه باشد. «لذا مقاومت سلبی صرف، در برابر فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، تنها فرصت‌سوزی است و به‌نوعی تداعی‌گر حکایت از چاله به چاله افتادن است؛ اما در صورتی که رویکرد اخیر، به شکل فعالی با رویکرد مبتنی بر مداخله‌گرایی تغییر یابد؛ در این صورت، به‌جای فرصت‌سوزی و از دست دادن زمان، مسئولان امر در صدد فرهنگ‌سازی و بسترسازی جهت گسترش ابعاد مثبت فناوری‌های ارتباطی پیشرفته (از جمله اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی) برآمده، با افزایش فرصت‌های این فناوری، خودبه‌خود از میزان تهدیدهای آن خواهند کاست.»<sup>۲</sup>

البته باید یادآور شد به همان اندازه که باید از جنبه افراط که همان نگاه سلبی صرف و تحریم کل و اصل فناوری است دوری نمود، از جنبه تفریطی و رها نمودن جامعه برای ورود هرگونه فناوری و به هر شکل آن نیز باید اجتناب نمود. فناوری‌های مدرن حتی در جامعه مادی‌گرای غربی نیز به‌طور کامل آزاد نیستند و چنان نیست که افراد در هر سن و مکان و زمانی بتوانند از تمام ابزارهای فناوری نوین استفاده کنند و این یک گزاره بدیهی عقلی است.

بر همین اساس باید ضمن پذیرش لزوم وجود محدودیت‌هایی در این زمینه، دو رویکرد عمده را در مقابله سلبی و منفی با فناوری‌هایی که نقش ابزاری صرف دارند مدنظر قرارداد: اول اینکه محدودیت‌ها در حد ضرورت باشد و از لحاظ کمی و کیفی

۱. مصطفی امیری، نشریه پیام، «گفتمان بی‌مرز (چت، آسیب‌ها و کاربردها)»، ص ۱۸۶.

۲. صبا حسونندی و مرتضی منطقی، همان، ص ۱۵۲-۱۵۳.

منجر به تعطیلی اصل فناوری ننشود (هرچند با توجه به شرایط خاص اجتماعی ایران در حال حاضر، شاید لازم باشد که گستره این محدودیت‌ها اندکی فراتر از حالت عادی باشد ولی به هر حال باید به این سمت و سو پیش رفت که از شرایط خاص خارج شد؛ به طوری که با دارا بودن شرایط فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایده‌آل و محقق نمودن سبک زندگی اسلامی، فناوری را در فرهنگ متعالی خود هضم نموده و از آن برای پیشبرد اهداف خود استفاده نماییم نه اینکه فرهنگ و سبک زندگی کاربران ما و شرایط جامعه‌مان آن قدر نامتعادل باشد که با ورود هر فناوری هراس آن را داشته باشیم که داشته‌های فرهنگی به یغما برود!) دوم اینکه جنبهٔ مکملی داشته باشد؛ بدین معنی که اصل طرح و برنامه باید متمرکز بر رویکرد ایجابی به مسئله و استفادهٔ بهینه از فرصت‌های فناوری و ارتقای آن‌ها باشد؛ باید با فناوری مواجههٔ فعال داشت و قبل از هر چیز با بررسی تمام جوانب فناوری‌های جدید، فرصت‌ها و تهدیدهای آن را احصا نمود و آنگاه با فراهم آوردن زمینه‌ها و بسترهای محیطی و بومی‌سازی، فضا را برای استفادهٔ بهینه ایجابی از ابزار جدید همچون شبکه‌های اجتماعی فراهم ساخت، آنگاه در جهت کاهش تهدیدها برنامه‌ریزی نمود و احیاناً با بخش‌هایی از فناوری که غیر از حذف راهکار دیگری برای آن‌ها متصور نیست، مواجهه لازم را انجام داد.

در همین راستا پیشنهاد می‌شود شبکه‌های اجتماعی ذیل در موضوع «کودک و نوجوان و نحوه ارتقا و تقویت ارتباط وی با مسجد»، توسط نهاد مسجد راه‌اندازی شود و با نظارت و جهت‌دهی به آن‌ها، استفاده بهینهٔ لازم صورت پذیرد:

- شبکهٔ اجتماعی کودکان و نوجوانان مسجدی
- شبکهٔ اجتماعی امامان جماعت برای بهره‌گیری از تجارب همدیگر در جذب کودکان و نوجوانان به مسجد
- شبکهٔ اجتماعی نمازگزاران مسجدی و خصوصاً نمازگزاران دارای فرزند کودک و نوجوان
- شبکهٔ اجتماعی فعالان فرهنگی مساجد در حوزهٔ کودکان و نوجوانان
- شبکهٔ اجتماعی معلمان دینی مدارس در راستای تقویت ارتباط مسجد و مدرسه

## ۲. توجه به سوابق پژوهشی مورد نیاز

### ۳. فعال سازی نهادهای دینی در ارتباط با فناوری های ارتباطی پیشرفته:

نهادهای دینی همچون مسجد با امکانات و با توانایی هایی که دارند می توانند در بستر سازی فرهنگی، روشنگری و اطلاع رسانی لازم به کودکان و نوجوانان و خانواده های ایشان نقش مثبت و مؤثری ایفا کنند. برخی از کلیساها و پیشوایان مذهبی در غرب، در صدد برخورد فعال با تبعات آسیب زای اینترنت برآمده اند و برخی از مؤسسات مشاوره ای مسیحی را جهت تأثیر گذاری مستقیم در این جهت طراحی کرده اند؛ به نظر می رسد در پیش گرفتن اقدام مشابهی از سوی روحانیون آشنا به جهان معاصر، در ایران نیز امکان پذیر باشد.

محتوای اطلاع رسانی پیش گفته، می تواند اولاً شامل گسترش فرصت ها (مانند معرفی سایت های مناسب و اتاق های گفت و گوی اینترنتی بالارزش) و ثانیاً آگاه سازی نسبت به تهدیدهای اینترنت باشد.<sup>۱</sup>

۱. همان.

## ۴. مطالبه از دولتمردان در جهت تولید نرم افزارهای بومی:

نهاد مسجد به منظور پیشبرد اهداف خود در بخش تعدیل و ارتقای نقش شبکه‌های اجتماعی در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه کودکان و نوجوانان، باید حمایت دولتمردان از تولید نرم‌افزارهای مناسب مربوط به شبکه‌های اجتماعی را مطالبه نماید. این اقدام می‌تواند امری مهم برای ترویج شعائر اسلامی همچون مسجد باشد.

هم‌اکنون راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات از موضوعات بسیار مهم و کلیدی است که در صورت تحقق، بخش عمده‌ای از تهدیدات موجود در فضای مجازی اعم از اینترنت و شبکه‌های اجتماعی را بی‌اثر می‌گذارد و همچنین فرصت بسیار مناسبی را برای ترویج آموزه‌های مذهبی و نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از رفتارها و نمادهای دینی همچون نماز و مسجد مهیا می‌سازد. این در حالی است که بر اساس ماده ۴۶ قانون برنامه پنجم توسعه، وزارت ارتباطات حداکثر یک سال فرصت داشت پس از تصویب این قانون، شبکه ملی اطلاعات را در کشور راه‌اندازی کند. ولی اکنون در سال آخر برنامه پنجم هنوز مدل مفهومی آن نیز ارائه نشده است.

با راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات، از اینترنت سالم، بسیار سریع و امن و ارزان بهره‌گیری می‌شود. فیلترینگ در حال حاضر در مورد یک بچه ۱۰ ساله و یک فرد ۵۰ ساله به‌طور یکسان اجرا می‌شود که این خود یک آسیب جدی است. با راه‌اندازی شبکه ملی اطلاعات شناسه ملی ایجاد می‌شود و سطح دسترسی‌ها به محتوا مشخص می‌گردد.<sup>۱</sup> مسجد می‌تواند و باید بخشی از مطالبه‌گران چنین نرم‌افزارهایی باشد.

۱. روح‌الله مؤمن نسب، ۸۹ درصد محتوای شبکه‌های اجتماعی موبایل غیراخلاقی‌اند، خبرگزاری میزان، ۱۳۹۳/۷/۱۵، کد خبر: ۹۴۱۹

## ۵. استفاده از مسجد مجازی در جهت جاذبه آفرینی:

لازم است مسجد، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین ارکان نظام اسلامی و انقلاب، در دایره نوآوری نوین، جایگاه خود را مشخص نماید و از این قافله عقب نماند؛ یکی از عمده‌ترین راهکارهای تحول و امروزی کردن مسجد به‌منظور آشنایی هرچه‌بہتر و سریع‌تر کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد و تصویر آفرینی مثبت از مسجد در ذهن و روان آنان، راهکار گسترش «مساجد مجازی» است. با این توضیح که سازوکارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی به نمایش گذارده شود. همچنان که این کار در مورد معرفی مراکز گردشگری و سایر مکان‌های فرهنگی در دنیا صورت می‌گیرد. مسجد مجازی می‌تواند پاسخگوی نیازهای مخاطبان کودک و نوجوانش در هر زمان و مکانی باشد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن بر مکان و زمان فائق می‌آید و می‌تواند از هرجایی از کره خاکی و در هر زمان به مقصودش دست یابد.

در بعد بین‌المللی نیز جهان نیازمند دین‌شناسی و آشنایی با معنویت غنی اهل بیت (علیهم‌السلام) است که یکی از ابزارهای سهل‌الوصول و جذاب فناوری، قالب مسجد مجازی است. آگاهی از این مطلب حائز اهمیت است که خبرگزاری رویتر در ۲۸ دسامبر سال ۲۰۰۱ با چاپ گزارش مفصلی اعلام کرد که از هر ۴ کاربر آمریکایی، یک نفر برای مقاصد دینی به اینترنت رجوع می‌کند. همچنین ذکر شد که ۶۹ درصد از این افراد درصدد یافتن منابع مطالعاتی دینی و تحقیق درباره ادیان مختلف هستند. در این میان، ۲۱ درصد در جستجوی متون مقدس دینی و شرکت در اعمال و نیایش‌های آن هستند.<sup>۱</sup>

از طریق مسجد مجازی کاربر وارد مسجد مجازی می‌شود و با توجه به نوع مخاطب و متناسب با زمان، اولاً اطلاعاتی در موضوعات دینی و خصوصاً نماز و مسجد به او ارائه می‌گردد؛ ثانیاً با ذکر مزایا و منافع دین‌داری و مسجدی شدن، در خصوص تعالیم دینی و نماز و مسجد، ارزش آفرینی می‌شود؛ در مرحله بعدی رفتارهای دینی و مسجدی را به نمایش گذاشته می‌شود و درنهایت، نمادهای دینی که

۱. هادی اتابکی، ماهنامه تازه، «نگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت»، ص ۳۳.

از جمله مهم‌ترین آن‌ها مسجد است، به شکل مناسبی به مخاطبان عرضه شده و ضمن آشنایی، راهکارها و اقدامات عملی برای اسلامی شدن و مسجدی بودن، ارائه می‌گردد.

پیشینه مسجد مجازی: اولین نشانه‌های مسجد مجازی را باید در عبادتگاه‌های مجازی سایر ادیان جستجو نمود با این توضیح که در اوایل سال ۲۰۰۱، کلیسای ملی استرالیا در راستای جذب بیشتر مردم برای حضور در مراکز و محافل مذهبی، از ابزار نوظهوری به نام اینترنت بهره برد و افرادی که روزهای یکشنبه نمی‌توانستند به هر علتی در مراسم دعای کلیسا شرکت کنند، ساعاتی از اینترنت به‌طور رایگان استفاده می‌کردند. چیزی نگذشت که کلیساهای پروتستان آمریکا نیز اقدام به راه‌اندازی پایگاه‌هایی کردند که در آن به شکل همزمان افراد می‌توانستند با استفاده از اینترنت در دعا‌های روز یکشنبه کلیسا شرکت کنند؛ بدون آن‌که نیاز به طی کردن مسافت و حضور فیزیکی در کلیسا داشته باشند.<sup>۱</sup>

«اسقف کن کلسی»<sup>۲</sup>، یکی از نخستین کشیشان اینترنتی در مصاحبه‌ای با آسوشیتدپرس در اوایل سال ۲۰۰۳ گفت: کلیسای اینترنتی جامعه‌ای جدید و به عبارتی، خلق سرزمینی جدید است. ما در کلیسای اینترنتی تمام کارهای جامعه دینی را انجام می‌دهیم؛ به‌طور مثال عبادت‌های روزانه، خواندن کتاب مقدس، حضور کشیش برای گفت‌وگو و تسکین و حتی ثبت اعترافات گناهکاران در این جامعه الکترونیکی تحقق یافته است.

دسترسی شبانه‌روزی به کشیش‌هایی که ساعت‌ها با مراجعان چت می‌کنند، موسیقی‌های مذهبی که در تمام ساعات قابل شنیدن است، استفاده از کتابخانه‌ها و مقالات و تحقیقات دانشگاهی و علمی و همچنین شرکت در دعا‌های دسته‌جمعی و خواندن کتاب مقدس، از جمله متداول‌ترین امور کلیساهای اینترنتی است.<sup>۳</sup> قابل توجه است که فاصله بین فعالیت‌های دیگر ادیان و تلاش مسلمانان در این زمینه بسیار مشهود است؛ چنانکه نتایج یک بررسی از دو موتور مشهور جستجوگر

۱. مژگان ایلاتلو، مجله دین پژوهان، «کلیساهای مجازی در جهان واقعی»، ص ۴۱.

Bishop now calcitonin. ۲

۳. یحیی سهروردی و جهانگیری، ره‌آورد نور، «مسجد مجازی تحول و نوآوری در مسیر ایران در سال ۱۴۰۴»، ص ۵۵.

اینترنتی جهت یافتن تعداد معبد، کلیسا و مسجد مجازی و واژگان موجود در دو زبان فارسی و انگلیسی که به موضوع مورد بحث مربوط می‌شود، حاکی از این است که:

۱. فاصله زیادی بین فعالیت مسلمانان در دنیای مجازی و دیگر ادیان به‌ویژه مسیحیت، تنها در گستره زبانی فارسی و انگلیسی وجود دارد. حال اگر زبان‌های دیگر نیز جستجو شود، فاصله خیلی بیشتر از این خواهد بود.

۲. حتی در صورت تساوی در کمیت، در کیفیت نیز عملاً رقابتی با آن‌ها وجود ندارد؛ به‌طوری که حتی بهترین نمونه «مسجد» مجازی، با کم‌رتبه‌ترین کلیسای مجازی از لحاظ تولید، کیفیت عرضه، تنوع، مخاطب‌محوری و انواع جذابیت‌ها قابل مقایسه نیست. مساجد مجازی، حتی در روزآمد شدن محتوا با کلیسای مجازی فرسنگ‌ها فاصله دارد و این وظیفه متولیان نهاد مسجد را صدچندان می‌کند.

۳. همین مساجد مجازی هم معمولاً از تولیدات کشورهای عربی و سنی‌مذهب هستند؛ و جایگاه مکتب غنی اهل بیت (علیهم‌السلام) در این عرضه مورد غفلت قرار گرفته است.

۴. نظر به این که مساجد مجازی گاهی توسط اشخاص به‌صورت خودجوش راه‌اندازی شده است، به نظر می‌رسد که جهت تولید این مساجد مجازی، مثل مساجد فیزیکی، باید مرکز رسیدگی به امور مساجد اقدام نماید و در موارد اصلاحی، به هدایت و در مواردی نیز به تشویق مبادرت ورزد. یا اینکه همچنان که مساجد فیزیکی بدون نظارت در ساخت‌وساز و مدیریت، از مطلوبیت کافی برخوردار نخواهد بود، باید مساجد مجازی نیز سامان‌دهی گردد و بر محتوای تولیدی آن‌ها نظارت شود و البته این امر در سایه آموزش محقق می‌گردد.<sup>۱</sup>

مخالفان و موافقان معابد مجازی: در آیین مسیحیت عده‌ای که گرایش سنتی داشتند، با این پدیده به مخالفت پرداختند. این مسئله در موارد بسیاری مورد انتقاد اسقف‌ها و کشیشانی قرار گرفت که معتقد بودند اینترنت مردم را از کلیسا دور کرده است و باعث کاهش حضور مؤمنان در کلیسا در روزهای یک‌شنبه می‌شود.

۱. همان، ص ۵۵-۵۶.



به همین دلیل، طی اطلاعیه‌های مکرر اعلام کردند که هیچ جایگزینی برای حضور در کلیسا وجود ندارد و مسیحیان موظف هستند روزهای یکشنبه به کلیسا بیایند. سنت‌گرایان همچنان معتقدند که اینترنت عامل جدایی مؤمنان مسیحی از کلیسا و قطع رابطه آنان با سازمان کشیشان است.

کن کلسی، از بنیان‌گذاران کلیسای مجازی در پاسخ به این انتقاد می‌گوید: این مهم نیست که مسیحیان به کلیسا بروند یا از طریق اینترنت خود را در کلیسا حس کنند؛ این مهم است که رابطه آن‌ها با جهان مسیحیت و دنیای کلیسا قطع نشود. ما یا باید تصمیم بگیریم که رابطه را برای همیشه قطع کنیم و هرروز شاهد کاهش مؤمنان باشیم، یا اینکه بپذیریم این رابطه وجود داشته باشد؛ حتی به شکل مجازی.<sup>۱</sup>

البته منظور این نیست که آشنایی با مسجد مجازی و حضور در آن، جای حضور در مسجد حقیقی را بگیرد و احیاناً منجر به قطع ارتباط با مسجد شود؛ زیرا حضور فیزیکی در مسجد، فی‌نفسه موضوعیت دارد و برخلاف رویکرد کلیساهای مجازی، مقوله مساجد مجازی اولاً طریقت دارند برای اینکه افراد در نهایت به مساجد حقیقی متصل شوند و ثانیاً از آنجا که برخی خدمات مسجیدی نیاز به حضور فیزیکی ندارند و نیز برآورده کردن آن‌ها در توان مسجد حقیقی نیست، از طریق مسجد مجازی و با بهره‌گیری از ظرفیت بالای آن می‌توان این نیازها را برآورده کرد.

بنابراین مسجد مجازی یک آستانه است برای پر کشیدن به مسجد محله، یک عروج از مسجد مجازی به مسجد واقعی. ساخت مساجد مجازی به معنای دست کشیدن از مسجد سنتی نیست؛ بلکه در راستای تعالی ذکر خدا است. مگر نه آن است که می‌توان جوان آشفته در بازار دنیای دیجیتال را با همین ابزار جذب کرد و پس از زلال کردن فطرت گمشده‌اش، دست او را گرفت و در گوشه‌ای از مسجد سنتی نشان داد تا این بار به‌طور واقعی و نه مجازی، به‌طور فیزیکی و نه فقط ذهنی، به استماع حقیقت و کرنش در برابر خدا پردازد. خصوصاً با نگاه به این رسالت جهانی که باید جوان غربی‌ای نیز که اساساً اسم مسجد به گوش او نخورده و یا

۱. مؤگان ایلانلو، همان، ص ۴۱.

به جهت تبلیغات سوء استکبار، از مسجد مفهومی بد در ذهن دارد، با استفاده از تحولات جهانی، با حقیقت مسجد آشنا شود.<sup>۱</sup>

در پایان قابل ذکر است که بحث مسجد مجازی به فضای مجازی و اینترنت مربوط است و چندان در مورد شبکه‌های اجتماعی مطرح نمی‌شود ولی از آنجاکه بخشی جداگانه برای فضای مجازی اینترنت در نظر گرفته نشده است، لذا بحث مسجد مجازی در ضمن راهکارهای این بخش که نزدیک‌ترین بخش به لحاظ محتوایی به بحث فضای مجازی است ذکر گردید.

۱. یحیی سهروردی و جهانگیری، همان، ص ۵۹.

## بخش نهم: شبکه‌های ماهواره‌ای

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

بدون تردید شبکه‌های ماهواره‌ای نقش بسزایی در نحوه شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌های خانواده‌ها و فرزندان‌شان دارند که در چنین خانواده‌هایی و در موضوع مورد بحث این تحقیق، دو اتفاق عمده رخ می‌دهد: اول اینکه خود، از ارزش‌های دینی و مذهبی و نمادها و شعائر آن همچون مسجد و نماز جماعت فاصله گرفته و نسبت به آن‌ها ناآشنا می‌شوند و دوم، بی‌توجهی و حساسیت نداشتن آن‌ها نسبت به ارزش‌ها، نگرش‌ها و سبک زندگی‌ای است که فرزندان‌شان انتخاب می‌کنند. به طوری که بسیاری از خانواده‌هایی که از این وسیله استفاده می‌کنند، فرزندان‌شان نیز همراه آنان به تماشای فیلم‌ها و سریال‌های ماهواره می‌پردازند و پدر و مادر نگرانی‌ای از این بابت ندارند.

همچنین در حالی که از لوازم اولیه شکل‌گیری ارتباط بین کودکان و نوجوانان با مسجد، وجود آرامش روحی و معنوی در نهاد خانواده است تا والدین انگیزه لازم را برای نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه فرزندان و نیز

انگیزه کافی را برای حضور خود در مسجد و به تبع آن، ارتباطی فرزندان خود با مسجد داشته باشند، تماشای صرف و غیرنقادانه برنامه‌های ماهواره‌ای و مقایسه منفی زندگی خود با شخصیت‌ها و داستان‌های این برنامه‌ها، می‌تواند خوراک لازم را برای ایجاد درگیری بین زن و شوهر فراهم نموده و آرامش معنوی را از خانواده زایل نماید؛ زیرا برنامه‌های ماهواره‌ای در فضا و جامعه دیگری ساخته شده و منطبق با هنجارها و ارزش‌های آن جامعه است که مقایسه‌های ذهنی نادرست، انتظارات نامعقول، توجیهات اشتباه، نارضایتی بی‌مورد، حسادت و روابط پنهانی در نقش‌های ارتباطی والدین، همگی می‌تواند ناشی از تأثیر برنامه‌های ماهواره‌ای باشد.<sup>۱</sup>

۱. هانیه اخباریه، آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بر خانواده‌ها، پورتال موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۹۳/۱۰/۲۷.

**۱. وضعیت دسترسی به شبکه‌های ماهواره‌ای**

به لحاظ فنی در ۱۵۹ مدار تلویزیونی در کل جهان، ۲۰۳ ماهواره تلویزیونی فعال است که از این تعداد هشتاد مدار و یک‌صد ماهواره تلویزیونی - یعنی نیمی از ماهواره‌های جهان - در ایران قابل دریافت است. این تعداد ماهواره‌ها، امکان تماشای حدود ۱۸۰۰۰ شبکه تلویزیونی را در ایران فراهم می‌آورد. با رسیورها و دیش‌های معمولی می‌توان تا نزدیک به ۲۰۰۰ کانال ماهواره‌ای را در ایران با کیفیت بالا دریافت کرد.<sup>۱</sup>

گفتنی است بر اساس آمار موجود تا سال ۱۳۸۸ آمار شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان که در ایران قابل دریافت بود ۷ شبکه بود در حالی که در سال ۱۳۹۳ تعداد ۱۶۲ شبکه فارسی‌زبان قابل دریافت است.<sup>۲</sup> که این مسئله نشان از روند افزایش شتابدار شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان دارد.

۱. سعید غفاری، نشریه جام جم، «سایه‌روشن شبکه‌های ماهواره‌ای»، ص ۶.

۲. حسین امانلو، بشقاب‌های سمی: آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، ص ۵۲.

## ۲. وضعیت استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در ایران

در پاسخ به اسن سؤال که میزان استفاده از شبکه‌های ماهواره‌ای در کشور ایران چقدر است، آمارهای بسیار مختلف و با تفاوت زیادی در این زمینه ارائه شده است که نوعاً غیرمعتبر، غیرعلمی و غیررسمی هستند. به طوری که این آمارها از ۱۵ درصد تا ۷۰ درصد در نوسان است.

برخی آمارهای فراگیر و جزئی در این زمینه منتشر شده‌اند که اعتبارشان فراوان است چنانکه برحسب پیمایش ملی شورای فرهنگ عمومی کشور، وضعیت استفاده‌کنندگان از ماهواره در ایران به شرح ذیل است:<sup>۱</sup>

محل سکونت		جنسیت		تحصیلات				کل کشور
شهر	روستا	مرد	زن	بی‌سواد و کمتر از ابتدایی	ابتدایی تا پیش از دیپلم	دیپلم	بالای دیپلم	
۲۹	۱۸	۲۶	۲۴	۸	۲۲	۳۳	۳۹	۲۵

سن				میزان درآمد				
کمتر از ۲۵ سال	۲۵ تا ۳۵ سال	۳۵ تا ۵۰ سال	۵۰ سال و بیشتر	تا ۱۹۹ تومان	۲۰۰ تا ۳۵۹ هزار تومان	۳۶۰ تا ۵۹۹ هزار تومان	۶۰۰ هزار و بالاتر	
۳۳	۳۱	۲۳	۱۴	۱۴	۲۲	۲۹	۴۶	

بنابراین تحقیق، روند کاهش سن پاسخگویان رابطه معکوس با میزان تماشای برنامه‌های ماهواره دارد. بدین معنی که هر چه قدر میزان سن پاسخگویان کاهش یافته است، میزان زمان بیشتری را به تماشای برنامه‌های ماهواره اختصاص داده‌اند.

اخیراً نیز یکی از مراکز مهم نظرسنجی کشوری نتایج نظرسنجی خود را درباره برنامه‌های شبکه‌های ماهواره‌ای در ۳۱ شهر مرکز استان منتشر کرده است. بر پایه

۱. شورای فرهنگ عمومی کشور، طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور در سال ۱۳۸۸.

این گزارش ۴۲ درصد پاسخگویان اظهار داشته‌اند که بیننده برنامه‌های ماهواره‌ای هستند و در هر شبانه‌روز به‌طور متوسط حدود سه ساعت این برنامه‌ها را تماشا می‌کنند، در حالی که ۵۸ درصد دیگر، از بینندگان این گونه شبکه‌ها نیستند.<sup>۱</sup> آنچه ذکرش در این مجال ضرورت دارد آن است که هرچند ماهواره یک ابزار است که به‌صورت بالقوه فرصت‌ها و تهدیدهایی را می‌تواند برای مخاطبانش رقم بزند، ولی واقعیت نشان می‌دهد که درصد کمی و کیفی فرصت‌ها و تهدیدها، باهم برابر نیست؛ خصوصاً برای مخاطبان ایرانی که میزان تهدیدهای ماهواره برحسب تحقیقات صورت گرفته، به‌مراتب بیشتر از فرصت‌های آن است. به‌طوری که مطابق بررسی‌های اخیر، ۹۵ درصد استفاده‌ها از ماهواره در جنبه‌های منفی و صرفاً ۵ درصد در جنبه‌های مثبت علمی و پزشکی است.<sup>۲</sup>

#### « جمع‌بندی:

آمار مشخصی از میزان استفاده کودکان و نوجوانان از شبکه‌های ماهواره‌ای وجود ندارد؛ لیکن از آن جهت که کودکان و نوجوانان جزئی از افراد خانواده‌ها هستند و میزان گرایش خانواده‌ها به ماهواره در سال‌های اخیر افزایش یافته است، می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که به‌احتمال زیاد، درصد بینندگان کودک و نوجوان ماهواره نیز در حال افزایش است و رقم چشمگیری را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای چنانکه اجمالاً گفته شد، محتوای ضد دینی و اسلامی است و مخالفت با هرگونه نماد و رفتار دینی مانند نماز و مسجد را دربردارد. لذا خروجی برنامه‌های ماهواره‌ای برای کودکان و نوجوانان استفاده‌کننده از آن، در بهترین حالت، ناآشنایی با نماز و مسجد به‌عنوان آموزه‌ها و نمادها و شعائر دینی است و در گام بعدی که به‌احتمال زیاد در صورت عدم برنامه‌ریزی محقق می‌شود، ایجاد حس منفی و اشمئزاز از نماز و مسجد و نمازخوان و افراد مسجدی در فکر و اندیشه کودک و نوجوان ماهواره‌بین است. در گام آخر نیز باید

۱. هادی خانیکی، روزنامه شرق، «چرایی و چگونگی رویارویی با شبکه‌های ماهواره‌ای»، ضمیمه شماره ۱۳۲۹.

۲. اظهارات سردار محمدرضانقدی در دهمین همایش تخصصی مدیران کانون‌ها و مسئولان سازمان بسیج فرهنگیان کشور در مشهد، ۱۳۹۳/۵/۳۰.

منتظر نتایج غیرمستقیم تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد بود؛ بدین معنی که در خانواده‌های ماهواره‌بین، ذهن و فکر پدر و مادر نیز - که عوامل ارتباط‌دهنده فیزیکی فرزندان با مسجد و نماز جماعت به شمار می‌روند و همچنین رفتارها و گفتارهای دینی آن‌ها در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی نماز و مسجد در کودکان و نوجوانان مؤثر است - تحت تأثیر قرار گرفته و به شکل غیرمستقیم، نگرش‌سازی، ارزش‌آفرینی و رفتارآموزی در حوزه نماز و مسجد به فرزندان را با ضعف عمده مواجه می‌سازد.



## « ج: راهکارها

ماهواره از جمله عواملی است که کنترل محتوای آن امکان‌پذیر نیست و دخل و تصرفی در آن نمی‌توان نمود مگر اینکه نهایتاً بتوان برخی از کانال‌های آن را مسدود کرد. لذا راهکار عمده در این خصوص، در دو بخش قابل‌ارائه خواهد بود؛ بخش اول راهکارهایی که ناظر بر منصرف نمودن مخاطبان ماهواره نسبت به استفاده از آن است که به راهکارهایی همچون تولیدات رسانه‌ای قوی در داخل و مانند آن اشاره دارد و راهکارهای بخش دوم به آگاهی‌دهی و بصیرت‌دادن به استفاده‌کنندگان توجه دارد تا ترفندهای رسانه‌ای شبکه‌های ماهواره‌ای را شناخته و تا حد امکان، کمتر در دام آن‌ها بیفتند. بر این اساس راهکارهای ذیل قابل‌ارائه هستند:

### ۱. تولید محصولات فاخر

ضروری‌ترین کار در برابر تهدیدات نرم رسانه‌ای از جمله ماهواره‌ای، سرمایه‌گذاری گسترده برای تولید محصولات فاخر است.<sup>۱</sup> پاسداری از ارزش‌های ملی و دینی ما همچون نماز و مسجد، زمانی صورت واقعی به خود می‌گیرد که برای معرفی آن‌ها از ابزارهای نوین و بسیار کارآمد فناورانه استفاده نماییم. حال که رسانه‌های دیداری در کشور ما متنوع و متکثر می‌شوند، بهتر است که رویکرد خویش را به تولید و تهیه فیلم‌های مناسب به خصوص سریال‌های پر معنی تغییر دهیم. سریال‌هایی که پر محتوا باشد و علاوه بر جذابیت، مخاطب را به سمت هویت [دینی و انقلابی] خویش سوق دهند.<sup>۲</sup> برای این کار «لازم است صدا و سیما در افزودن خصیصه تنوع، جذابیت و سرگرم‌کنندگی به برنامه‌ها کوشش نماید.»<sup>۳</sup>

۱. عبدالله بیجرانلو، مجله رسانه، «کارکردهای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در جنگ نرم»، ص ۱۲۰.

۲. معصومه محمدی سیف، فصلنامه رسانه و خانواده، «شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده»، ص ۸۸-۸۹.

۳. بنفشه افهمی و حمیدرضا آقامحمدیان، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی، «بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به ماهواره و تأثیر آن بر باورها و رفتارهای دینی مردم مشهد»، ص ۷۴.

## ۲. ارائه سواد رسانه‌ای

هدف عملیاتی سواد رسانه‌ای عبارت است از پرورش بینندگانی که توانایی گزینش داشته باشند، به جست‌وجوی برنامه‌ریزی کیفی و متمایز و ارزیابی آن بپردازند و نسبت به شکل، قالب و محتوا در رسانه‌های جمعی حس انتقادی داشته باشند.<sup>۱</sup>

## ۳. توجه به مقوله اوقات فراغت

امروزه با تغییر سبک زندگی و گسترش فناوری، اوقات فراغت بخش قابل توجهی از مردم در حصار رسانه‌ها و از جمله برنامه‌های ماهواره‌ای قرار گرفته است. لذا در مقابل این سناریو که فقدان برنامه‌ریزی مناسب سبب رو آوردن به امور ناسالم و از جمله دیدن شبکه‌های ماهواره‌ای می‌شود، باید مشغولیت‌های سالم و هدفمند برای افراد جامعه، فراهم شود. امروز پر کردن اوقات فراغت و خصوصاً از طریق رسانه ملی، یک مسئله راهبردی است و مسئله ساده‌ای نیست که به راحتی از کنار آن بتوان گذشت، همچنان که مدیریت اوقات فراغت یک امتیاز در معادلات فرهنگی به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

می‌توان جایگزین‌های فرهنگی و تفریحی بی‌شماری برای خانواده‌ها و فرزندان تعریف نمود که اوقات فراغتشان را بدون اینکه ضرری عایدشان شود، سپری نمایند. بهینه‌سازی اوقات فراغت مردم و خصوصاً جوانان یکی از مسائل مهمی است که در صورتی که نهادها و مسئولان فرهنگی کشور نسبت به آن غفلت داشته باشند، باید شاهد عواقب جبران‌ناپذیری باشیم.<sup>۳</sup>

جالب اینکه نهاد مسجد با موقعیت جغرافیایی بی‌بدیلی که در کشور دارد و در همه جای آن تقریباً گسترده است، می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت فوق‌العاده و بالقوه در جهت ساماندهی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.

۱. نقل قول از: حسین مهربانی فر و محمد مهدی خلیل‌زاده، شبکه‌های ماهواره‌ای نگاهی به ابعاد فرهنگی و حقوقی، ص ۹۶-۹۷.

۲. اظهارات معاون اجتماعی ناجا سردار بهمن کارگر، تیر ۱۳۹۱.

۳. اظهارات کارشناس امور زنان، زهرا سجادی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس در تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴.

## نتیجه فصل دوم

بررسی وضعیت نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی عوامل محیطی از نماز و مسجد در فکر و روان کودکان و نوجوانان حاکی از این است که:

۱. محتوای ترویجی معنوی از طریق آموزش و پرورش و کتب درسی در حوزه مسائل دینی و تصویرآفرینی مثبت از آن‌ها به لحاظ حجمی مطلوب است؛ لیکن محتوای موجود نیازمند بازنگری و ارتقا است. این امر در خصوص محتوای مربوط به مسجد و نماز، بیشتر مشهود است و چه بسا بسط حجمی نیز نیاز باشد. لیکن معلمان و مدیران آموزش و پرورش که نقش تأثیرگذارتری در این باره می‌توانند داشته باشند، به دلیل غلبه رویکرد آموزش‌محور در مدارس غیرانتفاعی - که روزبه‌روز نیز در حال افزایش عددی و حجمی هستند - و اولویت نداشتن تربیت دینی و مسجدمحور در آن‌ها، عملکرد مطلوبی در این خصوص ندارند.

۲. محتوای رسانه ملی یک محتوای متناقض است؛ این عامل محیطی مؤثر علی‌رغم اینکه محتوای ترویجی مناسبی برای کودکان و نوجوان در مورد نماز و مسجد و در فیلم‌ها و کارتون‌ها دارد، متقابلاً در استفاده از محتوای ضعیف و بعضاً معارض با تعالیم دینی خصوصاً در تبلیغات خود بی‌بهره نمانده است. البته نباید فراموش کرد که در خصوص روش‌های ترویجی رسانه ملی از نماز و مسجد که نوعاً به‌طور مستقیم صورت می‌گیرد و فاقد خلاقیت هنری هستند، انتقادات زیادی وجود دارد.

۳. محتوای مهدکودک‌ها نه تنها خروجی مثبتی از حیث نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی برای نماز و مسجد ندارد، بلکه در موارد زیادی با تعالیم قابل تأمل همراه است. شرایط فعلی انسان را آرزومند می‌کند که در رسالت مهدکودک‌ها جایی برای تربیت نباشد و صرفاً فضایی باشند برای کسب سود مادی توسط اداره‌کنندگان در قبال نگه‌داشتن فرزندان افرادی که سرکار می‌روند؛ زیرا رویکرد فعلی مهدهای کودک، تربیت کودکان در شکل منفی آن و آشنا نمودن آن‌ها با آموزه‌های غربی است که در تعارض با مسجد و تعالیم مسجدی هستند.

۴. عوامل اسباب‌بازی، نوشت‌افزار، شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و بازی‌های رایانه‌ای

به دلایل متعددی، عملاً مروج فرهنگ غربی‌اند و در آنها نه تنها از مسجد و نماز بلکه از اصل دین اثر ملموسی نیست؛ هرچند در یکی دو سال اخیر قدم‌های خوب و اثرگذاری در حوزه نوشت‌افزار و اندکی نیز در بازی‌های رایانه‌ای برداشته شده است.

۵. عامل خانواده با مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زیادی دست‌به‌گریبان است؛ لذا مانند گذشته توانایی چندانی در انتقال ارزش‌ها و نگرش‌های مسجدی به فرزندان کودک و نوجوان خود از خویش نشان نمی‌دهد.

۶. عامل شبکه‌های ماهواره‌ای نیز جزء سایر عوامل ترویجی است که رویکردی منفی نسبت به نماز و مسجد دارد و بعضاً با برنامه‌ریزی و به شکل هدفمندی در جهت تخریب نمادهای نماز و مسجد گام برمی‌دارد.

قبل از بیان راهکارها توجه به این نکته لازم است که عوامل اثرگذار بر نگرش‌ها و ارزش‌های کودکان و نوجوانان در موضوع مسجد را که توضیحشان در این فصل آمد، به چند دسته می‌توان تقسیم کرد؛ دسته اول عواملی هستند که تحت نظارت هستند و نظام جمهوری اسلامی آنها را اداره می‌کند؛ این عوامل عبارت‌اند از: نظام آموزش و پرورش، مهدهای کودک و رسانه ملی. دسته دوم آن‌هایی هستند که تحت کنترل‌اند لیکن مدیریت محتوای آنها با نظام نیست و جمهوری اسلامی نیز صرفاً می‌تواند یکی از تولیدکنندگان محتوا در آنها باشد، مانند اسباب‌بازی، نوشت‌افزار و تا حدودی شبکه‌های اجتماعی، بازی‌های رایانه‌ای. دسته سوم نیز عواملی هستند که نه تحت نظارت‌اند و نه طبیعتاً تحت مدیریت مانند شبکه‌های ماهواره‌ای.

بر این اساس لازم است نهاد مسجد در مواجهه با وضع موجود نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی توسط عوامل محیطی مختلف، چند راهکار عمده را به تناسب مدنظر قرار دهد:

#### « ۱. همراهی با مطالبه‌گران:

بدون تردید بخش عمده‌ای از عملکرد عوامل محیطی مذکور عمومیت دارد و فارغ از

موضوع نماز و مسجد شامل همه حوزه‌های مسائل دینی می‌شود، لذا نهاد مسجد لازم است با سایر نهادهای دولتی و مردمی که در اشکال مختلف، مطالبه‌گر ارتقای محتوای دینی در عوامل محیطی مذکور هستند و برطرف شدن نواقص و کمبودها را پیگیری می‌کنند، همراه و همگام باشد تا این مطالبه هر چه پررنگ‌تر و جدی‌تر به نظر آید.

مطالباتی همچون تقویت پشتوانه پژوهشی و ورود علمی و تخصصی به حوزه‌های مذکور، وضع قوانین حمایتی موردنیاز و بعضاً قوانین بازدارنده، بخشی از این مطالبات هستند.

## « ۲. حمایت از اقدام‌کنندگان:

هم‌اکنون نهادهای مختلف و فراوانی هستند که در جهت بهبود وضعیت عوامل محیطی ذکرشده فعالیت می‌کنند؛ برخی در حوزه نوشت‌افزار، برخی در عرصه بازی‌های رایانه‌ای، برخی در مهدکودک‌ها و مدارس و برخی در رسانه ملی. نهاد مسجد می‌تواند در کار عملی آن‌ها شریک شود و با ایجاد هم‌افزایی، سبب تسریع و بهبود نتیجه کار شود؛ زیرا نهاد مسجد ظرفیت‌ها و استعدادهایی دارد که اولاً بی‌بدیل هستند و در هیچ‌کدام از گروه‌های اقدام‌کننده وجود ندارد و ثانیاً نیاز مبرم و جدی به این نقاط قوت و ظرفیت‌ها دارند؛ به‌نحوی که عوامل مذکور با وجود این‌ها، بسیار توانمند ظاهر می‌شوند. برای مثال شبکه فروش مساجد که هم خریدار خوب دارد و هم فاقد هزینه جا و مکان است، می‌تواند در اغلب عوامل محیطی مذکور تأثیرگذار باشد و امکان و جایگاه رقابتی بالایی را برای تولیدکنندگان اسباب‌بازی، بازی‌های رایانه‌ای و نوشت‌افزار که رویکرد فرهنگی مسجدی دارند فراهم کند و روند بازار را به کلی متحول سازد. طرح‌هایی همچون مهدکودک مساجد نیز با استفاده از مکان‌های حوزه مسجد و بهره‌گیری از محتوای غنی آن، قابل بررسی هستند. گفتنی است برخی محققان در این خصوص پیشنهادهایی عملی دیگری ارائه کرده‌اند که موارد عمده آن چنین است:

۲-۱. در اختیار گذاشتن سالن مسجد برای نمایش آثار هنری هدفمند و جهت‌دار، در قالب‌های گرافیک، هنرهای دستی، عکس و خوش‌نویسی با هدف جذب علاقه‌مندان به دین و آثار هنری در مسجد (زمینه‌سازی جهت ورود و آشنایی دیگر هنرمندان و دوستداران هنر به مساجد).

۲-۲. هماهنگی با مبادی ذی‌ربط، جهت ساخت فیلم‌های هدفمندی که زمینه ارتقای معرفت دینی و شناخت نوجوانان و جوانان را نسبت به مفاهیم دینی و جایگاه مناسک و مراسم عبادی تبیین نماید و موجب ترویج فرهنگ مسجد و نماز جماعت شود.

۲-۳. اتخاذ سازوکاری مناسب، جهت ترغیب، تشویق و کمک مادی و معنوی به تهیه‌کنندگان، کارگردانان و فیلم‌نامه‌نویسان برای تهیه فیلم‌هایی که موضوع مسجد و نماز در آن از محوریت برخوردار است.<sup>۱</sup>

### « ۳. اقدام مستقل:

اینکه محتوای اسباب‌بازی‌ها مفید و مروج نماز و مسجد باشد، بعضاً نیازمند ورود تخصصی و مستقیم نهاد مسجد در این عرصه است و صرفاً همراهی مطالبه‌گرا نه و یا حمایت مالی و غیرمالی از اقدام‌کنندگان، هدف را برآورده نمی‌سازد؛ لذا لازم است بخشی از نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و دل کودکان و نوجوانان، از طریق خود مسجد اتفاق بیفتد و تولیداتی در این خصوص هرچند اندک داشته باشد. تولیداتی که می‌تواند در بخش‌های مختلف از جمله عوامل محیطی مذکور مانند اسباب‌بازی و نوشت‌افزار باشد.

در این خصوص مسجد می‌تواند و باید برای کاهش هزینه‌های خود، از مجموع مخاطبان مسجدی خود که بی‌گمان در اکثر حوزه‌ها افراد متخصص و صاحب‌نظر هستند، استفاده نماید. این افراد، مسجدی هستند و وقتی دغدغه‌های فرهنگی نهاد مسجد را نیز ببینند، نوعاً بدون هیچ‌گونه چشم‌داشت مادی و یا با کمترین‌ها، با نهاد مسجد و در جهت کسب رضای خدا همکاری می‌کنند؛ مضاف بر اینکه

۱. محمدعلی موظف‌رستمی، همان، ص ۲۸۲-۲۸۴.

برحسب قانون خلقت، چنین کارهای خالصانه بدون محور قرار گرفتن سود و مادیات، بیشتر از محصولات رقیب، به هدف خود نائل می‌شوند.

### « نگرش سازی و ارزش آفرینی از مسجد

بخش قابل توجهی از علل و عوامل ارتباط‌گیری افراد با مسجد و یا عدم آن، مربوط به وضعیت نگرشی و ارزشی آنان در موضوع مسجد است که از دوران کودکی و توسط عوامل مختلف، شروع به شکل‌گیری می‌کند. انسان با آن چیزی ارتباط برقرار می‌کند که قبلاً آن را شناخته و ارتباط‌گیری با آن را ارزشمند و مفید می‌داند

در موضوع مسجد نیز لازمه و گام زمینه‌ساز ارتباط با آن، ابتدا شناخت‌یابی و آگاه شدن از این نماد هویت‌ساز و اثرگذار دینی است؛ اینکه واقعیت وجودی مسجد چیست؟ فلسفه پیدایش آن چیست؟ کارکردهای عمده آن کدامند و جایگاه، فضیلت و احکام خاص ارتباط داشتن با مسجد از منظر متون دینی چیست؟ این‌ها و مواردی مانند آن، در نیل به نگرش، بینش و شناخت نسبت به مسجد اثرگذارند. پس از شناخت، لازم است شناخت و بینش به ارزش و احساس تبدیل شود؛ لذا با آموزش و آگاهی از مزایا و منافع ارتباط داشتن با مسجد و نیز مضرات و خسران دنیوی و اخروی دوری‌گزینی از مسجد، خوب بودن ارتباط با مسجد حاصل می‌شود و ارزش داشتن ارتباط‌گیری با مسجد که چیزی جز همان خوب و مفید دانستن ارتباط با آن است حاصل می‌شود.

موضوع نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از مقوله نماز و مسجد از موضوعات مهم و اساسی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد است. لازم است وضعیت موجود آن در جامعه فعلی سنجیده شده و مشخص شود که برونداد و خروجی عملکرد جامعه امروز از حیث نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی برای موضوع مسجد و نماز، برحسب عوامل محیطی مختلفی که دارد و هر کدام در موضوع آموزش و تربیت نقش آفرینی می‌کنند، چیست و چگونه است و اگر نهاد مسجد بخواهد در این خصوص اقدام مناسب و متناسب با داشته‌های خود انجام دهد، اولویت‌های همکاری و یا احیاناً مقابله‌اش کدام عوامل محیطی هستند و چه نحو از تعامل را باید در کوتاه‌مدت و بلندمدت در قبال آنان درپیش بگیرد.



شناخت انسان از مسائل، عمدتاً از طریق عوامل محیطی موجود در جامعه صورت می‌گیرد و خصوصاً در جامعه امروزی که عوامل رسانه‌ای با شدت و حدت بیشتری در این مقوله اثرگذاری می‌کنند، در چنین شرایطی، لازم است بدانیم شناخت کودکان و نوجوانان از مسجد و خوب یا بد بودن ارتباط‌گیری با آن چگونه رقم می‌خورد؟ آیا خروجی پرداختن عوامل محیطی به مسائل دینی و مسجد، سبب ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد می‌شود؟ یا اینکه نه از این حیث خنثی هستند و یا احیاناً تعالیم و پیام‌های مستقیم و غیرمستقیم آن‌ها، سبب کم‌ارزش تلقی شدن مسائل دینی و نماد مسجد و در مواردی در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان موجب شکل‌گیری تصویر ضدارزشی از این‌ها می‌شود؟ در این فصل عوامل محیطی زیر مورد بررسی قرار گرفتند:

#### « مهدکودک:

در حال حاضر مهدکودک بیشتر از اینکه مکانی برای نگهداری کودکان در هنگام اشتغال والدین باشد، به یک نهاد آموزشی و پرورشی تبدیل شده‌اند. مهدکودک در واقع امروزه به مکانی برای آموزش مهارت‌های اولیه زندگی به کودکان تبدیل شده است.

در وضع موجود (با تأسیس بی‌حساب و کتاب مهدهای کودک، مربیان و محتوای آموزشی ضعیف و عدم نظارت لازم بر کادر و محتوای آن‌ها) استعداد بالقوه مهدهای کودک در تربیت ناسالم و غیر مسجیدی، بیشتر از قابلیت آن‌ها در تربیت اخلاقی و مسجدمحور باشد.

برآیند وضع موجود محتوای تربیتی مهدهای کودک حاکی از این است که مهدهایی که دارای تربیت عالمانه دینی باشند و بتوانند کودکان را با نمادها و شعائر دینی همچون نماز و مسجد آشنا سازند (نگرش‌سازی) و مهم‌تر اینکه، مهدهایی که متولیان آن‌ها و مربیان‌شان با رفتار و کردارشان، تصویر آفرینی مثبت دینی و مسجیدی در کودکان داشته باشند و از نماز و مسجد ارزش‌آفرینی کنند در اقلیت‌اند. بخش کثیری از مهدهای کودک، التقاط محتوایی دارند و بخش قابل توجهی نیز

محتوای غیردینی دارند.

از آنجاکه بخش عمده‌ای از مشکلات عدم تحقق آموزش مناسب، کمبودهای مالی و ضعف بودجه آموزش است، می‌توان روی نهاد مسجد و آموزش‌های مخلصانه و بی‌هزینه و نهایتاً کم‌هزینه آن، حساب کرد و از ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری آن در جهت آموزش محتوای دینی به مریبان مهدها بهره گرفت. به‌ویژه که نهاد مسجد با مجموعه‌ای از نهادهای دینی دیگر همچون حوزه‌های علمیه ارتباط دارد و مسئولان متولی آن می‌توانند نقش خوبی را به‌عنوان حلقه واصل، در جهت سریان و جریان یافتن معارف اصیل دینی از سوی حوزه‌ها به مهدها، ایفا نمایند.

#### « آموزش و پرورش:

از سوی دیگر موضوع تربیت دینی دانش‌آموزان در مدارس و آشنا ساختن آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد، یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین اهداف نظام آموزشی است.

انجام رسالت تربیت دینی فرزندان و نیز آشنایی آن‌ها با نمادها و رفتارهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت، در کشور ما تا حد قابل توجهی به نهاد آموزش و پرورش واگذار شده است. در درون این نهاد نیز کتاب‌های درسی به‌عنوان یک سازوکار مؤثر مطرح هستند و محتوای این کتاب‌ها می‌توانند نقش مؤثری در هدایت و پرورش دینی و اسلامی دانش‌آموزان ایفا کنند.

از محتوای کتب درسی آموزش و پرورش انتظار می‌رود همچنان که مفید بودن برخی مهارت‌های زندگی را به کودکان و نوجوانان آموزش می‌دهد و با استدلال‌های عقلی و مناسب برایشان مسائل را تبیین و درونی‌سازی می‌کنند، در موضوعات دینی و از جمله اقامه نماز به شکل نماز جماعت و همچنین آشنایی با نمادهایی همچون مسجد و روحانیت نیز با شکلی مطلوب و جذاب، اقدام شود. در حال حاضر، هر چند محتوای آموزشی غیردینی و ضد دینی در آموزش و پرورش تقریباً وجود ندارد و به لحاظ حجمی، بخش زیادی به محتوای دینی اختصاص یافته است، لیکن خروجی

محتوای آموزش و پرورش در فراگیران آن، آشنایی مناسب، مستدل و الهام‌بخش با مسائل دینی و نمادهای آن همچون برپاداشتن نماز و برقراری ارتباط با مسجد نیست.

نگاه به وضع موجود گویای ناهمخوانی‌های قابل توجه و مشهود بین بایسته‌های مذکور با شرایط و ویژگی‌های معلمان موجود در مدارس است؛ خصوصاً از زمانی که نظام آموزش و پرورش صبغهٔ مادی به خود گرفته و با سوق دادن تعلیم و تربیت دانش‌آموزن به سمت مدارس غیرانتفاعی، مقوله تربیت در شکل عام آن و تربیت دینی در شکل خاص آن، اصولاً از اولویت‌های نظام آموزش کشور خارج شده است؛ هرچند متقابلاً مدارسی نیز صرفاً با دغدغه‌های توجه به مسائل تربیتی شکل یافته‌اند، ولی تعداد آن‌ها بسیار کم و اندک است؛ لذا در حال حاضر یکی از مؤلفه‌های مهم که مانع تربیت صحیح دانش‌آموزان در حوزهٔ دین می‌شود، وجود مربیان و معلمان ناکارآمد در حوزه تربیت دینی و مسجدی است.

زیرا حقیقت آن است که در اثر رسوخ فرهنگ آموزش‌محوری آن‌هم با نگاه سوداگرانه در برخی مدارس و خارج شدن مقولهٔ پرورش و تربیت دینی از اولویت‌ها، نهاد مدرسه بیمار شده و بر پیکره آن آسیب‌های فراوان وارد شده است به طوری که عزم و ارادهٔ لازم را برای حرکت خودجوش به سمت مسجد ندارد و لازم است که نهاد مسجد پیش‌قدم شود و گام اول و ابتدایی ارتباط با مدرسه و دانش‌آموزان از طریق امام‌جماعت و هیئت‌امنای مسجد محل برداشته شود.

#### « خانواده:

در بخش خانواده، هرچند نهادهای دیگری نیز می‌توانند نقش تربیت و آموزش فرزندان را ایفا نمایند، ولی اغلب به سلامت و پاکی نهاد خانواده نمی‌توانند باشند. خانواده در انتقال ارزش‌های اخلاقی و مسجدی بهترین نقش را ایفا می‌کند. دلیل آن نیز عبارت است از دلسوزی عمیق و نیز عاشقانه و خالصانه بودن تربیت از طریق نهاد خانواده که در نهادهای هم‌عرض آن -غیر از مسجد- یا اصلاً مشاهده نمی‌شود و صرفاً رویکرد مادی و سودآوری دارند و یا بسیار کمرنگ است.

با توجه به آنچه گفته شد برحسب تغییرات ارزشی و رفتاری عمیق که در خانواده ایرانی پدید آمده، دیگر نمی‌توان کارکردهای مناسبی را از خانواده‌ی امروزی و مانند گذشته انتظار داشت؛ در خانواده‌ی امروزی تفاهم بین والدین مانند گذشته مشاهده نمی‌شود. نگاهی به آمار بالای طلاق که روز به روز نیز در حال افزایش است، گویای این امر است؛ مضاف بر اینکه بخش قابل توجهی از طلاق‌ها در آمار وجود ندارد و مشاهده نمی‌شوند؛ زیرا از نوع طلاق عاطفی هستند. همچنین خانواده‌ی امروزی الگوی رفتاری مطلوبی برای فرزندان به شمار نمی‌رود و چنان نیست که توجهش به امثال فضائل و دوری از رذایل، در حد الگوی خوبی برای فرزندان باشد؛ برای خانواده امروزی، نماز همچون گذشته، یک ارزش نیست و اهمیتی به حاضر شدن در نماز جماعت و مسجد حاضر شدن صورت نمی‌گیرد. خانواده امروزی تعامل عاطفی خوبی با فرزندان ندارد و ارتباط عاطفی آن با فرزندان کمتر از گذشته شده است؛ افزایش آمار کودک‌آزاری، کودکان خیابانی و رهاسده، خانوارهای تک والد و خصوصاً از نوع زن سرپرست که با مشکلات عدیده اجتماعی و اقتصادی مواجهند گویای این است که خانواده‌های امروزی فرصتی برای امور عاطفی ندارند و نیز افزایش روابط فرازناشویی و خانوارهای بدسرپرست، همه و همه نشانه‌ها و قرائن دلالت‌کننده بر افول محبت و عاطفه در خانواده ایرانی هستند.

بی‌گمان بخش قابل توجهی از عوامل ایجاد این وضعیت، هم ناشی از فاصله گرفتن خانواده از تعالیم حیات‌بخش دینی و مراکز تربیت دینی همچون مساجد است و هم سبب فاصله گرفتن از تعالیم دینی و مراکز تربیتی همچون مساجد می‌شود.

#### « رسانه ملی:

در حال حاضر ظاهراً ارتباط نظام‌مند و تعریف‌شده‌ای هم بین نهادهای متولی مسجد با رسانه ملی وجود ندارد؛ ارتباطی که در آن نحوه تعامل و همکاری برای تولید محتوای مسجدی به‌منظور آشناسازی کودکان و نوجوانان با نماز جماعت و مسجد مشخص باشد و نیز نحوه تبلیغ و ترویج کارکردهای مثبت مسجد به‌منظور تصویرآفرینی و ارزش‌سازی در کودکان و نوجوانان معین باشد. هرچند نباید از

رویکرد مثبت چند سال اخیر رسانه ملی در پخش اذان اول وقت در تمام شبکه‌ها و اقامه نماز جماعت چشم پوشید.

#### « اسباب‌بازی:

در خصوص اسباب‌بازی‌ها نیز باید گفت اکثریت قریب به اتفاق عروسک‌های چینی وارداتی تحت تأثیر فرهنگ غربی بوده و دارای شخصیت‌هایی غربی است. به‌عنوان مثال ساخت عروسک‌های باربی، شخصیت‌های کارتونی والت دیسنی مثل سیندرلا و حیوانات موجود در کارتون‌های هالیوودی (که همه در کشور چین تولید می‌شود) حاکی از پیشرو بودن فرهنگ غرب در مقیاس جهانی اسباب‌بازی است. برخی از انواع اسباب‌بازی‌ها هیچ‌گونه جهت‌گیری فرهنگی ندارند و یا اساساً اثرگذاری فرهنگی از آن‌ها انتظار نمی‌رود؛ اما اغلب آن‌ها امکان انتقال مفاهیم فرهنگی را دارند. ساختار برخی اسباب‌بازی‌ها ظرفیت بسیار بالایی برای انتقال ارزش‌های فرهنگی را دارد؛ اما متأسفانه در این حوزه توجه زیادی به عوامل نهفته و زمینه‌ای موجود در حیطه فرهنگی تولید اسباب‌بازی‌ها صورت نگرفته است.

نکته مهم‌تر اینکه شرکت‌های ایرانی تولید اسباب‌بازی نیز در مواردی به دلیل ضعف جدی در سامانه‌های بازاریابی و فروش و به‌منظور پوشش بخشی از این ضعف‌ها، در طراحی‌های خود گوی سبقت را از شرکت‌های چینی ربوده و از جاذبه‌های جنسی بهره جسته‌اند!

در اسباب‌بازی‌های موجود، به‌صورت مستقیم به موضوع نماز و مسجد، اهانت نشده و کار تبلیغاتی بر علیه‌شان صورت نگرفته است؛ لیکن در شکل غیرمستقیم کاملاً مورد حمله قرار گرفته است؛ بدین‌صورت که تصاویر و شخصیت‌های رایج در بازار اسباب‌بازی، عمدتاً از شخصیت‌های کارتونی اخذ شده‌اند و این شخصیت‌ها علاوه بر پوشش نامتجانس خود، در دنیای کارتونی کاملاً ناآشنا با رفتارها و نمادهایی همچون نماز و نماز جماعت و مسجد عمل می‌کنند و در حالی که به‌عنوان افراد موفق و پیروز در برنامه‌های کارتونی معرفی می‌شوند؛

ارتباط نهادی سازمان مساجد با اتحادیه اسباب‌بازی و انعقاد تفاهم‌نامه برای

بهره‌گیری از ظرفیت همدیگر با هدف تولید اسباب‌بازی مناسب کودکان و نوجوانان با رویکرد ترویج غیرمستقیم نماز و مسجد، یکی از عمده‌ترین کارهایی است که می‌تواند در این زمینه انجام شود.

در این خصوص، لازم است نهاد مسجد از تمام ظرفیت‌ها و قابلیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود در جهت یاری اتحادیه اسباب‌بازی برای هدف پیش‌گفته کمک بگیرد.

### « بازی‌های رایانه‌ای:

صرف‌نظر از مثبت یا منفی بودن بازی‌های رایانه‌ای، به لحاظ ارتباط عمیقی که کاربر یا بازیکن در این بازی‌ها با شخصیت اصلی و کل داستان برقرار می‌سازد، فرد به‌شدت از فضای حاکم بر بازی تأثیر می‌پذیرد و خود این مسئله این فرصت را برای سازندگان فراهم می‌سازد که اهداف فرهنگی خود را به مخاطب عرضه کنند و لذا با توجه به نیت سازندگان و اهداف پیدا و پنهان آنان، می‌توان از این بازی‌ها به‌عنوان یک شمشیر دو لبه نام برد که هم می‌تواند سازنده یک فرهنگ و هویت ملی باشد و هم القاگر فرهنگ بیگانه در ذهن مخاطب.

در حال حاضر ۲۰ میلیون بازیکن بازی‌های رایانه‌ای در کشور ما وجود دارد. با این توصیف که هر کاربر در ایران به‌طور متوسط روزانه دو ساعت مشغول بازی رایانه‌ای است، روزانه ۴۰ میلیون ساعت در ایران صرف بازی‌های رایانه‌ای می‌شود. بازی‌های رایانه‌ای به لحاظ محتوایی وضعیت مطلوبی ندارند و چنانکه از وضعیت آماری تولید داخل و خارج و نیز از پیش‌دستی زمانی غرب در ورود به این عرصه پیداست، بخش اعظمی از محتوای موجود در بازی‌های رایانه‌ای، محتوای عاری از نشانگان دینی و مسجدی است و بخش قابل توجهی از همین قسم، محتوای ضددینی دارد. آن قسمتی هم که محتوای مناسب دارد و در داخل تولیدشده است، هنوز جذابیت‌های بصری و هنری لازم را به‌اندازه بازی‌های خارجی برای کودکان و نوجوانان ندارد؛ لذا درصد استفاده از بازی‌های داخلی از درصد حضور آنها در میان تمام بازی‌ها کمتر است.

بازی‌های رایانه‌ای غربی علی‌رغم تأثیرگذاری فراوانی بر نسل کودک و نوجوان، محتوای ناسالمی دارند؛ محتوایی که هم اعتقادات، هم ارزش‌ها، هم رفتارها و هم نمادهای دینی همچون نماز و مسجد و روحانیت (امام‌جماعت) را به چالش کشیده و مورد هجو و سخره قرار داده است.

نهاد مسجد با ایجاد گفتمان در این حوزه و نیز از طرق قانونی می‌تواند یکی از مطالبه‌گران عرفی و قانونی از نهادهای مسئول - که ذکر شدند - در خصوص ایفای وظایفشان در این حوزه و نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از موضوعات دینی و رفتارهای مطلوب همچون اقامه نماز و رفتن به مسجد توسط بازی‌های رایانه‌ای باشد. همچنان که نهاد مسجد به‌عنوان چشم‌بینای وضعیت فرهنگی جامعه می‌تواند مطالبه‌گر ساماندهی و کارآمدسازی نظام ارزیابی بازی‌های رایانه‌ای باشد.

امامان جماعت و کانون‌های فرهنگی مساجد باید ضمن آشنایی با موضوع بازی‌های رایانه‌ای و نیز به‌صورت موردی با بازی‌های رایانه‌ای روز دنیا، خوب و بد آن را همراه با دلیل و تحلیل تشخیص دهند.

این شناخت دو ثمره باید داشته باشد؛ اول آگاهی‌دهی لسانی و مکتوب و مانند آن به مخاطبان مسجدی خود و ارائه پیشنهاد برای بهره‌گیری از بازی‌های سالم رایانه‌ای؛ دوم اینکه مسئولان نهاد مسجد از طریق رسانه‌های موجود در کشور و سایر وسایل ارتباطی، سخن خود را به مسئولان مربوطه به شکل مستدل و منطقی برسانند و آن‌ها را بر لزوم اقدامات جدی - با پیشنهادها عملی که ارائه می‌کنند - مجاب نمایند.

#### « نوشت‌افزار:

یکی از عوامل اثرگذار در نگرش و تغییر رفتار دانش‌آموزان، نمادها و نشانه‌هایی هستند که در محیط زندگی و تحصیل آنان دائماً در حال ارسال پیام‌اند. انبوه نوشت‌افزارهایی که برای جامعه بزرگ و کم‌نظیر و اثرپذیر دانش‌آموزی وارد کشور می‌شود و در طول سال تحصیلی همراه آنان است، هرکدام با تصاویری از شخصیت‌های عروسکی و نشانه‌های محصولات فرهنگی بیگانه، یادآور موضوع

فیلم‌ها و سریال‌ها و داستان‌ها و پیام‌های هدف‌گذاری شده‌ای هستند که با مخاطبان خود در خانه و مدرسه و کوچه و خیابان ارتباط برقرار می‌کنند. این نمادها و نشانه‌ها به‌مثابه یک «رسانه» به تدریج تغییراتی را در نگرش، ذائقه، رفتار و کردار دانش‌آموزان و دوستان و اطرافیان آنان به وجود می‌آورند.

در حال حاضر محتوای فرهنگی نوشت‌افزار از نمادهای مسجدی تقریباً خالی است و تصاویری که نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد داشته باشد در حد صفر و یا بسیار پایین است.

اخیراً جریان فرهنگی انقلابی در این حوزه فعال شده و نمادها و تصاویر مناسب و ارزشی را در تولید نوشت‌افزارها وارد نموده که نوید آینده خوبی را می‌دهد و لازم است که این اقدام سازنده به‌طور فعال ادامه یابد.

نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد لزوماً از طریق چاپ و نشر تصاویر آن‌ها بر روی نوشت‌افزار حاصل نمی‌شود و انتظار هم نمی‌رود که این‌گونه شود؛ زیرا این روش، همان روش تبلیغ مستقیم است که کارایی چندانی ندارد؛ بلکه باید رفتارها و نمادهای مطلوب همچون نماز و مسجد را به شکل غیرمستقیم و از طریق نمادها و تصاویر مثبتی که آشنای کودکان و نوجوانان هستند انتقال داد

در کنار شخصیت‌آفرینی در برنامه‌های رسانه‌ای و بازی‌های رایانه‌ای نباید از این واقعیت غفلت نمود که بخش زیادی از تولیدکنندگان دنبال سود مادی هستند و مصرف‌کنندگان نیز همان نوشت‌افزاری را مصرف می‌کنند که در بازار هست و گرنه خودشان در صدد تولید کیف و دفترچه با نمادهای مورد علاقه و دلخواهشان نیستند. لذا اگر نهادهای فرهنگی و نظارتی مسئول، با هماهنگی همدیگر، فارغ از بحث مادی و بازار گردش مالی تولید داخلی و خارجی، فروش هرگونه نوشت‌افزار را اعم از داخلی و خارجی، با نمادها و تصاویر نامناسب ممنوع نموده و در این خصوص مجازات قانونی بازدارنده وضع نمایند و ضمن بستن مبادی ورود قاچاق نوشت‌افزار، به‌صورت قاطعانه در صدد اجرای این قوانین باشند، تردیدی وجود ندارد که در کوتاه زمانی، همه نمادها و تصاویر نوشت‌افزار از معضل نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی فرهنگ غربی خلاص خواهد شد.



ناکافی بودن استفاده از نشانه‌های اسلامی - ایرانی در محصولات این صنعت، نبود الگوهای مناسب در صنایعی مانند پویانمایی یا بازی‌های رایانه‌ای برای تبدیل به فرم و محتوا در محصولات مختلف این صنعت و کم‌توجهی تولیدکنندگان به جذابیت محصولات داخلی به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان، سبب ضعف ابعاد محتوایی در محصولات این حوزه شده است که نهاد مسجد می‌تواند یا خود از طریق برخی مخاطبان صاحب‌فن در این حوزه وارد کار شود و نوشت‌افزارهایی با نشانگان ایرانی و مسجدی تولید نماید، یا اینکه در قالب همکاری با نهادهای مسئول، ظرفیت‌های خود را در جهت تولید نوشت‌افزار مطلوب بسیج نماید.

مسجد وظیفهٔ تعلیم علوم روز و تولید ابزارهای روز مانند اسباب‌بازی و نوشت‌افزار را ندارد و اگر می‌بینیم که در برخی کتب و در بیان ارائه راهکار، به بیان مواردی همچون آموزش ریاضی و زبان انگلیسی و فنون روز در مسجد اشاره شده و یا اینکه به ورود مسجد به حوزهٔ عوامل محیطی در این کتاب اشاره می‌شود، به دلیل تلاقی این موضوعات و عوامل محیطی روز مانند اسباب‌بازی با وظیفه ذاتی و اولی مسجد - محل عبادت و نشر معارف اسلامی و تربیت دینی بودن - است. با این توضیح که علوم و فنون روز، ناگزیر در فضای «تربیتی» اجتماع که وضعیت خاص خود را دارد ارائه می‌شوند. علاوه بر این، ابزارهایی همچون اسباب‌بازی، نوشت‌افزار، کارتون‌ها و ابزارهای سرگرمی و مانند آن، نوعاً وارد فضای «تربیتی» می‌شوند و این‌گونه نیست که صرفاً مهارت‌های زندگی روز را آموزش دهند و یا جنبهٔ سرگرمی صرف داشته باشند بلکه با دغدغه‌های فکری و یا حتی اقتصادی سوداگرانه وارد فضای تربیتی افراد می‌شوند؛ به‌طوری که خروجی کار آن‌ها (فراورده‌ها و محصولات تولیدشده) و آموزش‌های آن‌ها، در نحوهٔ تربیت فراگیران تأثیر تام و تمام می‌گذارد؛ اینجاست که مسجد به‌عنوان پشتیبان ارزش‌های اسلامی و مدافع تربیت دینی انسانی، احساس خطر می‌کند و با ارائه راهکارهای ذیل که به شکل طولی در تداوم همدیگر هستند وارد عرصه می‌شود.

در وهله اول به آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی به مردم و خصوصاً مخاطبان خود نسبت به فضای تربیتی موجود در برخی آموزش‌ها و ابزارهای روز می‌پردازد.

در گام بعدی با نهادهای مسئول که با نهاد مسجد هم‌هدف هستند و در جهت اعتلای ارزش‌های اسلامی شکل گرفته‌اند، ارتباط برقرار نموده و ضمن هشدار برای اقدام در جهت کنترل مسائل تربیتی ناسالم، تولیدات فاخر و مناسب و نیز مدنظر قرار دادن مسائل تربیتی مفید را در کنار آموزش‌ها مطالبه می‌نماید؛ تولیدات و آموزش‌هایی که خروجی آن‌ها نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی مثبت و مطلوب از نمادها و رفتارهای دینی همچون مسجد و نماز جماعت باشد.

در گام سوم، خود نیز با آن نهادها همکاری می‌کند و ظرفیت‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری خود را جهت به ثمر نشستن تربیت سالم در کنار آموزش‌ها و نیز برای تولید ابزارهایی با نشانگان و فضای تربیتی سالم بسیج می‌نماید.

در گام آخر خود مستقلاً وارد کار می‌شود؛ بدین صورت که اسباب‌بازی مسجدی تولید می‌کند، نوشت‌افزار مذهبی منتشر می‌کند، کلاس‌های آموزش علوم روز را در فضای روحانی مسجد برقرار می‌کند و حتی اردوهای تفریحی سالم برگزار می‌کند. این کارها همچنین باعث می‌شود تا برخی افراد که چندان ارتباطی با این مکان مقدس ندارند، پایشان به این محیط مملو از معنویت باز شود و با فضای روحانی مسجد آشنا و نهایتاً جذب آن شوند.

رویکرد صحیح در مواجهه با فناوری‌ها و تغییرات و تحولات اخیر، رویکرد مواجهه فعال و جهت‌دهی صحیح به آن‌هاست؛ باید با بسترسازی و فراهم آوردن زمینه‌ها، فرصت‌هایی را فراهم ساخت تا ابزار موردنظر مثلاً شبکه‌های اجتماعی در آن جهت، مورد استفاده قرار گیرد و نیز زمینه‌ها و بسترهای استفاده منفی را و یا درواقع همان زمینه‌های تهدید را به حداقل رساند و در مواقع معدودی نیز با حذف برخی بخش‌های آن، در برابرش مانع ایجاد نمود؛ در همین راستا لازم است به رویکرد بومی‌سازی و البته با خلاقیت و نوآوری و جذابیت‌آفرینی و تنوع‌بخشی به امکانات نرم‌افزارهای هم‌عرض، توجه جدی مبذول شود و گرنه شانس برای برنده شدن در این رقابت سهمگین وجود ندارد. البته این‌ها همه در کنار وظایف کلان و مسئولیت‌های عمده‌ای است که نظام در جهت رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم و خصوصاً جوانان در حوزه سبک زندگی اسلامی دارد که در صورت

مرتفع شدن نسبی آن‌ها، شاهد گرایش «افراطی» مردم به چنین ابزارهایی و آن‌هم در جامعه دین‌مدار ایرانی خواهیم بود.

#### « شبکه‌های اجتماعی:

از آنجا که شبکه‌های اجتماعی محصول خارجی هستند و فناوری مربوط به آن‌ها در گام اول در خارج از کشور ساخته و پرداخته شده است، لذا جدا از مشکلات امنیتی که در بردارند، محتوای اولیه آن‌ها با فرهنگ بیگانه شکل گرفته است. در محتوای فعلی شبکه‌های اجتماعی، نشانگان دینی و مذهبی اساساً کمرنگ است که در ضمن آن، موضوعات مربوط به رفتارها و نمادهای دینی همچون نماز و مسجد کمرنگ‌تر نمود دارد. این موضوع وقتی با قشر خاصی از جامعه و گروه سنی مشخصی مانند کودکان و نوجوانان ارتباط پیدا می‌کند، نقصان مضاعفی مشاهده می‌شود.

نهادهای دینی همچون مسجد با امکانات و با توانایی‌هایی که دارند می‌توانند در بسترسازی فرهنگی، روشننگری و اطلاع‌رسانی لازم به کودکان و نوجوانان و خانواده‌هایشان نقش مثبت و مؤثری ایفا کنند. برخی از کلیساها و پیشوایان مذهبی در غرب، در صدد برخورد فعال با تبعات آسیب‌زای اینترنت برآمده‌اند و برخی از مؤسسات مشاوره‌ای مسیحی را جهت تأثیرگذاری مستقیم در این جهت طراحی کرده‌اند؛ به نظر می‌رسد درپیش گرفتن اقدام مشابهی از سوی روحانیون آشنا به جهان معاصر، در ایران نیز امکان‌پذیر باشد.

#### « مساجدمجازی:

یکی از عمده‌ترین راهکارهای تحول و امروری کردن مسجد به‌منظور آشنایی هرچه‌بہتر و سریع‌تر کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد و تصویرآفرینی مثبت از مسجد در ذهن و روان آنان، راهکار گسترش «مساجدمجازی» است. با این توضیح که سازوکارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی) در فضای مجازی به نمایش گذارده شود. همچنان که این کار در مورد معرفی مراکز گردشگری و سایر

مکان‌های فرهنگی در دنیا صورت می‌گیرد. مسجد مجازی می‌تواند پاسخگوی نیازهای مخاطبان کودک و نوجوانش در هر زمان و مکانی باشد؛ زیرا یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن بر مکان و زمان فائق می‌آید و می‌تواند از هر جایی از کره خاکی و در هر زمان به مقصودش دست یابد. از طریق مسجد مجازی کاربر وارد مسجد مجازی می‌شود و با توجه به نوع مخاطب و متناسب با زمان، اولاً اطلاعاتی در موضوعات دینی و خصوصاً نماز و مسجد به او ارائه می‌گردد؛ ثانیاً با ذکر مزایا و منافع دین‌داری و مسجدی شدن، در خصوص تعالیم دینی و نماز و مسجد، ارزش‌آفرینی می‌شود؛ در مرحله بعدی رفتارهای دینی و مسجدی را به نمایش گذاشته می‌شود و در نهایت، نمادهای دینی که از جمله مهم‌ترین آن‌ها مسجد است، به شکل مناسبی به مخاطبان عرضه شده و ضمن آشنایی، راهکارها و اقدامات عملی برای اسلامی شدن و مسجدی بودن، ارائه می‌گردد.

#### « شبکه‌های ماهواره‌ای:

آمار مشخصی از میزان استفاده کودکان و نوجوانان از شبکه‌های ماهواره‌ای وجود ندارد؛ لیکن از آن جهت که کودکان و نوجوانان جزئی از افراد خانواده‌ها هستند و میزان گرایش خانواده‌ها به ماهواره در سال‌های اخیر افزایش یافته است، می‌توان به این نتیجه دست یافت که به احتمال زیاد، درصد بینندگان کودک و نوجوان ماهواره نیز در حال افزایش است و رقم چشمگیری را به خود اختصاص می‌دهد. همچنین محتوای شبکه‌های ماهواره‌ای چنانکه اجمالاً گفته شد، محتوای ضد دینی و اسلامی است و مخالفت با هرگونه نماد و رفتار دینی مانند نماز و مسجد را دربردارد. لذا خروجی برنامه‌های ماهواره‌ای برای کودکان و نوجوانان استفاده‌کننده از آن، در بهترین حالت، ناآشنایی با نماز و مسجد به‌عنوان آموزه‌ها و نمادها و شعائر دینی است و در گام بعدی که به احتمال زیاد در صورت عدم برنامه‌ریزی محقق می‌شود، ایجاد حس منفی و اشمئزاز از نماز و مسجد و نمازخوان و افراد مسجدی در فکر و اندیشه کودک و نوجوان ماهواره‌بین است. در گام آخر نیز باید

منتظر نتایج غیرمستقیم تماشای برنامه‌های ماهواره‌ای بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد بود؛ بدین معنی که در خانواده‌های ماهواره‌بین، ذهن و فکر پدر و مادر نیز - که عوامل ارتباط‌دهنده فیزیکی فرزندان با مسجد و نماز جماعت به شمار می‌روند و همچنین رفتارها و گفتارهای دینی آن‌ها در نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی نماز و مسجد در کودکان و نوجوانان مؤثر است - تحت تأثیر قرار گرفته و به شکل غیرمستقیم، نگرش‌سازی، ارزش‌آفرینی و رفتارآموزی در حوزه نماز و مسجد به فرزندان را با ضعف عمده مواجه می‌سازد.

ضروری‌ترین کار در برابر تهدیدات نرم رسانه‌ای از جمله ماهواره‌ای، سرمایه‌گذاری گسترده برای تولید محصولات فاخر است. پاسداری از ارزش‌های ملی و دینی ما همچون نماز و مسجد، زمانی صورت واقعی به خود می‌گیرد که برای معرفی آن‌ها از ابزارهای نوین و بسیار کارآمد فناورانه استفاده نماییم. حال که رسانه‌های دیداری در کشور ما متنوع و متکثر می‌شوند، بهتر است که رویکرد خویش را به تولید و تهیه فیلم‌های مناسب به خصوص سریال‌های پرمعنی تغییر دهیم. نهاد مسجد با موقعیت جغرافیایی بی‌بدیلی که در کشور دارد و در همه جای آن تقریباً گسترده است، می‌تواند به‌عنوان یک ظرفیت فوق‌العاده و بالقوه در جهت ساماندهی اوقات فراغت کودکان و نوجوانان مورد استفاده قرار گیرد.



## فصل سوم:

ایجاد ارتباط با مسجد و تقویت آن





## مقدمه

بعد از نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی، طبیعتاً آنچه اتفاق می‌افتد مرحله عملی ساختن نگرش‌ها و ارزش‌هاست که در اینجا عبارت است از رفتن کودکان و نوجوانان به مسجد و ارتباط فیزیکی داشتن با آن. البته در مورد کودکان ملازمه علی و معلولی بین آن‌ها وجود ندارد؛ چون در تصمیمات رفتاری خودشان مستقل و با نظر خود عمل نمی‌کنند و چنان نیست که رفتن یا نرفتنشان به مسجد لزوماً ناشی از نگرش‌ها و ارزش‌هایشان باشد؛ لذا ممکن است کودک و نوجوان برحسب آنچه از برخی عوامل محیطی ذکر شده در فصل دوم دریافت کرده، نگرش مثبتی نسبت به نماز و مسجد نداشته باشد؛ لیکن برحسب آنکه بخشی از اختیار وی در دست پدر و مادر است، توسط آنان در مسجد حضور پیدا می‌کند. (هرچند در بسیاری از مواقع، علاقه و نظر خود کودک و نوجوان - که از نگرش‌ها و ارزش‌هایش ناشی می‌شود- در کلیت نظر والدین نیز مبنی بر آوردن یا نیاوردن آن‌ها به مسجد تأثیر می‌گذارد.)

بنابراین آنچه در این فصل محل بحث و بررسی خواهد بود، فارغ از به وجود آمدن یا نیامدن انگیزش و تصور مثبت از مسجد و نماز در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان

است و صرفاً این بخش را مورد بررسی قرار می‌گیرد تا مشخص شود که کدام عوامل در ارتباط‌گیری (به وجود آمدن ارتباط) و نیز تقویت ارتباط موجود مؤثر هستند؟ این عوامل وضعیت عملکردی‌شان در حال حاضر چگونه است؟ و راهکارهای ارتقای عملکرد آن‌ها برای نیل به وضعیت مطلوب چیست؟

بر این اساس در این فصل به بررسی عوامل ارتباط کودک و نوجوان با مسجد در دو حوزه پرداخته می‌شود: حوزه خارج از مسجد که عوامل موجود در آن بیشتر در «ایجاد» ارتباط نقش بازی می‌کنند و عبارت‌اند از خانواده، مدرسه و خود مسجد؛ و حوزه داخل مسجد که عوامل مربوط به آن، بیشتر در «تقویت» ارتباط، ایفای نقش می‌کنند؛ این عوامل عبارت‌اند از: امام جماعت، خادم مسجد، نمازگزاران، کانون فرهنگی مسجد، هیئت‌امنا و مدیریت کلان مسجد.

## بخش اول: دسترسی به مسجد

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

از جمله عناصر و عوامل عمده و پایه‌ای در برقراری ارتباط بین کودک و نوجوان با نهاد مسجد، وجود مسجد مجهز و آماده - از حیث امکانات موردنیاز برای جذب کودکان و نوجوانان - و البته در دسترس کودکان و نوجوانان است؛ به طوری که در صورت فراهم شدن زمینه‌های دیگر و رفع موانع فکری و عینی، خانواده و والدین کودک و نوجوان بتوانند از چنین مسجدی برای فرزند خود بهره ببرند و گرنه تمام عناصر و عوامل بعدی که در بخش‌های آتی ذکر خواهند شد، در صورت بی‌توجهی به این عامل، عقیم و ناقص خواهند بود؛ چون اگر بحث از امام جماعت مطلوب و آگاه نسبت به روحیات و روش زیست کودک و نوجوان می‌شود، صرفاً زمانی می‌تواند این مسئله نتیجه عملی داشته باشد که مسجدی وجود داشته باشد تا از این طریق، امام جماعت با کودک و نوجوان ارتباط برقرار نماید و در واقع تمام عناصر و عوامل از حیث مرتبه، بعد از این عامل قرار دارند؛ هر چند ممکن است برخی عوامل و عناصر همچون امام جماعت یا خادم از حیث ارزشی و میزان تأثیر

بر جذب و ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان، دارای تقدم رتبی نسبت به مسجد باشند، ولی از حیث وجودی، بی‌گمان وجود مسجد مجهز در دسترس، مقدم بر تمام عوامل است. بر این اساس عوامل دیگر همچون حضور و بهره‌گیری از هیئت‌امنای مدیر و مدبر و آشنا با تعاملات مدیریتی موردنیاز در حوزه کودک و نوجوان، خادم خوش‌رفتار و مذهبی که همراه و همدل با کودک و نوجوان باشد، نمازگزاران صبور و یاریگر والدین در برقراری ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و نیز نهادهای فرهنگی اقماری مسجد که به شکل نظری و عملی در خصوص جذب کودک و نوجوان به مسجد و تقویت ارتباط تلاش می‌کنند، همه و همه در رتبه بعد از استقرار و وجود مسجد مجهز قرار دارند. بنابراین در قدم اول و به‌منظور شکل‌دهی به ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، باید قبل از هر چیزی به فکر ایجاد مسجد با امکانات سخت‌افزاری موردنیاز کودک و نوجوان بود.

### دو نکته:

۱. آنچه از مسجد مجهز موردنظر است اولاً امام‌جماعت و خادم مناسب (که در بخش‌های بعدی به‌صورت مفصل و مجزا از آن‌ها بحث خواهد شد) نیست؛ بلکه اصل وجود مسجد و امکانات سخت‌افزاری موردنیاز آن مدنظر است. طوری که برای هر کودک و نوجوانی که در این کشور زندگی می‌کند، امکان دسترسی به مسجدی با چنین امکاناتی و در مناسب‌ترین زمان فراهم باشد. (البته به دلیل فقدان تحقیقات و پژوهش‌های جدی و حتی غیرجدی در این حوزه، زمان مطلوب دسترسی به مسجد به لحاظ علمی هنوز استخراج نشده است و لازم است این کار به شکل علمی موردبررسی قرار گرفته و معین شود؛ ضمن اینکه به دلیل تغییرات محیطی و تغییر اقتضائات زمانی و مکانی، این حرکت باید تداوم داشته باشد و در سال‌های مختلف، زمان مناسب دسترسی به مسجد مشخص شود. لذا چنین نیست که یک‌بار و برای همیشه یک تحقیق و پژوهش میدانی صورت پذیرد و زمان مطلوب دسترسی به مسجد مشخص شود و دیگر نیازی به بررسی‌های مجدد نباشد؛ زیرا نهادهای رقیب و هم‌عرض مسجد، همواره در تلاش‌اند تا با

بهره‌گیری از عوامل محیطی مختلف، زمان دسترسی خود را به کودک و نوجوان کوتاه و کوتاه‌تر نمایند و چنان نیست که برفرض زمان دسترسی به کافی‌نت و حتی از نوع سالم آن در ۱۰ سال قبل و حالا یکی باشد یا اینکه زمان دسترسی به بازی رایانه‌ای در گذر زمان تفاوتی نداشته باشد؛ بلکه با افزایش شعبات و یا با بهره‌گیری از عوامل محیطی همچون فضای مجازی، زمان دسترسی به آن‌ها با گذر زمان تغییر یافته است. در چنین فضایی که نهاد مسجد در نظر دارد با برخی از آن‌ها به مقابله بپردازد و با برخی دیگر رقابت نماید، ناگزیر از پایش و رصد وضعیت آن‌ها و تعیین وضعیت مطلوب برای خود برحسب زمان‌های مختلف است که البته این موضوع و نسبی بودن زمان مطلوب دسترسی به مسجد از حیث مکانی نیز صادق است؛ بدین معنی که زمان مطلوب دسترسی به مسجد برای کودک و نوجوان در مکان‌های مختلف شهری و روستایی، کلان‌شهر و غیر کلان‌شهر، بالا شهر و پایین شهر و دیگر تقسیمات، یکسان نیست و هر کدام فرمول محاسبه مختص خود را خواهند داشت).

۲. در نگاه اول به نظر می‌رسد که این بحث اختصاص به دسترسی کودک و نوجوان به مسجد ندارد و همه افراد جامعه و خانواده و با هر سنی را شامل می‌شود؛ بدین معنی که اولین لازمه تقویت ارتباط با مسجد و برای هر فردی، وجود مسجدی در دسترس برای آن فرد است؛ لیکن آنچه در اینجا مدنظر است و رای این خواسته و لازمه است بدین معنی که ضمن صحیح بودن اصل لزوم وجود مسجد در دسترس برای همه اقشار جامعه، در اینجا چیزی فراتر از آن مسجد، مدنظر است؛ به طوری که شامل هر مسجدی نمی‌شود و مسجدی است با ویژگی‌ها و شرایط خاص که در ارتباط با کودک و نوجوان است. با این توضیح که کودکان و نوجوانان قشر خاصی از افراد جامعه هستند و طبیعتاً جذب و ارتباط‌گیری آن‌ها با مسجد نیازمند وجود امکانات خاص متناسب با آن‌ها در مسجد است و چنان نیست که مسجد مطلوب تعریف شده برای عموم مردم، بتواند نیازهای روحی و عاطفی و جسمانی کودک و نوجوان را نیز برآورده سازد؛ لذا برخی محققان در این بحث ورود نموده‌اند و از لوازم سخت‌افزاری خاصی سخن گفته‌اند که وجود آن‌ها در مسجد برای ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با آن ضروری و لازم

است؛ مواردی همچون محل نگهداری نونهالان خردسال در زمان اقامه نماز و مراسم‌ها در صورت لزوم، محل بازی و سرگرمی (از نوع مناسب و مطلوب) برای کودکان، در نظر گرفتن فضای لازم برای برگزاری کلاس‌ها و دوره‌های مذهبی و اخلاقی برای کودکان و نوجوانان، جذابیت‌های بصری (و نه لزوماً پرهزینه) موردنیاز برای کودکان و نوجوانان، راه‌اندازی کتابخانه‌های تخصصی با کتاب و نرم‌افزار ویژه کودک و نوجوان، داشتن سالن و زمین ورزش مسجد برای نوجوانان و مواردی از این قبیل.

البته نگارنده اصرار خاصی بر وجود مصادیقی یادشده ندارد؛ بلکه بر آن است که این موارد نیز اولاً باید با انجام تحقیقات و پژوهش‌های اختصاصی و عملیاتی در این زمینه مشخص و احصا شوند و این مسئله نیاز به کار علمی دقیق دارد و ثانیاً همچون بحث زمان دسترسی به مسجد، از نسبیّت برخوردار است و برحسب مکان‌های مختلف، آیتم‌ها و موارد خاص خود را برای ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد نیاز دارد.

## « ب: وضع موجود

در این قسمت به بررسی وضع موجود مساجد کشور از حیث میزان برآورده ساختن گزاره «دسترسی کودک و نوجوان به مسجد مجهز» پرداخته می‌شود که البته چنانکه گفته شد، به دلیل فقدان نظام و سامانه آماری ملی در این خصوص، اطلاعات موجود در این زمینه بسیار ناقص و محدود هستند و توالی داده‌ای و اطلاعاتی به شکل منسجم که گویای این جریان باشد، حتی در مورد وضعیت دسترسی عموم مردم به مسجد، به‌هیچ‌وجه مشاهده نمی‌شود؛ چه رسد به وجود داده‌هایی در خصوص وضعیت دسترسی کودک و نوجوان به مسجد مطلوب خود. بر این اساس آنچه از آمار و داده‌ها در دست هست، صرفاً داده‌هایی پراکنده با منابع آماری متفاوت را تشکیل می‌دهد که اولاً گویای وضعیت وجود خود مساجد در کشور هستند و به وضعیت دسترسی به آن‌ها به‌هیچ‌وجه اشاره‌ای نشده است؛ هرچند در قوانین مربوطه که پس از این ذکر خواهد شد، به مکان‌یابی مسجد پرداخته شده است تا بهترین شکل دسترسی را برای اکثریت افراد جامعه فراهم آورد و ثانیاً این آمارها و داده‌ها بسیار کلی هستند و برای تعیین میزان وجود مساجد برای تمام افراد جامعه و از هر قشری استخراج شده‌اند و از اینکه در میان مساجد موجود، چه تعداد از مساجد خواسته‌های سخت‌افزاری کودکان و نوجوان را برآورده می‌سازند و نیازهای ارتباطی آن‌ها را برطرف می‌سازند سخنی به میان نیامده و به آن توجهی نشده است؛ بنابراین در تبیین وضع موجود در واقع به بررسی تعداد مساجد موجود در جامعه برای همه اقشار آن پرداخته می‌شود، بر این اساس موارد زیر قابل ذکر است:

## ۱. وضع موجودی مساجد در کشور

همان‌طور که گفته شد آمارهای دقیقی به شکل تخصصی از میزان وجود انواع مساجد در کشور وجود ندارد و نیز از مساجدی که قابلیت و توانایی و امکانات لازم را برای جذب و برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان دارند آماری منتشر نشده است؛ ولی برخی آمارهای کلی که متأسفانه به‌روز و مربوط به سال‌های اخیر نیز نیست، وجود دارند که از وضعیت تعداد مساجد کشور سخن می‌گویند. در شرایط فعلی که نهاد مسجد با نقصان شدید در حوزه آماری مواجه است، چاره‌ای جز تمسک به این آمارهای هرچند کلی و غیرروزآمد نیست. بر این اساس اهم آمارها و داده‌های موجود در خصوص میزان موجودی مساجد در کشور و نحوه پراکندگی آن‌ها بدین شرح است:

۱-۱. بر اساس نتایج آماری طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵ در سطح کل کشور در مجموع ۷۸۹۰۸ مکان عبادتی وجود دارد که ۵۷۶۳۵ مورد آن مسجد است که شامل ۷۳٪ کل اماکن مذهبی کشور می‌شود. با توجه به جمعیت ۶۰ میلیونی کشور در سال ۷۵ به ازای هر ۱۰۴۲ نفر یک مسجد در کشور وجود داشته است. پس از مسجد حسینی با ۱۱/۱ بیشترین درصد اماکن مذهبی را دارا است؛ و اماکن مشابه حسینی که عملکردی نظیر آن دارند و یا می‌توانند داشته باشند نظیر تکیه، فاطمیه و مهدیه، جمعاً شامل ۳/۳٪ اماکن مذهبی می‌شود.<sup>۱</sup>

### جدول وضعیت مساجد کشور در مقایسه با دیگر اماکن مذهبی

نام مکان مذهبی	تعداد	درصد	نام مکان‌های مذهبی	تعداد	درصد
جمع کل موارد	۷۸۹۰۸	٪۱۰۰	فطمیه	۲۱۹	٪۰/۳
مسجد	۵۷۶۳۵	٪۷۳	مهدیه	۱۶۲	٪۰/۲
مصلا	۱۴۲	٪۰/۲	زینبیه، حیدریه، عباسیه، قاسمیه	۳۹۰	٪۰/۵
نمازخانه	۳۱۱	٪۰/۴	زیارتگاه امام و امامزاده	۶۰۴۸	٪۷/۷

۱. محمدرضا حشمتی، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه اماکن مذهبی کشور، ص ۱۱-۱۲.



نام مکان مذهبی	تعداد	درصد	نام مکان های مذهبی	تعداد	درصد
حسینیه	۸۷۵۲	%۱۱/۱	زیارتگاه سایر بزرگان دین	۱۳۳۴	%۱/۷
تکیه ثابت	۱۸۰۷	%۲/۳	نظرگاه و قدمگاه	۱۱۸۵	%۱/۵
خانقاه	۱۲۰	%۰/۱	سایر	۸۰۳	%۱/۰

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

۱- ۲. از حیث پراکندگی شهری و روستایی از ۵۷۶۳۵ مسجد موجود در کشور تعداد ۱۸۳۱۸ باب مسجد یا ۳۱/۸% مساجد در شهرها و تعداد ۳۹۳۱۷ باب مسجد یا ۶۸/۲% مساجد در روستاهای کشور قرار دارد. در واقع به ازای هر مسجد شهری ۲/۱۴ مسجد روستایی وجود دارد.

#### جدول تعداد مساجد ساخته شده در مناطق شهری بر اساس آمار موجود در دهه های قبل

شرح	۷۵-۶۵	۶۵-۵۵	۵۵-۴۵	۴۵-۳۵
تعداد مساجد ساخته شده	۱۵۹۵	۳۸۷۶	۲۳۷۳	۱۴۰۸
افزایش جمعیت شهری	۹/۹۷۳/۲۲۸	۱۰/۹۸۹/۸۸۱	۵/۹۶۰/۴۳۴	۳۸۴۰۶۸۳
تعداد نفر به مسجد ساخته شده در طول دوره	۶۲۵۳	۲۸۳۵	۲۵۱۲	۲۷۲۸
تعداد نفر به مسجد در مناطق روستایی کشور	۲۰۳۶	۱۶۲۸	۱۲۶۸	۹۵۶

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

توجه به جدول فوق نکات ذیل را آشکار می سازد:

تعداد نفر به مسجد در مناطق شهری در سه سرشماری های ۵۵ و ۶۵ و ۷۵ سیر صعودی را نشان می دهد. این امر حکایت از آن دارد که به دلیل افزایش شدید جمعیت در مناطق شهری، تعداد مساجد شهری افزایش یافته است؛ لیکن روند رشد جمعیت مناطق شهری از روند رشد تعداد مساجد جدیدالاحداث بیشتر بوده است و لذا فضای مساجد موجود شهری عملاً نسبت به جمعیت بهره گیر آن کوچک تر شده است.

روند مسجdsازی در شهرها در دهه ۶۵ - ۷۵ نسبت به دهه ۵۵ - ۶۵ کاهش چشمگیری داشته است. در حالی که جمعیت مناطق شهری نزدیک ۱۰ میلیون نفر

افزایش نشان می‌دهد، به ازای این افزایش جمعیت تنها ۱۵۹۵ مسجد ساخته شده است؛ یعنی به ازای هر ۶۲۵۳ نفر در این دوره یک مسجد ساخته شده است که از رقم متوسط نفر مسجد مساجد شهری در پایان در دوره (سال ۷۵) بیش از سه برابر بیشتر است.

در دهه ۵۵ - ۶۵ نیز با وجود آنکه به لحاظ کمی تعداد مساجد ساخته شده نسبت به دوره ۴۵ - ۵۵ افزایش کمی ۱۵۰۳ باب مسجد را نشان می‌دهد، ولیکن به لحاظ افزایش حدود ۱۱ میلیونی جمعیت در پایان این دوره (۶۵) نسبت به ۵۵ عملاً نفر به مسجد سال ۶۵ (۲۸۳۵) به نفر مسجد سال ۵۵ (۲۵۱۲) افزایش نشان می‌دهد.<sup>۱</sup> به هر حال روند مسجده سازی در شهرها در مقایسه با تغییرات جمعیتی در بازه زمانی مذکور، یک روند منفی و رو به کاهش را نشان می‌دهد که اگر همین آمارگیری در سال‌های بعد نیز تکرار می‌شد، بی‌گمان روند نزولی شدیدتری نسبت به آنچه دیده می‌شود مشاهده می‌شد؛ زیرا روند مهاجرت به شهرها و شهرنشینی شدت بیشتری یافته است؛ به طوری که برحسب داده‌های مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۰ حدود ۷۲ درصد جمعیت را جمعیت شهری و تنها ۲۸ درصد را جمعیت روستایی تشکیل می‌دهد. از طرفی با افزایش مشکلات اقتصادی و نیز عدم اقدام قابل ملاحظه در امر مسجده سازی، روند ساخت و ساز نیز به نظر می‌رسد نزولی تر از قبل باشد. همچنین در خصوص مساجد روستایی داده‌های زیر موجود است:

### جدول تعداد مساجد ساخته شده در مناطق روستایی بر اساس آمار موجود در دهه‌های قبل

شرح	زیر ۱۰ سال ۷۵-۶۵	۱۱-۲۰ ۶۵-۵۵	۲۱-۳۰ ۵۵-۴۵	۳۱-۴۰ ۴۵-۳۵
تعداد مساجد ساخته شده	۵۲۰۳	۷۵۹۳	۴۷۰۷	۳۲۹۲
افزایش جمعیت روستایی	۶۷۶/۹۴۲	۴/۴۹۵/۲۸۷	۱/۸۵۹/۵۸۸	۲/۹۹۳/۳۳۵
نفر به مسجد ساخته شده در طول دوره	۱۳۰	۵۹۲	۳۹۵	۹۰۹
نفر مسجد روستایی	۵۸۹	۶۶۰	۶۷۹	۷۴۱

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

توجه به جدول فوق نکات ذیل را آشکار می‌سازد:

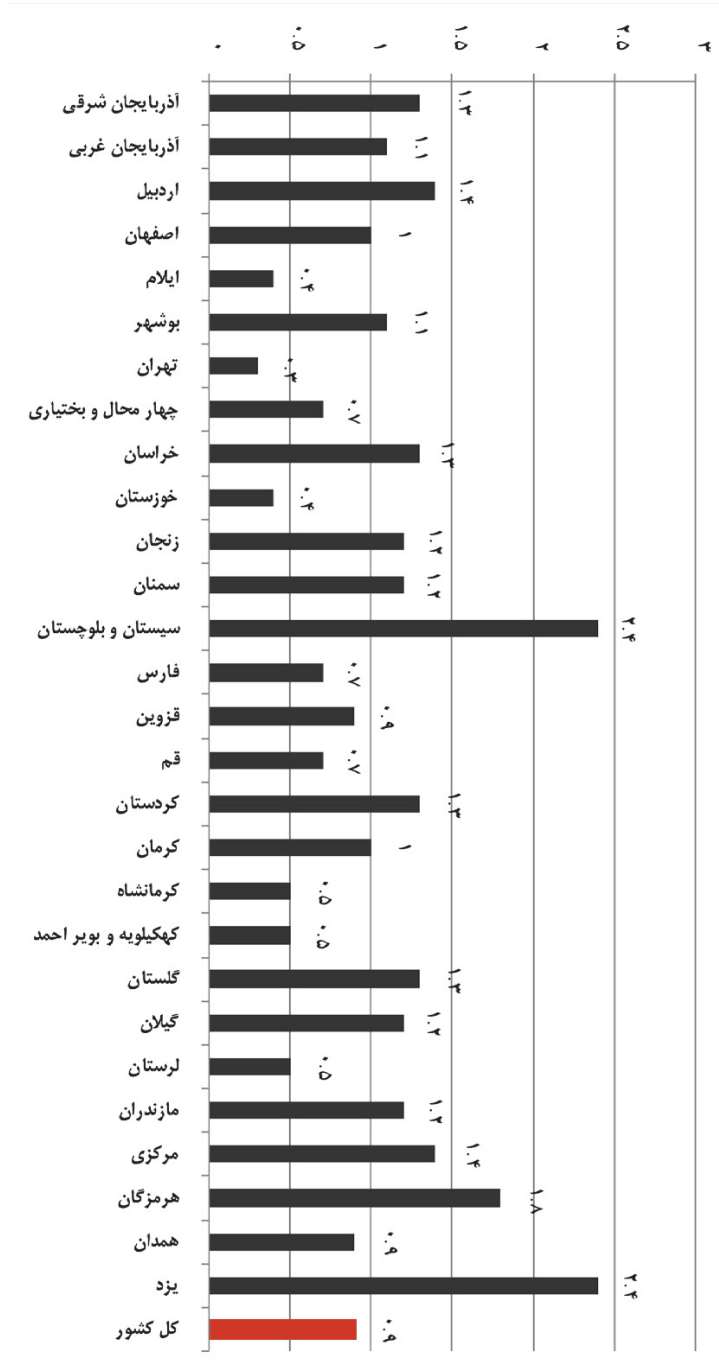
۱. همان، ص ۵۴-۵۵.

نفر به مسجد در مناطق روستایی در سه سرشماری ۵۵ و ۶۵ و ۷۵ سیر نزولی را نشان می‌دهد. این امر حکایت از آن دارد که به دلیل کاهش شدید جمعیت در مناطق روستایی و با توجه به اینکه به جز روستاهای کاملاً متروک، مساجد روستاهای مهاجرفرست کماکان فعال و به سرویس‌دهی خود ادامه می‌دهد، فضای مساجد موجود روستایی عملاً نسبت به جمعیت بهره‌گیر آن بزرگ‌تر شده است. روند مسج‌سازی در روستاها در دهه ۶۵-۷۵ بسیار بالا بوده است. در حالی که جمعیت روستایی افزایش بسیار اندکی یافته است. این روند در دوره ۵۵-۶۵ با معدل نفر مسجد کل مناطق روستایی کشور نسبتاً هماهنگ است. در دهه ۴۵-۵۵ روند مسج‌سازی نسبت به دوره ۵۵-۶۵ بسیار بهتر بوده است و رقم ۳۹۵ را نشان می‌دهد؛ اما باین حال رقم نفر مسجد در کل مناطق روستایی در سال ۵۵ عدد ۶۷۹ را نشان می‌دهد.<sup>۱</sup>

بنابراین تحلیل ملی مساجد شهری و روستایی حکایت از آن دارد که در گذشته همگنی نفر به مسجد در مناطق شهری و روستایی بیشتر بود ولیکن با نزدیک‌تر شدن به زمان حال، فاصله بین نفر مسجد مناطق شهری و روستایی بیشتر شده است.

۱-۳. بررسی پراکندگی استانی و شهرستانی حاکی از کمبود مساجد در استان‌های پرجمعیت و نیز کلان‌شهرهای پرجمعیت به نسبت شهرها و استان‌های کم‌جمعیت است؛ چنانکه نمودار آماری زیر گویای تعداد کم مساجد در استان‌های با جمعیت بالا مانند تهران و خوزستان است.

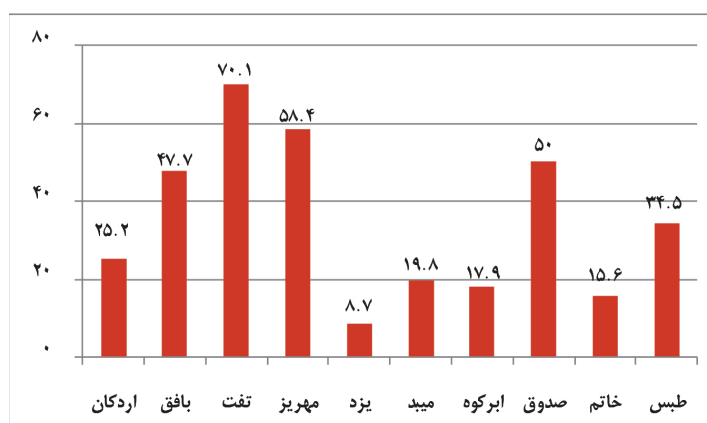
۱. همان، ص ۵۵-۵۶.



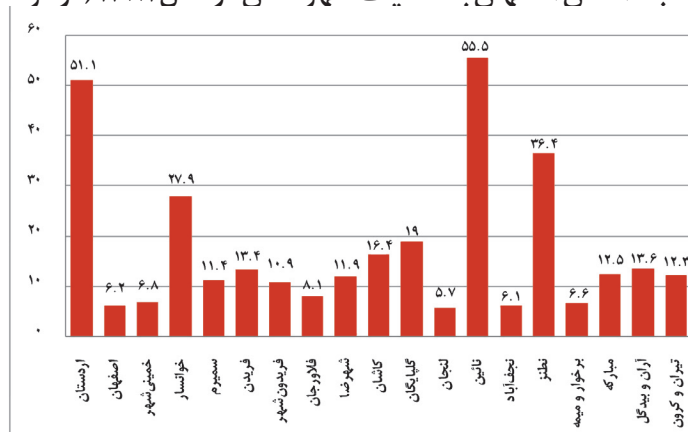
منبع: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی

هرچند طبق نمودار بالا برخی از استان‌های دارای جمعیت بالا، سرانه مسجد بیشتر و بهتری دارند، لیکن با نگاه جزئی به نحوه پراکندگی شهرستانی آن‌ها مشخص می‌شود که در اکثریت نزدیک به کل آن‌ها، تراکم مساجد در شهرستان‌های کم جمعیت آن استان و کمترین سرانه مربوط به مرکز استان است که بیشترین جمعیت را دارد. مواردی از آن در نمودارهای ذیل قابل ملاحظه است:

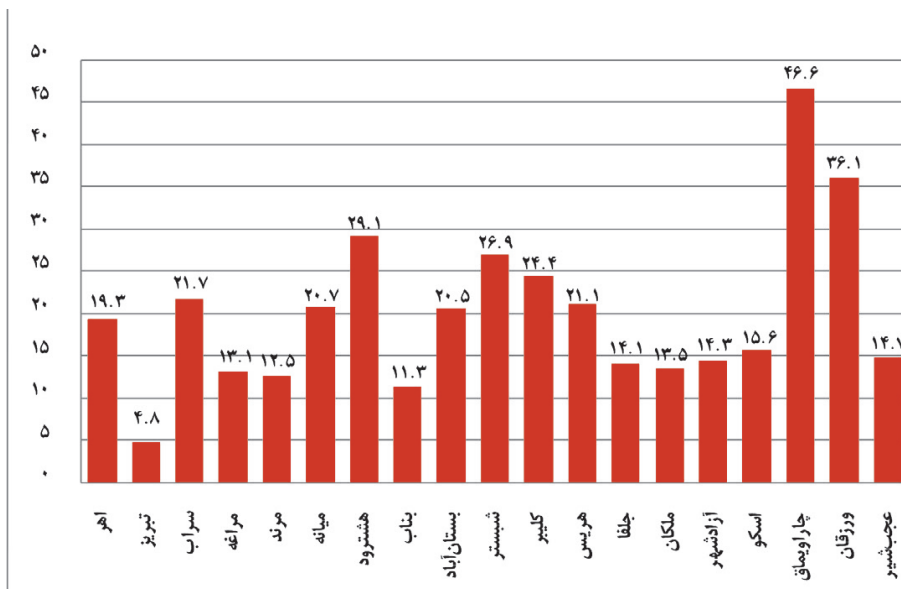
« میزان مساجد استان یزد به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ده هزار نفر)



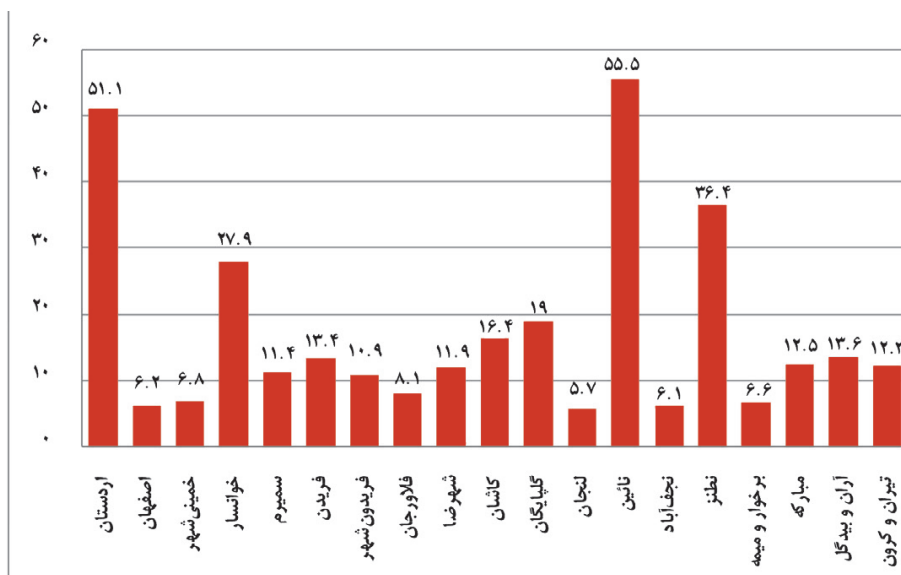
« میزان مساجد استان اصفهان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ده هزار نفر)



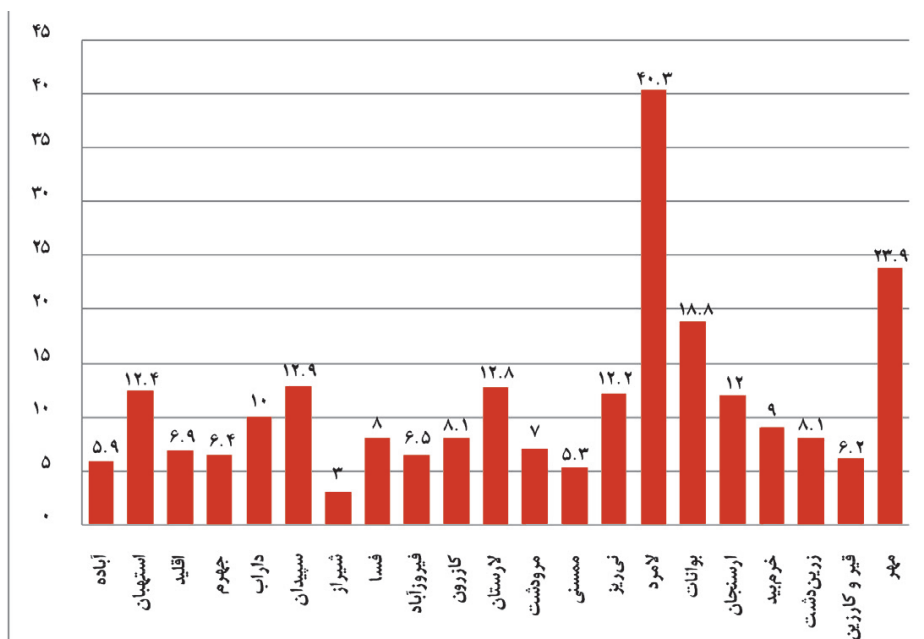
« میزان مساجد استان آذربایجان شرقی به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ده هزار نفر)



« میزان مساجد استان سیستان و بلوچستان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱ (در هر ده هزار نفر)



« میزان مساجد استان سیستان و بلوچستان به تفکیک شهرستان در سال ۱۳۸۱  
(در هر ده هزار نفر)



چنانکه ملاحظه می‌شود کمترین سرانه مسجد در استان‌های ذکر شده مربوط به مرکز استان است که همه این‌ها حاکی از ضعف‌های عملکردی از حیث عدم تطابق افزایش جمعیت شهری با تعداد مساجد در آن‌هاست.

گفتنی است برحسب آخرین آمار موجود، در این حوزه شاهد کمبود شدید مسجد در شهر تهران به‌عنوان پرجمعیت‌ترین شهر کشور هستیم؛ به‌طوری که برحسب طرح آمایش فضاهای مذهبی استان تهران در سال ۱۳۹۳ این نتیجه حاصل شده است که شهر تهران با جمعیتی بالغ بر ۸ میلیون و ۱۷۷ هزار و ۱۰۷ نفر، فقط ۱۹۴۱ مسجد دارد؛ در حالی که بر اساس این آمایش، میزان مساجد موردنیاز برای شهر تهران، ۲۹۵۷ مسجد است که با این حساب ۱۰۱۶ مسجد کمتر از میزان موردنیاز موجود است. سرانه مساجد موجود در شهر تهران در حال حاضر به ازای هر ۱۰۰۰ نفر، ۰٫۲۴ است بدین معنی که برای هر ۴۲۱۳ نفر یک مسجد وجود دارد که در صورت تأمین مساجد موردنیاز این رقم به ۰٫۳۶ خواهد رسید

بدین معنی که برای هر ۲۷۶۵ نفر یک مسجد وجود خواهد داشت. گفتنی است میانگین سرانه مساجد به ازای هر ۱۰۰۰ نفر در کل کشور ۰/۹ است که با این حساب سرانه شهر تهران ۳/۷ برابر کمتر از سرانه میانگین کشوری است.<sup>۱</sup> در همین راستا یکی از مسئولان مربوطه در مطالبی مهم در خصوص وضعیت دسترسی به مسجد در کشور و استان تهران، در اسفندماه ۱۳۹۳ می‌گوید: «متأسفانه تعداد مساجدمان خصوصاً در شهرهای بزرگ مکفی نیست و مسجد در دسترس نیست. در کل کشور بین ۷۰ تا ۸۰ هزار مسجد داریم. مثلاً در تهران حدود ۲۰۴۱ مسجد و در شهرستان‌های تهران ۱۲۵۷ مسجد داریم؛ یعنی جمعاً ۳۲۹۸ مسجد در استان تهران داریم.

تعداد قابل توجهی از این آمار، مساجد بسیار کوچک محله‌ای است و این نباید ما را در بررسی آمار به اشتباه بیندازد. در یک محاسبه اولیه به این نتیجه رسیدم که اگر بخواهیم به نیازهای مسجدی در استان پاسخ بگوییم، باید آن آماری که در حال حاضر داریم ۷ برابر شود؛ به ازای هر هزار نفر، تقریباً یک مسجد در کشور وجود دارد.

در تهران حداقل هزار مسجد جامع، نه مسجد محله، کم داریم. البته دقت داشته باشید مسجد جامع با مسجد محله، هم از لحاظ مترائز و هم به لحاظ بخش‌های پیرامونی تفاوت‌های اساسی دارند. اگر بخواهیم به نیاز جامعه پاسخ داده شود. حداقل ۴ هزار مسجد دیگر برای تهران نیاز داریم.»<sup>۲</sup>

۱. طرح آمایش فضاهای مذهبی استان تهران، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال ۱۳۹۳.  
۲. اظهارات محمدجواد حاج علی‌اکبری رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران، اسفند ۱۳۹۳.



## ۲. وضع دسترسی به مساجد موجود در کشور

پس از تعیین وضعیت آماری مساجد، آنچه اهمیت دارد این است که نحوه پراکندگی فواصل مساجد در شهرها و روستاها چگونه است؟ آیا مساجد موجود به نحو متوازن و با فاصله مناسب از هم پخش شده‌اند و دسترسی برای همگان در بازه زمانی تقریباً یکسانی میسر است یا اینکه در نحوه دسترسی به مساجد تفاوت وجود دارد؟

« بررسی فواصل بین مساجد در شهر و روستا گویای داده‌های ذیل است:

شرح	کل کشور		مناطق شهری		مناطق روستایی	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
زیر ۱۰۰ متر	۴۳۸۳	۷/۶۰	۲۲۸۲	۱۲/۴۶	۲۱۰۱	۵/۳۴
۱۰۱-۲۰۰	۵۹۷۴	۱۰/۳۷	۳۱۵۱	۱۷/۲۰	۲۸۲۳	۷/۱۸
۲۰۱-۳۰۰	۵۰۹۸	۸/۸۵	۲۷۲۹	۱۴/۹۰	۲۳۶۹	۶/۰۶
۳۰۱-۴۰۰	۲۴۳۱	۴/۲۱	۱۳۳۰	۷/۲۶	۱۱۰۱	۲/۸۰
۴۰۱-۶۰۰	۶۳۸۱	۱۱/۰۷	۳۶۱۴	۱۹/۷۳	۱۷۶۷	۷/۰۴
۶۰۱-۸۰۰	۲۰۶۳	۳/۵۸	۱۱۸۶	۶/۴۷	۸۷۷	۲/۳۳
۸۰۱-۱۰۰۰	۳۲۳۳	۵/۶۰	۱۳۲۱	۸/۸۵	۱۶۱۲	۴/۱۰
بیشتر از ۱۰۰۰	۲۶۶۳	۴/۶۲	۱۲۰۵	۶/۵۸	۱۴۵۸	۳/۷۱
اظهاری نشده	۲۵۴۰۹	۴۴/۰۹	۱۲۰۰	۶/۵۵	۲۴۲۰۹	۶۱/۵۷
جمع کل	۵۷۶۳۵	۱۰۰	۱۸۳۱۸	۱۰۰	۳۹۳۱۷	۱۰۰

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

در تحلیل داده‌های این جدول گفته شده است:

«به دلیل آنکه بسیاری از روستاها بیش از یک مسجد ندارند، این سؤال یعنی میزان فاصله مسجد از مساجد دیگر برای آن‌ها نامفهوم بوده و لذا ۶۱/۵۷ درصد به این سؤال پاسخی نداده‌اند. زیرا پاسخی وجود نداشته است. این مساجد چون در روستاهای کوچک و نسبتاً کوچک واقع هستند، عملاً دسترسی پیاده به این مساجد در فاصله استاندارد است.»

۷۱/۵۵ درصد مساجد شهری فاصله‌شان با نزدیک‌ترین مسجد کمتر از ۶۰۰ متر است؛ یعنی شعاع دسترسی به این مساجد کمتر از ۳۰۰ متر است. اگر سرعت پیاده‌روی در داخل شهرها ۴۸۰۰ متر در ساعت باشد، یعنی هر نفر در هر دقیقه ۸۰ متر راه برود، به این اعتبار فاصله زمانی ۷۱/۵۵ درصد مساجد از محل زندگی نمازگزاران کمتر از ۴ دقیقه پیاده‌روی است. همچنین ۱۵/۳۲ درصد مساجد شهری فاصله‌شان با نزدیک‌ترین مسجد بین ۶۰۱ تا ۱۰۰۰ متر است. به این اعتبار فاصله زمانی ۱۵/۳۲ درصد مساجد از محل زندگی نمازگزاران با قدم پیاده بین ۴ تا ۶ دقیقه است. تنها فاصله ۶/۵۸ درصد مساجد شهری با نزدیک‌ترین مسجد بیشتر از ۱۰۰۰ متر است. یعنی شعاع دسترسی به این مساجد بیشتر از ۵۰۰ متر است. به این اعتبار فاصله زمانی دسترسی به این مساجد بیشتر از ۶ دقیقه است.

بنابراین وضعیت شعاع دسترسی به مساجد شهری در مجموع وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد که با استانداردهای شهرسازی مطابقت دارد. حدود ۱۰٪ مساجد شهری با دسترسی پیاده، وضعیتی نه‌چندان مطلوب دارند که در هرگونه ساخت‌وساز و احداث مساجد باید به آن توجه نمود. برای این کار لازم است وضعیت استقرار مکانی مساجد هر شهر روی نقشه پیاده شده و مناطقی که کمبود مسجد دارند مشخص گردند. ضمن آنکه به عامل تراکم جمعیتی نیز در کنار شعاع دسترسی باید توجه داشت.<sup>۱</sup>

لیکن یک مطلب در این تحلیل جای تأمل دارد و آن میزان طی مسافت در دقیقه است که به نظر می‌رسد برای افراد جوان و تندرو بیشتر تناسب دارد تا سایر افراد که خصوصاً در این بحث، والدینی مدنظر قرار دارند که می‌خواهند همراه فرزندان خود در نماز حاضر شوند.

ضمن آنکه نباید از یاد برد که این داده‌ها مربوط به سال ۱۳۷۵ است؛ حال آنکه در سال‌های اخیر تحولات زیستی-اجتماعی شگرفی در جامعه ایرانی رخ داده و روستانشینان با هجوم شتابدار خود به حواشی شهرها، سبک‌های جدیدی از زندگی را در آن‌ها رقم‌زده‌اند که به لحاظ دارا بودن نهادهای مذهبی همچون

۱. محمدرضا حشمتی، همان، ص ۴۷-۴۸.

مسجد، تفاوت زیادی با شکل رایج ساختار شهری دارد. همچنین وضعیت کودکان و نوجوانان و مساجد برآورده کننده نیازهای آنها در این پیمایش‌ها احصا نشده و تمام مساجد با هرگونه امکانات، باهم مورد محاسبه قرار گرفته است.

### ۳. وضع فعالیتی مساجد در دسترس کشور

در این مرحله در نظر است تا پس از بررسی چگونگی دسترسی به مساجد موجود، به وضعیت فعال بودن همین مساجد در دسترس پرداخته شود. با این مبنا که همین مساجدی هم که در دسترس هستند، زمانی می‌توانند یاریگر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد باشند که به شکل تمام‌وقت دایر و در دسترس باشند و با تعطیلی‌های شبانه‌روزی و طولانی‌مدت و باز بودنشان صرفاً در مراسم‌ها و ایام خاص و یا صرفاً برای یک وعده نماز جماعت مواجه نباشند.

در این خصوص گفتنی است مساجد در سال‌های قبل، اماکن مقدسی بودند که نمازگزاران می‌توانستند تا پاسی از شب در آن به عبادت بپردازند؛ ولی امروزه هرچند تلاش شده تا از بار قداست این اماکن کم نشود، اما شرایط اجتماعی و امنیتی بر عملکرد و مدیریت این اماکن تأثیر گذاشته و در نتیجه، مساجد تنها در ساعات اذان ظهر و مغرب و البته برخی هم هنگام اذان صبح آماده پذیرایی از نمازگزارانند.

در واقع اگر قرار است که مسجد، محلی برای انجام تمام امور باشد نه فقط مخصوص نماز خواندن، چگونه می‌توان از مکانی که فقط ساعات محدودی از شبانه‌روز باز است چنین انتظاری داشت و چگونه چنین مکانی می‌تواند جاذب کودکان و نوجوانان پرشور و با تحرک باشد. از این‌رو شرط اول برای داشتن مساجدی فعال و جاذب برای کودکان و نوجوانان، باز بودن مساجد در تمام ساعات روز است.

در همین راستا بررسی‌های به‌عمل آمده حاکی از آن است که:

۳-۱. از تعداد ۵۷۶۳۵ باب مسجد، در سال ۱۳۷۵ - که وضعیت کلی از حیث دایر بودن مساجد بهتر از الآن بود - بیش از نیمی از آن‌ها فاقد فعالیت و تحرک لازم می‌باشند و برای حدود ۳۰ هزار مسجد، امام جماعت نیاز است.

۳-۲. مساجدی که نماز در آن‌ها در سه وقت صبح، ظهر و عصر و مغرب و عشا اقامه می‌شود، رقم آن حدوداً به سه هزار مسجد می‌رسد؛ یعنی، فقط در حدود ۶٪ از مساجد در سه وقت نماز اقامه می‌شود.

۳-۳. به‌جز مساجد معدودی که در سطح کشور فعال‌اند و در محیط خود تأثیرگذار

هستند، بقیه مساجد به دلایل مختلف از جمله: بی‌نظمی، کثیفی، حضور هیئت‌امنا و خادم بداخلاق و وضعیت بد مالی فعالیت چندانی ندارد و تنها فعالیت آن‌ها اقامه یک نوبت نماز است.

۳-۴. به دلیل مشکل اقتصادی، ائمه جماعات ترجیح می‌دهند در ادارات، سازمان‌ها، مراکز نظامی و انتظامی نماز اقامه کنند؛ لذا بیم آن می‌رود که نماز جماعت در مساجد به‌ویژه نماز ظهر تعطیل شود.

۳-۵. از جهت بهداشتی و نظافت ظاهری، مساجد هیچ جاذبه‌ای به‌ویژه برای جوان‌ها ندارند و با وجود مراکز فرهنگی هنری بسیار زیبا و تمیز کمتر کسی مایل است به این مکان‌ها رو آورد.<sup>۱</sup>

۳-۶. تنها ۱/۵٪ مساجد دارای سالن اجتماعات هستند؛ و تنها ۹٪ مساجد محل اختصاصی بانوان (شبستان زنانه) دارند و ۶/۵٪ دارای نمازخانه و ۹/۸٪ دارای اتاق اختصاصی خادم هستند. هیچ‌یک از این شاخص‌ها مطلوبیت خاصی نشان نمی‌دهد. در مورد سالن اجتماعات به دلیل تعریف نه‌چندان جاافتاده آن در شهرهای کوچک و روستاها نمی‌توان به آمار ارائه‌شده استناد کرد.<sup>۲</sup> به نظر می‌رسد در چنین شرایطی که فضاهای اختصاصی برای زنان نیز با مشکل و نقصان مواجه است، سخن از فضاهای اختصاصی کودکان و نوجوان حرف کاملاً بی‌په‌پایه‌ای باشد؛ بنابراین مساجد کشور از حیث دایر بودن و نیز داشتن فضاهای اختصاصی برای کودکان و نوجوان با کمبودها و نواقص زیاد مواجه‌اند که لازم است در راهکارها مورد توجه قرار گیرد. از حیث برخورداری مساجد از ظرفیت‌ها و جذابیت‌های هنری و معماری برای نوجوانان نیز باید اذعان داشت که «بافت فیزیکی و ساختمان بیشتر مساجد متناسب با روحیه نوگرایی نوجوانان نیست و بر اساس معماری ۱۵۰ سال پیش یا پیش‌تر از آن است و در این مورد بسیار بسته عمل شده است در حالی که ادیان دیگر نوگرایی را در عین پایبندی به ارزش‌هایشان در عبادتگاه‌های خود به کار بسته‌اند. این در حالی است که جوان و نوجوان به مکان‌های پاکیزه، آرام، جذاب و دلپذیر بیشتر

۱. محمدرضا حشمتی، مجله مبلغان، «مساجد، مشکلات و راهکارها»، ص ۸۱.

۲. محمدرضا حشمتی، همان، ص ۱۵.

گرایش پیدا می‌کند و از مکان‌هایی که از پاکیزگی لازم برخوردار نیست دوری می‌کند. نظافت کلیه بخش‌های مسجد و به کار بردن خوشبوکننده‌های مناسب از ضروریات یک مسجد مطلوب برای نوجوان است. استفاده از رنگ‌های آرامش‌بخش، مثل آبی و نیلی و فیروزه‌های و بهره‌گیری از شیوه معماری مبتنی بر طبیعت و اشکال هندسی زیبا مانند هلالی و قوسی در بنای مساجد جلوه خاصی به ساختار ظاهری آن می‌بخشد. در این مورد باید از تخصص و خلاقیت مهندسان و معماران مساجد با عنایت به اصول روان‌شناسی مربوط کمک گرفت.<sup>۱</sup>

۱. اسلامپور کریمی، راهکارهای جذب کودک و نوجوان به مسجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران.

## « ج: راهکارها

بر اساس یک فرایند و پروسه علمی گام‌به‌گام و نیز با توجه به وضع موجود مشکلات و نواقص، طبیعتاً باید چند راهکار را برای برون‌رفت از وضعیت فعلی و نیل به وضعیت مطلوب در نظر گرفت که عبارت‌اند از:

### ۱. تقویت پشتوانه پژوهشی و علمی

چنانکه در ابتدای این بخش توضیح داده شد، هم‌اکنون تحقیقات و پژوهش‌های وزینی در حوزه کودک و نوجوان و مسجد به‌طوری که شرایط مسجد مطلوب و بهینه برای کودک و نوجوان را به لحاظ نظری و تئوریک، بررسی کنند وجود ندارد و یا بسیار اندک و تقریباً ضعیف هستند؛ خصوصاً که این‌گونه پژوهش‌ها به کلی گویی پرداخته‌اند و به‌صورت تفصیلی برای مکان‌های مختلف، این کار را انجام نداده‌اند.

بنابراین اولین راهکار این است که نهاد مسجد ضمن ایجاد گفتمان علمی در حوزه مسجد تراز و نمونه - هرچند، اخیراً مطالبی در این زمینه نوشته می‌شود، ولی با آنچه مدنظر این تحقیق است فاصله دارد- به‌صورت ویژه به گفتمان‌سازی در خصوص شرایط و ویژگی‌های مسجد مطلوب برای کودکان و نوجوانان بپردازد.

لازم است نهاد مسجد با زمینه‌سازی از طریق تفاهم‌نامه‌هایی که نهادهای علمی و پژوهشی منعقد می‌نماید و نیز با بسترسازی قانونی از طریق ارتباط با نهادهای قانون‌گذار، شرایط را برای ورود علمی به این قضیه فراهم آورد. نهاد مسجد باید طوری برنامه‌ریزی نماید که تعدادی از محققان و دانش‌پژوهان به‌صورت تخصصی در موضوع مسجد و مسجد‌پردازی ورود نمایند و ضمن کسب مهارت‌های علمی و تجربی لازم در داخل و خارج از کشور در نهادهای علمی، به‌عنوان صاحب‌نظران تخصصی این حوزه به شمار آیند؛ نه اینکه از محققان و صاحب‌نظران حوزه‌های دیگر خواسته شود به شکل محدود و سفارشی در این وادی ورود کرده و نظریه‌پردازی نمایند.

درواقع باید مسئولان نهاد مسجد، به تخصصی و علمی بودن این امر ایمان و باور داشته و آنگاه اقدامات لازم در جهت پرورش نیروهای علمی موردنیاز را تدارک ببینند.

اقداماتی که آن‌ها را مرتبط با نهادهای مقنن برای تأسیس رشته‌های دانشگاهی و پژوهشگاهی مرتبط و نیز نهادهای علمی به‌منظور تربیت دانش‌آموختگان توانمند و زبده در حوزه مسجد و کودک و نوجوان می‌سازد.



سامانه آماری مسجد از نیازهای اصلی و اجتناب‌ناپذیر برای انجام کارهای حساب‌شده در حوزه نماز و مسجد است؛ و گرنه وقتی وضع موجود مشخص نباشد، نقاط قوت و ضعف و خلأها و کمبودها و نیز رشدها و ارتقاها مشخص نباشد، چگونه می‌توان برای نیل به وضع مطلوب برنامه‌ریزی کرد؟! و آیا اقدام در چنین وضعیتی، مصداق تیر در تاریکی افکندن نخواهد بود؟

نواقص آماری در این حوزه آن‌قدر عمیق و زیادند که اصلاً بحث به نیازهای آماری کودک و نوجوان و مسجد نمی‌رسد؛ زیرا داده‌ها برای اولیات و ضروریات نیز کفایت نمی‌کند. در این حوزه آمارهای منسجم و متوالی به شکل معتبر و رسمی از وضعیت دسترسی به مسجد و میزان مساجد در دسترس برای عموم مردم (بنابراین این فرض که زمان مطلوب دسترسی به مسجد استخراج‌شده باشد) وجود ندارد و مشخص نیست که چه تعداد از مساجد نیازهای عموم مردم و نه اختصاصاً کودک و نوجوان را از حیث دسترسی به مسجد برآورده می‌سازند؛ بلکه یکسری آمارهای کلی و بعضاً متناقض، صرفاً از تعداد مساجد موجود در کشور و از طریق نهادهای مختلف منتشر شده که رقمی بین ۵۰ هزار تا ۹۰ هزار مسجد در آن‌ها قابل مشاهده است.

بنابراین لازم است اگر احیاناً نهادهای آماری متعددی در این خصوص وجود دارند تجمیع شوند و با لحاظ نیازهای هر کدام از نهادها، یک سامانه ملی آماری در حوزه مسجد و نماز طراحی و راه‌اندازی شود که تمام نیازهای موجود در این حوزه را پوشش دهد. این سامانه که ملی است و با رعایت ضوابط علمی و فنی به جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات به صورت سالانه و یا در بازه‌های زمانی مشخص می‌پردازد، رسمی، معتبر و مبنای اقدام و عملکرد خواهد بود. همچنین با در کنار هم نهادن داده‌های چنین سامانه‌ای و مقایسه بازه‌های زمانی مختلف، وضعیت صعود و نزول و قوت‌ها و ضعف‌ها کاملاً مشخص می‌شود؛ و نهایتاً با وجود چنین سامانه‌ای از اقدامات موازی، غیرضروری و هزینه‌های اضافی پرهیز خواهد شد. این سامانه حلقه واصل خروجی نظرات پژوهش‌گران و محققان با حلقه بعدی (که در ادامه توضیح داده می‌شود) خواهد بود. پژوهش‌گرانی که در قدم اول بدین منظور

تربیت شده‌اند. اهمیت حضور چنین پژوهش‌گرانی آن است که مبنا و شاخص‌های جمع‌آوری داده در این سامانه، تحقیقات علمی و تخصصی صاحب‌نظران مذکور است.

نکته آخر در این خصوص آنکه این سامانه لزوماً مستقل و تک‌کارکرد در حوزه نماز و مسجد نیست و می‌توان با هماهنگی با سامانه‌های آماری ملی در حوزه فرهنگ - که در حال حاضر وجود ندارند ولی زمزمه‌هایی بر تشکیل آن‌ها هست - داده‌های موردنیاز را از آن طریق فراهم نمود؛ البته لازم است همکاری‌ها و هماهنگی‌ها با چنین سامانه‌ای چنان باشد که نیازهای واقعی نهاد مسجد را برآورده سازد و فعالیت‌های پراکنده و گسترده سامانه فرهنگی از اتقان داده‌های مسجدی نکاهد.

گام‌ها و راهکارهای اول و دوم وقتی در کنار هم قرار می‌گیرند، خروجی آن‌ها برحسب مطالب این بخش، یک نقشه عملیاتی از مکان‌های نیازمند ساخت و یا تجهیز و ارتقای امکانات مسجد به‌منظور در دسترس ساختن مسجد مطلوب برای مردم و به‌ویژه کودکان و نوجوان در این تحقیق است. لذا وقتی مکان‌های موردنیاز و تعداد آن‌ها مشخص شد، از حیث مسائل اجتماعی و به‌منظور بهره‌مندی از تسهیلات و مجوزهای لازم، نیازمند وجود برخی قوانین و مصوبات در این حوزه از طریق اقدام نهادهای مقنن است. لذا در این گام نهاد مسجد لازم است با ارتباط‌گیری با چنین نهادهایی و آگاهی‌بخشی کافی از وضع نیازهای سخت‌افزاری مسجد، آن‌ها را مجاب به وضع قوانین و مصوبات موردنیاز نماید.

در طول سال‌های پس از انقلاب قدم‌های مهم و تأثیرگذاری در این زمینه برداشته‌شده و قوانین تسهیل‌کننده زیادی و از طریق نهادهای مختلف وضع شده است که بخشی از آن‌ها بدین شرح است:

در بندهایی از ماده ۱۶۳ قانون برنامه دوم توسعه، آمده است:

ب - وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها موظفاند در کلیه شهرک‌های جدیدالاحداث اراضی مناسبی را برای احداث مسجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج پیش‌بینی کرده و پس از آماده‌سازی بدون دریافت هزینه در اختیار متقاضیان احداث مساجد و پایگاه‌های مقاومت بسیج قرار دهند و قیمت اراضی را در هزینه مربوط به آماده‌سازی اراضی منظور کنند.

ج - وزارتخانه‌های راه و ترابری و نفت موظفاند به‌منظور تسهیل دسترسی مسافران به اماکن مذهبی با انجام هماهنگی‌های لازم از محل اعتبارات عمرانی و جاری خود، نسبت به احداث مسجد و یا نمازخانه و همچنین نگهداری و مدیریت مساجد و نمازخانه‌های موجود و جدیدالاحداث، در پایانه‌های مسافری و پمپ‌بنزین‌های بین‌شهری اقدام کنند.

د - وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است کلیه وجوه پرداختی توسط اشخاص حقیقی و حقوقی در ارتباط با احداث، تعمیر و تجهیز مساجد و سایر فضاها

مذهبی را به‌عنوان هزینه قابل قبول منظور کند.

هـ - شهرداری‌ها و سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور موظفانند نسبت به اختصاص فضای مناسب در پارک‌های ملی و عمومی برحسب مورد برای ایجاد مسجد یا نمازخانه اقدام کنند.

بندهایی از ماده ۵ قانون برنامه پنجم توسعه می‌گوید:

«الف- وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها در طراحی و اجرای طرح‌های جامع تفصیلی شهری و هادی روستایی و شهرک‌های جدیدالاحداث، اراضی مناسبی را برای احداث پیش‌بینی و پس از آماده‌سازی و بدون دریافت هزینه در اختیار متقاضیان احداث مساجد قرار دهند.

تبصره- تأیید مجتمع‌های تجاری و اداری، مستلزم پیش‌بینی محل مناسبی برای نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی خواهد بود.

ب- سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور و شهرداری‌ها موظفانند نسبت به اختصاص فضای کافی و مناسب برای ایجاد مسجد یا نمازخانه در پارک‌های ملی و بوستان‌های شهری اقدام نمایند.

ج- کلیه دستگاه‌های اجرایی، مدارس، بیمارستان‌ها و مراکز درمانی، مجموعه‌های ورزشی (اعم از دولتی و غیردولتی) موظفانند نسبت به اختصاص فضای کافی و مناسب برای مسجد یا نمازخانه بر اساس دستورالعمل ابلاغی شورای عالی معماری و شهرسازی اقدام نمایند.

تا پایان برنامه پنجم (سال ۱۳۹۴) باید تعداد مساجد کشور به ۹۲ هزار مسجد در سطح کشور افزایش یابد.

آیین‌نامه ترویج و توسعه فرهنگ نماز، مصوب هیئت‌وزیران در سال ۱۳۷۵ می‌گوید:

#### « ماده ۷ بندت:

در کلیه مراکز آموزشی درمانی و بهداشتی و سایر واحدهای تابعه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی، محل مناسب و پاکیزه‌ای با گنجایش کافی برای برگزاری

نماز اختصاص یافته و برای اقامه نماز توسط بیماران نیز تسهیلات لازم فراهم شود. ماده ۸ بند ج: در طرح‌های جدید ساختمانی مهمانخانه‌ها (هتل‌ها)، مهمانسراها، مهمان‌پذیرها، مراکز ایرانگردی و جهانگردی، نمایشگاه‌ها و مراکز فرهنگی - هنری و گنجینه‌ها (موزه‌ها) فضای لازم برای مسجد یا نمازخانه به صورت شاخص پیش‌بینی شود.

ماده ۱۵ بند الف: در کلیه کارخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌ها و واحدهای تابعه وزارتخانه‌های فوق‌الذکر، محل مناسب و پاکیزه برای اقامه نماز با گنجایش کافی متناسب با تعداد کارگران و کارکنان هر واحد، تعیین و تجهیز شود. این قوانین علی‌رغم جامعیت و فراگیری که دارند، برحسب موضوع این تحقیق از نواقصی نیز برخوردارند:

۱. چون گام‌های اول و دوم یعنی راه‌اندازی مراکز تحقیق و پژوهش تخصصی در حوزه مسجد و نیز ایجاد سامانه ملی آماری در حوزه مسجد، محقق نشده‌اند، قوانین نیز کلی و اجمالی هستند و اولویتی در آن‌ها برای حمایت از موارد ضروری مشاهده نمی‌شود.

در همین راستا، هرچند به کمبودها و نواقص در برخی محیط‌ها همچون شهرک‌های تازه ساخته‌شده و جاده‌های بین‌راهی و مانند آن توجه شده است، ولی به‌هرحال بدون شاخص‌های کمی هستند و قابلیت تفسیر به رأی در آن‌ها خیلی بالا است؛ به طوری که عباراتی همچون «فضای لازم»، «محل مناسب» و مانند آن‌ها کاملاً مبهم و کلی هستند و هرکسی می‌تواند حتی با فرض بدون غرض‌ورزی، تفسیر ویژه‌ای از آن‌ها داشته باشد. چه برسد به اینکه پای منافع مادی در میان باشد و هتلدارها و مدیران بیمارستان‌ها و این قبیل مکان‌ها بخواهند با اختصاص کمترین فضا برای مسجد، از بقیه فضاها بهره‌وری مادی داشته باشند.

بنابراین لازم است نهاد مسجد، قانون‌گذار را مجاب نماید تا به صورت شاخص‌بندی شده، عوامل محیطی و نهادهای اجتماعی را ملزم به در نظر گرفتن مکان مناسب برای مسجد نماید؛ به طوری که به عنوان مثال خیلی ناقص، بگوید: مراکز درمانی که مساحتشان «الف» مترمربع است و تعداد مراجعه‌کنندگانشان «ب» نفر در روز

است، لازم است نمازخانه و مسجدی با مترائز حداقلی «ج» داشته باشند. یا اینکه: جاده‌های بین‌راهی که میزان تردد در آن‌ها «الف» مقدار است، لازم است در هر «ب» کیلومتر، مسجدی با مترائز «ج» مترمربع داشته باشند.

۲. در بحث مکان‌یابی برای مسجد به کلی‌گویی پرداخته شده است. در حالی که این موضوع، از مباحث کاملاً جدی و مهم در امر احداث مسجد است؛ خصوصاً زمانی که با موضوع قشر ویژه‌ای از مخاطبان تحت عنوان کودک و نوجوان ارتباط پیدا می‌کند. اینکه گفته شده: «مسجد باید محور محله باشد، در جایابی مسجد باید با توجه به تمرکز جمعیت محله، دسترسی آسان به بخش‌های مسکونی، خدماتی و عمومی فراهم شود و انتخاب مکان مسجد مناسب باشد و این مسئله مدنظر قرار گیرد؛ وزارت مسکن و شهرسازی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی موظف‌اند ضوابط لازم جهت توسعه و گسترش شهرها و روستاها را با منظورداشتن جایگاه محوری مسجد در هر شهر محله تعیین نموده و به همراه آیین‌نامه چگونگی جایابی، آن را با همکاری سازمان اوقاف و امور خیریه، مرکز رسیدگی به امور مساجد و وزارت کشور تهیه و پس از تأیید شورای عالی مساجد به تصویب مراجع قانونی برساند.»، صرفاً برآورده کردن حداقل‌های موردنیاز در این زمینه است و در واقع در قوانین مکان‌یابی موجود، صرفاً به این جهت پرداخته شده که محل احداث مسجد، در شأن آن باشد و در جای پرت و طبقه زیرزمین و گوشه بیمارستان و مانند آن نباشد! زیرا اغلب چنین رفتار سخیفی با سجده‌گاه عزیز خداوند می‌شود و لذا هدف قانون این بوده که اولاً شأن مکانی مسجد لحاظ شود و ثانیاً پاکیزه و تمیز بودن آن مدنظر باشد که آن هم به دلیل بی‌مهری‌های فراوان به مکان نماز و چندمنظوره نمودن آن برای خواب و انباری و سیگار کشیدن و مانند این‌ها، در نهادهای مختلف است.

بر این اساس در آیین‌نامه ترویج و توسعه فرهنگ نماز (مصوب هیئت وزیران، ۱۳۷۵) آمده است:

«ماده ۴ بند ب: محل مناسب و آراسته‌ای که گنجایش آن متناسب با تعداد کارکنان

۱. برزو فرهی بوزنجانی، چگونگی ساماندهی دستگاه‌های متولی نماز و مسجد، ص ۱۰۲.

و مراجعه کنندگان باشد به عنوان نمازخانه پیش بینی شود.

ماده ۷ بند ت: در کلیه مراکز آموزشی درمانی و بهداشتی و سایر واحدهای تابعه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی محل مناسب و پاکیزه‌ای با گنجایش کافی برای برگزاری نماز اختصاص یافته و برای اقامه نماز توسط بیماران نیز تسهیلات لازم فراهم شود».

بنابراین به اصل بحث مکان‌یابی مسجد که با در نظر گرفتن ساخت شهری، مؤلفه‌های جمعیتی و فرهنگی باید باشد، به هیچ وجه توجه نشده است و شاخصی برای آن‌ها بیان نگردیده است. هر چند در یکی دو مورد از قوانین اجمالاً به محله محور بودن مسجد اشاره شده است؛ چنانکه در مصوبه ضوابط و مقررات مکان‌یابی مساجد در طرح‌های توسعه شهری آمده است:

«در راستای تحقق وظایف محوله بر اساس بندهای الف و ب از ماده ۱۰۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و بنا به پیشنهاد معاونت شهرسازی و معماری وزارت مسکن و شهرسازی، شورای عالی شهرسازی و معماری در جلسه مورخ ۸۷/۵/۷ ضوابط و مقررات مکان‌یابی مساجد در طرح‌های توسعه شهری را به شرح زیر تصویب نمود:

مکان‌یابی مساجد در بخش‌های توسعه شهری: با توجه به اینکه توسعه شهری دارای ساختار محله، کلان محله (ناحیه شهری) و شهری می‌باشند، دستگاه تهیه‌کننده طرح‌های توسعه شهری مکلف است در ساختار هر یک از مراکز محلات یک مسجد محله‌ای در کنار سایر کاربری‌ها و خدمات محله‌ای پیش‌بینی شده، مکان‌یابی و منظور نمایند. بدیهی است در چنین ساختاری، مرکز محله ارتباط مستقیم با ساختار کلان محله (ناحیه شهری) خواهد داشت. برای مراکز کلان محله‌ها (ناحیه‌های شهری) و مراکز مناطق نیز دستگاه تهیه‌کننده طرح‌های توسعه شهری مکلف به پیش‌بینی مکان احداث مساجد کلان محله‌ای (ناحیه شهری) و یا متناسب با ساختار سلسله مراتبی شهری خواهند بود.»<sup>۱</sup>

علت این امر یعنی عدم توجه به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مکان‌یابی مسجد کاملاً

۱. همان، ص ۱۰۲.

مشخص است؛ زیرا راهکار اول عملی نشده و هنوز به صورت علمی، مؤلفه‌ها و شاخص‌های مکان مناسب برای مسجد در سرزمین ایران و برای شهرها و روستاهای مختلف تدوین و استخراج نشده‌اند. در حال حاضر هیچ تعریفی از رابطه مطلوب و مناسب مکانی بین نهاد مسجد و مدرسه وجود ندارد و پژوهشی که بگوید مهدکودک‌ها و مدارس و مساجد به لحاظ جایابی، چه الزاماتی را باید مدنظر قرار دهند و بر اساس چه شاخص‌هایی تأسیس گردند، به چشم نمی‌خورد و این‌ها در واقع خلأهای قانونی اصلی در حوزه مکان‌یابی برای مسجد هستند.

نکته آخر در این راهکار اینکه رویکرد قوانین موجود چه در حوزه ساخت و چه در حوزه مکان‌یابی منفعلانه است و صرفاً نظر به رفع آسیب‌ها و نواقص در این حوزه دارند؛ به طوری که با اندکی تعمق در قوانین موجود این برداشت حاصل می‌شود که اکثریت نزدیک به تمام قوانین برای شهرک‌های تازه تأسیس، مراکز درمانی، جاده‌های بین‌راهی و مانند آن است که موضوع نماز و مسجد را مورد کم‌لطفی قرار داده‌اند و فلسفه وضع این قوانین، ملزم ساختن آن‌ها و مسئولینشان به در نظر گرفتن مکانی مناسب برای نماز خواندن است؛ و سخنی از محیط عام جامعه و مساجدی که در این‌ها هستند و فعالیت می‌کنندبه میان نیامده است.

این بحث زمانی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که مشخص شود تعداد زیادی از مساجد موجود از وضعیت استحکام و مکان‌یابی مناسبی برخوردار نیستند؛ خصوصاً با تحولات جمعیتی و مهاجرت‌های صورت گرفته و نیز تغییر سبک زندگی به آپارتمان‌نشینی تجمعی. لذا لازم است قانون‌گذاران نگاهی نیز به ارتقای مساجد موجود از منظر ساختی و مکان‌یابی داشته باشند. به عنوان حسن ختام این بحث، آماري که در خصوص عمر مساجد کشور البته در سال ۱۳۷۵ منتشر شده در اینجا ارائه می‌شود تا از قدیمی بودن بخش عمده‌ای از بناهای مساجد کشور پرده‌برداری شود.



## جدول طبقه‌بندی عمر مساجد کشور

طبقه‌بندی سنی مساجد	کمتر از ۱۰ سال	۱۰-۲۰ سال	۲۰-۳۰ سال	۳۰-۴۰ سال	۴۰-۵۰ سال	۵۰-۱۰۰ سال	بیشتر از ۱۰۰ سال	اظهاری نشده
تعداد ۵۷۶۳۵	۶۷۹۸	۱۱۴۶۹	۷۰۸۱	۴۷۰۰	۲۸۲۹	۷۱۴۱	۸۸۰۶	۸۸۰۵
درصد ٪۱۰۰	۱۱/۸	۱۹/۹	۱۲/۳	۸/۱	۴/۹	۱۲/۴	۱۵/۳	۱۵/۳

بر اساس داده‌های جدول فوق بیشترین تعداد مسجد در طی سال‌های ۵۵-۶۵ ساخته شده است و این دهه نسبت به دهه قبل خود ۴۵-۵۵ و دهه بعد خود ۶۵-۷۵ از تفوق و برتری چشمگیری برخوردار است. همچنین آمار نشان می‌دهد جمعیت کشور در سال ۷۵ نسبت به سال ۶۵ حدود ۲۱٪ افزایش یافته است؛ اما تعداد مساجد ساخته شده در این دوره نسبت به دوره قبلی ۴۰٪ کاهش نشان می‌دهد و در مجموع روند مسجده سازی نسبت به روند تغییرات جمعیتی ۶۱٪ کاهش داشته است. لذا بر عهده صاحب نظران است که دلایل چنین تحولی را بررسی کنند. چرا روند ۱۵٪+ در دوره ۵۵-۶۵ به ۶۱٪- در دوره ۶۵-۷۵ تبدیل شده است.<sup>۱</sup>

۳. در حال حاضر همه انواع مساجد به طور یکسان مورد حمایت قانونی قرار گرفته است و حال آنکه مساجد برحسب جایگاه‌های مختلف، نیازهای سخت‌افزاری متفاوت دارند و در نتیجه به حمایت‌های قانونی کمتر و بیشتر نیازمندند. ضمن آنکه با توجه به موضوع این تحقیق، امکانات مسجد مطلوب برای کودکان و نوجوانان متفاوت با مسجد در شکل عام آن است که در این قوانین به حمایت‌های قانونی لازم برای مرتفع ساختن این نیازها در مساجد، توجهی نشده است.

یکی از محققان با توجه دادن به نقش مهم موقعیت جغرافیایی محل احداث مسجد می‌گوید: حضور مسجد در محل‌هایی که شاهراه مواصلاتی روستا یا شهر بوده و دسترسی به آن سهل الوصول باشد، زمینه‌ساز افزایش مخاطبان به مساجد خواهد

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۸-۱۹.

شد. یکی از سنت‌های کهن ایرانیان احداث مساجد در مرکز روستاها و شهرها بوده است؛ به طوری که مسجد را محور قرار می‌دادند و بقیه مراکز خدماتی روستا یا شهر، نهایتاً به آن ختم می‌شدند. حتی در مواقع زیادی مشاهده شده است که محل اتصال راه‌های ارتباطی و نقطه اتصال سایر راه‌ها در حیاط مسجد شکل می‌گرفت و اهالی مجبور بودند، خواسته یا ناخواسته، حداقل روزی یک یا چند بار به حیاط مسجد ورود داشته باشند که این امر، زمینه‌ساز انس و خو گرفتن آن‌ها با فضای معنوی مسجد بوده است. متولیان و بانیان ساخت مساجد، صرفاً نباید به دنبال مکان‌های بلااستفاده، یا رایگان باشند. از نکات مثبت دیگر، شکل‌گیری محل‌های برقراری ارتباط و دوستی گروه‌های همسالان، در این میدان‌ها و نقاط بااهمیت روستایی و شهری است که به خاطر نزدیکی این محل‌ها با مسجد، ناخواسته پیوند تنگاتنگی با آن، در طی زمان شکل می‌گیرد.<sup>۱</sup>

همچنین باید در نظر داشت که برخی کشورهای اسلامی مانند عربستان، ترکیه، مالزی و اندونزی قدم‌های خوب و مناسبی را در موضوع مسجد و آنچه مدنظر این تحقیق است برداشته‌اند و خصوصاً در حوزه تقنینی، پیشرفت‌هایی را داشته‌اند که لازم است از تجربیات موفق این کشورها به صورت بهینه استفاده گردد.

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۴۷-۱۴۸.

گام بعدی پس از رفع نیازهای قانونی، توجه به نیازهای مالی برای ساخت و ساز و یا حیثاً حمایت در جهت تجهیز و تعمیر مساجد است تا مساجد مطلوب، در دسترس مردم و برحسب این تحقیق در دسترس کودکان و نوجوانان قرار گیرد. برای این کار نیز در طول این سال‌ها، قوانین و دستورالعمل‌های متعددی وضع شده است که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۴- ۱. قانون برنامه سوم توسعه که در آن آمده است:

«ماده ۱۶۳: با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساخت و ساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی، دستگاه‌های اجرایی موضوع این ماده موظف‌اند طی سال‌های اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

تبصره: دولت موظف است در مناطق روستایی در صورت پنجاه درصد (۵۰٪) خودیاری مردم برای احداث مسجد پنجاه درصد (۵۰٪) باقیمانده را تأمین نماید.»  
**الف.** برحسب مصوبه شماره ۱۳۴۰۲۰/ت/۴۱۰۶۵ هـ ۱۳۸۷/۸/۵ هیئت وزیران در خصوص کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، مصلاها و مدارس علمیه، وزارت امور اقتصادی و دارایی و وزارت صنایع و معادن، در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۳ بنا به پیشنهاد وزارت امور اقتصادی و دارایی و به استناد ماده (۱۴۷) قانون مالیات‌های مستقیم - مصوب ۱۳۶۶ - آمده است:

کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی برای احداث مساجد، مصلاها و مدارس علمیه به‌عنوان هزینه‌های قابل قبول مالیاتی تلقی می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور - پرویز داودی

**ب.** شماره ۴۴۷۲۱/ت/۴۱۹۹۹ هـ ۱۳۸۸/۲/۳۱ تصویب‌نامه در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ بنا به پیشنهاد شماره ۶۳۵۶۳ - ۱۱/س مورخ ۱۳۸۷/۱۰/۴ سازمان اوقاف و امور خیریه و به استناد اصل یک‌صد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود:

در راستای تحقق روند اجرایی ماده ۱۰۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، - مصوب ۱۳۸۳ - سازمان اوقاف و امور خیریه به عنوان متولی و مسئول پیگیری امور مربوط به ساماندهی ساخت و ساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای اسلامی شهری و روستایی تعیین می‌شود. معاون اول رئیس‌جمهور - پرویز داودی

**ج.** مصوبه ۱۳۹۴/۱/۱۶ مجلس شورای اسلامی در خصوص وظایف هیئت امنای مساجد می‌گوید: جلب کمک‌ها و مشارکت افراد حقیقی و حقوقی به منظور انجام فعالیت‌ها، تجهیز مسجد به فناوری‌های جدید، متناسب با شئون مسجد. حقیقت آن است که نه قوانین حمایت‌کننده در بخش مالی و نه کمک‌های مالی عینی صورت گرفته، در حد و اندازه نیازهای مالی در حوزه مسجد و مسجdsازی نیست و فاصله زیادی بین آن دو وجود دارد.

به گفته یکی از کارشناسان در دهه هشتاد، مجموع اعتباری را که نهادهای مسئول جهت مساجد جذب و هزینه می‌کردند، در مقام مقایسه، با ساخت یک فرهنگسرا، یک بیمارستان کوچک، یک مجتمع آموزشی، یک پل کوچک و مانند آن برابری نمی‌کرد و اگر سخاوت مردم متدین نبود امروزه از مساجد جز مشتی سنگ و آجر باقی نمی‌ماند. حالا وضعیت بد اقتصادی مردم در سال‌های اخیر و عدم توجه وزارتخانه‌ها و سازمان‌ها به مساجد وضعیت نگران‌کننده‌ای را به وجود آورده است که در صورت عدم رسیدگی جدی، به زودی شاهد مساجدی خراب خواهیم بود. در برنامه اول و دوم توسعه که بخش‌های صنعت و کشاورزی، مسکن و آموزش و پرورش و بخش فرهنگ غیردینی از اعتبارات خوبی برخوردار شدند و با شتاب بی‌سابقه‌ای رشد و گسترش پیدا کردند و این مساجد بودند که نه سخنی از آن‌ها به میان آمد و نه از اعتباری برخوردار شدند. ده سال دولت، در همه زمینه‌ها سرمایه‌گذاری کرد و مساجد کشور ده سال و بلکه ده‌ها سال متوقف و ساکت ماندند. در این خصوص، یک فکر صحیح که هم در کلمات امام راحل و هم در بیانات رهبر معظم انقلاب به چشم می‌خورد وجود دارد که «مساجد مانند روحانیت نباید دولتی باشند» باعث سوءبرداشت بسیاری از افراد به‌ویژه سازمان برنامه و بودجه، دولت، وزرا و استانداران

شده است؛ زیرا با تمسک به این کلام از کمک کردن و رسیدگی به مساجد طفره می‌روند. لذا وضع به جایی رسیده است که کشورهای همسایه حتی کشور لائیک ترکیه از مساجد آبادتر، تمیزتر، پررونق‌تر برخوردار باشند. در چنین شرایطی، بانک‌ها حاضرند به سالن‌های سینما، ورزشگاه‌ها، تعاونی‌های مسکن یارانه و وام بدهند و از کمک به مساجد معذورند.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد اگر دولت‌های جمهوری اسلامی به فکر تربیت اسلامی نسل کودک و نوجوان و ارتباط اخلاقی و عاطفی آن‌ها با نهاد مسجد هستند، باید قدم‌های بزرگ‌تر را در حمایت‌های مادی و معنوی از مساجد بردارند و در ساماندهی به مساجدی که امکانات جاذبه‌آفرین برای نسل کودک و نوجوان دارد و ارتباط وثیق با آن‌ها برقرار می‌نماید کوشا و فعال و پیگیر باشند و گرنه با صرف وضع قوانینی چند، آن هم ناقص و بدون پشتوانه مالی، کار به جایی نخواهد رسید.

۱. همان، ص ۱۹۰-۱۹۲.

## ۵. ایجاد امکانات سخت‌افزاری لازم

مسجدی که جذب کودک و نوجوان و تقویت ارتباط با وی را به‌عنوان بخشی از رسالت و هدف فعالیت‌های خویش قرار داده است، طبیعتاً باید امکانات سخت‌افزاری موردنیاز این ارتباط را هم فراهم نماید. در این خصوص برخی پیشنهادها ارائه شده که از باب نمونه بیان می‌شوند:

### ۵-۱. اختصاص فضایی مخصوص کودکان:

بهترین روش برای ارضای غرایز کودکان بازی و تفریح است و نباید او را از بازی منع کرد؛ پس چه پسندیده است که ما از این روش در جهت مسجدی کردن کودکان بهره ببریم و آنان را بدین واسطه به سمت عادات معنوی سوق دهیم. مهم‌ترین امر در این خصوص قرار دادن فضایی مختص به کودکان است که در اوقات مختلف کودکان در آنجا به بازی و سرگرمی می‌پردازند. مکانی که در هنگام اقامه نماز پذیرای کودکان مثلاً زیر ۵ سال بوده و در آن مربیانی که خود خادم افتخاری مسجد هستند، به خدمت‌رسانی و آموزش و سرگرم کردن کودکان می‌پردازند. فضایی که در غیر اوقات نماز پذیرای کودکان دیگر هم می‌تواند باشد و در آنجا می‌توان کلاس‌های مختلف آموزشی و تربیتی را برای کودکان به اجرا گذاشت. لذا شاید بتوان گفت که امروزه برای جلب و جذب کودکان و نوجوانان به مساجد از باب وجوب مقدمه واجب، باید ساخت مهد کودک، فضای سبز و مجتمع‌های ورزشی، تفریحی از سوی متولیان مساجد پیش‌بینی شود و با توجه به فراگیر بودن امور فوق در زندگی روزمره کودکان و جوانان باید مساجد را توسعه داد و متحول کرد.

ما امروز در دنیایی زندگی می‌کنیم که در بافت شهری آن، دیگر از خانه باغ‌ها به‌ویژه در طبقات پایین و متوسط جامعه - که طیف مسجدی را هم تشکیل می‌دهند - خبری نیست. کودک و جوان در محاصره آپارتمانی دور از تفریحات لازم محدود شده است. لذا شوق بازی در فضای سبز زیبا و دلپذیر و «گلگشت در کنار آب‌نماهای مسجد» می‌تواند با بلند شدن نغمه دلکش اذان از مأذنه مساجد،

جذبه و اشتیاق آنان را نسبت به مسجدروی شعله‌ور کند. حتی چنین روشی، می‌تواند پدران و مادران را به‌سوی مسجد بکشانند که این خود از زمینه‌های «توفیق اجباری» است و از راه‌های تحکیم پیوند خانه و مسجد به شمار می‌رود.<sup>۱</sup>

#### ۵-۲. تشکیل و تقویت کتابخانه‌های مناسب و مفید برای مساجد

که حاوی کتاب‌های متنوعی باشند، یکی دیگر از روش‌های جذب [کودکان و] نوجوانان به مسجد است. برای استفاده بیشتر از امکانات کتابخانه، می‌توان به برگزاری مسابقات کتاب‌خوانی و قصه‌نویسی و خلاصه‌نویسی کتاب اقدام کرد.<sup>۲</sup> البته لازم است کتابخانه همراه با تحولات زمانه تغییر یابند و در زمان حال یعنی سال ۱۳۹۴، علاوه بر کتاب، از نرم‌افزارهای حاوی کتاب، بازی‌های رایانه‌ای مطلوب، فیلم‌های کارتونی و غیرکارتونی مناسب، در جلب کودکان و نوجوانان استفاده نمایند.

۱. ر.ک: حسن رهبری، کودک و مسجد، بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ ش.

۲. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۵۶-۱۵۷.

## بخش دوم: امام جماعت

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

امام جماعت یا روحانی مسجد مهم‌ترین نقش را هم در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد و هم در جذب نوجوانان به مسجد دارد و در واقع در موضوع تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، هر چند وجود مسجد در دسترس، تقدم رتبه‌ای بر سایر عناصر و عوامل دارد، لیکن به لحاظ میزان تأثیر، عنصر و عامل امام جماعت، تقدم ارزشی و ماهوی بر سایر عناصر دارد و هیچ‌کدام از عناصر و عوامل دیگر مانند امام جماعت نمی‌توانند در به وجود آوردن ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و خصوصاً در تقویت آن تأثیرگذار باشند.

بر این اساس گفتنی است امام جماعت می‌تواند هم در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان با این کانون معنویت و هم در جذب آن‌ها به مسجد نقش ایفا کند؛ بدین صورت که عملکرد و رفتار مناسب امام جماعت با مأمومین که طبیعتاً بخشی از آن‌ها را والدین کودکان و نوجوانان تشکیل می‌دهند، سبب خواهد شد تا آن‌ها حضور پررنگی در مسجد داشته باشند که این وضعیت ناخودآگاه به حضور تبعی



کودکان و نوجوانان نیز منجر خواهد شد و این موضوع در مورد سایر عوامل و عناصر مسجد نیز مطرح است که عملکرد صحیح و رفتار مناسب آن‌ها با نمازگزاران و بزرگسالان و جذب آن‌ها به مسجد، به شکل غیرمستقیم، سبب تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد خواهد شد؛ زیرا کودکان و نوجوانان، خصوصاً در محیط‌های شهری، عمدتاً به شکل مستقیم و خودخواسته در مساجد حضور نمی‌یابند، بلکه حضورشان تبعی و باواسطه بزرگان و عمدتاً پدر و مادر است؛ بنابراین بدون اینکه بخواهیم این مطلب را در جاهای مختلف تحقیق تکرار نماییم در اینجا و به‌عنوان یک اصل تأثیرگذار بیان می‌کنیم که بحث اصل ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان تا حد زیادی تابع ارتباط والدین با مسجد است و هر آنچه از فرهنگ و سبک زندگی و اقتصاد و سیاست، بر حضور خود والدین در مسجد، تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد، همان نحو از تأثیر، به ارتباط فرزندان - کودکان و نوجوانان - با مسجد نیز منتقل می‌شود.

نقش اثرگذار دیگر امام جماعت، از حیث رفتاری با خود کودکان و نوجوانان حاضر در مسجد است که می‌تواند در جذب و دفع آن‌ها و چه‌بسا برحسب جایگاهی که روحانیت دارد و نماد دین و دین‌داری به شمار می‌رود، در تصویرآفرینی مثبت و یا احیاناً منفی نسبت به اصل دین و دین‌داری تأثیرگذار باشد. بر این اساس انتظار می‌رود که به‌موازات فراهم نمودن مسجد در تمام نقاط کشور برای نمازگزاران، امامان جماعت مطلوب و مناسبی را نیز برای مساجد در نظر بگیرند. امامانی که ویژگی‌ها و شرایط لازم برای جذب کودکان و نوجوانان را هم داشته باشند.

در این قسمت لازم است به‌اختصار، قبل از بررسی وضعیت عملکرد و رفتار امامان جماعت در خصوص ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد و جذب آن‌ها، وظایف عام قانونی و رفتاری مورد انتظار از امام جماعت در خصوص کودکان و نوجوانان گفته شود تا با نیل به چارچوب اجمالی از آنچه امام جماعت باید باشد، به بررسی بهتر وضع موجود و راهکارها پرداخته شود.

بر این اساس گفتنی است برحسب تحقیقی که در این زمینه صورت گرفته و در آن از وظایف امام جماعت از نهادهای مسئول (سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز رسیدگی

به امور مساجد، سازمان بسیج مستضعفین، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد و سازمان اوقاف و امور خیریه) سؤال شده است این نتیجه حاصل گردید که وظایف امام جماعت عبارت‌اند از:

- ۱- اقامه منظم و به موقع نماز جماعت.
- ۲- تبیین احکام، اخلاق، اعتقادات و معارف قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام) و پاسخگویی به سؤالات و مسائل شرعی نمازگزاران و مراجعان.
- ۳- حضور فعال و هدایت هوشمندانه در فعالیت‌های عبادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مسجد.
- ۴- ایراد سخنرانی، وعظ و خطابه در مناسبت‌های مختلف برای مخاطبان مسجد.
- ۵- برگزاری جلسات با شورای هماهنگی و سایر دست‌اندرکاران مسجد به صورت منظم، هفتگی و در صورت نیاز به صورت فوق العاده.
- ۶- اداره جلسات هیئت‌امنا و پیگیری اجرای مصوبات آن.
- ۷- نظارت بر حسن اجرای کلیه برنامه‌ها و سایر امور مسجد<sup>۱</sup> همچنین در بیان ویژگی‌های امام جماعت گفته شده است:  
امام جماعت محور فعالیت‌های عبادی و فرهنگی در مسجد است و مدیریت فعالیت‌های تمام عناصر، عوامل و بخش‌های موجود و دست‌اندرکار مسجد را بر عهده دارد؛ لذا برای ادامه این نقش مهم لازم است از خصایلی مثل علم، تقوا، حسن خلق، سعه صدر، عدم حرص به مواهب دنیوی و نیز از توانمندی‌ها و ویژگی‌های اعتقادی، فکری، علمی و ارتباطی و مردم‌داری متناسب با شرایط و مقتضیات محل برخوردار باشد. می‌توان ویژگی‌های مختلف امام جماعت مورد نظر را در نکات زیر ذکر کرد:

۱. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۸-۱۳۹.

## الف: علمی

- ۱- با معارف قرآن کریم و علوم مختلف آن به ویژه تفسیر آشنایی نسبی داشته باشد.
  - ۲- باروایات و سخنان ائمه معصومین (علیهم السلام) آشنایی نسبی داشته باشد.
  - ۳- با علم کلام و شبهات جدید کلامی و در پاسخ به شبهات تسلط و توانایی نسبی داشته باشد.
  - ۴- در تبیین مسائل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - اجتماعی از تسلط لازم برخوردار باشد.
  - ۵- حتی المقدور بر حسب مقتضیات محل، آشنایی با زبان و ادبیات معاصر و فن بیان داشته باشد.
  - ۶- در تبیین مسائل شرعی و پاسخگویی به سؤالات فقهی مراجعان بر اساس رساله‌های علمیه مراجع عظام تقلید از توانایی لازم بهره‌مند باشد.
- با اصول مدیریت، مشاوره، روش‌های تعلیم و تربیت و روانشناسی اجتماعی آشنایی نسبی داشته باشد.

## ب: ظاهری

- ۱- آراستگی ظاهری
- ۲- آراستگی در پوشش
- ۳- داشتن زی‌طلبگی

## ج: گفتار

- ۱- از بیان هر گونه کلمات و گفتار ناپسند که دور از شأن امامت جماعت است خودداری نماید.
- ۲- در بر خوردها، سن، موقعیت، معلومات و شئون مخاطب را رعایت نماید.
- ۳- در بیان مطالب از کلمات و عبارات غامض و نامتعارف و هر گونه اطاله کلام خودداری نماید.
- ۴- دارای روحیه جذاب باشد و مردم را به دین و نظام دینی و آینده امیدوار نماید.

#### د: در برخورد

- ۱- چهره‌های باز و گشاده داشته باشد و خوش برخورد باشد.
- ۲- مردم‌دار، آسان‌گیر و دارای حسن معاشرت، صمیمیت و برخورد پدرانانه باشد.
- ۳- دارای تحمل، سعه‌صدر، تواضع، فروتنی و حسن ظن باشد.
- ۴- شخصیت افراد را حفظ و به همگان احترام بگذارد.

#### ه: رفتار

- ۱- وفای به عهد و قول داشته باشد.
- ۲- منظم و وقت‌شناس باشد.
- ۳- دارای وقار و متانت باشد.<sup>۱</sup>

۱. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۷-۱۳۸.

مطالبی که در خصوص ویژگی‌های امام جماعت گفته شد عمومیت داشت و وظایف و ویژگی‌هایی بود که او در قبال همه نمازگزاران بر عهده دارد؛ لیکن یکسری خصایص اختصاصی وجود دارد که امام جماعت از آن حیث که باید بین کودکان و نوجوانان با مسجد ارتباط برقرار کند و آن‌ها را جذب این کانون معنویت نماید، لازم است این ویژگی‌ها را داشته باشد. بر این اساس گفته شده است:

۱. امام جماعت باید با کودکان و نوجوانان برخوردی محبت‌آمیز و دوستانه داشته باشد. برخورد‌های عاطفی در ایجاد ارتباط با کودکان و نوجوانان و آگاهی از نظریات آن‌ها بسیار مؤثر است؛ این‌گونه ارتباط، زمینه مساعدی را جهت جلب و تأثیر بر آنان به وجود می‌آورد.

اگر امام جماعت چند دقیقه‌ای مانده به اذان در مسجد حضور داشته باشد و گفت‌وگویی دوستانه، خیرخواهانه، پدرا نه با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، در جذب آن‌ها و یا تداوم حضور آن‌ها بسیار مؤثر است.

گاهی لبخند روحانی به یک جوان، گاهی یک گفت‌وگوی دوستانه، گاهی یک دست به شانه نوجوان زدن، یکی دو قدم با او هم‌قدم شدن و صحبت‌های نوجوان را شنیدن، مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد.

اگر امام جماعت مسجد حلقه‌هایی از گروه‌های مختلف علمی و مذهبی را تشکیل دهد و ارتباط چهره به چهره را با کودکان، نوجوانان و جوانان داشته باشد، بسیار در جذب آن‌ها مؤثر است.

۲. امام جماعت می‌بایست به رفتار، ارزش‌ها، گفتار و نظریات کودکان، نوجوانان و جوانان احترام بگذارد. این کار در جلب و جذب آنان به مسجد بسیار مؤثر است. وقتی کودک و نوجوان احساس کند، طرف مقابل درصدد این نیست که نظریات خودش را به او تحمیل کند و به نظریات او احترام می‌گذارد، احساس شخصیت می‌کند و از اینکه با چنین فردی آشنا شده، خوشحال می‌گردد. احترام امام جماعت به کودکان، نوجوانان و جوانان به معنای پذیرفتن تام و تمام نظریات آن‌ها بدون دلیل نیست؛ بلکه به معنای شنیدن نظرها و مدارا با افراد و تعیین راهی

حساب شده و مدبرانه جهت هدایت آنهاست. ستایش خواهی و جلب توجه، دو نوع از خواسته‌های این گروه‌های سنی در عرصه ذهن و عاطفه است؛ بنابراین بها دادن به آنان، عامل مهمی در راستای تأمین خواسته و جلب توجه آنها به مسجد است.

۳. امام جماعت باید برای هر سلیقه و جمعیتی برنامه مناسب داشته باشد. مساجد باید برای کودکان، بزرگسالان، دانشجویان و جوانان، برنامه خاصی داشته باشند. برای آنها که اهل دعا هستند برنامه دعا، برای آنها که اهل کتاب و مطالعه هستند، کتابخانه و سالن مطالعه و برای کودکان و نوجوانان آنچه مناسب سلیقه آنان است، برنامه‌ریزی شود. امام جماعت می‌بایست بعد از مخاطب‌شناسی دقیق و آگاهی از نیازها و سلیقه آنان، جلساتی را ویژه آنها تشکیل دهد و مفاهیمی از دین اسلام را برایشان بیان کند که با سلیقه، روحیات و نیازهای آنان متناسب باشد.<sup>۱</sup>

#### « ب: وضع موجود

لازم است به منظور رفع مشکلات و یا ارتقای نقاط قوت، تصویری دقیق و واقع‌بینانه از وضعیت آماری و عملکردی امامان جماعت در مساجد داشت؛ بر این اساس و در این مجال به بررسی وضع موجود امامان جماعت در مساجد از حیث برقرار ساختن ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد پرداخته می‌شود:

#### ۱. وضعیت آماری

متأسفانه به دلیل فقدان نظام آماری این بخش نیز با کمبود شدید داده‌ها مواجه است و آمارهای جدید بسیار کلی و موردی هستند چنانکه اشاره خواهد شد- لذا چاره‌ای جز بهره‌گیری از داده‌های پیمایش‌های ملی در سال‌های قبل در کنار آمارهای موردی فعلی نیست. بر این اساس گفتنی است برحسب پیمایش سال ۱۳۷۵ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آمار کلی ائمه جماعات ۳۰۷۴۱ نفر تعیین شده است که این عدد نشانگر آن است که در کل کشور نزدیک به نیمی از

۱. عسکری، اسلامپور و کریمی؛ بایسته‌های رفتار امام جماعت در مواجهه با کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵.

مساجد کشور فاقد امام جماعت، حتی امام جماعت موقت هستند. ائمه جماعات ثابت مساجد در این سرشماری ۱۸۷۷۳ نفر و تعداد ائمه جماعات موقت جمعاً ۱۱۹۶۸ است. با این ارقام می‌توان نتیجه گرفت حدود یک‌سوم ائمه جماعات موقت هستند و یا نایب دیگر افراد می‌باشند که بر این اساس به نسبت تعداد مساجد تنها ۳۲٪ از مساجد کشور دارای امام جماعت ثابت است.<sup>۱</sup>

همچنین رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران در خصوص ائمه جماعات استان تهران - به‌عنوان پرجمعیت‌ترین شهر کشور - در اسفند سال ۱۳۹۳ اظهار داشته است: شهر تهران در پوشش امام جماعت و برگزاری نماز جماعت جزو شهرهای ممتاز کشور است و در تهران پوشش نماز جماعت، پوشش تقریباً کاملی است و ۶۶ درصد مساجد در استان تهران امام جماعت دارند. ۱۴ درصد مساجد تهران که غالباً مساجدی بسیار کوچک هستند و امکان شکل‌گیری جماعت در آن نیست، فاقد امام جماعت هستند. در شهرستان‌های استان تهران ۴۱ درصد کمبود امام جماعت داریم؛ به این معنی که از ۱۲۵۷ مسجد ۵۲۵ مسجد امام جماعت دارد؛ اما در کل کشور در خوش‌بینانه‌ترین وضعیت ۳۵ درصد مساجد امام جماعت دارند.<sup>۲</sup>

با در کنار هم نهادن آمارهای سال ۷۵ و نیز اظهارات اخیر مسئول مربوطه این نتیجه حاصل می‌شود که مساجد کشور در مورد یکی از اولی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای خود که داشتن امام جماعت به‌عنوان ستون خیمه مسجد است، مشکل اساسی دارند و حدود نیمی از آن‌ها فاقد امام جماعت‌اند! حالا اینکه مساجدی که امام جماعت دارند نماز جماعتشان ادواری است یا دائمی؟ یک وعده برگزار می‌شود یا بیشتر؟ و امام جماعتشان فعال هست یا نه؟ خود سؤالات مهم دیگری هستند که با مشخص شدن جواب آن‌ها، بی‌گمان بخش دیگری از نواقص و ضعف‌ها در این خصوص مبرهن خواهد شد.

گفتنی است در این بخش، هیچ‌گونه آماری از وضعیت امامان جماعتی که در

۱. محمدرضا حشمتی، همان، ص ۱۹۸.  
۲. اظهارات محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، همان.

خصوص جذب و تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد توانایی‌های لازم را داشته باشند وجود ندارد.



## ۲. وضعیت محتوایی و عملکردی امامان جماعت

از اینکه عملکرد امامان جماعت چقدر برای عموم مردم و یا کودکان و نوجوانان مفید است و چه میزان از امامان جماعت قابلیت‌های لازم را در این خصوص دارا هستند؟ آماری وجود ندارد و ظاهراً کاری در این حوزه صورت نگرفته است؛ لیکن پروسه و فرایندی که خروجی آن، منصوب شدن امام جماعت برای مسجد است تا حدودی قابلیت ارزیابی را دارد که از باب «تمسک به اصل با فقد اماره» مراحل مختلف این فرایند وضعیت‌سنجی می‌شود:

### ۲-۱. وضعیت آموزش‌های امامان جماعت:

در حال حاضر، نمازگزاران، هیئت‌امنا و یا بانی مسجد، واقف، خیر یا اهالی محل، روحانی شناخته‌شده و یا مشخصی را برای مسئولیت امامت جماعت جهت سیر مراحل اداری به اداره اوقاف و امور خیریه محل پیشنهاد می‌نمایند. اداره مزبور، با توجه به شرایط فرهنگی و اجتماعی محل از طریق مراجع ذی‌صلاح، صلاحیت‌ها و توانایی‌های وی را برابر بند ۱ فصل پنجم بررسی و منطبق‌سازی نموده و پس از طی مراحل اداری با تأیید امام‌جمعه محل حکم وی توسط اداره کل اوقاف و امور خیریه استان صادر می‌شود.<sup>۱</sup> حالا این شخص چقدر برای قرار گرفتن در منصب امام جماعت آموزش‌دیده باشد و مناسب باشد، مشخص نیست. به دلیل آنکه نهادی و سازمان مشخصی برای این کار و ارائه آموزش‌های لازم وجود ندارد. نهادی و سازمانی که به صورت مستقل و یا بخشی از حوزه‌های علمیه وظیفه تربیت افرادی را برای امام جماعت شدن تولید نماید و آموزش‌های لازم را بدان‌ها در کمترین فرصت (نه مطول) ارائه نماید.

جالب است در این خصوص به این آمار توجه شود که در بین استان‌ها، استان‌های سیستان و بلوچستان با ۸۳٪ و آذربایجان غربی با ۸۲٪ بیشترین درصد امام جماعت را نسبت به مساجد موجود دارند و کمترین درصد ائمه جماعات به استان‌های کرمان با ۱۴٪، ایلام ۱۷٪ و مرکزی ۱۸٪ اختصاص یافته است. این آمار نشان

۱. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۸-۱۳۹.

می‌دهد که حوزه‌های شهرهای اهل سنت در ایران خود به اندازه حوزه‌های بزرگی نظیر یزد و شیراز و تبریز، امام جماعت تربیت می‌کنند. برای نمونه تنها از حوزه «گشت سراوان» در نزدیکی پاکستان که از حوزه‌های پررونق منطقه بلوچستان است ۳۴۷ امام جماعت فارغ‌التحصیل شده‌اند. حوزه‌های علمیه در شهرهای ری، کرمان، نجف‌آباد، نیشابور، اراک، بروجرد، اهواز و قزوین از جهت تربیت ائمه جماعات بعد از شهرهای سردشت، مهاباد، بانه، سقز، سنندج، پیرانشهر و گنبد قرار دارند. حوزه‌هایی که روزگاری رونق فراوانی داشته و نیاز اولیه مردم را پاسخگو بودند.<sup>۱</sup> همچنین در سرشماری سال ۷۵ از محل تحصیل و تربیت ائمه جماعات سؤال شده بود. بر این اساس درصد فارغ‌التحصیلی ائمه جماعات از شهرهای مختلف داخل و خارج کشور به‌قرار زیر است:

شهر/کشور	قم	مشهد	اصفهان	عراق	پاکستان	سراوان	شیراز	یزد	گشت
تعداد	۱۰۹۴۲	۲۱۲۵	۱۰۵۴	۶۴۹	۵۸۶	۴۶۸	۴۳۲	۴۱۳	۳۴۷
درصد	۳۵٪	۷٪	۳۵٪	۲٪	۱۹٪	۱۵٪	۱۴٪	۱۳٪	۱۱٪

منبع: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران در سال ۱۳۷۵

این آمار نشان می‌دهد که حوزه علمیه قم به‌تنهایی با تربیت یک‌سوم از ائمه جماعات بیشترین سهم و حوزه‌های سایر شهرستان‌ها پس از مشهد و اصفهان با کمتر از ۲٪ در مجموع فقط نیمی از ائمه جماعات را تربیت و اعزام می‌کنند. در حالی که تصور این‌گونه است که تربیت، آموزش و اعزام امام جماعت در محدوده وظایف حوزه‌های علمیه شهرستانی است و صرفاً افراد برجسته‌ای که تمایل به تحصیل در دوره‌های عالی فقه و اصول داشته باشند باید به حوزه‌های بالاتر راه پیدا کنند.<sup>۲</sup>

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۹۸-۲۰۱.

۲. همان، ص ۲۰۰.

## ۲-۲. چندشغله بودن:

چندشغله بودن جمع کثیری از روحانیون باعث شده که کارکرد روحانیون رویه‌ای منفی به خود بگیرد و بعضاً مردم ترجیح دهند از افراد غیرروحانی برای نیازهای مذهبی خود در مساجد بهره بگیرند. درحالی که کسی که مسئولیت کاری را بر عهده می‌گیرد، باید فرصت و دقت لازم را داشته باشد؛ و چه مسئولیتی بالاتر از امام جماعتی که خواه‌ناخواه مسئولیت هدایت مردم را عهده‌دار است.

هرگاه مسجد بخواهد نقش خود را به‌خوبی ایفا کند نیازمند آن است که امام جماعت از نظر وقت و برنامه‌ریزی به‌اندازه کافی سرمایه‌گذاری کند و اهتمام جدی به مسجد و برنامه‌های آن داشته باشد. امام جماعت باید در حد امکان در اختیار مسجد باشد؛ یا اینکه حداقل چندشغله نباشد.

امروزه برخی با وجود حجم کاری و اشتغالات فراوان در مناصب مختلف عهده‌دار اقامه نماز در مساجد می‌شوند. بدیهی است این شخص توانایی انجام این رسالت عظیم را به شکل مطلوبی نخواهد داشت و تنها به اقامه نماز اکتفا خواهد کرد. از دیگر سو این تراکم کاری علاوه بر خستگی جسم، سبب کسالت و افسردگی روحی نیز می‌شود. درحالی که رفتن به مسجد نیاز به امنیت روحی و آمادگی جسمی و روحی دارد.<sup>۱</sup>

۱. امام جماعت، عامل پیشرفت مساجد، پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۹۳/۸/۲۴.

۱. تقویت پشتوانه پژوهشی

مانند سایر عناصر مرتبط با موضوع کودک و نوجوان و مسجد، عنصر کلیدی امام جماعت نیز از چند حیث نیاز به تحقیقات عمده و زیربنایی دارد؛ تحقیقاتی که برآمده از اندیشه صاحب نظرانی باشند که با طی آموزش‌های لازم در مراکز علمی و پژوهشی، به‌طور تخصصی در موضوع مسجد کار کرده باشند و صاحب نظران این حوزه به شکل اختصاصی باشند. این تحقیقات لازم است بر حسب تغییرات محیطی، به شکل مداوم در جریان باشند و خود را با تازه‌ترین تغییرات محیطی و فرهنگی انطباق دهند. در این تحقیقات لازم است مشخص شود:

- اندوخته‌های لازم علوم اعتقادی مورد نیاز بر حسب سطوح و مخاطبان مختلف مساجد برای ائمه جماعات چیست؟
- اندوخته‌های لازم فقهی مورد نیاز بر حسب سطوح مختلف مساجد برای ائمه جماعات چیست؟
- اندوخته‌های لازم اخلاقی (نظری و عملی) مورد نیاز بر حسب سطوح مختلف مساجد برای ائمه جماعات چیست؟
- اندوخته‌های لازم در زمینه علوم روز و حوزه‌های مختلف آن، برای افرادی که امام جماعت می‌شوند، در سطوح مختلف مساجد چیست؟
- بهترین و مناسب‌ترین روش‌های سخنوری و بیان مطلب برای افراد مختلف در مناسبت‌ها و موضوعات مختلف چیست؟
- راهکارهای مواجهه با مشکلات و موانع تبلیغی و ترویجی چیست؟

نیازهای برقراری ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، صرفاً مباحث نظری نیست که تحقیقاتی صرفاً تئوریک در این زمینه صورت گیرد و به موازات آن، قوانینی هم برای کلیت مسجد وضع گردد؛ بلکه هم موضوع مسجد و هم کودک و نوجوان، برحسب شرایط مختلف، وضعیت‌های کاملاً متفاوتی پیدا می‌کنند که نیازهای تقنینی آن‌ها در شرایط مختلف کاملاً متفاوت می‌شود؛ به‌عنوان نمونه نیازهای تقنینی در جهت ارتباط دادن کودکان مهدکودکی با مسجد جامع در کلان‌شهرها کاملاً متفاوت از نیازهای تقنینی برای ارتباط برقرار دادن دانش‌آموزان دختر راهنمایی - که کاملاً به سن تکلیف رسیده‌اند - با مسجد محله در روستاهاست. در حال حاضر حتی قوانین کلی نیز در خصوص ارتباط برقرار دادن کودکان و نوجوانان با مسجد - برحسب استقرار نگارنده - وجود ندارد.

البته توجه به این نکته فراموش نشود که نباید خود را و ظرفیت تحقیقات را در تبیین شرایط موردنیاز برحسب دسته‌بندی‌های مختلف و بعضاً بی‌فایده هدر داد و نظر نگارنده نیز بر این نیست؛ لیکن بدون تردید با تفکیک گروه‌ها و سطوح، مواردی که دارای اولویت برای اقدام هستند شناخته‌شده و آنگاه برنامه و راهکار دقیق اجرایی برای آن در نظر گرفته می‌شود؛ لذا ممکن است با جزء جزء کردن مخاطبان از کودک و نوجوان این نتیجه حاصل شود که آن دسته از نوجوانان دوره راهنمایی و دبیرستان که در مناطق شهری و مدارس غیرانتفاعی تحصیل می‌کنند، علاوه بر اینکه فراوانی بالایی دارند و روزبه‌روز نیز زیاد می‌شوند، بیش از سایر گروه‌ها در معرض خطر جدایی از مسجد بوده و بیش از بقیه نیازمند کمک و تقویت ارتباط هستند و در نتیجه لازم است کمک‌های تقنینی، حمایت‌های مالی و غیرمالی و اینکه امامان جماعت به چه اندوختهٔ علمی نیاز دارند، برای این گروه موردبررسی قرار گیرد. این مطلب در تمامی راهکارهای گفته‌شده در این تحقیق ساری و جاری است.

### ۳. توجه به نظام‌مند و سازمانی بودن آموزش‌ها

موفقیت امامان جماعت در ارتباط دادن مردم و کودکان و نوجوانان با مسجد، در نگاه کلان، نیازمند آموزش برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند آن‌هاست و گرنه در صورتی که به همت خود اشخاص و امامان جماعت واگذار گردد، همان خواهد شد که هست؛ طوری که در حال حاضر، هر امام جماعتی - در صورتی که تعهد اخلاقی و وجدان کاری لازم را داشته باشد، در بهترین حالت - فراخور ادراک و استنباط خود، آن محتوا و منبع آموزشی را که صلاح و مفید می‌داند، فرامی‌گیرد و حال آنکه این محتوا چقدر مفید است و چقدر مناسب با مخاطبان مسجد مورد نظر است؟ اصلاً معلوم نیست. لذا نیاز به مرکز و نهادی هست که اولاً سیر مطالعاتی و محتوای آموزشی مورد نیاز برای هر سطح از امامان جماعت را برای ارتباط دادن مردم و کودکان و نوجوانان با مسجد، به شکلی استاندارد و با استفاده از طرق علمی، استخراج و مشخص نماید و ثانیاً از طریق اساتید مجرب و کارآموده اقدام به آموزش آن‌ها نماید.

یکی از مسئولان در این خصوص می‌گوید: ما در کشور جهت هر تخصص آموزشگاه‌هایی احداث کرده‌ایم که تکنسین و متخصص آن رشته را به نسبت نیاز آموزش داده و تربیت می‌کند. بر این اساس نیاز آموزشی ما از مدرک سوم راهنمایی، دیپلم، کارشناسی، کارشناسی ارشد، دکتری تا دوره‌های تخصصی منظم و تعریف شده‌اند. بدیهی است جهت تربیت تکنسین بیهوشی دکتر متخصص بیهوشی تربیت نمی‌شود و جهت تدریس در مهد کودک از اساتید دانشگاه استفاده نمی‌کنند. صرفه‌جویی در منابع نیروی انسانی، وقت و امکانات آموزشی اقتضا می‌کند که برای هر شغلی واحدهای تخصصی همان رده تدریس شود. این تدبیر در خصوص تربیت امام جماعت نیز باید اتخاذ گردد. باید تعیین شود امام جماعت و روحانی مسجد چه تعریفی دارد و چه موادی را باید بیاموزد. قطعاً احکام، قرآن، ادبیات عرب، مسائل سیاسی و اجتماعی مهم‌ترین مسائلی است که یک امام جماعت خوب باید بر آن‌ها مسلط باشد. واقعاً امام جماعت یک بخش، روستا و شهرستان چه نیازی دارد که دوره‌های طولانی فقه و اصول را تا رده اتمام سطح

بگذرانند و سپس جهت امامت جماعت تعدادی محدود از افراد، به منطقه‌ای اعزام شود. از این‌رو تصمیم‌گیری سریع و قاطع در خصوص تربیت نیروی متناسب با هر منطقه ایجاب می‌کند که دستگاه مسئول و حوزه‌های علمیه نظام ویژه‌ای را بدین منظور راه‌اندازی کنند.<sup>۱</sup>

هرچند در حال حاضر چنین آموزش‌هایی وجود خارجی ندارند. اگر هم باشند بسیار کم‌رنگ و فاقد تأثیر لازم هستند؛ ولی در این خصوص قواعد چندی وجود دارد که برخی از آن‌ها بدین شرح است:

۱. لازم است امام جماعت منتخب قبل از تصدی امامت جماعت، تبلیغ و هدایت مردم در مسجد حداقل به مدت ۴۰ ساعت آموزش‌های لازم در زمینه مدیریت فرهنگی، روش‌های نوین تبلیغ و اقناع و آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و نحوه ارتباط با اهالی محل، خاصه با نسل جوان را بگذرانند. نیز از آنجاکه امامت جماعت در هدایت و رهبری باید همواره نقش مؤثر خود را به‌درستی و به‌روز ایفا نماید نیاز دائمی و مستمر به کسب اطلاعات به‌صورت نیمه‌حضوری و بعضاً حضوری دارد.<sup>۲</sup>

۲. در تبیین سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی مصوبه ۴۵۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی به یکی از مواردی اشاره شده عبارت است از: «ماده ۵ بند ۵-۳- تربیت امام جماعت عالم و آشنا به مسائل روز و جوانگرا»

در پایان این راهکار گفتنی است که این آموزش‌ها باید علاوه بر بدو خدمت در ضمن خدمت نیز باشد و همواره برحسب نیازسنجی‌های دقیق، مهم‌ترین آموزش‌های موردنیاز، در اولین فرصت برای امامان جماعت عرضه گردد. (مانند فراگیری جدیدترین و تأثیرگذارترین روش‌های تبلیغی، آموزش مقابله با جدیدترین شبهات دینی، روش‌های مقابله با آسیب‌های اجتماعی نوپدید و متقابلاً روش‌های

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۹۹-۲۰۰.

۲. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۹.

تبلیغ، ترویج و بالنده نمودن جدیدترین رویش‌های نگرشی، ارزشی، رفتاری و نمادی اسلام و انقلاب) ضمن اینکه در کنار آموزش‌های رسمی، ارتباط با اساتید آموزش‌دهنده، ارتباط امامان جماعت با همدیگر و در میان‌گذاران تجربیاتشان بسیار می‌تواند راهگشا باشد و لازم است نهادهای مسئول در این مورد، خصوصاً با توجه به فراگیر و سهل‌الوصول شدن ابزارهای ارتباطی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقدام لازم را انجام دهند.

درواقع لازم است با استقرار نظام اطلاع‌رسانی و آموزشی جامع برای همه مساجد در سطح کشور و ایجاد شبکه مساجد کشور، ائمه جماعات، با اطلاعات روز و مهارت‌های لازم آشنا شوند تا بتوانند نیازهای مخاطبان خود و به‌ویژه کودکان و نوجوانان را برطرف سازند. گفتنی است چگونگی این موضوع یعنی برقراری نظام اطلاع‌رسانی جامع برای مساجد، از نهادهای مسئول سؤال شده است که جمع‌بندی نظرات آن‌ها چنین است:

«استقرار نظام جامع اطلاع‌رسانی مساجد در سطح کشور با راه‌اندازی شبکه پورتال مساجد شدنی است. برای تحقق این امر وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات موظف به ایجاد زیرساخت‌های سخت‌افزاری آن از طریق راه‌اندازی فیبر نوری در بین شبکه مساجد است.»<sup>۱</sup>

ذکر این مطلب نیز خالی از وجه نیست که وقتی بحث از ارتباطدهی کودک و نوجوان با مسجد می‌شود، این آموزش‌ها تخصصی نیز می‌شود و لازم است آموزش‌ها و مهارت‌های علمی و ارتباطی به‌صورت تخصصی‌تر ارائه شود. لیکن آمارها ظاهراً نشان می‌دهد که ممکن است ائمه جماعات چندان قابلیت و توانایی در جهت کسب چنین مهارت‌هایی نداشته باشند زیرا «در سرشماری امامان جماعت در سال ۱۳۷۵ متوسط سن امام جماعت در هر استان تعیین شده است که این آمار متوسط سن ائمه جماعات را در مجموع در استان‌های پرجمعیت که اکثریت مساجد در آنجا هستند بسیار بالا نشان می‌دهد. در این خصوص میانگین سنی ائمه جماعات ده استان با سن بالاتر از ۴۷ سال ۴۹ شده است که اگر با

۱. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۵۴.



نگاهی مثبت به این آمار نگاه کنیم ائمه جماعات مجرب و مسن با قریب ۵۰ سال سن، امروزه در اکثر مساجد کشور مشغول خدمت هستند؛ اما با بررسی دقیق و موشکافانه‌تر، این سؤالات به ذهن متبادر می‌شود که:

الف - امام جماعت با سن ۵۰ سال تا چه حد امکان ارتباط و تخاطب با کودک و نوجوان و جوان را خواهد داشت؟

ب - در این صورت آیا از تحرک و سلامت جسمانی لازم برای اداره مسجد برخوردار است؟<sup>۱</sup> و آیا آمادگی جسمی و روحی لازم برای فراگیری آموزش‌های موردنیاز را دارد؟

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۲۰۲.

#### ۴. تأمین امام جماعت بومی بدون سخت‌گیری در فروع

حقیقت آن است که در حال حاضر در اصل وجود امام جماعت در مساجد مشکل اساسی وجود دارد و لذا در موارد فقدان امام جماعت، اصلاً جای این موارد نباید باشد که امام جماعت لابد باید فلان شرایط و ویژگی‌ها را داشته باشد تا بتواند به‌عنوان امام جماعت منصوب شود! آری؛ یکسری شرایط هستند که اصل هستند که در رساله‌های احکام نیز بدان‌ها اشاره شده است؛ مانند باتقوا بودن، مرتکب گناه کبیره نشدن و امثال این‌ها. این موارد لازم است مورد توجه باشد؛ لیکن بحث از اندوخته‌های علمی و فرهنگی و مانند آن، الزامات عارضی هستند؛ بدین معنی که وظیفه اولیه و بالذات امام جماعت این است که ضمن رعایت تقوا و اخلاق، نماز جماعت را اقامه نماید و نگذارد این امر خطیر که واجد برکات و مزایای مستقیم و غیرمستقیم فراوان است تعطیل شود و از طریق برپایی نماز جماعت، سبب شود تا بخشی ولو اندک از زمان و اوقات فراغت خانواده‌ها و کودکان و نوجوان در کانون آرامش و معنویت یعنی مسجد سپری شود.

در واقع اینکه امام جماعت باید احکام نیز به مردم یاد بدهد و اعتقادات بیاموزد، وظایف عارضی وی هستند که به دلیل نیازهای موجود در این حوزه‌ها و برآورده نشدن آن‌ها در اشکال و طرق دیگر، متولیان بر آن شده‌اند تا از این طریق این کمبودها را مرتفع نمایند. ضمن اینکه سخت‌گیری بیش‌ازحد در مورد شرایط فرعی و سخن فراوان در این خصوص، عملاً کار را به سمت تقلیل کمی نماز جماعت سوق می‌دهد؛ خصوصاً در شرایطی که بخشی هرچند بسیار اندک از امامان جماعتی که این مشکلات فرعی را ندارند، با مشکلات دیگری که بعضاً اساسی و اصولی است مواجهند؛ به‌طوری که برخی از آن‌ها به منصب معنوی امامت جماعت بودن نگاه مادی دارند و در مورد کم و زیاد شدن اجرتشان به چانه‌زنی می‌پردازند، برخی دیگر نیز چندشغله هستند و نماز جماعت را صرفاً با حضور فیزیکی چند دقیقه‌ای فیصله می‌دهند بدون اینکه قبل و بعد از نماز حتی بر فرض داشتن شرایط علمی، بتوان از ایشان استفاده‌ای نمود.

البته سخن از اجرت ایاب و ذهاب، لزوماً امر ناپسندی نیست ولی عقیده نگارنده این

است که چرا این همه در انتخاب امام جماعت سخت‌گیری شود تا نتوان از افراد موجود در مجموعه استفاده نمود و به اجبار شخصی از بیرون و با تعیین حقوق ماهانه برای امامت جماعت در نظر گرفته شود؟!

نهاد سازمان دهنده امامان جماعت می‌تواند با شناسایی افراد سالم، مذهبی، انقلابی و با قرائت صحیح در هر مجموعه که بعضاً تعداد این مجموعه‌ها به صدها نفر می‌رسد، نه یک نفر بلکه چندین نفر را به‌عنوان امام جماعت اختصاصی و روحانی با اختیارات محدود آن سازمان و اداره و حتی محله و روستا انتخاب نمایند و در مرحله بعدی نیز ضمن استمرار ارتباط با وی، آموزش‌های لازم را به وی عرضه نمایند.

البته این مشکل، اساسی است و ظاهراً در خود حوزه‌های علمیه نیز با مشکل تربیت و آموزش سریع امامان جماعت مواجه هستند. این مطلب با توجه نمودن به این واقعیت بیشتر به چشم می‌آید که «آمارها نشان می‌دهد استان‌هایی که جمعیت اهل سنت در آن بیشتر است، کمتر مشکل کمبود امام جماعت دارند؛ زیرا روش‌های تربیت ائمه جماعات و نظام تربیت مبلغ در حوزه‌های علمیه اهل سنت، مشکل تأمین امام جماعت را تقریباً حل کرده است. حوزه‌های اهل سنت تا عمق روستاها و بخش‌ها و شهرهای کوچک هنوز جریان دارند و هر حوزه‌ای به‌عنوان اولین وظیفه، امام جماعت تربیت می‌کند. ایرانیانی که در مناطق اهل سنت زندگی می‌کنند، همچون سایر مسلمانان در دیگر نقاط جهان نسبت به نماز جماعت اهمیت ویژه‌ای دارند تا جایی که گاهی اوقات برای دیگران وجوب جماعت تداعی می‌شود. تساهل و تسامح در انتخاب امام جماعت و اعتماد به یکی از افراد حاضر، باعث شده تا کمتر منطقه‌ای در مساجد روستاها و شهرهای آن مناطق فاقد امام جماعت باشد. در نگاه اهل سنت ایران، امام جماعت یعنی کسی که نماز را درست بخواند و گناه کبیره‌ای از او سرزنند. با این نگرش، اکثر طلابی که در حوزه‌های اهل سنت مشغول تحصیل می‌شوند پس از دو یا سه سال عملاً امامت مسجدی را به عهده می‌گیرند. متأسفانه با سخت‌گیری‌هایی که در مناطق دیگر ایران در خصوص انتخاب امام جماعت صورت می‌پذیرد، گاهی اوقات علیرغم حضور چندین روحانی

در یک مسجد به دلیل مسائل مختلف باز هم جماعت منعقد نمی‌شود و باعث کم رونق بودن مساجد گردیده است. در بعضی مساجد، ده‌ها طلبه جوان به صرف ملبس نشدن جماعت را ترک می‌کنند.<sup>۱</sup>

بنابراین لازم است در مساجدی که بدون امام جماعت مانده‌اند، در مرحله اول اهتمام بر برقراری نماز جماعت با سهل‌گیری در شرایط امام جماعت و از طریق انتخاب بومی باشد مانند انتخاب یک یا چند نفر از افرادی که در یک برج ۵۰۰ واحدی - که نمازخانه هم دارد - شرایط اولیه امام جماعت شدن را دارند. در قدم بعد باید به‌طور حتم و جدی، در فکر ارتقای معرفتی و مهارتی امامان جماعت با آموزش‌های بدو و ضمن خدمت بود.

۱. محمدرضا حشمتی، همان، ص ۱۹۸-۱۹۹.

بدون تردید باید از رها بودن نهاد مسجد و واگذار نمودن کل اداره آن به مردم اجتناب نمود؛ دولت اسلامی باید با نظارت و رصد دورادور و بعضاً نزدیک، هدایت جریان فرهنگ و این حوزه مهم از فرهنگ را در دست بگیرد و از ضعفها و خطاها مصون نگه دارد. دولت اسلامی باید برای رفع موانع که بخشی از آن در حوزه مسجد، مربوط به ارتقای مهارت‌های امامان جماعت و یا احیاناً جایگزین ساختن امامان جماعت قوی به جای افراد ضعیف است اقدام نماید. هم‌اکنون فقدان نظارت بر عملکرد امامان جماعت هم از ناحیه مردم و هم از ناحیه دستگاه‌های نظارتی بر روحانیون همچون حوزه‌های علمیه، علمای شاخص شهر، نماینده مقام معظم رهبری، سازمان اوقاف و امور خیریه و سازمان تبلیغات اسلامی از مهم‌ترین دلایل ضعف عملکرد روحانیون پیش‌نماز است.

برخی از مساجد و امامان جماعت هرچند تعدادشان اندک است ولی عملکردشان، رنگ و بویی از مسجد تراز اسلامی ندارد و مسجد زیر نظرشان به مسجد ضرار بیشتر شبیه است تا مسجد عروج‌دهنده انسان‌ها به مقام قرب الهی. نگارنده از یاد نمی‌برد مسجدی را که امام جماعت آن در زمانی که در حرم رضوی (علیه السلام) بمب‌گذاری شده بود، حاضر نشد حتی یک ابراز تأسفی از این قضیه بنماید. به این بهانه که ما وارد مسائل سیاسی نمی‌شویم! بگذریم از اینکه گزاره نادرستی در این خصوص جاافتاده که مساجد و امامان جماعت برای اینکه مردم را از دست ندهند نباید اصلاً وارد مسائل سیاسی شوند! که حتی برخی مؤمنان نیز متأسفانه این اندیشه غلط را بازگو می‌کنند!

به‌هر حال این سؤال جدی همواره وجود دارد که مسجدی که راه دین‌داری را و راه شناخت دوست و دشمن دین و بصیرت لازم جهت پیمودن راه هدایت در زمانه خود را به مأمومین و کودکان و نوجوانان ننمایاند، به چه دردی می‌خورد و آیا واقعاً مصداقی از «مردی به‌ظاهر زنده» که در قرآن و احادیث آمده نیست؟!

## بخش سوم: خادم مسجد

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

یکی از نقش‌های مهم و تأثیرگذار برای جذب و تداوم حضور کودکان و نوجوان در مسجد نقش خادم مسجد است؛ شاید این نقش خیلی وقت‌ها به چشم‌ها نیامده و نمی‌آید؛ اما اگر کمی با دقت به این جایگاه نظر کنیم در خواهیم یافت که چقدر می‌تواند در جذب و ماندگاری آینده‌سازان مسجد تأثیرگذار باشد.

فرد زحمت‌کشی که مدت حضورش در مسجد در شبانه‌روز، حتی از امام جماعت و یا حتی از اعضای هیئت‌امنا هم بیشتر است؛ او می‌تواند همان‌گونه که به طراوت و پاکیزگی مسجد رسیدگی می‌کند، به نشاط و شادابی معنوی و پرورش گل‌های بهشتی همت بگمارد.

خادم یا خادمه با ذوق، با رعایت نظافت و پاکیزگی مسجد، آراستگی ظاهر، زیبایی و خوشبویی، پیش‌دستی در سلام، خوش‌رویی و گشادگی چهره، مهربانی، رعایت احترام و ادب نسبت به نمازگزاران به‌خصوص کودکان، حوصله و صبر، پرکاری، خوش‌برخوردی و خوش‌صدایی، زمینه جذب کودکان و نوجوانان را به مسجد

می‌تواند فراهم سازد.

خادم و خادمه مسجد باید مطمئن‌ترین فرد در مسجد باشد که اولیای برای فرستادن کودکانشان به مسجد هیچ خطری را احساس نکنند و همچنین او باید تحصیل کرده و اهل دانی باشد تا در کنار تزکیه فرزندان به تعلیم هم بپردازد. خادم مسجد می‌تواند با هدایت امام جماعت و بزرگان فرهنگی مسجد، تمهیداتی را برای حضور کودکان در مسجد فراهم سازد از جمله در هنگام حضور کودکان در مسجد برای آنان هدایای ارزان اما جذاب و خوراکی‌های کوچک مثل نقل و آب‌نبات تهیه کند تا بدین واسطه کودکان را با مهربانی به نماز و مسجد علاقه‌مند سازد. او می‌تواند در کارهای مسجد از کودکان استفاده کند و با مسئولیت‌دهی به آنان موجبات افزایش اشتیاقشان را به حضور در مسجد فراهم سازد.

خادم مسجد نه تنها مانع حضور کودکان به مسجد نمی‌شود بلکه غرایز آنان را با مهربانی هدایت می‌سازد تا هم دیگران به راحتی بتوانند به عبادت خود بپردازند و هم کودکان از مسجد گریزان نشوند.

خادم و خادمه مسجد نباید سخت‌گیر باشد و با آسان‌گیری خود، کودکان را در مسجدی شدن یاری نماید و اشتباهات و شیطنت‌های بچه‌ها را نادیده بگیرد و در کارها از خود انعطاف به خرج دهد و با این کار زمینه هدایت آنان را فراهم سازد. البته نباید فراموش کرد که دیگر نمازگزاران نیز باید در امر خادمی به خادم مسجد یاری دهند تا در این میان او خسته و ناتوان نگردد و بتواند به راحتی از پس کارها برآید؛ به عنوان مثال در کارهای سخت‌افزاری مثل نظافت، اهالی مسجد می‌توانند یک روز تعطیل در هفته مثل پنجشنبه یا جمعه را به صورت گروهی به نظافت مسجد اختصاص دهند،<sup>۱</sup> زیرا به نقل از رسول اعظم صلی الله علیه و آله این کار سبب آمرزش گناهان است، مَنْ كَنَسَ الْمَسْجِدَ يَوْمَ الْخَمِيسِ - وَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ فَأَخْرَجَ مِنْهُ مِنَ التُّرَابِ مَا يُدْرَبُ فِي الْعَيْنِ غَفَرَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ؛ هر کس در روز پنجشنبه و شب جمعه، مسجد را جاروب کند و به اندازه سرمه‌ای که در چشم کشیده می‌شود،

۱. همان، ص ۱۹۸-۱۹۹.

خاک آن را بیرون برد، خداوند او را می‌آمرزد.<sup>۱</sup> و این یاری مصداق بارز همکاری در کارهای خیر است که قرآن کریم می‌فرماید: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى»<sup>۲</sup> و مگر غیر از این است که حضرت فاطمه کارهای منزل را بین خود و خادمه‌اش فضا به شکلی روزانه تقسیم کرده بودند.

### بایدهای خادم مسجد:

قبل از بررسی وضعیت هست‌ها، بهتر است به بحث بایدهای مربوط به امام جماعت پرداخته شود. شورای عالی انقلاب فرهنگی در این رابطه تحقیقی انجام داده است. در آن تحقیق از شرایط خادم مسجد از برخی نهادهای مسئول سؤال شده که برحسب پاسخ آن‌ها این نتایج حاصل شده است:

### الف: شرایط و ویژگی‌های خادم

- ۱- دارا بودن سلامت جسمی، روحی و روانی و برخوردار از توانایی لازم برای انجام امور محوله در زمینه‌های خدمت، پاکیزگی و حفاظت از مسجد.
- ۲- حتی‌المقدور از سواد لازم (سیکل) برخوردار باشد.
- ۳- عدم استعمال و اعتیاد به مواد مخدر و دخانیات.
- ۴- حتی‌المقدور جوان باشد.
- ۵- متأهل باشد.
- ۶- عدم سوء پیشینه.
- ۷- دارای روحیه لازم و علاقه‌مند به خدمت در مسجد و نمازگزاران باشد.
- ۸- دارای تحمل، حسن خلق و برخورد نیکو و سعه صدر باشد.
- ۹- دارا بودن التزام عملی به انجام فرایض دینی و نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل مترقی ولایت فقیه.
- ۱۰- مقید به آراستگی ظاهری، پاکیزگی فردی و رعایت اصول بهداشتی.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۵، ص ۲۳۸.

۲. ماده ۲.



## ب: نحوه انتخاب و به کارگیری خادم

هیئت امناء، بانى، خیر و واقف، شخص خادم را با ویژگی‌های فوق شناسایی می‌کنند و سپس جهت سیر مراحل جذب او توسط اداره اوقاف و امور خیریه اقدام می‌شود.

## ج: وظایف خادم

- ۱- پخش اذان در اوقات شرعی به صورت منظم و مطلوب.
- ۲- مراقبت، حفظ و نگهداری از کلیه اموال منقول و غیر منقول مسجد.
- ۳- باز نمودن درب مسجد (حداقل نیم ساعت قبل از اوقات شرعی) جهت اقامه نماز و سایر برنامه‌های مسجد.
- ۴- رعایت احترام و ادب نسبت به مراجعان و نماز گزاران مسجد.
- ۵- همکاری لازم با برگزار کنندگان مراسم و مجالس و سایر فعالیت‌ها در مسجد.
- ۶- نظافت کلیه فضاهای اصلی مسجد (وسایل، دستشویی‌ها، وضوخانه، راهروها، حیاط، صحن، شبستان) به طور مستمر و منظم.
- ۷- انجام سایر امور محوله که از طریق هیئت امناء یا امام جماعت مسجد اعلام می‌شود.<sup>۳</sup>

## د: آموزش خادم

از آنجاکه امر آموزش خادم بسیار مهم و اثرگذار است، لذا در سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی مصوبه ۴۵۹ شورای عالی انقلاب فرهنگی به این مسئله توجه شده است. در بخشی از این مصوبه آمده است: «ماده ۵ بندهای ۳-۵ - تربیت امام جماعت عالم و آشنا به مسائل روز و جوانگرا: ۱۳-۵- ترمیم، اصلاح و آموزش خادمان مسجد، هیئت امناء و عوامل دیگر»  
همچنین در پرسش از نهادهای مسئول از وضعیت آموزش خادمان مطالب زیر عنوان گردیده است:

- ۱- بدو خدمت: لازم است برای خادم و یا کلیه اشخاصی که برای خدمت در مسجد پذیرفته

۳. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۴۰-۱۴۱.

می‌شوند، دوره‌های آموزشی لازم برگزار شود و در پایان دوره از آنان امتحان به عمل آید و گواهی نامه مربوطه صادر شود.

● ۲- ضمن خدمت: با توجه به جایگاه خادم در مسجد لازم است به صورت منظم و برنامه‌ریزی شده دوره‌های حضوری و نیمه حضوری شامل مواد و مطالب مورد نیاز به خدام آموزش داده شود و از آنان نیز امتحان به عمل آید.<sup>۱</sup>

چنانکه ملاحظه می‌شود در تمام بایدهای نظری گفته شده در خصوص وضعیت خادم مسجد، در خصوص کودکان و نوجوانان به عنوان بخشی از مخاطبان مسجد و خادم، توجهی نشده است و مثل سایر بایدها و چارچوب‌ها، در اینجا نیز کلیت نمازگزاران مسجد در نظر گرفته شده است.

## « ب:وضع موجود

به نظر می‌رسد تمام ضعف‌هایی که در مورد سایر عناصر کلیدی مسجد وجود دارد باید شکل مضاعف آن را در مورد خادمان تصور نماییم؛ به دلیل آنکه سایر عناصر اولاً جایگاه اجتماعی و مسجدی بالاتری -در نگاه مردم و مسئولان- نسبت به خادمان دارند و همین هم سبب شده که حمایت‌های مادی و تقنینی و معنوی از آن‌ها به مراتب بیشتر و بهتر از خادمان مساجد باشد.

در واقع تا همین چند سال اخیر کسی -نهاد مسئول و محقق- به موضوع خادم مسجد، به عنوان کسی که نقش کلیدی در مسجد دارد اصلاً نگاه علمی نداشت. در نتیجه این مسئله کاملاً به حال خود رها شده بود و در اندک آمارگیری‌های موجود نیز اغلب توجهی به بود و نبود آن نشده است. لذا در هر مسجدی فردی را که در آن اطراف می‌شناختند که ظاهرالصلاح باشد و بتواند از عهده کارهای فیزیکی مسجد برآید به عنوان خادم انتخاب می‌نمودند و اصولاً توجهی به مهارت‌های موجود وی در زمینه‌های تربیتی و نیز وضعیت روابط عمومی وی -به اندازه‌ای که مورد نیاز است- نمی‌شد. اینکه خادم مسجد چقدر می‌تواند با کودکان و نوجوانان ارتباط بهتر و جذب‌کننده‌تری داشته باشد، محلی از اعراب نداشت که البته الآن هم تقریباً ندارد.

تازه این‌ها در مورد مساجدی است که خادم مشخص و تمام‌وقتی دارند؛ چون بخش قابل توجهی از مساجد، شاید حدود نیمی از آن‌ها، اساساً خادم به معنی واقعی کلمه ندارند.

۱. نگاه علمی به مسئله و نهادینه ساختن آن

شاید عمده‌ترین مشکل در این زمینه، فقدان فرهنگ نگاه مناسب به موضوع خادمی مسجد باشد. نگاهی که برای همه واضح است و نیازی به تبیین آن نیست. باید با تغییر نگرش‌ها در این خصوص، برای جایگاه ارزشمند خادمی مساجد ارزش آفرینی نمود. باید مسئولین مربوطه و هیئت‌امنا‌ی مساجد به‌عنوان الگوهای رفتاری در این زمینه، رفتاری ارزش‌آفرین با خدام مساجد داشته باشند. اما این تمام راه‌حل در این محور نیست؛ بلکه بخش بعدی آن، نگاه علمی و سیستماتیک داشتن به این موضوع است. برای این کار لازم است عملاً موضوع خادم مسجد به‌عنوان یکی از موضوعات راهبردی ارتقای مساجد در نظر گرفته شود و با مواجهه کاملاً علمی و تخصصی با مسئله خصوصاً از حیث ارتباط خادم با کودکان و نوجوانان، به رفع موانع و فراهم‌سازی اقتضائات و زمینه‌های لازم، به‌منظور ارتقای نقش خادم مسجد به جایگاه شایسته و بایسته‌اش، اقدام شود.

## ۲. حمایت مادی از جایگاه شغلی خادمان

هرچند در این خصوص حمایت‌هایی صورت گرفته و قوانینی تدوین شده است، لیکن هزاران فرسخ با عمل و آنچه اتفاق می‌افتد فاصله دارد؛ خصوصاً که خادمان مساجد به دلیل جایگاه شغلی پایین خود و شأن اجتماعی پایین، حامی و پشتیبانی در خصوص دفاع از حقوق و مزایای مادی خود ندارند.

درواقع افرادی که با سیستم اداری کشورمان آشنایی دارند بهتر می‌دانند که به دلایل متعدد، افرادی که جایگاه شغلی پایینی در نظام اداری دارند، علی‌رغم انجام بیشترین کارها، از کمترین حقوق، مزایا، پاداش‌ها و... به نسبت بقیه برخوردارند؛ حالا با اینکه در نظام اداری و با این همه قوانین حمایت‌کننده از کارمندان وضعیت این‌گونه است، نباید تصور شود که تنها در نهاد مسجد چنین قوانین و نظارت‌های قانونی برای حمایت از حقوق کارگران و خادمان وجود ندارد.

البته منظور، اجحاف سازمان‌دهی شده در مسجد و از طریق نهادهای مسجدی نیست؛ بلکه صحبت از خروجی سیستم و قوانین حمایت‌کننده‌ای است که با ضعف‌های اساسی مواجهند و پیامد و نتایج آن‌ها جز این نمی‌تواند باشد. بنابراین لازم است حمایت‌های مادی از این قضیه به صورت جدی، پیگیر و مبتنی بر یک نگرش سیستمی صورت گیرد. حمایت‌هایی که حتی جلو برخی سوءاستفاده‌های برخی خادمان را نیز بگیرد.

برخی از قوانین موجود در این خصوص که بسیار ناقص و کلی هستند بدین شرح‌اند:

در بیان حمایت‌های حقوقی و استخدامی مربوط به خادمان و نیروهای اداری-خدماتی مساجد در آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور آمده است:

● ماده ۲ بند ۴- «تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان،

هیئت‌امنا، ائمه جماعات، خادمان و دست‌اندرکاران امور مساجد»

آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون

کار ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ - ۷۲۰۵۲ ت ۴۳۲ ه - ۱۳۷۳/۱۱/۳۰ - ۴۴۳ کار وزارت کار و امور اجتماعی:

هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶ بنا به پیشنهاد شماره ۶۱۵۴۳ مورخ ۱۳۷۳/۵/۲۶ وزارت کار و امور اجتماعی، به استناد ماده ۱۹۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۶۹ - آیین‌نامه مستثنا شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیر تولیدی از مشمول موادی از قانون کار را تصویب نمود.

آیین‌نامه ساماندهی، بهسازی و عمران مساجد کشور:

● «ماده ۱۲ - سازمان تبلیغات اسلامی (صندوق عمران مساجد) موظف است

با همکاری سازمان تأمین اجتماعی نسبت به تهیه طرح تأمین اجتماعی

خدامان مساجد اقدام و برای بررسی‌های بعدی به دولت ارائه کند».

چنانکه ملاحظه می‌شود در این قوانین صرفاً به برداشتن برخی کسری‌های قانونی از حقوق خدامان بسنده شده است و دیگر از میزان حقوق آن‌ها و اینکه از کدام ردیف بودجه مسجد یا کشور تأمین شود حرفی به میان نیامده است.

### ۳. گزینش هدفمند به همراه آموزش های بدو و ضمن خدمت

پس از آشنایی مسئولان و هیئت امنای مساجد با نقش تأثیرگذار خادم و جایگاه ویژه وی در تقویت ارتباط مأمومین و خصوصاً کودکان و نوجوانان با مسجد، لازم است سه اقدام ویژه را در این خصوص انجام دهند:

**الف:** اول این که در انتخاب و گزینش خادم مسجد، ملاک های فرهنگی و تربیتی و مهارت های ارتباطی شخص را کاملاً مدنظر قرار دهند و صرفاً ملاک های سنتی را که بیشتر ناظر به ویژگی های فیزیکی خادم مسجد است لحاظ ننمایند.

**ب:** دوم این که صرفاً به اندوخته ها و داشته های قبلی خادمان مساجد اکتفا ننمایند و بلکه قبل از اینکه خادم وارد کار شود، وی را به فراگیری آموزش های تخصصی لازم - به شرطی که به شکل استاندارد و مشخص وجود داشته باشد و نهاد ارائه کننده آن موجود باشد - الزام نمایند. آموزش هایی همچون نحوه مواجهه با شلوغی ها و خرابکاری های کودکان و نوجوانان و مهارت دوست شدن با کودک و نوجوان و تقویت ارتباط آنان با مسجد و معارف مسجدی.

**ج:** سوم این که به دوره های آموزشی بدو خدمت نیز اکتفا نشود؛ بلکه در بازه های زمانی مشخص و با لحاظ نمودن شأن والای خادمان، دوره های آموزشی حضوری و غیر حضوری برایشان در نظر گرفته شود. شایان ذکر است که توجه به آموزش حرفه ای خادمان، بخشی از بحث مذکور فرهنگ سازی مثبت در خصوص شأن و جایگاه والای خادمان را در پس زمینه ذهنی اجتماع برآورده می سازد.

## بخش چهارم: نمازگزاران

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

نمازگزاران و مأمومین، نقش بسزایی در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد دارند؛ نمازگزاران و مأمومین با عملکرد مناسبشان، هم می‌توانند مانع حضور و ارتباط نباشند و هم اینکه مشوق باشند. با این توضیح که بخشی از عملکرد مثبت نمازگزاران و مأمومین مربوط به صبر و خویشتن‌داری‌شان در برابر آزار و اذیت‌های ناشی از حضور کودکان و نوجوانان در مسجد است که در صورت بی‌صبری و اعتراض‌های زیاد، بی‌تردید در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان و نیز ارتباط‌دهی کودکان و نوجوانان توسط والدین با مسجد، تأثیر منفی خواهد گذارد؛ اما بخش دوم رفتارها که متعالی‌تر از بخش اول است رفتارهایی است که ضمن صبر نشان دادن، متضمن تشویق و ترغیب به حضور کودکان و نوجوانان از طریق گشاده‌رویی و رفتارهایی مانند آن است. این اخلاق پیامبرگونه از نمازگزاران و مأمومین، سبب می‌شود تا تصویر جذاب و مناسبی از مسجد در ذهن و دل کودک نوجوان نقش ببندد و نسبت به حضور در مسجد و تقویت ارتباط خود با آن، رغبت بیشتری پیدا



کند؛ همچنین والدین نیز رغبت بیشتری به ارتباط دادن و فراهم آوردن زمینه‌های حضور فرزندان در مسجد، پیدا می‌کنند.

#### « ب: وضع موجود

شاید مهم‌ترین عاملی که سبب پر شور و نشاط شدن محیط مسجد از حضور کودکان و نوجوانان می‌شود، شیوه برخورد اهل مسجد و نمازگزاران است. در این برخوردها باید علاوه بر رعایت احترام اجتماعی، طراوت و سرزندگی وجود داشته باشد و در قالب برخوردهای خشک، مقدس‌نما و تعصب‌گرا خلاصه نشود. نوجوان از طریق این برخوردها درباره حضور یا عدم حضور در مسجد تصمیم می‌گیرد. اجازه ندادن به نوجوانان برای ایستادن در صف اول و کمک نکردن به آنان برای انجام دادن فعالیت‌های مسجد، نمونه‌ای از این بدرفتاری‌هاست. استاد مطهری داستانی را نقل می‌کند که گویای این حقیقت است. وی می‌گوید: «شخصی که به مسجد می‌آمد و نماز جماعتش ترک نمی‌شد، توسط یکی از مقدسین مورد عتاب قرار می‌گیرد که اگر مسلمانی چرا ریشت را این‌طور کرده‌ای؟ او از همان‌جا سجاده را برمی‌دارد و می‌گوید این مسجد و این نماز جماعت و این دین و مذهب مال خودتان. رفت که رفت.»<sup>۱</sup>

آنان که منادیان و ناشران فرهنگ نمازند، باید راه‌های ارتباط با نوجوان و جوان را شناسایی کنند و از روش‌های کارآمد استفاده نمایند و خود را جای نوجوان و جوان بگذارند و توقع بیش‌ازحد از او نداشته باشند. خوشبختانه دین واقع‌بین اسلام به نکات دقیقی پرداخته که بسیار کارگشا است. وقتی امام علی (علیه السلام) با خدمتکارش قنبر برای خرید لباس به بازار رفتند و دو پیراهن دو درهمی و سه درهمی خریداری نمودند، حضرت علی (علیه السلام) پیراهن سه‌درهمی را به قنبر دادند. قنبر گفت: شما به آن سزاوارتری چون شما بالای منبر می‌روی و خطبه می‌خوانی، امام (علیه السلام) در پاسخ فرمود: «أَنْتَ شَابٌّ وَ لَكَ شَرَّةُ الشَّبَابِ؛ تو جوان هستی و میل جوانی داری»<sup>۲</sup> در

۱. مرتضی مطهری، داستان راستان، ج ۲، ص ۱۰۱.

۲. محمدباقر مجلسی، همان، ج ۱۰۰، ص ۹۳.

حدیث فوق امام علی (علیه السلام) این درس را به همگان داده است که جوان را درک کنند و روحیه او را در نظر گیرند. گاهی برخورد نامناسب افراد مذهبی حتی در خارج از مسجد، سبب پیدایش این تصور می شود که افراد مذهبی شخصیت اجتماعی و انسانی مناسبی ندارند و در نتیجه نسبت به دین و مکان های دینی دلسرد و وازده می شوند. این افراد، دین را از رفتار دین داران می آموزند و بد رفتاری آنان سبب دین گریزی می شود که نتیجه و نمود عملی آن حاضر نشدن در مسجد است.<sup>۱</sup>

البته به لحاظ آماری، در خصوص اینکه رفتار نماز گزاران و مأمومین با کودکان و نوجوانان و نیز والدینشان در مساجد کشور به چه صورتی است؟ غیر از شنیده ها و دیده های محدود و شخصی که بخشی از آن ها گفته شد، چیزی در دست نیست و لذا هیچ مطلب قابل ارائه از نظر آماری موجود نیست و کسی نمی داند که:

چه میزان از نماز گزاران و چقدر با وظایف خود در خصوص نحوه مواجهه با کودکان و نوجوانان آشنا هستند و نسبت به این مهارت های اخلاقی و رفتاری آگاهی دارند؟ چه میزان از نماز گزاران و چقدر رفتار مناسبی با کودکان و نوجوانان و والدین آن ها در مساجد دارند؟

همچنین در این خصوص حسب استقرایی که نگارنده داشته، هیچ گونه حمایت قانونی چه به شکل مادی و چه معنوی وجود ندارد و هیچ زمینه سازی صورت نگرفته است.

به لحاظ علمی نیز غیر از چند مقاله مختصر نه چندان عمیق چیزی یافت نمی شود. نتیجه اینکه در همه حوزه های مربوط به موضوع «نقش نماز گزاران و مأمومین در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد»، با کمبود و نقص شدید اطلاعات و آمار متقن مواجه هستیم که لازم است به صورت جدی نسبت به رفع و اصلاح آن ها اقدام شود.

## « ج: راهکارها

چند راهکار عمده در این زمینه وجود دارد:

۱. جذب جوانان با شیوه های نو، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱/۱۳۸۹/۱۰/۱.

## ۱. استخراج

اولین قدم در موضوع نمازگزاران، تولید علم در این زمینه و البته به شکل کاملاً تخصصی است؛ بدین معنی که لازم است با سوق دادن بخشی از تحقیقات و پژوهش‌های مسجد به موضوع تأثیر نمازگزاران در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد، اقدامات عملکردی موردنیاز، تبیین و مشخص شوند.

باید مشخص شود که کدام رویکردهای رفتاری و گفتاری نمازگزاران چه نقش مثبت و منفی را در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان به‌جا می‌گذارد؛ همچنین باید به لحاظ علمی نحوه مواجهه مناسب نمازگزاران با رفتارهای کودکان و اشتباه کودکان و نوجوانان مشخص شود؛ حتی راهکارهای تصحیح و تلطیف اقدامات تذکرگونه و منع برخی رفتارهای کودکان و نوجوانان تبیین شود.

در این مسیر علاوه بر متون غنی و گهربار احادیث موجود که میراث گران‌قدر شیعه از امامان معصوم خویش است، بهره‌گیری از علوم روز همچون روان‌شناسی رشد و تربیت کودک، یک ضرورت است.

## ۲. تقنین

به‌منظور به ثمر رسیدن یافته‌های علمی، بهتر است فراگیری و آموزش آن‌ها را با پشتوانه قوی قانونی و حمایت‌های قانونی همراه سازیم، قوانینی که:

**الف:** نقش و جایگاه عوامل محیطی مانند رسانه ملی، نهاد یا سازمان مسئول و نیز مجریان حقیقی را مشخص سازد.

**ب:** حمایت‌های مادی و معنوی مورد نیاز را در نظر گیرد.

**ج:** در جهت رفع و یا کنترل موانع احتمالی مانند برخی از اعضای هیئت‌امنای مساجد، برنامه داشته باشد.

## ۳. آموزش

لازم است ماحصل تحقیقات علمی صورت گرفته در راهکار اول، در این گام و از طرق

مختلف به نمازگزاران ارائه شود و آن‌ها را تحت آموزش محتوایی قرار دهد. چنانکه گفته شد فعلاً محتوای غنی و قوی‌ای در این خصوص وجود ندارد؛ لذا برحسب آنچه در حال حاضر در دسترس است، برخی از محورهای عمده آموزش به نمازگزاران به شرح ذیل ارائه می‌گردد:<sup>۱</sup>

### « ۱. تکریم کودک با سلام:

یکی از طرق احترام به شخصیت دیگران، سلام گفتن است که نشان درود و تحیت است. هنگامی که نمازگزاران مسجد ابتدا به کودکان با خوش‌رویی سلام کنند، این امر سبب می‌شود تا کودک درون خود احساس بزرگی و ارزش کند و از نمازگزاران مسجد احساس رضایت کند. این عاملی خواهد شد تا کودک همواره در مسجد حضور پیدا کند. در احادیث در باب شیوه رفتاری نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله آمده است: «أَنَّهُ كَانَ يُسَلِّمُ عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ»<sup>۲</sup> از صفات پسندیده پیامبر صلی الله علیه و آله این بود که به تمام مردم از کوچک و بزرگ، سلام می‌کرد و تأکید می‌فرمود که خواستار رواج سنت سلام کردن به کودکان، میان مسلمانان و تداوم آن پس از خود نیز هست.<sup>۳</sup>

### « ۲. چشم‌پوشی از خطای کودکان:

خالق مهربانی‌ها به ما آموخته است تا پوشاننده خطا باشیم و خود او بهترین خطاپوش و چشم‌پوش است، خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ<sup>۴</sup>، لَكَفَّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ<sup>۵</sup>، نَبِيُّ عِبَادِي أَنِّي أَنَا الْغَفُورُ الرَّحِيمُ<sup>۶</sup> چه زیباست که اگر در مسجد خطا یا اشتباهی از کودکان سرزند، با دید مهربانی و اغماض با آن برخورد کنیم و آن برخورد را به بهترین نحو به سویی که نه او آزرده شود و نه دیگران، به سویی دلخواه صورت دهیم. امیر مؤمنان علی علیه السلام در این رابطه

۱. رک: سید مهدی بهشتی، کودک، مسجد، نمازگزاران ۱ و ۲ و ۳، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۱۰/۷؛ سید مهدی بهشتی، تأثیر مسجد در تربیت کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۹/۲۳.  
۲. حسین بن محمد نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۶۴.  
۳. محمد بن علی ابن بابویه، الامالی، ص ۷۲.  
۴. آل عمران: ۱۳۵.  
۵. آل عمران: ۱۹۵.  
۶. حجر: ۴۹.

فرموده‌اند: در برخورد با دیگران با مسامحه باشید تا بهره‌مند شوید.<sup>۱</sup>

### « ۳. عدم سخت‌گیری در برخورد با کودکان:

اهالی مسجد باید محیطی را برای کودک فراهم سازند تا او در آن احساس آرامش کند و از اعمالی که موجب خستگی و دل‌زدگی او می‌شود، پرهیز کنند. یکی از عواملی که سبب دور شدن کودکان از مسجد می‌شود، سخت‌گیری‌های بی‌جای عده‌ای از نمازگزاران است. در حالی که وقتی به سیره نبوی و حضرات معصومین (علیهم‌السلام) می‌نگریم، درمی‌یابیم که این سخت‌گیری‌ها هیچ‌گاه از معصومین سر نزده است؛ بلکه با صبر و تحمل بسیار به هر نحو قصد داشتند تا کودک از این خانه مهربانی‌ها دور نشود و خاطرات کودکی‌اش همراه با مسجد ماندگار شود. داستان شنیدن گریه کودک در نماز جماعت پیامبر نمونه‌ای نمایان از آسان‌گیری‌های پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر کودکان در هنگام نماز و در مسجد است. در همین زمینه پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «رَحِمَ اللهُ مَنْ أَعَانَ وَلَدَهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ قُلْتُ كَيْفَ يَعِينُهُ عَلَى بَرِّهِ قَالَ يَقْبَلُ مَيْسُورَةً وَيَتَجَاوَزُ عَنْ مَعْسُورِهِ وَلَا يَرْهَقُهُ وَلَا يَخْرُقُ بِهِ؛ خدای رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند، به طوری که آنچه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است، از او قبول کند و آنچه انجام آن برای کودک سنگین و طاقت‌فرسا است از او نخواهد به او ستم نکند و با او رفتارش خشونت‌آمیز نباشد.»<sup>۲</sup>

### « ۴. شاد کردن کودکان:

خوش‌خلقی و شاد کردن دیگران سنت انبیا و اولیای گرامی است. در روایات اسلامی شاد کردن دیگران عبادت شمرده شده است و بر این اساس هر کس کودکی را خرسند کند، شادی روز قیامت را برای او در پی خواهد داشت (من فرحه فرحه الله يوم القيامة)<sup>۳</sup> پیامبر خدا فرمود: خانه‌ای در بهشت است که به آن، خانه شادی

۱. عبدالوهاب تمیمی آمدی، تصنیف غررالحکم و درر الکلم، ص ۴۴۵.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۸۱.

۳. همان، ص ۴۷۵.

گفته می‌شود. جز کسی که کودکان را شاد کرده باشد، وارد آن نمی‌شود.<sup>۱</sup>

#### « ۵. خوش رویی:

اگر اهل مسجد همیشه لبخند بر لب داشته باشند و خوش‌رو و متبسم باشند و در برخورد با کودکان با همین روش برخورد کنند، قطعاً کودکان در کنار اهل مسجد احساس آرامش و لذت خواهند کرد.

#### « ۶. نوازش کودکان:

نوازش یکی از راه‌های برقراری ارتباط عاطفی با کودکان است؛ زیرا کودک از این کار شادمان می‌گردد و موجب برقراری ارتباط عاطفی عمیقی بین آن فرد و کودک می‌شود. به طبع او را الگوی خود قرار خواهد داد و کلام او را به خوبی خواهد پذیرفت. در سیره رفتاری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آورده‌اند که ایشان هر روز صبح دستان مبارک خویش را بر سر کودکان به نشان نوازش می‌کشید.<sup>۲</sup>

#### « ۷. دوست داشتن کودکان و محبت به آن‌ها:

در سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نمایان است که ایشان بسیار به کودکان علاقه داشتند و همیشه در پی شاد کردن کودکان و جلب توجه ایشان بودند. لذا پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: أَحَبُّوا الصَّبِيَّانَ وَارْحَمُوهُنَّ<sup>۳</sup> بهترین کار این است که بچه‌ها را دوست داشته باشی.

روزی حضرت موسی علیه السلام فرمود: خدایا بهترین کارها چیست؟ خداوند متعال فرمود: دوست داشتن کودکان که من آنان را بر فطرت توحید آفریدم و اگر جان ایشان را بستانم، آنان به بهشت خواهند رفت.<sup>۴</sup>

نمازگزاران باید دقت کنند که هنگام برخورد با کودکان باید کمال مراقبت را داشته

۱. علی بن حسام متقی هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۱۷۰.

۲. احمد بن محمد ابن فهد حلی، عده الداعی و نجاح الساعی، ص ۸۹.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، همان، ج ۲۱، ص ۴۸۳.

۴. احمد بن محمد برقی، المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۳.

باشند تا کودک با روحیه لطیفی که دارد، مبادا با ناراحتی و بی‌مه‌ری مواجه شود که مولای متقیان (علیه السلام) بر بزرگسالان محبت و مهربانی به کودکان را واجب کرد و فرمود: وَلْيُرَافُ كَبِيرُكُمْ بِصَغِيرِكُمْ<sup>۱</sup> و نیز رسول مهربانی‌ها (صلی الله علیه و آله) فرمود: لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يَرْحَمْ صَغِيرَنَا.<sup>۲</sup>

#### « ۸. یاری در تربیت نیک:

والدین باید تمام تلاش و همت خود را به کار گیرند تا به بهترین نحو کودک خود را به رشدی که مورد رضایت پروردگار است برسانند؛ اما از آنجاکه شاید در برخی زمان‌ها والدین توانایی یا فرصت برخی از کارهای تربیتی را نداشته باشند، بر نمازگزاران است تا در این زمینه والدین را یاری دهند یا در غیاب والدین همت به تربیت کودک گمارند و در این زمینه از هیچ سعی و تلاشی فروگذار نکنند؛ مگر نه این است که یاری در تربیت کودک مسج‌دی معاونت و همکاری با والدین در این امر خطیر است که به دستور قرآن کریم، تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى.<sup>۳</sup> همه مؤمنین موظف‌اند تا در کارهای نیک همدیگر را یاری کنند.

#### « ۹. تشویق و تحسین کودکان:

از آنجاکه کودک از روحی لطیف برخوردار است، تشویق و تحسین بر رشد دینی او تأثیر فراوانی خواهد داشت.

تشویق باید هم به صورت زبانی و هم عملی انجام گیرد. تشویق عملی هم می‌تواند در قالب هدیه دادن باشد و هم احترام و بزرگداشت؛ چه پسندیده است که این تحسین و تشویق به صورت علنی انجام پذیرد. به طوری که کودک و دیگران متوجه شوند که این تشویق و احترام به خاطر کارهای نیک او است.

چه زیباست هنگامی که کودکی جرئت می‌کند تا اذان گو یا مک‌تبر نماز شود، نمازگزاران با تحسین و تشویق او موجب ترغیب بیشتر او به آمدن به مسجد شوند.

۱. سیدرضی، همان، ۱۶۷

۲. محمد بن محمد مفید، همان، ص ۱۸

۳. مائده: ۲

در روایت است که وقتی مؤذن ندای اذان سر می‌دهد، اگر کسی او را تحسین کند، خداوند هزاران هزار گناه را از او می‌زداید و هزاران هزار حسنه برای او جایگزین می‌کند و هزاران هزار ترفیع درجه به او اعطا می‌شود.<sup>۱</sup>

هنگامی که کودکی در مسجد به نماز می‌ایستد حتی اگر نماز را به اشتباه می‌خواند و یا حرکات نماز را اجرا می‌کند، باید او را ستود و از او تقدیر کرد تا موجب ترغیب او به نماز و اعمال عبادی شود و او به عبادت اشتیاق پیدا کند؛ البته باید به تدریج و با مهربانی روش صحیح نماز و عبادت را به او آموخت. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله شخصی را در حال نماز دیدند که با خدا با جملات بسیار زیبا و پرمغزی راز و نیاز می‌کند. فرمودند: نمازش که تمام شد نزد من بیاوریدش. وقتی به حضور حضرت رسید، حضرت قطعه طلایی به او هدیه دادند و فرمودند: وَهَبْتُ لَكَ الذَّهَبَ لِحُسْنِ ثَنَائِكَ عَلَيَّ اللهُ؛ چون حال خوشی داشتی و خدا را به نیکویی حمد و سپاس می‌کردی این سکه را به تو بخشیدم.<sup>۲</sup>

#### « ۱۰. جلوگیری از سرزنش و تحقیر:

یکی از علل دوری کودکان و نوجوانان از مسجد برخوردهای عتاب‌انگیز عده‌ای از نمازگزاران است. تحقیر و توهین علاوه بر اینکه از منظر شریعت ناپسند و مذموم تلقی می‌شود، سبب ایجاد شکاف میان مسجد و کودک خواهد شد.

باید توجه داشت که در صورت حضور کودکان در مسجد، نمازگزاران نباید آنان را به خاطر برخی اعمال و حرکات که ناشی از مقتضای سنشان است، مورد تحقیر و یا توهین و یا سرزنش قرار دهند؛ تا این کار عاملی بر دور ساختن کودکان از مسجد نشود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هیچ‌گونه توهین و بدگویی نسبت به فرزندان را نمی‌پسندیدند و در مقابل مردی که فرزند خود را نکوهش کرده و عیب‌جویی نموده بود، فرمودند: فرزند او پشتیبان و یاور اوست و دارای شخصیت است و نباید او

۱. علی بن حسام متقی هندی، همان، ج ۷، ص ۷۰۵.

۲. طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۹، ص ۱۷۲.



را تحقیر کرد؛ بلکه باید فرزند را مورد لطف و محبت قرارداد و احترام کرد.<sup>۱</sup> اگر در مسجد از کودکان کار اشتباهی سر زد یا با شیطنت‌های بچه‌گانه خود، دیگران را مورد آزار قراردادند، می‌توان به زیبایی آنان را هدایت کرد و به کار دیگری سرگرم ساخت. زیرا به فرموده امیر مؤمنان (علیه السلام) در تربیت کودکان باید کمتر به آنان غضب نمود و فرمود: در غیر مورد گناه زیاد عتاب نکن.<sup>۲</sup>

#### « ۱۱. میدان دادن به کودکان:

تعیین نقش برای کودکان در مسجد یکی دیگر از عوامل ماندگاری آنان در محیط مسجد است که سبب می‌شود تا با این فضای معنوی آشنایی بیشتری پیدا کنند. بر این اساس اهل مسجد می‌توانند برای سرگرم کردن کودکان؛ با اعطا نمودن نقش‌هایی چون مکتب‌ری، پهن کردن سجاده نماز، پخش مهر و تسبیح، توزیع مصحف‌های شریف بین نمازگزاران، چکاندن گلاب بر دستان نمازگزاران، آنان را به مسجد وابسته کنند و در ضمن این وابستگی به آنان آموزه‌های دینی را آموزش داده تا آنان نیز یکی از اهل مسجد شوند.

#### « ۱۲. احترام کودک:

نمازگزارانی که به کودکان در مسجد احترام می‌گذارند و وجودشان را در مسجد گرامی می‌دارند، هم به حفظ شخصیت کودک کمک می‌کنند و او را بزرگوار و باشخصیت بار می‌آورند و هم علاقه او را به مسجد و مسجدی دوچندان خواهند کرد. همچنین با این احترام، کودک تا میزانی خودنگهدار می‌شود و از او کمتر حرکات بچه‌گانه در مسجد سر خواهد زد.

۱. علی بن حسام متقی هندی، همان، ج ۱۶، ص ۵۸۴.

۲. حسن بن علی ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۸۷.

## بخش پنجم: کانون مسجد

« الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

وجود مراکز فرهنگی و امکانات جانبی - که برای جوانان و نوجوانان جذابیت خاصی دارند - در کنار مساجد، یکی دیگر از روش‌های جذب آن‌ها به مسجد و آشنا کردنشان با محیط مسجد و اهل مسجد است.<sup>۱</sup>

کانون‌های مساجد در واقع هسته مرکزی فرهنگی و بخش فعال و پویای فرهنگی مساجد هستند که عمدتاً جوان‌محورند و با همت قشر جوان تأسیس می‌شوند و با همکاری و هماهنگی با امام جماعت و هیئت‌امنا می‌توانند در فعال کردن مسجد و توسعه و پویایی همه‌جانبه آن نقشی بی‌بدیل ایفا کنند. چنانکه مقام معظم رهبری (مدظله العالی) خطاب به روحانیون فرمودند: «من سفارش می‌کنم که کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را فراموش نکنید؛ البته با همکاری بسیج. بد است که بین روحانی مسجد و بسیج مسجد، اختلاف به وجود بیاید. با همکاری بسیج، این کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد را مؤثر کنید، برایش کار کنید».<sup>۲</sup>

۱. بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹.

۲. رک: سید مهدی بهشتی، همان.

در مصوبه ۳۰۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی مأموریت‌های مختلفی به ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد سپرده شده است؛ از جمله موضوع راه‌اندازی کانون‌های فرهنگی هنری، تجهیز کتابخانه‌ها و آموزش نیروهای مستعد و جوان که به مساجد رفت‌وآمد دارند و علاقه‌مند هستند در دوره‌های مختلف حضور پیدا کنند. بر همین اساس راه‌اندازی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد از سال ۱۳۷۱ کلید خورد و اولین کانون فرهنگی هنری با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت (دکتر لاریجانی) و مرحوم آیت‌الله مهدوی کنی (ره) افتتاح شد. همچنین بر اساس مصوبه ۳۰۲ مورخ ۷۱/۱۲/۱۸ شورای عالی انقلاب فرهنگی و تصویب شورای فرهنگ عمومی در مهرماه ۱۳۷۲ اهداف کلی کانون در راستای تحقق ارزش‌ها و اصول سیاست فرهنگی جمهوری اسلامی ایران به شرح زیر است:

- تبلیغ، گسترش و تعمیق فرهنگ روح‌بخش اسلام و تأکید بر آرمان‌ها و ارزش‌های معنوی و فرهنگ اسلامی.
- گسترش زمینه مشارکت و مباشرت مردم در امور فرهنگی، هنری، اجتماعی، علمی.
- همگانی و عمومی نمودن تمامی عرصه‌های فرهنگی و هنری و تحقق آزادی مناسبت‌های فرهنگی مردمی.
- زمینه‌سازی برای حضور فعال جوانان و نیروهای متعهد در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و هنری و شناسایی و تربیت استعداد‌های درخشان و استفاده از اوقات فراغت جوانان و حفظ و ترویج فرهنگ بسیجی.
- ارائه و عرضه فعالیت‌های فرهنگی، هنری بر اساس موازین و ضوابط اسلامی و ایجاد جاذبه‌های فرهنگی هنری و کانون‌های پر تحرک و فعال مذهبی، اجتماعی و مردمی در مقابله با تهاجم فرهنگی مبتذل استکبار و کفر جهانی.

کیفی سازی کانون‌های فرهنگی هنری مساجد با محوریت ائمه جماعات مساجد کشور همواره در دستور کار بوده است و این حرکت کمی با کیفیت نسبی همراه

بوده است و روزبه‌روز به هر دو جنبه آن به شکل جدی توجه می‌شود. فعالیت‌های متنوع قرآنی، برگزاری دوره‌های هدفمند آموزشی، تخصصی شدن کانون‌ها، حضور در مساجد دانشگاه‌ها، راه‌اندازی مراکز دیجیتال، تجهیز کتابخانه‌های مساجد به کتاب‌های مفید و مواردی از این قبیل همه حاکی از توجه به موضوع کیفی‌سازی فعالیت‌های کانون‌های فرهنگی هنری مساجد است. کانون در کنار فعالیت‌های مسجد با حضور جدی و فعال خود موجب هم‌افزایی نیروها و تسریع عملکرد و عوامل و ارکان مؤثر در مسجد می‌شود.

## « ب:وضع موجود

تعداد کانون‌ها برحسب آنچه اعلام‌شده در حد مطلوبی است؛ بدین معنی که به اهداف چشم‌انداز کوتاه‌مدت خود که نیل به پوشش ۲۵ درصدی مساجد (حدود ۲۰ هزار مسجد) از کانون‌ها در پایان برنامه پنجم بوده، تقریباً نائل شده و برحسب آمار منتشرشده از جانب نهادهای رسمی به رقم ۱۹ هزار کانون در اسفند ۱۳۹۳ رسیده است.<sup>۱</sup> البته هنوز موفق نشده به هدف نهایی و بلندمدتش که پوشش سراسری مساجد از کانون‌هاست برسد و مساجد زیادی (تقریباً سه‌چهارم از آن‌ها) بدون کانون هستند.

در نگاه آماری تفصیلی، آمارهای موجود در زمینه کانون‌ها، منسجم و به‌روز نیستند؛ بخشی از آمارهای موجود در این زمینه به شکل زیر است:

### ۱. فراوانی کانون‌ها

توزیع فراوانی کانون‌ها و اعضای تحت پوشش در سال‌های ۱۳۸۱ - ۱۳۷۲

عناوین شاخص	واحد معترف	سال پایه ۱۳۷۲	سال‌های مورد بررسی					جمع
			۱۳۷۴	۱۳۷۶	۱۳۷۸	۱۳۸۰	۱۳۸۱	
تعداد کانون	باب	۱۴	۴۰۴	۷۴۰	۱۰۱۴	۱۲۱۴	۱۳۳۵	---
تعداد افراد تحت پوشش	نفر	۱۴۸۰	۷۲۷۲۰	۱۷۷۶۰۰	۲۷۳۷۸۰	۳۴۹۵۶۲	۳۹۵۰۰۵	۱۹۵۸۷۸۶

منبع: گزارش ده‌ساله ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲-۱۳۸۲

چنانکه مشاهده می‌شود از ابتدای کار تأسیس کانون‌ها، تعداد آن‌ها به نحو شتابنده‌ای در افزایش بوده است؛ به‌طوری که در آمار جدول بالا این موضوع تا سال ۱۳۸۱ قابل مشاهده است. پس از آن نیز این روند ادامه داشته است؛ به‌طوری که تعداد ۵۰۶۷ کانون فرهنگی در مساجد در سال ۱۳۸۷ وجود داشته است؛ در

۱. اظهارات مسئولان سازمان امور مساجد کشور در اسفند ۱۳۹۳.

اسفند ۱۳۹۳ از وجود ۱۹ هزار کانون در سطح کشور خبر داده شد. البته این نکته قابل ذکر است که عبارت «تحت پوشش» در جدول، مبهم و اجمالی است و معلوم نیست که منظور از آن در چه حدی از ارتباط‌گیری فرهنگی با افراد است؟! آیا صرفاً ثبت‌نام برای تحت پوشش قرار گرفتن کفایت می‌کند؟ آیا حضور در نماز به‌منزله تحت پوشش قرار گرفتن است؟ یا اینکه با شرکت افراد در فعالیت‌های کانون و در حد معینی حاصل می‌شود؟ خصوصاً که میانگین ۲۹۵ نفر عضو برای هر کانون در سال ۱۳۸۱ شمارش شده است که اندکی محل تأمل است؛ به‌ویژه با این توصیف که حدود نصف بیشتر کانون‌ها در روستاها است.

برحسب سیاست‌گذاری صورت گرفته در برنامه پنجم توسعه، تصمیم بر آن بود که ۶۰ درصد کانون‌ها در روستاها که امکانات کمتری دارند برپا شود، این امر تا حدود زیادی محقق شده است؛ چنانکه توجه به داده‌های اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی برخی استان‌ها در اسفند ۱۳۹۳ که در ذیل آمده حاکی از آن است که:

- ۶۱ درصد کانون‌های مساجد خراسان شمالی در روستاها هستند.
- ۶۰ درصد کانون‌های مساجد استان خراسان رضوی روستایی هستند.
- ۶۸ درصد از کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد استان زنجان روستایی هستند.
- ۴۰ درصد کانون‌های فرهنگی مساجد آذربایجان غربی روستایی و عشایری هستند.
- ۶۰ درصد کانون‌های مساجد خراسان جنوبی روستایی هستند.
- ۶۸ درصد کانون‌های مساجد در گیلان در روستاها هستند.

برحسب آمار چند سال پیش (حدود ۱۳۸۷) از مجموع کانون‌های فرهنگی و هنری سطح کشور ۴۵ درصد در سطح مناطق روستایی و ۵۵ درصد در مناطق شهری فعال بودند و در انتهای سال ۱۳۹۳ از مجموع حدود ۲۰ هزار کانون در کشور، حدود ۸ هزار و ۸۰۰ کانون در روستاهاست.

در خصوص اینکه فلسفه چنین سیاست‌گذاری چه بوده جایی ذکر نشده و صرفاً همان است که گفته شد؛ ولی به نظر می‌رسد بی‌توجهی به کانون‌های مساجد شهری چندان به صواب نباشد؛ زیرا اولاً نیازهای فرهنگی کودکان و نوجوانان و جوانان شهری به مراتب بیشتر از امثال آن‌ها در روستاهاست؛ ثانیاً سیر مهاجرت‌ها به شکل شتابانی از روستاها به شهرهاست؛ به طوری که هرروزه مخاطبان و یا افرادی که در حوزه جغرافیایی مساجد هستند در روستاها کاهش و در شهرها افزایش پیدا می‌کند. جالب است که بدانیم برحسب آمار اخیر وزارت کشور ۳۴ هزار روستای کشور خالی از سکنه شده‌اند. این موضوع علاوه بر تأسف شدید در حوزه سبک زندگی، از حیث موضوع مسجد و مسجدپردازی نیز حائز اهمیت است و لازم است نهادهای متولی مسجد سیاست‌ها و رویکردهای خود را با توجه به این واقعیت‌ها طراحی کنند و پیش ببرند.

### ۳. رتبه فعالیت کانون‌ها

جدول کمی کانون‌ها بر اساس درجه و صدور مجوز در کل کشور در سال ۱۳۸۱

تعداد کانون بر مبنای درجه						تعداد بر مبنای مجوز صادر شده				
۱	۲	۳	۴	۵	در حال درجه بندی	جمع	هیئت	ستاد عالی	در حال صدور مجوز	جمع
۱	۵۰	۲۵۴	۵۹۸	۳۱۳	-	۱۲۱۴	۶۰۶	۱۸۷	۴۲۱	۱۲۱۴

منبع: گزارش ده ساله ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۲-۱۳۸۲

چنانکه مشاهده می‌شود تعداد اندکی از کانون‌ها دارای فعالیت رتبه ۱ و ۲ هستند و بخش قابل توجهی از آن‌ها در رتبه‌های پایین فعالیت قرار دارند. این موضوع زمانی حائز اهمیت می‌شود که متوجه شویم بر حسب اظهارات مسئولان، حتی همه کانون‌های دایر شده فعال نیستند و بلکه برخی از آن‌ها که آمار دقیقشان در دست نیست، نیمه فعال و یا راکد هستند؛ به‌رحال امیدواریم هدف و اولویت، نام‌گذاری محلی در مساجد تحت عنوان کانون به‌منظور نیل به چشم‌انداز رقمی اعلام‌شده، بدون توجه به کیفیت و محتوای فعالیت کانون‌ها نباشد.

یکی از محققان در این زمینه می‌گوید: از تعداد حدود ۵۸۰۰ مسجیدی که در سطح کشور اعلام‌شده است، تنها نیمی از آن‌ها مشغول به فعالیت هستند و رقمی کمتر از ۱۰ درصد آن‌ها دارای کانون فرهنگی و فعالیت‌های فرهنگی منسجم هستند ضمن اینکه غالب مساجدی هم که دارای فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی هستند، از داشتن استراتژی مشخص در زمینه این‌گونه فعالیت‌ها محروم هستند.<sup>۱</sup>

همچنین گفته شده است که تعداد ۱۸۰۰ کتابخانه در مساجد کل کشور در سال ۸۷ وجود داشته است که شامل ۱۰۱۶۴ هزار نسخه کتاب بوده است.<sup>۲</sup> این موضوع نیز باید بررسی شود که سطح فعالیت کتابخانه در چه حدی است و چقدر از نیازهای کودکان و نوجوانان را می‌توانند پوشش دهند؛ علاوه بر اینکه دنیای رسانه‌های

۱. امید عبداللهی شتر خفت، وضعیت مساجد کشور، کتاب مجموعه گزارشات رصدی حوزه دین، ص ۷۸.



آموزشی به نحو چشمگیری از رسانه‌های مکتوب به سمت رسانه‌های صوتی و تصویری پیش‌رفته است؛ لذا نباید از این قافله عقب ماند و همچنان بر روش‌های سنتی اصرار نمود که اختصاص به زمان خود داشتند. جالب اینکه در برخی قوانین نیز به این موضوع اشاره شده است؛ چنانکه در قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، آمده است:

- ماده ۱۰۶: دولت مکلف است به منظور تعمیق ارزش‌ها، باورها، فرهنگ، معنویت و نیز حفظ هویت اسلامی - ایرانی، اعتلای معرفت دینی و توسعه فرهنگ قرآنی، اقدام‌های ذیل را انجام دهد:  
ط - به کارگیری شیوه‌ها و راهکارها و ابزارهای نوین در عرصه تبلیغات دینی.

### ۱-۱. تقویت پشتوانه پژوهشی و آماری:

تحقیقاتی که در حوزه کانون‌های مساجد صورت می‌گیرد، بسیار ضعیف و غیرواقع‌نما هستند؛ تحقیقاتی هستند که علاوه بر رنج بردن از وضعیت کمی، ضعف محتوای کیفی نیز دارند.

این تحقیقات توسط افرادی که صاحب‌نظر در حوزه مسجد و فرهنگ باشند و تحصیلات دانشگاهی خود را به‌طور تخصصی در این رشته‌ها گذرانده باشند نوشته‌نشده است؛ بلکه صرفاً توسط افراد دغدغه‌مندی که البته با کلیت حوزه فرهنگ و مسجد نیز آشنایی دارند به نگارش درآمده‌اند؛ لذا خروجی کار آن‌ها نظام‌مند و برآمده از تحقیقات مبنایی و وضعیت‌سنجی‌های دقیق و علمی نیست و حاصل بارش فکری نویسندگان در این زمینه است.

برای رفع این مشکل مانند سایر عناصر کلیدی مسجد، لازم است توجه جدی به ساختارسازی‌های علمی و تعریف رشته‌های تخصصی - علمی در موضوع مسجد مبذول شود. به‌طوری که موضوعی همچون نقش بایدی و هستی کانون‌ها در ارتباطی نسل کودک و نوجوان با مسجد، به شکل تخصصی و توسط صاحب‌نظران مورد بحث و بررسی جدی و پیگیری قرار گیرد؛ وگرنه در حالت عادی نباید از تحقیقات دفعی و یا پژوهش‌های دوره‌ای - مثلاً در سالی که نهاد مسجد روی موضوع کودک و نوجوان تمرکز پیدا کرده است صورت می‌گیرند - انتظار برونادهای علمی عمیق و درخور را داشت.

اگر پشتوانه پژوهشی این موضوع چنانکه گفته شد، تقویت شود، آنگاه می‌توان امیدوار بود تا در دو مورد ذیل به نتایج کلیدی و اساسی دست پیدا کرد؛ این دو مورد عبارت‌اند از:

۱. تعیین اولویت‌های فعالیت کانون‌ها برحسب مکان‌های مختلف: یکی از نیازهای پژوهشی عمده و اولویت‌دار در بحث کانون‌های مساجد، تعیین اولویت‌های فعالیت

کانون‌ها برحسب اقتضائات زمانی و مکانی مختلف است. خروجی کارهای پژوهشی در این حوزه که لازم است به شکل مستمر ادامه داشته و به‌روزرسانی و اصلاح شوند، آگاهی از فعالیت‌های اولویت‌دار کانون‌ها در شکل عمومی و اختصاصی است؛ با این توضیح که نهادهای متولی مساجد و کانون‌های مساجد باید طی یک فرایند علمی، به‌صورت سالانه مشخص نمایند که فعالیت‌های عمومی اولویت‌داری که لازم است تمام کانون‌ها آن‌ها را مدنظر قرار دهند چیست؟ و در گام بعدی برحسب وضعیت استقرار مسجد (شهری یا روستایی، محله‌ای یا جامع، با نماز جماعت یک وعده‌ای یا بیشتر، با میزان مخاطب الف یا بیشتر و کمتر و ...)، اولویت‌های فعالیت‌های اختصاصی هر کدام از گروه‌های مساجد را مشخص نمایند.

**۲. تعیین اولویت‌های مساجد در تأسیس کانون:** نیاز عمده دیگر در خروجی پژوهش‌های این حوزه، تعیین مساجد اولویت‌دار در خصوص تأسیس کانون در آن مساجد است. در حال حاضر همه مساجد بنابر فرض فعال بودن همه کانون‌ها، واجد کانون نیستند و صرفاً ۲۵ درصد آن‌ها -چنانکه آمار آن بیان شد- دارای کانون هستند و از طرفی وضعیت ۷۵ درصد مساجد باقی‌مانده یکسان نیست؛ این مساجد نه نیازهای فعالیتی یکسانی دارند و نه امکانات تأسیس و اداره کانون یکسان. بلکه هر کدام برحسب عوامل و شرایط مختلفی که با آن مواجه است، از وضعیت متفاوتی برخوردارند که لازم است با اطلاع از این‌ها، مساجد اولویت‌دار در تأسیس کانون شناسایی شوند.

ضمناً توجه به این بُعد از مسئله نیز در پژوهش‌های کانونی خالی از وجه نیست که لازم است ساختار کانون‌ها و امکانات موردنیاز آن‌ها موردبررسی علمی قرار گیرد و چنان نباشد که فقط یک تعریف سخت‌افزاری از امکانات کانون‌ها و برای همه مساجد کشور با تمام تفاوت‌هایی که دارند داشته باشیم.

در انتها لازم به ذکر است که برحسب تحقیقی که در موضوع مسجد اخیراً صورت گرفته از برخی نهادهای متولی مسجد از امکانات و فعالیت‌های کانون‌ها سؤال شده که متن سؤال و جمع‌بندی جواب‌های ارائه‌شده به شرح ذیل است:

● **سؤال:** آیا برای هر مسجد لازم است یک کانون فرهنگی-هنری و یک سایت و یک نشریه منظور شود؟ کدام دسته مساجد باید چنین واحدهایی داشته باشند؟

● **جواب:** با توجه به اینکه بر خورداری از ارتباط مجازی در فضای مجازی برای مساجد یک ضرورت است و وجود سایت برای این منظور لازم و ضروری است، لذا مرکز رسیدگی به امور مساجد موظف است ساز و کار لازم همراه با برنامه زمان بندی تحقق این امر را ظرف ۶ ماه آینده بر آورد نموده و جهت تحقق آن، الزامات قانونی مورد نیاز را از مراجع قانونی کسب نماید.

برنامه ریزی عملیاتی جهت بر خورداری ۳۰ درصد مساجد از کانون فرهنگی هنری مساجد تا پایان برنامه پنجم توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ظرف مدت ۴ ماه انجام خواهد شد.

مساجد جامع مناطق شهری که عهده دار حمایت و هماهنگی و رسیدگی به امور مساجد محلی (۵-۷ مسجد) هستند، لازم است دارای کانون فرهنگی-هنری، سایت و یک نشریه باشند. مرکز رسیدگی به امور مساجد با هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی وظیفه دارد آیین نامه لازم را تهیه و به تصویب شورای عالی مساجد برساند.<sup>۱</sup>

در تحلیل این جواب گفتنی است این پاسخها ضمن روشن نمودن بارقه های امید مبنی بر توجه به رویکردهای مذکور، نشان از نگاه کلی و اجمالی در این زمینه دارد و از جزئیات و تفصیل های مورد شرح فاصله دارد.

### ۱-۲. تقویت پشتوانه قانونی:

گام بعد از پژوهش، فراهم ساختن بسترهای حمایتی قانونی و دستورالعملی از مجاری رسمی است که در این خصوص نیز لازم است نهادهای متولی فعال تر ظاهر شوند؛ به طوری که در حال حاضر قوانین اندکی که در این خصوص وجود دارند، صرفاً به دستور تأسیس کانون در مساجد توجه دارند و دیگر اینکه این تأسیس و راه اندازی،

۱. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۰۷.

با کدام سازوکار حمایتی مادی و معنوی باید باشد، تقریباً همه آنها ساکت هستند و حال آنکه قسمت اصلی کار و سختی ملموس در بحث ایجاد کانون همین بخش است و گرنه اینکه گفته شود فلان نهاد تا پایان فلان برنامه لازم است این تعداد کانون را فعال نماید، چندان کار بزرگی به نظر نمی‌رسد!

بر همین اساس در قانون برنامه دوم توسعه تبصره ۶۰ بند ل آمده است:

● «تبصره ۶۰ - به منظور پربار کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان و بالندگی نسل جوان کشور، دولت موظف است امکانات ذیل را فراهم نماید:

#### « ل - توسعه و تجهیز کانون‌های فرهنگی - هنری مساجد.»

بنابراین برای این امر که به منزله تقویت یکی از ستون‌های فرهنگی نظام است، کانون فرهنگی-هنری که در حکم روح و جان مساجد است، مساجدی که سنگرهای نظام و انقلاب بودند و هستند و در مواقع حساس و خطر، خط مقدم جبهه مبارزه با دشمن را تشکیل می‌دهند و زودتر از سایر افراد و نهادها به یاری آرمان‌های نظام می‌شتابند، لازم است بودجه درخور و با سرفصل مشخص و معین بدان‌ها اختصاص یابد؛ بودجه‌ای که در شأن یک نظام و حکومت فرهنگی و فرهنگ‌محور باشد.

لازم به ذکر است که پس از گذشت حدود چهار دهه از انقلاب و با افزایش متوالی بودجه‌های فرهنگی به‌طور سالانه از اول انقلاب، در حال حاضر، سهم بودجه بخش فرهنگ از کل بودجه، صرفاً نیم درصد است!

#### ۱-۳. توجه به حمایت‌های مادی ثانویه و لوازم سخت‌افزاری فعالیت‌های کانون‌ها:

در بررسی پیشنهادها عملی برای فعال‌سازی مساجد به‌منظور جذب کودکان و نوجوانان و تقویت ارتباط با آنها، با بخشی مواجه می‌شویم که با فعالیت کانون‌های مساجد و وظایف آنها بیشتر همخوانی دارد؛ مثل این مورد که:

مساجد فعال، با هدف تشویق و ترغیب نمازگزاران نوجوان و جوان لازم است اردوگاه‌ها و مکان‌های تفریحی را برای آنان مهیا نمایند تا در زمان فراغت بتوانند با برنامه‌ریزی منسجم و منظم، زمینه ترغیب نوجوانان و جوانان را برای افزایش

اقبال و حضور، در مساجد فراهم سازند.<sup>۱</sup> مسجد برای جذب کودکان نوجوانان، باید فعالیت‌های گوناگونی انجام دهد تا هر گروه از کودکان و نوجوانان را با یک شیوه به‌سوی خود بکشد.

حال آنچه در این راهکار مدنظر است و باید مورد توجه باشد، آن است که حمایت‌های مالی صرفاً در مرحله تأسیس و راه‌اندازی کانون‌ها تعریف نمی‌شود بلکه این تازه قدم اول راهی است که قسمت عمده هزینه‌هایش هنوز شروع نشده و نیازمند حمایت‌های به‌مراتب بیشتر در گام‌های بعدی است؛ بدین معنی که در گام بعدی که کانون شروع به فعالیت نمود، فعالیت‌های فرهنگی آن نوعاً نیازمند صرف هزینه‌های مادی است و به‌قول معروف «بی‌مایه فتیرند»؛ لذا هر چند اعتقاد و نگرش نگارنده بر وابسته بودن و لازم و ملزوم بودن کار فرهنگی با امکانات مورد نیاز و حمایت‌های مالی نیست و این عقیده را ندارد که در غیاب امکانات، امکان فعالیت فرهنگی وجود ندارد و بلکه بر عقیدهٔ حرف بزرگ‌مرد عرصه قلم و رشادت، یعنی شهید بزرگوار آوینی است که فرمود: «هر جا امکانات هست کار نیست و هر جا کار هست امکانات نیست»<sup>۲</sup> و چنان نیز نمی‌اندیشد که با فراهم شدن حتی تمام امکانات مورد نیاز، معجزه فرهنگی رخ می‌دهد؛ اگر نگوئیم ورود بی‌رویه امکانات و مواجهه دست‌اندرکاران با درهم و دینار دنیا، خود خطری جداگانه دارد، لیکن با تمام این حرف‌ها، بر این عقیده است که وجود حداقل‌هایی از امکانات مادی، برای شکل گرفتن فعالیت‌ها غیر قابل کتمان است و نوعاً نمی‌توان بدون داشتن هیچ‌چیز، دست به کارهای اثرگذار زد و انتظار کانون‌های فعال داشت؛ چنانکه اگر شهید آوینی امکاناتی چون دوربین و امکانات چاپ مکتوباتش فراهم نبود، نمی‌توانست فعالیت نماید و اثرگذار باشد! و به‌بیان دیگر با توجه به اهمیت گستردگی فعالیت‌های مسجد و ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی، امروزه مساجد بدون داشتن برخی از امکانات مادی و سخت‌افزاری اولیه نمی‌توانند با نهادهای به‌ظاهر فرهنگی رقیب رقابت کنند.

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۵۶.

۲. اظهارات مسعود ده‌نمکی در مراسم بزرگداشت خود در افتتاحیه جشنواره فیلم عمار ۱۳۹۳ به نقل از شهید آوینی.

#### ۱-۴. توجه به ابزارهای نوین و حرکت بر مدار تغییر:

رویکرد فعالیت‌های کانون‌ها خصوصاً در بحث جذب کودکان و نوجوانان، ناگزیر باید بر مدار استفاده از ابزارهای جدید و فناوری‌های مدرن در حد نیاز باشد؛ وگرنه توقف در ابزارهای سنتی و صرفاً خوشایند افراد سالخورده، امیدهای مسجدی شدن کودکان و نوجوانان را به کلی از بین خواهد برد.

یکی از محققان در تبیین جزئیات این محور پیشنهادهایی چند دارد که بدین شرح‌اند:

۱. بهره‌گیری از فناوری نوین ارتباطی (ICT، T، اینترنت و اینترانت). می‌تواند گذر مساجد را از مرحله سنتی به مرحله مدرن و استفاده از فناوری ارتباطی تسهیل سازد. در این میان، استفاده از نوجوانان و جوانان علاقه‌مند به امور ارتباطی و شبکه‌ای و به‌کارگیری آنان در فعالیت‌های مسجد، ضمن بهره‌مندی از این فن روز، مشارکت فعال آنان را نیز در مساجد فراهم خواهد نمود.

۲. راه‌اندازی سایت اینترنتی برای مخاطبان مسجد، (طراحی، مدیریت و به‌روز کردن سایت ویژه مسجد محل که به نمازگزاران همان مسجد، به‌ویژه نوجوانان و جوانان سپرده شود) و معرفی سایت‌های علمی و آموزشی با هدف بهره‌گیری از محیط علمی و آموزشی هدفمند و جهت‌دار سایت.<sup>۱</sup>

۳. بهره‌گیری از متدهای نوین علوم مرتبط (علم روان‌شناسی و تربیتی روز) در ایجاد تغییر رفتار و نگرش در شیوه صحیح ارضای نیازهای نوجوانان و جوانان مؤثر است. این کار می‌تواند همچنین با هدف ایجاد تعادل در نیازهای روحی، روانی و فرهنگی اقشار جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان صورت گیرد که از این طریق و با تقویت نیازهای متعالی، زمینه نفوذ و گسترش فرهنگ مهاجم و مادی از میان برداشته می‌شود.<sup>۲</sup>

طبیعتاً این پیشنهادها بخشی کوتاه از پیشنهادهای لازم آن هم مربوط به حدود یک دهه پیش هستند و لذا با گذر زمان خصوصاً در عصر فعلی که با تغییر و

۱. محمدعلی موظف‌رستمی، همان، ص ۲۶۶-۲۶۷؛ ۲۶۸-۲۷۹.

۲. همان، ص ۱۹۷-۱۹۸.

تحولات سریع همراه است، باید این پیشنهادها نیز به روزرسانی و اصلاح شوند؛ به طوری که در حال حاضر یعنی سال ۱۳۹۴ و آن هم در ابتدای سال، توجه به ابزار شبکه‌های اجتماعی موبایلی و اینترنتی یا اپلیکیشن‌هایی همچون اینستاگرام، می‌تواند مورد توجه باشد.



## ۲. راهکارهایی برای اقدامات پیش رو

آنچه تا به حال گفته شد، راهکارهای مبنایی و از نوع آموزش ماهی‌گیری بود؛ ولی لازم است برحسب شرایط موجود و با وضع فعلی فعالیت‌های کانون‌ها نیز پیشنهادهایی هرچند غیرساختاری ارائه شود؛ راهکارهایی که به قول معروف دم‌دستی هستند و با اشاره مستقیم به خود فعالیت‌ها، از نوع دادن ماهی به شمار می‌روند.

این راهکارها که با رویکرد جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و تقویت ارتباط آن‌ها با این کانون معنویت، برای خود کانون‌ها عرضه می‌شود عبارت‌اند از:

### ۲-۱. برگزاری مسابقه‌ها:

برگزاری مسابقه‌ها یکی از فعالیت‌های پر دامنه و کم‌هزینه مسجد است که در صورت مدیریت صحیح، درآمدزا نیز خواهد بود. کودکان و نوجوانان روحیات گوناگونی دارند. برخی به ورزش، برخی به هنر و برخی به فعالیت‌های دیگر علاقه‌مند هستند. برگزاری مسابقه‌های قرآن، خطاطی، نقاشی، نویسندگی، خاطره‌نویسی، عکاسی و طراحی، در موضوعی متناسب با مناسبت‌های مذهبی در رده‌های سنی گوناگون، فعالیت‌ی مؤثر و مفید است. حضور امام جماعت در هنگام برگزاری مسابقه‌ها یا اعلام نتایج در ایجاد و گسترش ارتباط او با کودکان و نوجوانان مؤثر است. همچنین مسابقه‌های حضوری به صورت پرسش و پاسخ در مسجد، هنگام مراسمی که در مناسبت‌های مذهبی برگزار می‌شود، همراه با اهدای جوایز می‌تواند قابل توجه باشد.

### ۲-۲. سفرهای زیارتی و سیاحتی:

کودکان و نوجوانان، روحیه پرشور و بانشاطی دارند که در راه هدایت آنان باید از این روحیه استفاده کرد. مسافرت ابزار مناسبی در این راستا به شمار می‌رود. مسافرت علاوه بر اینکه سبب شادابی روح و روان می‌شود، ابزار فرهنگی و تبلیغاتی مناسبی است که اگر مسئولان اردو به آن توجه کنند، بسیار مفید خواهد بود. اردو و مسافرت‌های دسته‌جمعی از سوی مسجد که با حضور امام جماعت، برخی

از اعضای هیئت‌امنا و افراد متعهد مسجدی برگزار می‌شود از راهکارهای جذب کودکان و نوجوانان به مسجد و تقویت ارتباط آن‌ها است.

### ۲-۳. برگزاری کلاس‌های آموزشی:

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مسجد، مسائل آموزشی است. هرچند بسیاری از نوجوانان از درس و کلاس‌گریزان هستند، ولی برگزاری برخی کلاس‌های آموزشی موردعلاقه آنان در جذبشان مؤثر است. کلاس‌های آموزشی ورزشی و هنری علاوه بر اینکه به امکانات زیادی احتیاج ندارد، موردعلاقه و اشتیاق نوجوانان نیز هست. این کلاس‌ها در رشته‌های خیاطی، گلدوزی، گل‌سازی، هنرهای دستی، خطاطی، نقاشی و طراحی، عکاسی و فیلم‌برداری، ورزش‌های رزمی و شنا برای خانم‌ها و آقایان، قابل برگزاری است. برای افزایش سطح کمی و کیفی کلاس‌ها، هیئت‌امنا باید با بخش آموزشی‌های فنی و حرفه‌ای وزارت آموزشی و پرورش هماهنگی کند. برگزاری برخی کلاس‌های کمک‌درسی، آموزش زبان و کامپیوتر در داخل مسجد یا خارج از مسجد، با برنامه‌ریزی و هماهنگی مسجد ممکن است.<sup>۱</sup>

### ۲-۴. حضور شخصیت‌های موجه و محبوب نوجوانان در مسجد:

انسان در مراحل گوناگون زندگی خویش به الگو نیاز دارد؛ زیرا با افزایش سن و تجربه‌های ذهنی، تقلید به صورت آگاهانه صورت می‌گیرد و با اراده انجام می‌شود در این حال، فرد می‌کوشد خود را با شخص یا اشخاصی که افرادی قابل قبول هستند همسان کند و نگرش‌ها و ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی آن فرد یا اشخاص را برای خود سرمشق قرار دهد.

یکی از خواسته‌های اجتماعی نوجوانان الگوپذیری است. او در جامعه، خواستار کسانی است که در رفتار و گفتار برای او الگو باشند. هیئت‌امنا باید شخصیت‌های محبوب نوجوانان را در سطح شهر و محل شناسایی کرده و آنان را به مسجد دعوت کند تا در جمع نمازگزاران حاضر شوند یا اینکه اگر شخصیت برجسته و توانایی است، مراسم سخنرانی برای او تشکیل دهند.

۱. عسکری اسلامپور کریمی، همان، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵.

این کار با مشورت و همکاری خود نوجوانان امکان پذیر است. دعوت از هنرمندان، ورزشکاران و دیگر شخصیت‌های محبوب نوجوانان، برای حضور در میان نمازگزاران، حرکت مثبتی است که چگونگی آن را موقعیت جغرافیایی مسجد و سطح فرهنگی محل تعیین می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۲-۵. مسئولیت دهی به کودکان و نوجوانان در مسجد:

بسیاری از کودکان و نوجوانان به علت ضعف در انجام برخی امور و یا عدم تصمیم‌گیری درست، از جانب والدین و اطرافیان مورد انتقاد واقع شده و یا به راحتی اجازه انجام برخی از فعالیت‌ها به آن‌ها داده نمی‌شود؛ بنابراین یکی مشکلات فرزندان در هر گروه سنی، عدم توجه به توانایی‌ها و استعدادهای ایشان از طرف والدین و مربیان است. در حالی که کودکان و نوجوانان از همان سنین پایین علاقه‌مندند تا خود را به بزرگ‌ترها ثابت کنند؛ به همین خاطر است که وقتی ایشان، کاری را به تنهایی انجام می‌دهند و یا حتی در کار مهمی مشارکت می‌کنند، سعی دارند آن کار را برای دیگران بازگو کرده و حتی منتظر تشویق و تصدیق دیگران هستند. همچنین عموماً فرزندان از محدودیت‌هایی که در دوران کودکی برایشان ایجاد می‌شود، به شدت گریزان هستند. محدودیت‌هایی مثل اینکه برخی از وسایل منزل در اختیارشان قرار نمی‌گیرد، اجازه تماشای بعضی از برنامه‌ها را ندارند، اجازه مصرف هر خوراکی را ندارند و حتی هر زمانی که اراده کنند نمی‌توانند مشغول بازی شوند. وجود این محدودیت‌ها، یکی از انگیزه‌هایی است که باعث شده اکثر کودکان و نوجوانان در آرزوی بزرگ شدن و رسیدن به سنین بالاتر باشند؛ تا جایی که به محض ایجاد استقلال در یکی از فعالیت‌های مورد علاقه خود، بسیار اظهار خوشحال می‌کنند. بر این اساس اصولاً یکی از روش‌های کمک به استقلال و رشد مناسب کودکان نیز مسئولیت دهی متناسب با سلیقه و توان آن‌ها است که مسجد با وجود انواع و اقسام کارهای فرهنگی و تربیتی، فضای خوبی برای مسئولیت‌پذیری کودکان و نوجوانان است و می‌توان با یک برنامه منظم و نیز

۱. لیلا محمدخانی شهری، بررسی عوامل ایجاد پیوند و موانع جذب میان مسجد و جوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۹/۹/۱۱.

شناخت نسبی از افراد، این کارسپاری را، با توجه به نکات گفته شده به مرحله عمل درآورد. تجربه نشان داده است که کودکان و نوجوانان در فضای مسجد شدیداً تمایل به انجام کار، به ویژه در حوزه توان و علاقه مندی خود دارند. بسیج مسجد، از جمله امور قابل تأمل در خصوص کارسپاری است و کودکان و نوجوانان نیز با علاقه در برنامه های آن شرکت کرده و با انگیزه و علاقه بسیاری از انجام فعالیت های آن مرکز استقبال می کنند.<sup>۱</sup>

اهم مسئولیت هایی که می توان به کودکان، نوجوانان و جوانان داد شامل موارد زیر است:

مسئولیت کتابخانه، اذان، اقامه، قرائت قرآن، دعا پس از نماز، کفشداری، پهن کردن سجاده ها، سیستم صوتی، برنامه ریزی و اجرای مناسبت ها، تزئینات و تبلیغات و زیباسازی مساجد، مسئولیت فنی مسجد (با توجه به تخصص دانش آموزان به خصوص رشته های فنی).

گفتنی است در بسیاری از مساجد کشورمان رسم است که کودکان و نوجوانان یک هیئت مخصوص به خود دارند که معمولاً نام یک شخصیت مذهبی در همین سنین را زینت کار خود قرار می دهند؛ مانند هیئت قاسم بن الحسن، هیئت حضرت رقیه و هیئت حضرت علی اصغر. کودکان و نوجوانان معمولاً در هیئت های جوانان و بزرگ ترها در حاشیه قرار می گیرند؛ اما تجربه نشان داده وقتی هیئتی مخصوص خود داشته باشند، همسالان را در کنار خود برای یک کار مشترک می بینند و جنب و جوش خارق العاده ای از خود نشان می دهند و در درازمدت وابستگی عمیقی با هیئت، حسینی و مسجد پیدا می کنند؛ وابستگی ای که معمولاً تا سنین میان سالی و پیری نیز ادامه می یابد. در چنین فضایی است که با مشارکت منظم ایشان و حضور فعالشان، انس با اهل بیت (علیهم السلام) در وجودشان نهادینه می شود. محبتی که سرمایه زندگی دنیوی و اخروی ما شیعیان است.<sup>۲</sup>

۱. داریوش عشقی، مسجد، کودک و مسئولیت دهی، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۱۰/۲۱.  
۲. علی مراد زاده، آموزشگاه مسجد با درس های معنوی برای کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۲/۸.

## ۲-۶. کمک‌گیری در برگزاری نمایشگاه:

به‌عنوان مصداقی از کمک‌گیری از کودکان و نوجوانان در فعالیت‌های فرهنگی که در محور قبلی ذکر شد، می‌توان به کمک گرفتن از کودکان و نوجوانان در برگزاری نمایشگاه‌های متعدد و گوناگون فرهنگی اشاره کرد.

به‌عنوان نمونه برگزاری نمایشگاه‌های کوچک از واقعه‌اشورا توسط کودکان و مسابقات پیرامون این موضوع در مساجد، ارتباط کودک و نوجوان را با مسجد بیشتر نموده و در بالا بردن معرفت آن‌ها نسبت به امام حسین (علیه السلام) کمک زیادی می‌کند. نمایشگاه‌هایی که با کاردستی و هنر کودک و نوجوان شکل بگیرد و وقتی کودک و یا نوجوانی برای یکی از صحنه‌های کربلا یک ماکت درست کند و یا با کشیدن تصویر بخشی از کربلا، با واقعه‌اشورا ارتباط برقرار کند، این موضوع باعث ماندگاری مطلب در ذهن و خاطر آن کودک می‌شود.

بهترین مکان برای برگزاری چنین نمایشگاه‌هایی مسجد است که فضایی را در محوطه مسجد به این امر اختصاص بدهند و آثار کودکان با موضوع‌اشورا و کربلا را برای تماشای عموم به نمایش بگذارند، این آثار باید مورد حمایت امام جماعت مسجد و با تشویق وی صورت پذیرد تا کودکان و نوجوانان به شرکت در چنین نمایشگاهی تشویق شوند.

در این امور (مسابقات) پدر و مادر کودک و نوجوان نیز درگیر شده و آن‌ها هم نیازمند سؤال و مطالعه می‌شوند و این امر باعث بالا رفتن سطح معرفتی خانواده‌ها نسبت به جریان کربلا می‌شود.<sup>۱</sup>

## ۲-۷. برگزاری برنامه‌های مراسم عزاداری و میلادها:

ذکر مصیبت اهل بیت (علیهم‌السلام) منشأ خیرات و برکات فراوانی در زندگی ما شیعیان است؛ چنانکه مرحوم امام (ضوان الله تعالی علیه) فرمودند: این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه‌داشته است.

از طرفی اگر قرار است مطلب و مسلکی در دل و جان افراد بنشیند و با پوست و خونشان انس بگیرد، باید از دوران کودکی به آن مسلک پرداخته شود که این آشنا

۱. داریوش عشقی، همان.

شدن با عظمت و کسب معارف بلند نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) با شرکت در مجالس روزه شروع می‌شود.

مسجد به‌عنوان پایگاه نشر معارف دینی، مکانی مهم در برگزاری روزه‌های مناسبتی برای اهل بیت (علیهم السلام) است. درست است که روزه در مکان‌های دیگر مانند مدرسه، خانه و یا تکایا برگزار می‌گردد، اما نباید فراموش شود که مسجد محور این مجالس است و در زنده نگه‌داشتن این موضوعات نقش اساسی دارد؛ در واقع مجلس روزه، کودکان را در برابر فتنه‌ها و آسیب‌های اعتقادی، بیمه می‌کند. برپایی مجالس روزه مختص کودکان و نوجوانان در کنار مجالس عمومی مسجد، می‌تواند نقش بسزایی در جذب آن‌ها به مسجد و روزه داشته باشد. مجالسی که تا حد امکان از خود بچه‌ها برای روزه‌خوانی و مداحی استفاده گردد تا بتوانند انس و الفت بهتری بگیرند.<sup>۱</sup>

## ۲-۸. تهیه مجله الکترونیک محلی:

نوجوانان توانمندی‌ها و استعدادهای فراوانی دارند که استفاده شکوفاسازی و بهینه‌سازی از آن‌ها در ایجاد اعتماد به نفس و مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است. یکی از این امور که در پرکردن اوقات فراغت و رشد علمی و اجتماعی جوانان بسیار مؤثر است، راه‌اندازی مجله محلی در مسجد است. بهتر است مطالب این مجله با نظارت هیئت‌امنا و امام جماعت در موضوع‌های اجتماعی و دینی و محلی چاپ و در خانه‌های محل، تولید شود. هر یک از نوجوانان با توجه به توانمندی‌ها و علاقه‌اش، قسمتی از کار را بر عهده می‌گیرد. بهتر است برخی مطالب به‌وسیله امام جماعت و هیئت‌امنا تهیه شود. احکام فقهی، مسائل عقیدتی، تفسیر قرآن و روایت‌هایی به‌صورت گذرا و جالب، شخصیت‌شناسی شخصیت‌های بزرگ دینی و ملی، مطالب مورد علاقه جوانان با عنوان‌های گوناگون، همچون پسران نخوانند، دخترها بدانند و مصاحبه با اعضای محل در رده‌های سنی و اجتماعی مختلف می‌تواند از مطالب این مجله الکترونیکی باشد.<sup>۲</sup>

۱. همان.

۲. ر.ک: عسکری، اسلامپور و کریمی، همان.

## بخش ششم: هیئت امنا

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

هیئت‌امناى مسجد نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود روابط کودک و نوجوان با مسجد و یا احیاناً تضعیف آن دارد. هیئت‌امنا از چند طریق می‌تواند در این روند تأثیرگذار باشد:

اول از این حیث که متولی مسجد و به‌نوعی صاحب‌خانه نیابتی است و لذا نوع رفتار و مواجهه‌اش با مهمانان که همان نمازگزاران‌اند بسیار تعیین‌کننده است؛ خصوصاً اگر مهمان از نوع کودک و نوجوان باشد و چندان نتواند تمایز قائل شود بین رفتار هیئت‌امنا با خوب یا بد بودن اصل مسجد که در چنین حالتی رفتارهای تشویق‌کننده و مثبت هیئت‌امنا سبب ایجاد تصویر مثبت از دین و نهاد مسجد در اذهان کودکان و نوجوانان خواهد شد و احیاناً رفتارهای منفی و بازدارنده سبب گریز کودک و نوجوان از مسجد و مسجدی خواهد شد.

دوم اینکه نوع رفتار هیئت‌امنا با کودکان و نوجوانان، در جهت‌گیری رفتاری والدین آنها نیز تعیین‌کننده است؛ رفتار با متانت و صبورانه هیئت‌امنا سبب دلگرمی والدین نسبت به حضور خود همراه با فرزندان در نماز جماعت و سایر

فعالیت‌های مسجد خواهد شد و متقابلاً مواجهه نامناسب با فرزندان، به شکل غیرمستقیم در حضور والدین و نیز فرزندانشان تأثیرگذار خواهد بود؛ زیرا چه بسا فرزند در سنی باشد که رفتار نامناسب هیئت‌امنا را چندان متوجه نشود و درک نکند ولی بی‌تردید رفتارهای دور از شأن دیگران را والدین کودک به خوبی درک می‌کنند؛

اما وجه سوم با وجوه اول و دوم که مربوط به عملکرد اخلاقی هیئت‌امنا بود فرق دارد و به عملکرد مدیریتی آن‌ها مرتبط است؛ اعضای هیئت‌امنا چنانکه در تبیین وظایفشان گفته خواهد شد، بیشترین نقششان از حیث مدیریت امور مسجد و تأثیر غیرمستقیم بر فرایندهاست و چنان نیست که هیئت‌امنای مطلوب، خود به صورت مستقیم در فعالیت‌ها ورود پیدا کنند؛ هیئت‌امنا نه برای مردم نماز جماعت می‌خواند، نه کار فرهنگی انجام می‌دهد و نه برای کودک و نوجوان برنامه‌های جذاب اجرا می‌کند؛ بلکه با اعمال مدیریت در انتخاب امام جماعت و فعال نمودن کانون‌های هنری و فرهنگی مساجد و در نظر گرفتن فضاهای سخت‌افزاری لازم برای کودکان و نوجوانان، اهداف و رسالت‌های مسجد را به شکل غیرمستقیم به سرانجام می‌رساند و لذا نقش دیگر هیئت‌امنا نقش مدیریتی بر تمام ارکان مسجد و نظارت بر نحوه عملکرد آن‌ها و احیاناً اعمال تغییرات و اصلاحات در روندها و عملکردهاست که نقشی بسیار عمده در منظومه نقش‌ها و عملکردهای نهاد مسجد است.

یکی از محققان در تبیین این وجه از عملکرد هیئت‌امنا می‌گوید: ویژگی‌هایی از جمله آشنایی با دانش مدیریت، ثابت بودن، توانایی تهیه امکانات مالی برای اداره امور مسجد و تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات، حفظ آرامش مسجد، توانایی علمی و دارا بودن دانش لازم درباره مسائل موردنیاز مردم، نظم، ابتکار و خلاقیت از ویژگیهای مدیریتی هیئت‌امنای مساجد است.



**۱. حضور ناکافی:**

هیئت‌امنای مساجد باید کار خود را جدی تلقی کرده و همان اندازه که به شغل خود اهمیت می‌دهند، به وظیفه خود در قبال مسجد نیز باید توجه داشته باشند. گاهی دیده می‌شود که افرادی هیئت‌امنای مسجد هستند که حتی در مسجد حضور کافی نیز پیدا نمی‌کنند. این افراد چگونه می‌توانند اهتمامی در اداره خوب مسجد داشته باشند؟

**۲. ناهماهنگی کاری بین اعضا:**

در حال حاضر عدم تقسیم کار بین هیئت‌امنای مساجد موجب ناکارآمد بودن هیئت و سردرگمی مراجعین گردیده و وجهه هیئت‌امنا را که باید در زمره افراد مشکل حل‌کن باشند مخدوش کرده است.<sup>۱</sup>

**۳. عملکرد اخلاقی نامناسب:**

مجموعه افرادی که در مسجد خدمت می‌کنند اعم از هیئت‌امنا و خادم و سایر افرادی که به‌نوعی در ساماندهی فعالیت‌های مسجد مشارکت دارند، باید رفتاری پرجاذبه، صبورانه و بامحبت نسبت به کودک و نوجوان و جوان داشته باشند و از مشارکت برخی از آنان در امور مسجد استقبال کنند. این در حالی است که؛ هیئت‌امنا، در غالب مساجد کشور نه‌تنها جذبه‌ای برای جذب کودکان و نوجوانان و جوانان ندارند بلکه خود مانع فعالیت بسیج و کانون‌های فرهنگی جوانان هستند.<sup>۲</sup>

۱. داوود ستارزاده، حسینعلی قنادزادگان و مانده یوسف نژاد شیروانی، عوامل مؤثر بر جذب نوجوانان و جوانان به مساجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۴/۷/۲۷.  
۲. محمدرضا حشمتی، همان، ص ۱۹۰.

**۱. تقویت پشتوانه پژوهشی**

همچون سایر عناصر کلیدی مسجد، در اینجا نیز نیازمند تقویت پشتوانه پژوهشی و تعریف جایگاه دانشگاهی برای موضوع هیئت‌امنا در سرفصل‌های مربوط به مسجد و نماز هستیم.

تحقیقات و پژوهش‌ها در این حوزه عمدتاً به دو موضوع خواهند پرداخت:

**الف: چارچوب‌های لازم برای هیئت‌امنا (ویژگی‌های هیئت‌امنا)**

**ب: وظایف هیئت‌امنا**

که البته هر دو مورد برحسب اقتضائات زمانی و مکانی متغیر، متفاوت خواهند بود و لازم است در دوره‌های زمانی مشخص، به‌روزرسانی شوند.

در حال حاضر هیچ نهاد و یا دستگاهی به‌صورت شفاف عهده‌دار چنین مسئولیتی نیست؛ هرچند به‌صورت پراکنده و مبهم و بدون داشتن ضمانت اجرایی در برخی از قوانین و آیین‌نامه‌ها به‌صورت دستوری به آن اشاره گردیده است. چنانکه در قانون برنامه سوم توسعه می‌خوانیم:

- «ماده ۱۶۳ - و - با هدف اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی-فرهنگی محلات، روستاها و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سازماندهی‌شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان اقدامات ذیل در سال‌های برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد: ۱- حمایت مالی، قانونی و حقوقی از پژوهش‌های کاربردی با هدف شناخت راهکارهای اجرایی برای ارتقای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی کشور.»

قابل‌ذکر است در تحقیقی که در این خصوص صورت گرفته و از بایسته‌های هیئت‌امنا و وظایف آن از برخی نهادهای مسئول سؤال شده، نتایج ذیل حاصل شده است:

## ۱-۱. ویژگی‌های فردی اعضای هیئت امناء

- ۱- التزام عملی به اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران و اصل مترقی ولایت مطلقه فقیه.
- ۲- دارا بودن آگاهی و بینش نسبی در امور مذهبی و دینی و جایگاه مسجد.
- ۳- حتی المقدور دارا بودن توانایی‌ها و تخصص‌های لازم در یکی از زمینه‌های دینی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، تربیتی و ورزشی و سایر قلمروهایی که در کارکردهای مسجد مؤثر است.
- ۴- دارای حسن سوابق اخلاقی در سطح شهر یا محل و عدم سوء پیشینه و عدم استعمال و اعتیاد به مواد مخدر.
- ۵- علاقه مند به خدمت در امور و کارکردهای مختلف مسجد.
- ۷- ساکن بودن در حوزه استحفاظی مسجد.

● تبصره: اشخاصی که واجد شرایط فوق‌الذکر هستند در صورتی که دارای تحصیلات بالاتری باشند، ارجحیت دارند.

البته جا داشت که در این قسمت اشاره می‌شد که حتی المقدور از افرادی در هیئت امناء مساجد استفاده شود که حداقل از شَمّ فرهنگی برخوردار باشد و یا مسئولیت امور فرهنگی مسجد با فردی باشد که دارای تجربیات فرهنگی بوده و یا در نهاد و دستگاه فرهنگی شاغل باشد.<sup>۱</sup>

## ۱-۲. وظایف هیئت امناء مسجد

- ۱- بسترسازی مناسب و ایجاد محیط و فضای مطلوب برای اقامه نماز، افزایش حضور نمازگزاران و انجام مراسم و فعالیت‌های دینی، سیاسی و فرهنگی در مسجد.
- ۲- برنامه‌ریزی برای جلب همکاری‌ها و مشارکت‌های مردم و سایر نهادها و ارگان‌ها در حمایت و پشتیبانی از برنامه‌های فرهنگی و عمران مسجد.
- ۳- همکاری جدی با شورای هماهنگی مسجد در کلیه امور.

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۲۰۰.

● ۴- دعوت از کارشناسان، مسئولان، معتمدین و خیرین برای بررسی وضعیت و رفع مشکلات مربوط به مسجد.

● ۵- بررسی و نظارت بر درآمدها، موقوفات و مستغلات مسجد و ساماندهی و ارائه شیوه‌های مناسب جهت استفاده و افزایش درآمدها و نحوه هزینه‌کرد در مسجد.

● ۶- تهیه ترازنامه مالی برای مسجد.

● ۷- برنامه‌ریزی در رابطه با چگونگی دفاع از حق و حقوق مسجد (اصل ۵).<sup>۱</sup>

اخيراً در اسفند سال ۱۳۹۳ نیز مجلس شورای اسلامی در بررسی طرح یک‌فوریتی حمایت از احداث، تجهیز و نوسازی و مدیریت مساجد کشور و پیگیری امور نمازخانه‌ها در ماده ۱۴ این طرح قانونی مصوب کرده‌اند مبنی بر اینکه هیئت‌امناي مساجد دارای وظایف و اختیارات زیر است:

الف- نمایندگی مسجد در برابر معاونت، مرکز امور مساجد و تمامی نهادهای و ادارات و همچنین تشکل‌های فعال در مسجد.

ب- تصمیم‌گیری و هماهنگی تشکل‌های داخل مسجد، مراقبت، نگهداری، انجام تعمیرات و تلاش جهت رعایت پاکیزگی و آراستگی مسجد، اخذ سند مالکیت و ثبت مسجد در معاونت و ثبت اموال منقول و مشخصات دقیق در دفتر اموال مسجد با رعایت ضوابط شرعی.

پ- مشارکت و همکاری در اجرای طرح و برنامه‌های لازم در امور فرهنگی و اجتماعی.

ت- تعیین محل مناسب با هماهنگی دستگاه ذی‌ربط برای حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس و آثار معنوی و نخبگان محل و ایجاد دفتر یادبود.

ث- جلب کمک‌ها و مشارکت افراد حقیقی و حقوقی به منظور انجام فعالیت‌ها،

۱. برزو فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۳۹-۱۴۰.

تجهیز مسجد به فناوری‌های جدید، متناسب با شئون مسجد.

ج- جمع‌آوری درآمدها کمک‌ها و نذورات نقدی و غیرنقدی و ثبت آن در دفاتر حسابداری مسجد.

چ- پرداخت هزینه‌های ضروری جاری مسجد و پرداخت حقوق و دستمزد به خادم یا خادمان مسجد و پیگیری بیمه آن‌ها.

ح- تهیه گزارش عملکرد سالانه، صورتحساب و تنظیم و نگهداری اسناد درآمد و هزینه مسجد.

خ- طرح دعوی و دفاع از حقوق مسجد و تعقیب دعاوی مربوط به آن و در صورت لزوم انتخاب و کیل برای انجام امور مذکور. بر اساس تبصره این ماده، هیئت‌امنی مساجد مکلف‌اند فعالیت‌های فرهنگی و قرآنی را در اولویت قرار دهند.

چنانکه ملاحظه می‌شود در قوانین موجود به شکل کاربردی و پویا به موضوع هیئت‌امنا پرداخته نشده است و در واقع قوانین بسیار کلی هستند که ظاهراً برای جلوگیری از برخی سوءاستفاده‌ها وضع شده‌اند و هدفی تحت عنوان مدیریت فرهنگی کارآمد در آن‌ها چندان به چشم نمی‌خورد. در این قوانین هیچ‌گونه توصیه و الزامی نسبت به وظایف جداگانه هیئت‌امنا در خصوص جذب و تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان و جوانان با مسجد نشده است و حال آنکه تقریباً اکثر پیام‌ها و ابلاغ حکم‌های صادره از جانب مقام معظم رهبری (دام‌عزه) با این رویکرد هستند و مسئولان مسجد و ائمه جمعه و جماعات را به توجه ویژه نسبت به امور نوجوانان و جوانان سفارش نموده‌اند.

### ۳. بهره‌گیری از مدیریت توانمند در هیئت‌امنا

مهم‌ترین بخش برای ایجاد فضایی فعال و پویا در مساجد و خصوصاً برای بهره‌گیری کودکان و نوجوانان، ایجاد یک مدیریت قوی و کارآمد است که برای تحقق این امر (لازم است اعضای هیئت‌امنا قبل از شروع به خدمت در دوره‌های آموزشی که توسط سازمان اوقاف و امور خیریه تشکیل می‌شود شرکت نمایند).<sup>۱</sup>

توجه به این نکته مدیریتی نیز برای مدیریت مساجد، جالب‌توجه خواهد بود که از مؤثرترین و مهم‌ترین عوامل جذب نوجوانان و جوانان به مساجد، شرکت دادن خود آن‌ها در اداره امور مساجد است. «این امر یعنی دخالت دادن نوجوانان و جوانان در اداره امور مذهبی و فرهنگی خودشان، ضمن اینکه به آنان هویت مشخص و شخصیت می‌بخشد، قابلیت مسئولیت‌پذیری را در آنان افزایش داده و موجبات افزایش اعتماد به نفس و اطمینان به خود را در آن‌ها فراهم می‌سازند. در این صورت نوجوانان و جوانان برنامه‌های مساجد را برنامه‌های خود تلقی کرده و احساس نمی‌نمایند که این برنامه‌ها از بالا به آن‌ها دیکته می‌شود و آن‌ها فقط مجبور به اطاعت هستند».<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۱۴۰.

۲. مسجد نقطه وصل، ص ۲۱۱.

## ۲. الگوبرداری و استفاده از تجارب دیگران

الگوبرداری می‌تواند یکی از مهم‌ترین و بهترین راهکارهای مورد استفاده هیئت‌امناى مساجد باشد. الگوبرداری، اندازه‌گیری و سنجش عملکرد مسجد حوزه فعالیت در مقابل برترین مساجد به شکل کمی و عددی است که تعیین می‌کند چگونه آن‌ها به چنین سطوحی از کارایی در ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد رسیده‌اند و سپس از این اطلاعات به‌عنوان مبنایی برای اهداف و راهبردها و بهبود آن‌ها استفاده می‌کند<sup>۱</sup> این فرآیند، فرآیندی نظام‌مند است که به‌طور بالقوه می‌تواند در هر کار فرهنگی مورد استفاده قرار گیرد و اگرچه نمی‌تواند جایگزین دیگر ابزارهای مدیریتی و کیفیتی شود، در صورتی که با اهداف سازمان همسو گردد، قدرتمند و بسیار مؤثر است.

الگوبرداری نیازمند یک مکان‌یابی خارجی است؛ یعنی در مانحن‌فیه، یافتن مساجدی که عملکرد بسیار خوبی در حوزه ارتباط برقرار دادن کودکان نوجوانان با مسجد از خود نشان داده‌اند و سپس مطالعه این سازمان‌ها جهت کشف روش‌های کاری آن‌ها.<sup>۲</sup>

به‌بیان دیگر؛ قطعاً هدف هر سازمان مسجدمحور موفق امروزی، عرضه خدمتی است که می‌تواند نیازها و خواسته‌های کودکان و نوجوانان و والدین آن‌ها را به‌خوبی تأمین کند. در راه رسیدن به این هدف، تلاش تمامی سازمان‌ها در جهت نوآوری‌ها و دگرگونی‌هایی است که بتواند سازمان را به مخاطب نزدیک‌تر سازد؛ اما برای این منظور نوآوری به‌تنهایی کافی نیست و تقلید و اقتباس از دیگران، بسیاری اوقات می‌تواند ما را سریع‌تر و آسان‌تر به مقصود برساند و در اینجاست که الگوبرداری به یاری هیئت‌امناى مساجد می‌شتابد.<sup>۳</sup>

گسترده‌گی الگوبرداری تا جایی است که می‌تواند در کنار بسیاری از ابزارهای دیگر قرار گیرد و هر کجا که به جمع‌آوری اطلاعات نیاز است، مفید واقع شود. در نتیجه یکی از مهم‌ترین دیدگاه‌هایی که امروزه نسبت به الگوبرداری وجود دارد،

۱. مصطفی جعفری و همکاران، کیفیت فراگیر، «ابزارهای استراتژیک و فرهنگی مدیریت»، ج ۲، ص ۱۱۱.

۲. حسین پرکان، ارتقای کیفیت خدمات و محصولات در دستگاه‌های فرهنگی، ص ۱۲۳-۱۲۴.

۳. مصطفی جعفری و همکاران، همان، ص ۱۱۲.

آن را به‌عنوان یک فرآیند مستمر مطرح می‌کند که باید همیشه در کنار دیگر برنامه‌های مدیران به اجرا درآید. فقط باید توجه شود که الگوبرداری، جانشینی برای نوآوری نیست؛ اما در هر حال، منبعی از ایده‌های خارج سازمان مسجد است و از آنجایی که موفقیت مسجد، بستگی به تعیین هدف و دستیابی به آن دارد، الگوبرداری هم سازمان مسجد را مجبور می‌کند تا اهدافش را بر اساس حقایق خارجی پایه‌ریزی کند.<sup>۱</sup>

با بهره‌گیری از تجربیات و برنامه‌های کارشناسی شده، دستگاه‌های ذی‌ربط فرهنگی در امور مساجد و نیز هیئت‌امنای مساجد می‌توانند در وضعیت موجود فعالیت‌های مسجد بهبود ایجاد نموده و تغییراتی مثبت و روندی صعودی را طی نمایند.<sup>۲</sup>

۱. همان، ص ۱۲۸ و ۱۲۵.

۲. محمدعلی موظف‌رستمی، همان، ص ۲۰۰.



## بخش هفتم: مدیریت کلان مساجد

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

با توجه به نقش بی‌بدیل نهاد مسجد در فرهنگ مردم و تربیت دینی آن‌ها، نوع سیاست‌گذاری و تعیین راهبردها برای این نهاد، کاملاً مهم ارزیابی می‌شود؛ به طوری که کمترین تغییرات در این عرصه، خروجی‌های بسیار متفاوت و تأثیرگذاری را از خود بر جای خواهد گذاشت. بنابراین در نگاه کلان، باید مدیریتی قوی و سازمان‌دهی شده بر تمام مساجد را شاهد بود که هماهنگ‌کننده آن‌ها با همدیگر و ارتقا‌دهنده فعالیت‌های آن‌ها خصوصاً در حوزه ارتباط‌گیری با نسل کودک و نوجوان و جذب آن‌ها به نهاد مسجد باشد.

درواقع برحسب این گزاره مدیریتی گفته‌شده توسط دمینگ که نودوشش درصد مشکلات مربوط به سیستم‌ها است،<sup>۱</sup> اهمیت و ضرورت بهره‌گیری از کار سیستمی و نظام‌مند مشخص می‌شود؛ در شرایطی که در دنیای امروز برای کوچک‌ترین شرکت‌های دولتی و خصوصی، نگاه علمی به اداره آن جزء اصول تردیدناپذیر آن

۱. حسن فارسیجانی، استراتژی کلاس جهانی در مدیریت کیفیت بازرسی، ص ۱۶۱.

شرکت است، چگونه می‌توان برای نهاد مسجد با این‌همه گستردگی مراکز و مخاطب، خصوصاً برحسب نقش بی‌بدیل آن در فرهنگ‌سازی، از این نگاه بهره لازم را نگرفت.

باید به این گزاره رسید که موفقیت صرفاً در اخلاص و تعهد صرف نیست؛ موفقیت به‌منزلهٔ پرنده‌ای است که دو بال قدرتمند دارد دو بالی که وجود هر دو لازم است و هر کدام بدون دیگری، کارایی خود را از دست خواهد داد و به حداقل‌ها خواهد رسید؛ این دو بال عبارت‌اند از تعهد و تخصص.

تخصص در مانحن‌فیه چیزی جز انجام کار حساب‌شده علمی نیست؛ لذا باید برای تمام نیازهای امروز و آینده نهاد مسجد در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های آن در حوزه کودکان و نوجوانان با برنامه وارد شد و از هرگونه تقدیرگرایی و توکیل مصرانه امور به خداوند اجتناب نمود. باید در ضمن ملازمت تقوا و اخلاص، هر آنچه از دست برمی‌آید و هر فکر و اندیشه‌ای که لازم است به کار انداخته شود و از هر تجربه و نظر ارزشمندی استفاده نمود. به‌خصوص در شرایطی که رقبای هم‌عرض مسجد که بر کودک و نوجوان اثرگذار هستند، به شکل کاملاً حرفه‌ای و حساب‌شده مطابق با جدیدترین روش‌های مدیریتی روز وارد کار شده و اقدام می‌کنند؛ رقبایی همچون بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان و مروجان عرفان‌های کاذب و انحرافی.

« ب: وضع موجود

در حال حاضر نهادهای فراوانی در امر مسجد فعالیت می‌کنند که وضعیت آن‌ها و جایگاه مدیریتی‌شان به شرح ذیل است:

#### ۱-۴. سازمان اوقاف و امور خیریه:

این سازمان عمدتاً به مسائل حقوقی مساجد و اماکن مذهبی می‌پردازد و از موقوفات محافظت می‌کند. به‌عنوان مأموریت بعدی نیز به عمران مساجد مبادرت نموده و در تشکیل و معرفی هیئت‌امنا به‌عنوان رقبه‌های وقف اقدام می‌کند.

#### ۲-۴. مرکز رسیدگی به امور مساجد:

این نهاد عمده فعالیت خود را مصروف تأمین ائمه جماعات مساجد و جابه‌جایی آن‌ها نموده است. به‌صورت موردی نیز به امر ساخت‌وساز و مسائل فرهنگی کمک می‌نماید و به‌عنوان یک مرکز که موردقبول مساجد است، به حل اختلافات نیز می‌پردازد.

#### ۳-۴. سازمان تبلیغات اسلامی:

در این سازمان، اداره کل مساجد، به امور مساجد کشور رسیدگی می‌کند و در مجموع به چند موضوع نظیر بهداشت مسجد، اعتکاف، اعزام مبلغ به مساجد، ائمه جماعات و تا حد بسیار کمی به تقویت کتابخانه‌های مساجد می‌پردازد.

#### ۴-۴. مؤسسه عمران مساجد:

که قبلاً به نام صندوق عمران مساجد بود، مؤسسه‌ای است وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی و اوقاف و مأموریت اصلی آن رسیدگی به عمران مساجد و مساعدت به آنان است و در سابقه خود پیگیری‌های قانونی را از طریق هیئت دولت جهت بعضی تسهیلات در ساخت‌وساز و اداره مساجد داشته است.

#### ۵-۴. ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد:

که بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی و به‌منظور تقویت و احیای مساجد تشکیل شده است، عمدتاً مسئولیت تجهیز و تقویت کتابخانه‌های مساجد

و سالن‌ها را به عهده دارد و از طریق تأسیس کانون‌های فرهنگی هنری و تقویت واحدهای فرهنگی و هنری، این اهداف را پیگیری می‌نماید. این ستاد که در هر استان دبیرخانه‌هایی را تأسیس کرده است، اکثراً تحت نظر ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی این مأموریت را انجام می‌دهد.

#### ۴-۶. ستاد اقامه نماز:

در راستای ترویج نماز و نماز جماعت و برپایی آن در مساجد و نمازخانه‌ها فعالیت می‌کند.

#### ۴-۷. نیروی مقاومت بسیج:

این نیرو به‌عنوان مأموریت اصلی خود نقشی در مساجد ندارد و از آنجا که پایگاه‌های نیروی مقاومت در اکثر مساجد کشور فعال هستند، بالطبع باید نقشی در اداره مسجد و به‌خصوص مسائل فرهنگی مسجد داشته باشد؛ این نیرو در بعضی مساجد تبلیغات را به عهده دارد و در پاره‌ای از آن‌ها با تشکیل کانون‌های بسیج به فعالیت مشغول است.

#### ۴-۸. جامعه روحانیت:

حوزه‌های علمیه نیز در مساجد نقش‌هایی دارند که عمده نقش آن‌ها در اعزام امام جماعت و رسیدگی موردی خواهد بود.<sup>۱</sup> با نظر کارشناسی می‌توان گفت در حال حاضر مساجد کل کشور فاقد نظام معینی هستند؛ چنانکه یکی از کارشناسان مسئول می‌گوید: «در این کشور همه نهادها و مؤسسات سازمانی دارند و قریب به ۶۰ هزار واحد فرهنگی هیچ سازمانی ندارند. یک سازمان سنتی به نحو ناقصی به‌صورت هیئتی آن‌ها را اداره می‌کند. هیچ وزارتخانه و سازمانی این سرمایه عظیم را یکپارچه نگاه نمی‌کند، مشکلات آن را بررسی نمی‌نماید و در راه‌حل معضلات آن چاره‌اندیشی نمی‌کند. رهاشده‌اند به امان خدا. اگر بحث زعامت و تصدی این مکان‌های مقدس پیش بیاید، سازمان تبلیغات اسلامی، بسیج، مرکز رسیدگی به امور مساجد، حوزه‌های علمیه و اوقاف،

۱. محمد رضا حشمتی، همان، ص ۱۹۳-۱۹۴.

همه داعیه تصدی آن را دارند و اگر برای امام جماعت هر یک از مساجد کشور مشکلی پیش آید، یا زلزله و سیل مسجدی را تخریب کند و یا دزدی اموال مسجدی را ببرد و یا اختلافی بین مسجدی‌ها پیش بیاید، همه نهادهای مسئول شانه خالی می‌کنند و به یکدیگر پاس می‌دهند. گاهی اوقات هم به‌عنوان صدقه مبلغ کمی کمک می‌کنند. واقعاً تأسفبار است که با خانه خدا این‌گونه برخورد می‌شود. عجباً که مهدهای کودک در این کشور سامانی دارند و مساجد فاقد سازمان هستند. ورزشگاه‌ها، مدارس، سینماها، کتابخانه‌ها، پارک‌ها، خیابان‌ها، تفریحگاه‌ها، زندان‌ها، بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، داروخانه‌ها و... همگی سازمانی دارند و مشکلات آن‌ها درجایی رسیدگی می‌شود نیروهای انسانی شاغل در این مرکز آموزش می‌بینند، نشریه دارند، بودجه و اعتبار دولتی دارند، ضابطه دارند و مساجد فاقد همه این موارد هستند!

بیش از ده نهاد سازمان دینی به‌صورت پراکنده و بدون هیچ هماهنگی در امر مسجد فعال هستند. وجود این تعداد سازمان و نهادهای درگیر امر مسجد موجب شده است نه‌تنها اقدامی اساسی و مهمی که دارای اثرات مثبت در جهت ارتقای جایگاه مساجد باشد، به‌صورت جدی و عملی صورت نپذیرد، بلکه کاملاً با تداخل برنامه‌های غیرهماهنگ و تشابه فعالیت‌ها، موجبات دل‌زدگی مردم و مخاطبان خاص مسجد را نیز به وجود آورده است.<sup>۱</sup>

حال، ذکر این مطلب جالب‌توجه است که چنان نیست که به لحاظ قانونی، ستاد هماهنگ‌کننده و مرکزی که همه سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با مسجد ذیل برنامه جامع آن به فعالیت بپردازند وجود نداشته باشد، بلکه حدود یک دهه پیش در شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۵۵۳ مورخ ۸۳/۱۰/۲۲ به پیشنهاد شورای فرهنگ عمومی (نامه شماره ۱/۱۱۸۰/الف مورخ ۸۳/۸/۳۰) آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور به شرح وظایف ذیل تصویب شد:

۱. همان، ص ۱۹۴-۱۹۶.

● ماده ۲ - [وظایف ستاد]

- ۱ - تعیین نحوه همکاری و مشارکت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور متناسب با مسئولیت قانونی آن‌ها.
  - ۲ - هماهنگ‌سازی فعالیت وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای کشور و برنامه‌ریزی به‌منظور استفاده مناسب از امکانات و توانمندی آن‌ها در تقویت بنیه مساجد کشور.
  - ۳ - ارائه پیشنهادهای راهبردی و برنامه‌ریزی مناسب به‌منظور رفع مشکلات اساسی مساجد در مکان‌یابی، ساخت‌وساز، توسعه و تعمیر، نوسازی، بهداشت و تجهیز امکانات و فناوری‌های روز از طریق تدوین طرح‌ها، لوایح و آیین‌نامه‌ها و شیوه‌نامه‌های اجرایی و ارائه آن به مراجع ذی‌ربط.
  - ۴ - تلاش برای تثبیت موقعیت حقوقی مساجد، متولیان، هیئت‌امنا، ائمه جماعات، خادمان و دست‌اندرکاران امور مساجد.
  - ۵ - تدوین راهکارهای مناسب برای بهسازی و نگهداری مساجد.
  - ۶ - تدوین روش‌های جذب امکانات و تسهیلات از وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و نهادها به‌منظور پشتیبانی از مساجد و پاسخگویی به نیازهای موجود.
- بنابراین باید مشکل را در جاهای دیگر جستجو کرد و با ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به مسئله، علل اجرایی نشدن مصوبه را پیگیری نمود.

۱. بهره‌گیری از مدیریت واحد و منسجم

خداوند در قرآن و از زبان حضرت یوسف می‌فرماید: «يَا صَاحِبِ السِّجْنِ أَرْبَابٌ مُّتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ؛ ای دو یار زندانی من، آیا خدایان متعدد و پراکنده بهترند (مانند بت‌ها، ستارگان و غیره) یا خدای یکتای غالب و چیره (بر جهان هستی)»<sup>۱</sup> این یک واقعیتی است که با وجود مدیریت‌های چندگانه و پراکنده نمی‌توان انتظار نیل به مقصود و هدف را داشت؛ هر خدایی هدفی دارد و روشی! یکی از محققان نیز می‌گوید: باید ساختاری متمرکز تحت نظارت مقام معظم رهبری برای مدیریت مساجد ایجاد شود. شورای عالی مساجد با ترکیبی که شورای عالی انقلاب فرهنگی آن را مصوب می‌کند، بر اساس وضعیت موجود راه‌اندازی گردد. یک نفر هم به‌عنوان رئیس سازمان امور مساجد با تأیید شورای عالی انقلاب فرهنگی معرفی شود و ابلاغ رسمی توسط مقام معظم رهبری برای این فرد صادر گردد. به این ترتیب سازمان امور مساجد راه‌اندازی شود و دستگاه‌هایی که با مساجد همکاری دارند، هر کدام تحت عنوان یک معاونت در آنجا نقش داشته باشند.<sup>۲</sup>

در چنین حالتی از ابتدا تا انتها با احتمال بروز مشکل -احتمالی که در اکثر قریب به اتفاق موارد رخ می‌دهد- مواجه هستیم؛ از برنامه‌ریزی گرفته تا تخصیص بودجه و نظارت‌های لازم. مگر اینکه وجود مسجد و وظیفه‌ای تحت عنوان مدیریت مسجد و نماز، فرع قضیه باشد و تحقق کامل و یا ضعف برنامه‌ها در مورد آن محلی از اعراب نداشته باشد و متقابلاً، اصل و آنچه موضوعیت دارد، وجود خود آن نهاد مدیریت‌کننده و بقای آن باشد!

پیشنهاد نگارنده ورود شورای عالی انقلاب فرهنگی به این قضیه و پیگیری مصوبه خود در خصوص تشکیل و اجرایی شدن ستاد عالی مساجد است تا همه نهادها و سازمان‌های مربوطه ذیل مدیریت واحد و با تعیین حوزه وظایف، با برنامه و بودجه

۱. یوسف/۳۹.

۲. بروز فرهی بوزنجانی، همان، ص ۱۶۵.

و خروجی مورد انتظارِ مشخص، به فعالیت پردازند.  
اگر فعالیت‌ها منسجم و ذیل مدیریت واحد باشد، مکمل همدیگر خواهند بود  
و ضمن رفع موازی‌کاری‌ها، حوزه‌های مغفول مانده نیز مشخص و پوشش داده  
خواهند شد.



## ۲. لزوم توجه مدیریت به مدیریت راهبردی

قوانین حضور فعال در عرصه فرهنگ، به‌طور چشمگیری تغییر کرده‌اند. برای رسیدن به موفقیت، مدیران دیگر نمی‌توانند کارها را آن‌گونه که همیشه انجام می‌داده‌اند، انجام دهند. در نتیجه یک مدیر موفق به یک سلاح قدرتمند جهت مقابله با این محیط پویا نیاز دارد. مدیریت راهبردی، یک برنامه جهت هدایت سازمانی که تلاش می‌کند بینش‌ها، مأموریت‌ها، اهداف و آرمان‌های خود را به عمل درآورد، خلق کرده، آن را از انحراف از خواسته‌ها و آرمان‌ها باز می‌دارد. مدیریت راهبردی، یک طرح برای هماهنگ کردن توانمندی‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدهای محیط ارائه می‌دهد.<sup>۱</sup>

مدیریت راهبردی ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و تقویت آن، مستلزم پیمودن گام‌هایی چند است که لازم است نهاد و سازمان متولی مسجد به آن‌ها توجه داشته باشد.

گام اول تبیین وضع موجود ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد است که خود از چند مرحله تشکیل یافته است:

مرحله اول بررسی دروندادهای ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد است که در آن به بررسی علل و زمینه‌های فردی کودک و نوجوان در ارتباط‌گیری با مسجد پرداخته می‌شود و مشخص می‌شود که چه علل و زمینه‌هایی در سطح خرد از مناظر مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بر ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد، تأثیر مثبت و احیاناً منفی می‌گذارند که عملی شدن این مرحله و مرحله بعدی - که توضیح آن خواهد آمد - مستلزم تقویت پشتوانه پژوهشی موضوع مسجد و از جمله موضوع ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد است که از طریق بسترسازی قانونی و ایجاد مراکز دانشگاهی و پژوهشی با رشته‌های تخصصی در موضوع مسجد محقق می‌شود؛ و گرنه از طریق نگاشته شدن چند مقاله و تحقیق سفارشی و غیرسفارشی نباید انتظار داشت خروجی موردنظر در جهت آشکار شدن زمینه‌ها و علل تأثیرگذار بر ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد حاصل گردد.

۱. حسین پرکان، همان، ص ۶۱

وقتی که افرادی از محققان، به‌طور تخصصی در موضوع مسجد و ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد قلم‌فرسایی کردند، آن وقت می‌توان برحسب خروجی علمی کار آن‌ها، با قاطعیت گفت که کدام عوامل و زمینه‌ها در سطح خرد و کدام عوامل در سطح میانی و کلان -چنانکه توضیحش خواهد آمد- در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد مؤثرند و مهم‌تر از همه اینکه مشخص می‌شود که کدام عوامل و زمینه‌ها از حیث فراوانی، کدام عوامل و زمینه‌ها از حیث اهمیت ذاتی و کدام عوامل و زمینه‌ها از جنبه‌های دیگر در اولویت تأثیرگذاری بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و نیازمند اقدام هستند.

اینکه افرادی که در حوزه فرهنگی فعالیت می‌کنند و یا در موضوع کودک و نوجوان تخصص دارند فی‌البداهه بیایند و در موضوع مهم ارتباط کودک و نوجوان حرف بزنند و برحسب تأملات کوتاه‌مدت خود به شکل استقرایی، علل و عوامل و زمینه‌هایی را احصا نمایند، به لحاظ علمی، ارزش چندانی ندارد و فارغ از آگاهی‌دهی اجمالی و کلی (در بهترین وضعیت واقع‌نمایی) قابلیت مبنا قرار گرفتن برای برنامه‌ریزی راهبردی کلان را ندارد.

مرحله دوم عبارت است از بررسی نحوه فرایند ارتباط کودک و نوجوان با مسجد؛ بدین معنی که آن علل و زمینه‌های درونی در سطح خرد، تحت چه فرایند بیرونی و علل و عوامل و زمینه‌های خارجی تقویت می‌شوند و در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد مؤثر واقع می‌شوند؛ لذا در این مرحله اولاً به عوامل و زمینه‌های سطح میانی در همان چهار منظر اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی که بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد تأثیر می‌گذارند پرداخته می‌شود و ثانیاً عوامل و زمینه‌های منبعث از سطح کلان فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی و سیاسی که بر ارتباط گفته‌شده تأثیرگذار هستند بررسی می‌شود. به‌طور مشخص و به‌عنوان مثال گفته می‌شود که در سطح خرد، علاقه داشتن کودک و نوجوان به مسجد، یکی از علل و زمینه‌های ارتباط‌گیری کودک و نوجوان است - که البته در بررسی علمی میزان تأثیرگذاری این علت مشخص می‌شود که جایگاه این علت در میان سایر علل و زمینه‌ها، در رتبه چندم است و چند درصد از ارتباط‌گیری متأثر از این

علت است- در مرحله بعد سخن از آن است که این انگیزه درونی، در چه فرایندی تقویت شده و عملکرد کدام نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و هر کدام به چه میزان در آن دخیل بوده‌اند؛ که مثلاً گفته می‌شود عملکرد نهاد مدرسه و کتب درسی‌اش به میزان ۱۰ درصد، معلمانش ۱۵ درصد، عملکرد نهاد خانواده و الگو بودن آن‌ها ۲۰ درصد، عملکرد نهاد صداوسیما و بخش برنامه‌های کارتون‌اش ۱۰ درصد و ... در تقویت این انگیزه مؤثر بوده‌اند و در مرحله بعدی به عوامل و زمینه‌های تقویت‌کننده در سطح کلان پرداخته می‌شود و مثلاً گفته می‌شود که سیاست‌گذاری کلان دولت در بخش اقتصادی تحت عنوان اقتصاد آزاد و ورود آزاد کالاهای خارجی که برخی نیز فرهنگی‌اند، این مقدار تأثیر را بر کشور داشته است یا اینکه سیاست‌گذاری کلان دولت در غیرانتفاعی کردن مدارس یا عدم الحاق به قانون جهانی حقوق مالکیت و استفاده راحت از نرم‌افزارهای خارجی و یا نوع سیاست کلان دولت در خصوص معلمان پرورشی مدارس و مانند آن و یا سیاست حمایت از مسجدها، هر کدام، این مقدار تأثیرات را بر تقویت انگیزه کودک و نوجوان در دوست داشتن مسجد و ارتباط‌گیری با آن داشته‌اند.

مرحله سوم مرحله برون‌داده‌هاست؛ بدین معنی که خروجی همه آن علل و عوامل و زمینه‌ها که در مرحله اول و دوم فعال بودند چه شده است و در حال حاضر وضعیت ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد چگونه است؟

این مرحله چنانکه قبلاً اشاره شد مستلزم وجود سامانه ملی آماری در حوزه مسجد است تا با اعتبار و رسمیت لازم به شکل دقیق و علمی، به بررسی وضعیت ریز ارتباط کودک و نوجوان با نهاد مسجد بپردازد و برحسب تفکیک‌های مختلف مکانی و جغرافیایی، زمانی (برحسب ساعات روز و وعده‌های نماز)، سنی، جنسیتی و تحصیلی برای کودکان و نوجوانان، میزان ارتباط‌ها را استخراج نماید.

طبیعتاً این مرحله نیز از ابعاد مختلف، دارای اولویت‌ها و رتبه‌بندی‌هایی است که با آمارگیری جزئی محقق می‌شود و البته بخش دیگری از داده‌های ارزشمند سامانه، از توالی آمارگیری‌ها در بازه‌های زمانی مشخص حاصل می‌شود که با در کنار هم گذاشتن آمار و داده‌های بازه‌های زمانی مختلف، روندهای ارتباط کودک و

نوجوانان با مسجد، چه در شکل کلی و چه در مقیاس‌های جزئی مشخص می‌شود و حوزه‌های نیازمند اقدام و اولویت‌دارهای آن‌ها را مشخص می‌نماید. (مثلاً آمارها نشان می‌دهد که ارتباط کودکان و نوجوانان در سطح راهنمایی و در استان فلان در این بازه زمانی سه برابر شده است که سبب می‌شود تا مدیریت راهبردی مسجد، مراحل اول و دوم را در این منطقه به صورت تخصصی به اجرا درآورد و علل و عوامل و زمینه‌های این افزایش غیرمنتظره را کشف نماید، زیرا چه بسا عوامل و زمینه‌ها، قابلیت الگوبرداری و بسط و گسترش در جاهای دیگر را نیز داشته باشد و یا برعکس؛ در استانی و یا استان‌هایی، میزان ارتباط به نحو محسوسی کاهش پیدا می‌کند که در اینجا لازم است قبل از فراگیرشدن عوامل و زمینه‌ها، آن‌ها را شناسایی نموده و اقدام لازم در خصوص رفع و یا کنترل آن‌ها صورت گیرد.)

مرحله چهارم مرحله پیامدهاست که در آن به نتایج و آثار ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد و در حوزه‌های مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، بهداشتی و امنیتی، در سطوح سه‌گانه خرد و میانی و کلان پرداخته می‌شود.

این نتایج در حوزه‌های مختلف ارتباط به یک شکل و میزان نیستند؛ لذا با رتبه‌بندی کمی و کیفی نتایج و آثار، موارد و گونه‌هایی از ارتباط که بیشترین آثار مثبت را دارد، مورد اهتمام ویژه در برنامه‌ریزی‌ها قرار می‌گیرد و اقدام متناسب صورت می‌گیرد و متقابلاً بخش‌هایی از ارتباط که علی‌رغم سرمایه‌گذاری انسانی و مالی، تأثیرات بهینه لازم را ندارند، در اصلاح و یا تغییر آن‌ها بازنگری می‌شود. (مثلاً نتایج این‌گونه نشان دهد که پیامدهای معنوی ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد به هنگام اقامه نماز مغرب و عشا به دلیل حضور حداکثری امامان جماعت و فعالیت کانون‌های فرهنگی در این زمان، بیش از سایر ارتباطات و در بازه‌های زمانی دیگر از روز است. طبیعتاً در چنین وضعیتی به تقویت عوامل و زمینه‌های ارتباط‌دهنده کودکان و نوجوانان با مسجد در نماز مغرب و عشا باید توجه ویژه داشت.)

همچنین با نیل به پیامدها لازم است ارتباط متناظری بین آن‌ها و عوامل و زمینه‌ها برقرار شود تا مشخص شود که کدام پیامدها و به چه میزان ناشی از

کدام عوامل و زمینه‌ها هستند؟ که خروجی این بخش نیز در برنامه‌ریزی بسیار مفید و قابل استفاده خواهد بود.

گام دوم شاخص‌گذاری برای خروجی مراحل چهارگانه است. با این توضیح که هر آنچه از شناخت و استخراج اولویت‌ها در مراحل چهارگانه قبلی ذکر شد در واقع از طریق شاخص‌گذاری که در این مرحله ذکر می‌شود، اتفاق می‌افتد.

گفتنی است شاخص یک مقوله کاملاً کمی و دقیق است که قابل تفسیر و تأویل نیست و لذا در این مرحله و از طریق کار علمی، استنتاج می‌شود که مثلاً عوامل و زمینه‌هایی که در ۵۰ درصد ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان اثرگذار بوده‌اند و یا اینکه پیامدها و نتایجی که در ۴۰ درصد کودکان و نوجوانان مشهود است، جزء اولویت‌ها هستند و باید در برنامه‌ریزی مورد توجه ویژه قرار گیرند.

همچنین یکی دیگر از نتایج و خروجی این گام نیل به «نرخ ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد» است که یک عنصر آماری بسیار مهم و تعیین‌کننده است. این کار تا به حال در کشور در موضوع مسجد و کودک و نوجوان صورت نگرفته و جای آن در تحقیقات و کارهای علمی در موضوع مسجد خالی است. این رقم یعنی نرخ مسجدی بودن کودکان و نوجوانان و نرخ ارتباط، با شناسایی کمیت و کیفیت ارتباط‌های متعدد کودکان و نوجوانان با مسجد - که در مرحله سوم گام قبلی به دست آمده است - و امتیازدهی‌های متفاوت به هر کدام از آن‌ها و نهایتاً محاسبات ریاضی مشخصی که روی آن‌ها انجام می‌گیرد، مشخص می‌شود.

این نرخ وقتی سال بعد از آن نیز محاسبه شود، آن وقت ارزشمندی خود را در مقام مقایسه با سال قبل، بیش از پیش نشان می‌دهد، زیرا سازمان اقدام‌کننده را نسبت به پیشرفت یا پسرفت اقدامات صورت گرفته در مجموع سال در خصوص ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد آگاه می‌سازد.

این نرخ به صورت استانی نیز می‌تواند محاسبه شود و بهتر نیز است که چنین باشد.

گام سوم تبیین وضع مطلوب است که بعد از مشخص شدن وضع موجود، نسبت به ترسیم وضع مطلوب ارتباط کودکان و نوجوان با مسجد اقدام می‌شود.

لازمهٔ ترسیم وضع مطلوب وجود مأموریت سازمان مسجد در خصوص ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و تعریف آن است. مأموریت نهاد یا سازمان متولی مدیریت مسجد، چیزی است که بدان وسیله مقصود مدیریت مسجد در حوزهٔ ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان از مقصود مدیریت‌های مشابه، متمایز می‌شود و در واقع بیان‌کننده فلسفه وجودی مدیریت مسجد در بخش کودکان و نوجوانان است.

برخلاف اهداف و راهبردها که می‌توان در طی زمان به آن دست‌یافت، هرگز نمی‌توان مأموریت را به‌طور کامل محقق ساخت. مأموریت مانند یک فانوس دریایی برای کار مدیریت مسجد در بخش کودکان و نوجوانان خواهد بود که پیوسته آن را دنبال می‌کند ولی هرگز به‌طور کامل به آن نمی‌رسد. باید توجه داشت که مأموریت مانند قطب‌نمایی است که مدیریت به‌وسیله آن بخش کودک و نوجوان مسجد را هدایت می‌کند.<sup>۱</sup>

بعد از تعریف مأموریت سازمان، وضعیت مطلوب ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، با توجه به ظرفیت‌های موجود مالی و منابع انسانی و فرصت‌ها و تهدیدها، در دو قالب اهداف بلندمدت و کوتاه‌مدت ترسیم می‌شود.

از اهداف بلندمدت به آرمان‌ها و یا چشم‌اندازها نیز تعبیر می‌شود که تعریف علمی آن‌ها بدین شرح است:

چشم‌انداز سازمان مسجد: منظور از چشم‌انداز آن است که در طول ۵ یا ۱۰ سال آینده می‌خواهیم سازمان مدیریت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد چگونه به نظر آید؟ چشم‌انداز در حقیقت یک دید واقع‌بینانه بر اساس چیزی است که می‌خواهیم به آن برسیم؛ در عین اینکه کاملاً عملی و ممکن نیز هست. توضیح و بیان این تصویر، معمولاً بسیار کوتاه و شامل جملات اندکی است. بعد از تدوین مأموریت در سازمان مدیریت‌کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، به چیزی نیاز داریم که نشان دهد بر اساس مأموریت و ارزش‌های تعریف‌شده، سازمان می‌خواهد در آینده به کجا برسد. در واقع چشم‌انداز همان چیزی است که حرکت از دنیای

۱. پل آر نئون، ارزیابی متوازن - گام به گام (راهنمای طراحی و پیاده‌سازی)، ص ۱۰۳.

ایستای مأموریت و ارزش‌ها را به دنیای پویای راهبرد معنی می‌بخشد. یک چشم‌انداز، تصویری است کلامی از آنچه سازمان قصد دارد نهایتاً به آن برسد که می‌تواند تصویر ۵، ۱۰ یا ۱۵ سال بعد باشد. این چشم‌انداز نباید غیرواقعی باشد بلکه باید تا آنجا که امکان دارد تصویری واقعی از موقعیت مطلوب را ارائه دهد و زمینه را برای تدوین راهبرد و اهداف فراهم سازد. یک چشم‌انداز قوی در سازمان مدیریت‌کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، چارچوب ذهنی مشترکی بین نیروهای فرهنگی فعال در آن ایجاد می‌کند که به آن‌ها در تصور آینده دور از ذهن سازمان کمک می‌کند. چشم‌انداز همواره تابعی از مأموریت و ارزش‌های سازمان است. چشم‌اندازی که بر پایه یک مأموریت نیست؛ به‌مثابه آرزومندی و خیال‌ورزی است که پایداری و دوامی نخواهد داشت.<sup>۱</sup>

زمانی که کارکنان یک سازمان، یک چشم‌انداز را باور داشته باشند، تأثیر این باور به حدی خواهد بود که بتواند نیروی انگیزشی قابل توجهی را به وجود آورد. لذا می‌توانید چشم‌انداز سازمان را به‌عنوان یک عامل کلیدی تلقی کنید؛ زیرا چشم‌انداز سازمان، کانال ارتباطی است که دلایل وجودی سازمان را که در مأموریت منعکس شده است و ارزش‌هایی که بیانگر فرهنگ سازمان است با راهبردی که سازمان مدیریت‌کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، جهت دستیابی به آینده مطلوب به اجرا درمی‌آورد، مرتبط می‌سازد. بدون وجود یک چشم‌انداز روشن و برانگیزاننده برای هدایت اقدامات همه عوامل فرهنگی سازمان، ممکن است در نهایت سازمان با نیروهای فرهنگی مواجه شود که اقدامات آن‌ها فاقد جهت‌گیری مناسب است و لذا سازمان نمی‌تواند از راهبرد اجراشده، حتی اگر بسیار خوب تعریف‌شده باشد، بهره‌ای ببرد.<sup>۲</sup>

۱. همان، ۱۱۸.

۲. حسین پرکان، همان، ص ۶۴-۶۵.

## آرمان‌ها:

مهم‌ترین نکته در تعریف آرمان‌ها، قابل اندازه‌گیری بودن آن‌هاست. تنها این‌گونه آرمان‌ها هستند که قابل برنامه‌ریزی بوده و سازمان متولی مسجد در دستیابی به آن‌ها امید موفقیت دارد. این آرمان‌ها باید بر اساس شواهد آماری بنا شوند. بدون وجود دانش آماری از کل سیستم، آرمان‌ها صرفاً انعکاسی از تصورات ما مبنی بر تغییرات معجزه‌آسای سیستم در قالب شعارها، تشویق‌ها و سخت‌کاری‌های بی‌ثمر خواهند بود؛ تصوراتی که هرگز جامه عمل نپوشیده، به‌صورت همان شعار باقی خواهند ماند. آرمان‌ها باید کاملاً قابل تعریف، مشخص و قابل فهم باشند. همچنین باید سقف زمانی خاصی برای اتمام کار و رسیدن به آرمان در نظر گرفت. آرمان‌ها، برای برآورده شدن، به تعریف راه‌ها و روش‌های رسیدن به آن‌ها نیاز دارند. همچنین منابع لازم باید به‌طور دقیق تعیین گردند. اگر یک رابطه علت و معلولی مناسب بین آرمان تعیین‌شده و روش انتخاب‌شده برای رسیدن به آن یافت نشود، آن آرمان با این روش، ارزش سرمایه‌گذاری نخواهد داشت.

از آنجاکه قصد، پیشرفت و ارتقا است، طبیعی است که آرمان‌ها تلاشی را برای برآورده شدن طلب می‌کنند؛ اما نباید آن قدر از واقعیت دور باشند که دستیابی به آن‌ها، در نگاه همه مفهومی عبث تلقی گردد. تمام افراد، گروه‌های کاری و بخش‌های سازمان که به‌نوعی با این آرمان سروکار دارند و از آن اثر می‌پذیرند، باید در جریان پیشرفت امر قرار گرفته، با آن درگیر شوند.<sup>۱</sup>

و اما اهداف کوتاه‌مدت سازمان متولی مساجد کشور، در حقیقت همان پله‌های رسیدن به اهداف بلندمدت (آرمان‌ها و چشم‌انداز) هستند و تمام مواردی که در بالا مطرح شد، جزء خصوصیات آن‌ها نیز هست. با برآورده شدن این اهداف کوتاه‌مدت، به تدریج اهداف بلندمدت نیز به دست خواهند آمد.

گام چهارم، تعیین نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدهای سازمان مدیریت‌کننده مسجد در رسیدن به وضع مطلوب ارتباط کودک و نوجوان با مسجد است.

نقطه قوت: یک مشخصه داخلی سازمان مدیریت‌کننده مساجد است که برای

۱. مصطفی جعفری و همکاران، همان، ج ۱، ص ۴۵.



محقق شدن رسالت سازمان در خصوص ایجاد و تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد مؤثر است.

**نقطه ضعف:** یک مشخصه داخلی سازمان مدیریت کننده مساجد است که روی عملکرد آن تأثیر منفی دارد.

**فرصت:** یک حقیقت خارجی است که اگر از آن استفاده شود، برای محقق شدن رسالت سازمان مؤثر است یا می‌تواند مؤثر باشد.

**تهدید:** یک حقیقت بیرونی است که روی عملکرد سازمان اثر منفی دارد یا می‌تواند داشته باشد.<sup>۱</sup>

تعیین نقاط قوت، نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها با استفاده از سطوح «آنالیز»<sup>۲</sup> سازمانی به شکل ذیل صورت می‌گیرد:

### سطح ۱: فرآیند اولیه (انجام کار)

- آیا نیروی فرهنگی ماهر به تعداد کافی وجود دارد؟
- آیا فضای فیزیکی و امکانات لازم، مناسب و مطلوب هستند؟
- آیا وضعیت مالی مطلوب هست؟
- آیا دسترسی مناسب به اطلاعات و داده‌ها وجود دارد؟
- آیا سازمان محصولات یا خدماتی را که در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد باید عرضه نماید، عرضه می‌نماید؟
- آیا محصولات و خدمات عرضه شده به‌طور مطلوبی نیازهای گروه هدف را برآورده می‌سازد؟
- آیا فرآیند کار به نحو کارایی تنظیم شده است؟
- آیا کارشناسان فرهنگی مستقر در سازمان به نحو مطلوب مورد استفاده قرار می‌گیرند؟
- آیا فرآیند کار اثربخش است و منجر به تولید محصولات فرهنگی مرتبط و یا خدمات تسهیل کننده ارتباط کودک و نوجوان با مسجد با کمیت و کیفیت خوب می‌شود؟

۱. ر. ک: حبیب جباری و سعید پوردولتی، PPT کارگاه آموزشی آنالیز SWOT، مرداد ۱۳۹۰.

۲. Analysis.

آیا روش کار مناسب است؟

- آیا همکاری و مشارکت مناسبی بین واحدها و کارکنان مختلف وجود دارد؟

### سطح ۲: سازمان دهی

- آیا تقسیم وظایف و مسئولیت‌ها به نحو روشن و اثربخشی انجام شده است؟
- آیا حمایت‌های اداری و پشتیبانی به نحو مناسب و مطلوبی انجام می‌گیرد؟
- آیا روش‌های کار به‌طور مطلوبی تعریف شده‌اند؟
- آیا رویه‌های کار مربوط به برنامه‌ریزی، امور اداری و مالی به‌طور مناسبی انجام می‌گیرد؟
- آیا یک سیستم پاداش مناسب برای حقوق و مزایای نیروهای فرهنگی وجود دارد؟
- آیا یک سیستم خوب پایش و ارزشیابی وجود دارد؟
- آیا یک رسالت روشنی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد که هدایت‌کننده سازمان باشد و به‌وسیله تمام افرادی که آثار مثبت این ارتباط شامل آن‌ها می‌شود، درک و پذیرفته شده باشد وجود دارد؟
- آیا استراتژی سازمان روشن و واقع‌بینانه بوده و بر اساس رسالت سازمان تنظیم شده است؟
- آیا استراتژی سازمان تبدیل به یک برنامه و بودجه واقع‌بینانه شده است؟

### سطح ۳: فرهنگ سازمانی

- رسالت سازمان تا چه حد توسط نیروی فرهنگی و کارشناسان فعال در مجموعه، تقسیم و مورد پذیرش واقع شده است؟
- آیا حساسیتی نسبت به قشر کودک و نوجوان و ارتقای وضعیت ارتباط آن‌ها با مسجد وجود دارد؟
- آیا تمایلی به یادگیری در نتیجه اشتباهات برنامه‌های گذشته از طریق پایش و ارزشیابی وجود دارد؟
- آیا تمایلی به ایجاد تغییرات وجود دارد؟

- آیا توجه کافی به عملکرد وجود دارد؟
- آیا تمایلی به پیروی از رویه‌های کاری، قوانین و مقررات وجود دارد؟
- آیا تصمیم‌گیری مناسبی وجود دارد؟ (دلایل روشن، به‌موقع و مداوم)
- آیا مشارکت و اطلاعات مناسب وجود دارد؟
- آیا توجه کافی به تفکر درازمدت (دوراندیشی) می‌شود؟
- آیا تعادل بین خطرپذیری و خطرگریزی وجود دارد؟
- آیا توجه کافی به پاسخگویی و شفافیت فعالیت‌های صورت گرفته وجود دارد؟
- آیا مدیریت از عملکرد کارشناسان فرهنگی مستقر در سازمان مدیریت کننده مساجد رضایت دارد؟
- آیا کارشناسان دل به کار می‌دهند؟
- آیا کارشناسان فرهنگی مستقر در سازمان مدیریت کننده مساجد احساس می‌کنند که کار درست انجام می‌دهند؟
- آیا کارشناسان از حقوق و مزایا و آینده کاری خود خشنود هستند؟
- آیا کارشناسان از عملکرد مدیریت رضایت دارند؟
- آیا اختلاف عمده‌ای بین گروه‌های کارشناسان وجود دارد؟

#### سطح ۴: محیط

- آیا تقاضا برای محصولات فرهنگی تولید و عرضه شده و نیز خدمات تسهیل کننده ارتباط کودک و نوجوانان با مسجد وجود دارد؟
- آیا خانواده‌های کودک و نوجوانان و نیز مسئولان مساجد و در رأس آن‌ها امام جماعت از محصولات و خدمات موجود راضی هستند؟
- آیا سازمان وجهه عمومی خوبی دارد؟
- آیا تأمین کنندگان مالی از نتایج راضی هستند؟

- آیا ارتباط با تأمین کنندگان مالی مطلوب و رضایت بخش است؟
- آیا رقابت قوی با سایر عوامل محیطی هم‌عرض مسجد - که با کودکان و نوجوانان ارتباط برقرار می‌کنند - وجود دارد؟
- آیا رقبا محصولات یا خدمات بهتر ارائه می‌نمایند؟
- آیا امکان بهبود یا برقراری همکاری مؤثر با برخی نهادهای رقیب هم‌راستا و هم‌هدف مانند مدرسه وجود دارد؟
- آیا سازمان قوانین و مقررات واضح و روشنی دارد؟<sup>۱</sup>

۱. ر.ک: حبیب جباری و سعید پور دولتی، همان.

## بخش هشتم: خانواده و والدین

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

خانواده و به خصوص والدین، از سه طریق می‌تواند در ارتباط فرزندان کودک و نوجوان خود با مسجد تأثیرگذار باشند: اول اینکه با دارا بودن ارزش‌ها و نگرش‌های متعالی و مثبت نسبت به نماز و مسجد، ارزش‌ها و نگرش‌های فرزندان را نیز از طریق آگاهی‌بخشی و معرفت‌دهی، جهت بدهد.

دوم اینکه با رفتار عملی خود مروج اقامه نماز و حضور در مسجد باشند؛ زیرا پدر و مادر به‌منزله مهم‌ترین و در دسترس‌ترین الگوهای عملی فرزندان به شمار می‌روند؛ لذا مشاهده نماز خواندن آن‌ها و رفتنشان به نماز جماعت، تأثیر بسزایی در نماز خوان بودن و مسجدی شدن فرزندان دارد.

سوم هم این که والدین، در نماز خواندن و رفتن به مسجد، فرزندان را نیز با خود همراه سازند و آن‌ها را به‌صورت عملی با نماز و مسجد ارتباط دهند. نحوه اثرگذاری خانواده از طریق اول و دوم که نتیجه‌اش همان نگرش‌سازی و

ارزش آفرینی است، در فصل قبلی و بخش مربوط به خانواده مورد بررسی قرار گرفت و بعد سوم تأثیرگذاری عملکرد خانواده بر ارتباط کودک و نوجوان با مسجد در این فصل مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس گفتنی است اولاً اغلب رفتارهای انسان بر اساس یادگیری الگویی و رفتاری استوار است و ثانیاً اولین و مهم‌ترین پایگاه یادگیری کانون خانواده است؛ زیرا خمیرمایه شخصیت انسان در خانواده تکوین می‌یابد و رفتارهای خوشایند و ناخوشایند نسبت به پدیده‌های مختلف از خانه سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین در رابطه با حضور کودکان و نوجوانان در نماز جماعت مسجد، عامل بودن خود والدین و تکریم و تعظیم عملی اقامه نماز و حضور به موقع آن‌ها و فرزندان در مسجد اثر مطلوب بیشتری در روح و جان کودک و نوجوان می‌گذارد تا توصیه‌های پی‌درپی و بدون عمل آنان. شرکت نوجوانان در نماز جماعت پیش از آنکه متأثر از اندرزها و سخنان و نظارت والدین باشد، معلول پذیرش رفتار آنان و همراه کردن فرزندان با خود در این راه است. خانواده‌هایی که با فضاسازی مناسب، امکان درک و یادگیری ارتباط با خدا را برای فرزندان فراهم می‌کنند و از طرفی کودکان و نوجوانان را همراه خویش در اماکن مذهبی حاضر می‌سازند، با ایجاد فضایی که فرزندان ترغیب و تشویق به نماز جماعت می‌شوند، باعث افزایش شرکت فرزندان خود در نماز جماعت می‌گردند.<sup>۱</sup> البته شایسته است که همراه بردن فرزند به مسجد با بار عاطفی مثبت همراه باشد تا خاطرات خوشایندی در ذهن او ایجاد کند.

۱. طالقانی و دیگران، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین، «مدیریت مسجد، تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی»، ص ۸۰-۵۵.

## « ب: وضع موجود

برحسب آنچه گفته شد، بررسی وضعیت ارتباط دادن فرزندان با مسجد توسط خانواده، از دو گام که در طول هم قرار دارند تشکیل می‌شود. این دو گام عبارت‌اند از:

● الف) وضعیت جذابیت و مطلوبیت ذهنی مسجد در اندیشه والدین

● ب) وضعیت ارتباط عملی والدین با مسجد

دلیل وجود این دو گام و تأثیرگذاری هر دو در ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد آن است که به هر میزان که مسجد برای والدین، جذابیت و مطلوبیت داشته باشد و به هر میزان که در ذهن و اندیشه والدین، این مطلوبیت، کم یا زیاد شود، به همان اندازه در ارتباط‌گیری آن‌ها با مسجد مؤثر واقع می‌افتد و به تبع، به دلیل نقش واسطه‌ای والدین در ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد، در میزان ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد تأثیرگذار می‌شود؛ بنابراین هم وضعیت جذابیت و مطلوبیت ذهنی مسجد در نگرش والدین و هم میزان ارتباط عمیق والدین با مسجد، در ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد تأثیر تام و تمام دارد با این تفاوت که یکی تأثیرش غیرمستقیم و دیگری مستقیم است. با این مقدمه به بررسی وضعیت هر کدام از دو مورد فوق می‌پردازیم.

## ۱. وضعیت جذابیت و مطلوبیت مسجد برای والدین

حقیقت آن است که وضعیت خوبی در این خصوص مشاهده نمی‌شود و هجمه فرهنگی سنگین غرب بر خانواده دین‌مدار ایرانی تأثیر گذاشته است. تهاجم فرهنگی غرب عمدتاً از طریق شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی اینترنت و پتانسیل‌های موجود در آن صورت می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد که نگرش و ارزش‌های افرادی که از تولیدات فرهنگی غربی در قالب ماهواره، اینترنت و بازی‌های ویدئویی استفاده می‌کنند، به شدت تحت تأثیر قرار گرفته است و نسبت به مسائل مذهبی و از جمله نماز و مسجد، تأثیر منفی گذاشته است و شاعر دینی و نمادهای مذهبی همچون مسجد، آن جذبه و مطلوبیت ذهنی سابق را برایشان ندارد.

هم‌اکنون بنابر داده‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۷۱ درصد تهرانی‌ها از ماهواره استفاده می‌کنند و در آینده نزدیک نیز دو هزار شبکه ماهواره‌ای از طریق موبایل قابل دریافت خواهد بود. در تحلیل محتوای سریال‌های یکی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان یعنی فارسی‌وان، محورهای عمده ذیل به چشم می‌خورد: متقاعد کردن زنان به رسیدگی بیشتر به تن و ظاهر خود برای جلب توجه مردان. طرح سؤال و شبهه و تردید مکرر در مورد دیدگاه‌های افراد مقید به ازدواج و زندگی مشترک.

نمایش مکرر مشروب‌خواری و یاوه‌گویی‌های هنگام مستی و عادی‌سازی آوردن مشروب بر سر سفره.

عادی‌سازی رابطه‌های خارج از چهارچوب خانواده.

خیانت و عدم وفاداری مردان و زنان متأهل به همسران خود که بعضاً با نیت انتقام صورت می‌گیرد.<sup>۱</sup>

همچنین در پروسه تهاجم فرهنگی، بخش اعظمی از ارزش‌ها و نگرش‌های القایی به ارزش‌ها و نگرش‌های فمینیستی تعلق دارد که بر اساس رویکردهای فمینیستی، خانواده نه تنها محور نیست، بلکه ساختاری ستم‌آلود است که باید دگرگون شود.<sup>۲</sup>

۱. نصرالله پور، نقش اول ۸۷ درصد سریال‌های فارسی‌وان «زن» است، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۹/۴، شماره: ۰۰۳۹۶-۰۸۰۴-۱۳۹۲.

۲. مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، ص ۱۷.



خانواده ترویجی غرب تحت تأثیر اندیشه‌ها و ارزش‌های جدید که بخشی از آن تبیین شد و نیز برحسب اجبار و الزامات زندگی شهری ماشینی، کار همزمان زن و مرد را خارج از منزل فارغ از توجه به سلامت اخلاقی محیط‌های کاری، نه تنها به‌عنوان یک ارزش و هنجار بلکه به‌عنوان یک اجبار و اضطرار در سبک زندگی جدید، ترسیم و عملی نموده است؛ ثمرهٔ چنین زندگی‌ای طبیعتاً در مرحله اول کاهش تعاملات عاطفی بین زوجین و واگذاشتن تربیت فرزندان به نهادهای اجتماعی و در قدم بعدی کاهش فرزندآوری به دلیل مشکلات و هزینه‌های زیاد آن از حیث نیاز به اختصاص وقت و نیز مزاحم دانستن آن نسبت به خوش‌گذرانی‌های زندگی مادی است. احیاناً در قدم‌های بعدی نیز باید منتظر کاهش ازدواج، افزایش طلاق، سقط جنین عمدی و روابط فرازنشویی بود.

همه این‌ها را اضافه کنید به ورود سرسام‌آور رسانه‌ها به درون خانه و خصوصی‌ترین حریم خانواده‌ها که سبب شده تا همین ارتباط اندک باقی‌مانده خانواده‌ها نیز، روز به روز کمتر از هرزمانی شده و حتی نبودن یکی از افراد خانه کمتر احساس شود و این به معنای بحران عاطفی و تجزیه شخصیتی است.<sup>۱</sup> در چنین خانواده‌ای اعضای خانواده به یکدیگر چندان کاری ندارند. پدر یکجا مشغول، مادر یکجا مشغول؛ نه همدیگر را می‌بینند؛ نه برای هم غذا می‌پزند؛ نه برای هم محبتی و عاطفه‌ای نثار می‌کنند؛ نه از هم دلجویی می‌کنند؛ نه با هم کار واقعی دارند. آن وقت برای اینکه به سفارش روان‌شناسان امور کودکان عمل کرده باشند، با هم قرار می‌گذارند تا در یک ساعت معینی پدر و مادر به خانه بیایند و یک محفل خانوادگی داشته باشند. برای اینکه بتوانند این اجتماع خانوادگی را که در یک خانواده سالم به‌طور طبیعی وجود دارد، این‌ها به‌صورت تصنعی برای خود به وجود بیاورند.<sup>۲</sup> به‌راستی در چنین خانواده‌ای و با والدینی که چنین اندیشه‌هایی در سر می‌پرورانند، چقدر می‌توان انتظار نگاه مثبت نسبت به نماز و مسجد و مسجد رفتن خود و فرزندان کودک و نوجوان را داشت؟!

۱. باقر ساروخانی، جامعه‌شناسی خانواده، ص ۱۳۴.

۲. محمدجواد حاج‌علی‌اکبری، مطلع عشق، ص ۳۹.

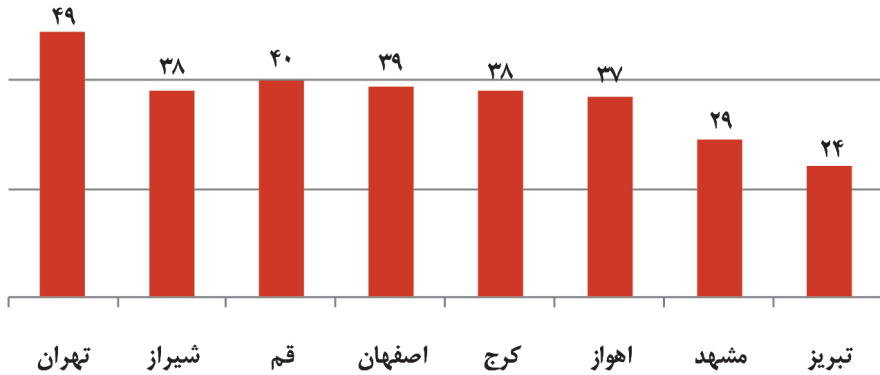
مگر امکان دارد قربانیان طلاق فقط زوجین باشد و بتوان فرزندان را از شمار قربانیان آن جدا نمود! هم‌اکنون آمار نشان می‌دهد که درصد زیادی از نوجوانان بزهکار، خانواده‌های متشنج داشته و فرزند طلاق هستند. برخی از کودکان طلاق، به خاطر مشکلات مالی-خانوادگی وارد چرخه کار می‌شوند و در مواردی هم به خاطر تأثیر همسالان و دوستان خود به اعتیاد یا خرده‌فروشی مواد مخدر کشیده می‌شوند. نتیجه و جمع‌بندی وضع موجود از آنچه گفته شد، چیزی جز حرکت به سمت بی‌میلی نسبت به مسجد نیست؛ هرچند رویش‌های فراوانی نیز وجود دارد، لیکن با میزان ریزش‌ها برابری نمی‌کند. همچنین یکی دیگر از نتایج وضعیت حاضر، حرکت به سمت فردیت و لذت‌گرایی دلبخواهی در زندگی است که کاملاً در تضاد با دین‌مداری و پذیرش ارزش‌های اخلاقی و وقت گذاشتن برای رفتارهای دینی همچون نماز جماعت یا همراهی و ایثار در فضای تعاملی خانواده است.

## ۲. وضعیت ارتباط والدین با نهاد مسجد

برحسب داده‌های طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیرثبتی) در سال ۱۳۹۱ آگاهی‌های لازم مردم در خصوص نماز و مسجد و میزان ارتباط آنان با مسجد به شرح ذیل است:

### ۲-۱. میزان اطلاع از احکام نماز:

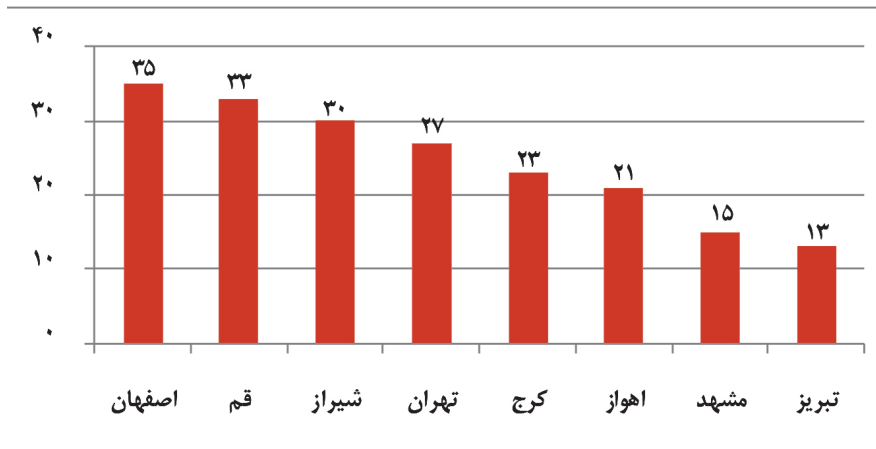
حدود ۴۲ درصد از ساکنان کلان‌شهرها بیان کرده‌اند که از احکام نماز «کاملاً» و ۵۱ درصد از پاسخ‌دهندگان از احکام نماز «تا حدودی» اطلاع دارند. حدود ۲ درصد از افراد نیز اعلام کرده‌اند که از احکام نماز «اصلاً» اطلاع ندارند. « افرادی که کاملاً از احکام نماز اطلاع دارند



### ۲-۲. میزان اطلاع از احکام نماز جماعت:

حدود ۲۵ درصد از مردم کلان‌شهرها اظهار کرده‌اند که از احکام نماز جماعت «کاملاً» و بیش از نیمی (۵۴ درصد) از پاسخ‌دهندگان از احکام نماز جماعت «تا حدودی» اطلاع دارند. حدود ۱۵ درصد از افراد نیز بیان کرده‌اند که «اصلاً» از احکام نماز جماعت اطلاع ندارند.

## « افرادی که کاملاً از احکام نماز جماعت اطلاع دارند



### ۲-۳. میزان شرکت در نماز جماعت:

**نماز صبح:** نزدیک به ۲ درصد از پاسخ‌دهندگان در کلان‌شهرها اعلام کرده‌اند که «تقریباً همیشه»، ۶ درصد اظهار کرده‌اند که «گاهی اوقات» و ۸ درصد گفته‌اند که «به ندرت» نماز صبح خود را به جماعت ادا می‌کنند. حدود ۶۲ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز عنوان کرده‌اند که «اصلاً» نماز صبح خود را به جماعت ادا نمی‌کنند. حدود ۷۷ درصد از پاسخ‌دهندگان ساکن در شهر مشهد، ۶۸ درصد از ساکنان شهر اصفهان، ۶۳ درصد از ساکنان شهر اهواز، ۶۰ درصد از ساکنان شهر شیراز، ۵۹ درصد از ساکنان هر یک از شهرهای قم و تهران، ۵۸ درصد از ساکنان شهر کرج و ۵۷ درصد از ساکنان شهر تبریز اظهار کرده‌اند که «اصلاً» نماز صبح را به جماعت نمی‌خوانند.

**نماز ظهر و عصر:** حدود ۹ درصد از پاسخ‌دهندگان در کلان‌شهرها اعلام کرده‌اند که «تقریباً همیشه»، ۱۸ درصد «گاهی اوقات» و ۱۱ درصد بیان کرده‌اند که «به ندرت» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا می‌کنند حدود ۴۰ درصد از افراد نیز اظهار کرده‌اند که «اصلاً» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا نمی‌کنند. حدود ۴۶ درصد از پاسخ‌دهندگان ساکن در هر یک از شهرهای مشهد و اهواز،

۴۵ درصد از ساکنان شهر اصفهان، ۴۱ درصد از ساکنان شهر شیراز، ۳۹ درصد از ساکنان شهر کرج، ۳۸ درصد از ساکنان شهر تهران، ۳۶ درصد از ساکنان شهر تبریز و ۲۹ درصد از ساکنان شهر قم اظهار کرده‌اند که «اصلاً» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا نمی‌کنند.

**نماز مغرب و عشا:** در میان مردم کلان‌شهرها ۱۰ درصد گفته‌اند که «تقریباً همیشه»، ۱۹ درصد «گاهی اوقات» و ۱۲ درصد اعلام کرده‌اند که «به‌ندرت» نماز مغرب و عشا را به جماعت ادا می‌کنند. حدود ۳۷ درصد از پاسخ‌دهندگان نیز اظهار کرده‌اند که «اصلاً» نماز مغرب و عشا را به جماعت ادا نمی‌کنند. حدود ۴۲ درصد از پاسخ‌دهندگان ساکن مشهد، ۳۹ درصد از ساکنان هر یک از شهرهای کرج و اصفهان، ۳۸ درصد از ساکنان هر یک از شهرهای تهران و اهواز، ۳۷ درصد از ساکنان شهر شیراز، ۲۹ درصد از ساکنان شهر تبریز و ۲۶ درصد از ساکنان شهر قم اظهار کرده‌اند که «اصلاً» نماز ظهر و عصر خود را به جماعت ادا نمی‌کنند.

علی‌رغم اینکه این تحقیق میدانی از نوع پرسش‌نامه‌ای و سؤال مستقیم از مخاطبان بوده و آمارهای برآمده از آن نوعاً با واقعیت فاصله دارد و آمار بالاتر از حد واقعی را از لحاظ ارزشی و ایجابی نشان می‌دهد، ولی باز هم داده‌ها، نشان از کمی افراد حاضرشونده در نماز جماعت ظهر و مغرب دارد؛ بنابراین بررسی میزان ارتباط خانواده‌ها با مسجد که کودکان نیز ارتباطشان با مسجد از طریق آن‌ها حاصل می‌شود، وضعیت مناسبی را نشان نمی‌دهد.

**موانع دیگر:** غیر از آنچه گفته شد شاید بتوان دو عامل زیر را نیز جزء موانع حضور والدین و فرزندان در مسجد قلمداد نمود:

۱. هم‌زمانی برنامه‌های رسانه و مسجد: بسیاری از کسانی که در مراسم دینی مسجد شرکت نمی‌کنند، در پاسخ به این پرسش که چرا در مسجد حاضر نمی‌شوید می‌گویند: برنامه‌های تلویزیون از برنامه‌های مسجد محل پر بارتر و بهتر است.<sup>۱</sup>
۲. تراکم کاری: امروزه بسیاری از شهرنشینان، بخش زیادی از وقت خود را در بیرون

۱. عسگر آرمون، علیرضا کامران، عبدالله اسدی، مساجد و جوانان؛ فرصت‌ها و تهدیدها، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰.

از خانه به سر می‌برند و به دلیل وجود گرفتاری‌های زندگی و نیازهای اقتصادی، ناچار بیش از یک شغل دارند. این تراکم کاری علاوه بر خستگی جسم، سبب کسالت و افسردگی روحی نیز می‌شود که برای رفع آن، فرد نیاز به استراحت دارد؛ یعنی بسیاری از شهروندان وقتشان را به دو بخش تقسیم می‌کنند: قسمتی را در خارج از خانه برای کار و رفع نیازهای زندگی می‌گذرانند و باقی‌مانده آن را در خانه به استراحت می‌پردازند. روزهای تعطیل نیز به استراحت، تفریح یا دیدار خویشاوندان می‌پردازند. در این شرایط جسمی و روحی، حوصله‌ای برای رفتن به مسجد و حضور در میان صف‌های نماز جماعت و شنیدن سخنان امام جماعت باقی نمی‌ماند؛ حضور در مسجد، به امنیت روانی و دست‌کم آمادگی جسمی و روحی نیاز دارد که گوناگونی کارها این آمادگی را از میان می‌برد.<sup>۱</sup>

۱. رک: فرحی، مجتبی، زندگی در آینه اعتدال.

## « ج: راهکارها

مسیری که در بیان راهکارهای سایر عناصر پیموده شد، یک مسیر گام‌به‌گام علمی بوده که از معرفت‌بخشی و ارزش‌آفرینی در مورد ارتباط کودک و نوجوان با مسجد شروع می‌شد و آنگاه پس از طی راهکارهای فراهم‌سازی زمینه‌های تقنینی و نگاه علمی و تخصصی به موضوع، به رفتارسازی و نمادسازی منتهی می‌شد. در اینجا از تکرار آن صرف‌نظر کرده و فقط به توضیح آن در سه سطح خرد و میانی و کلان بسنده می‌شود:

### ۱. سطح خرد

در این سطح لازم است ابتدائاً در خصوص نگرش و اندیشه والدین به‌عنوان عامل ارتباط‌دهنده فرزندان با مسجد، کار شود و از طرق مختلف، معرفت‌بخشی و ارزش‌آفرینی نسبت به این امر صورت گیرد که: ارتباط با نماز و مسجد جزء نیازهای بی‌بدیل روحی و روانی والدین و فرزندان و نیز عامل سعادت‌بخش اخروی است.

این کار جهت اینکه مشخص شود چگونه (با چه محتوایی و از چه طریقی) باید صورت گیرد، نیازمند تحقیقات علمی و تخصصی توسط صاحب‌نظران این حوزه است؛ در مرحله بعد نیز به‌منظور عملی‌سازی یافته‌ها، نیاز به ریل‌گذاری قانونی و بسترسازی از طریق تصویب قوانین لازم است. درنهایت نیز لازم است والدین به‌عنوان الگوی رفتاری و عملی، هم خود با نماز و مسجد ارتباط برقرار نمایند و هم فرزندان کودک و نوجوان خود را در این ارتباط‌گیری یاری و همراهی نمایند. بر این اساس برخی از پیشنهادهای اجرایی در این خصوص به شرح ذیل است:

### ۱-۱. آگاهی‌یابی و آگاهی‌دهی:

لازم است والدین از طرق مختلف نسبت به اخذ آگاهی‌ها و معارف دینی از جمله نماز و مسجد اقدام نمایند و از هرگونه کوتاهی در این خصوص دوری کنند، سپس معلومات لازم را به فراخور سن و استعداد فرزندان، به آن‌ها یاد دهند و فرزندان را با معارف دینی و نماز و مسجد و ارزش‌های معنوی آشنا سازند.

## ۱-۲. آشناسازی عملی با نهاد مسجد:

والدین باید به شکل عملی، فرزندان خود را با نماد مسجد آشنا سازند که این کار از طرق مختلف می‌تواند صورت گیرد؛ برخی از موارد آن بدین شرح است:

۱. والدین سعی کنند در مناسبت‌ها به‌خصوص اعیاد و مراسم و جشن‌های اسلامی که مساجد دارای برنامه‌های شاد و جذاب‌تری می‌باشند، ضمن حضور خود، حتماً فرزندان خویش را نیز در این مراسم شرکت دهند تا خاطرات خوب برنامه‌های شاد مسجد، در ذهن فرزندان باقی بماند. یکی از دلایل عمده عدم حضور خانواده‌ها گرفتاری‌های شغلی و نداشتن فرصت است؛ بنابراین حداقل شرکت در برنامه‌های اعیاد اسلامی که در ایام تعطیل است، جرقه‌هایی از آشنایی و انس را در فرزندان ایجاد می‌نماید و سبب می‌گردد تا فرزندان، نسبت به مساجد، بیگانه و ناآشنا بار نیایند. والدین می‌توانند حضور فرزندان را در برنامه‌های دینی، فرهنگی و فوق‌برنامه و همچنین فعالیت‌های حاشیه‌ای مسجد، تسهیل نمایند.

۲. با توجه به اینکه فرزندان در سنین نوجوانی و جوانی، غالباً محصل هستند و فصل تابستان فصل تعطیلی مدارس و اوقات فراغت محسوب می‌شود، والدین حتی‌المقدور تلاش کنند که در کلاس‌های غنی‌سازی اوقات فراغت مساجد، فرزندان را ثبت‌نام نمایند و اگر احیاناً به دلیل عدم امکان تشکیل بعضی از کلاس‌ها در مساجد (مانند رشته موسیقی) فرزندان را در مراکز دیگر ثبت‌نام می‌کنند، سعی نمایند حداقل، برای یک رشته و فعالیت هم که شده، آنان را در فعالیت و برنامه‌های مساجد شرکت دهند تا حلقه اتصال فرزندان با مساجد، گسسته نشود.

۳. با توجه به اینکه امام جماعت بالاترین مقام را در مسجد دارد، بایسته است که والدین زمینه ارتباط دوستانه فرزندان، با امام جماعت را فراهم نمایند؛ حتی اگر این ارتباط، در حد یک مصافحه بعد از اقامه نماز جماعت باشد.

۴. والدین سعی نمایند در گردش و سفرهای تفریحی و زیارتی، حتماً برنامه بازدید



از یک مسجد تاریخی یا اماکن مذهبی را که دارای برجستگی خاص بوده و مشهور و معروف است، [در برنامه سفر خود] بگنجانند.<sup>۱</sup>

### ۱-۳. الگوی رفتاری بودن:

اگر اعضای خانواده به‌ویژه پدر و مادر، خود به مسجد بروند یا به رفت‌وآمد فرزندشان به مسجد توجه کنند، می‌توان انتظار داشت کودکان و نوجوانان با مسجد، میانه خوبی داشته باشند.<sup>۲</sup>

### ۱-۴. تشویق فرزندان نمازخوان:

هر انسانی در برابر کاری که انجام می‌دهد، تشنه تشویق است و تشویق، انسان را بهتر و اداریه به کار کرده و باعث می‌شود کار را بهتر انجام دهد. این مطلب در بچه‌ها تأثیر بیشتری دارد و خوب است که فرزندان را در رابطه با تمام کارهای خوبی که انجام می‌دهند، مخصوصاً نماز، تشویق نماییم.<sup>۳</sup>

۱. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۴۱-۱۴۲.

۲. طاهره سرچاهی، علی‌اکبری، بررسی راه‌های تقویت ارتباط و تعامل میان مسجد و جوانان، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰.

۳. محمد مهدی تاج لنگرودی، نماز در خانواده، ص ۹۲.

## ۲. سطح میانی

در این سطح از نهادها و سازمان‌ها انتظار می‌رود نسبت به فراهم‌سازی زمینه‌ها و خلق بسترهای لازم، والدین را در ارتباط دادن کودکان و نوجوانان با مسجد یاری نمایند. در این سطح مثلاً از نهاد مدرسه و انجمن اولیا و مربیان انتظار می‌رود آموزش والدین را در ارتباط با اهتمام به امر نماز و نیز نحوه نماز خوان نمودن فرزندان، به نحو مطلوبی انجام دهند؛ آموزش‌هایی از قبیل:

- اهمیت نماز و مسئولیت والدین در قبال نماز فرزندان.
- آموزش شیوه‌های جذب فرزندان به نماز.
- بیان حقوق فرزندان بر والدین در خصوص تربیت آن‌ها.
- نقش الگویی والدین در ترغیب فرزندان به نماز.
- شیوه‌های تربیت دینی فرزندان.
- بیان آثاری نمازی و پیامدهای نامطلوب آن.
- پیش قدم شدن والدین در امور عبادی به خصوص نماز.
- تحسین و تشویق فرزندان نماز گزار در جلو دیگران.
- بیان فلسفه، آثار، فواید و اسرار نماز.

به نظر می‌رسد مهم‌ترین نهادهایی که در این زمینه می‌توانند نقش ایفا نمایند عبارت باشند از:

- الف) مدرسه
- ب) رسانه ملی
- ج) رسانه‌های مکتوب
- د) سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی و در رأس آن‌ها وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در سطح کلان انتظار می‌رود که سیاست‌گذاری‌های کلان اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دولت منجر به یاری والدین در تقویت ارتباط فرزندانشان با مسجد باشد. سیاست‌گذاری‌ها باید به شکلی باشد که سبک زندگی مردم، آن‌قدر مملو از مشغله‌های ریز و درشت نباشد که والدین فرصت و امکان حضور در نماز جماعت مسجد را نداشته باشند یا فرصت و امکان فراگیری معارف و آموزش‌های لازم در این خصوص را از دست بدهند.

همچنین عملکرد کلان دولت که به نام دولت اسلامی مزین شده است، نباید در هیچ‌کدام از حوزه‌ها منجر به دلسردی و انزجار از دیانت و نمادهای دیانت همچون مسجد و نماز بشود. شاید نیازی به گفتن نباشد ولی این واقعیتی است که مشکلات اقتصادی، ناخودآگاه بر دیدگاه والدین نسبت به نماز و مسجد و دین تأثیر می‌گذارد؛ فراهم نشدن نیازهای اولیه زندگی افراد و یا احساس بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه، تأثیر بسزایی در خالی شدن مساجد از والدین و در نتیجه خالی شدن مساجد از فرزندان کودک و نوجوان آن‌ها دارد.

چنین وضعیتی حتی در میزان رغبت والدین نسبت به فراگیری معارف و آموزش‌ها، حتی در صورت فراهم شدن امکانات نیز اثرگذار خواهد بود؛ لذا دیده می‌شود که برخی والدین با اینکه به شبکه‌های تلویزیونی و برنامه‌های کم‌وبیش آموزشی آن دسترسی دارند، لیکن چندان رغبتی به استفاده از آن نشان نمی‌دهند و بدتر اینکه بعضاً به سراغ شبکه‌های ماهواره‌ای می‌روند. بدون تردید بخشی از این رویکردها و رغبت‌های والدین به این یا آن، ناشی از عملکردهای کلان دولت اسلامی است که لازم است توجه ویژه به آن صورت گیرد.

البته به دلیل وجود شایعات تخریبی فراوان از عملکرد نظام - که بخش قابل توجهی از بدبینی‌ها نیز ناشی از عدم اطلاع از واقعیات و ندیدن دست عامل بیگانه در پشت پرده بسیاری از کمبودها و ضعف‌هاست - لازم است در جهت شفاف‌سازی و آگاهی‌دهی از مسائل کلان کشور و رونمودن چهره شیطانی عوامل خارجی، اقدامات جدی صورت گیرد.

## بخش نهم: مدرسه

### « الف: تبیین موضوع و ضرورت آن

یکی از عوامل مؤثر در مسجدی شدن نوجوانان، ایجاد هماهنگی و همکاری مثبت و سازنده بین مدرسه و مسجد است. پیوند و ارتباط نزدیک مدرسه و مسجد با یکدیگر در واقع پیوند استوانه‌های تربیت صحیح و منطقی است. گفتنی است بحث از نقش مدرسه در خصوص موضوع کودک و نوجوان و مسجد در فصل پیش نیز مطرح شد لیکن آنچه در اینجا مطرح می‌شود متفاوت با مطالب قبلی است؛ فصل قبل درصدد بررسی عوامل و عناصری بود که در تصویرآفرینی مثبت از مسجد در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان نقش ایفا می‌کردند و جذابیت‌آفرینی داشتند، بدون اینکه لزوماً دانش‌آموزان را با خود مسجد ارتباط دهند؛ در فصل پیشین و در بخش مدرسه به محتوای کتب درسی از حیث نوع پرداختن به موضوعات دینی و مسجد و نیز به عملکرد معلمان آموزش و پرورش از نظر الگوی رفتاری مناسب بودن برای کودکان و نوجوان و میزان توانایی آن‌ها در ارزش‌آفرینی از شعائر و نمادهای دینی از جمله مسجد پرداخته شد؛ لیکن در این فصل تمرکز

در خصوص عملکرد ارتباط‌دهندگی آن‌ها است و به این مسئله می‌پردازیم که برنامه‌های مدارس چقدر در جهت آشنایی عملی کودکان و نوجوانان با مسجد و عنصر کلیدی آن یعنی امام‌جماعت مؤثر است؟ این موضوع، موضوع بسیار مهمی است و پرداختن به آن کاملاً ضروری است به دلیل:

### ۱- آمادگی کودکان و نوجوانان در جذب و یادگیری:

کودکان و نوجوانان آمادگی دریافت بهتر و بیشتری برای مطالب علمی و دینی دارند؛ اگر شخصیت آنان در محیط نامناسبی شکل گیرد، اصلاح افکار و عقاید و اعمال آنان در بزرگسالی، کار بسیار مشکلی خواهد بود. وقتی نهالی در زمین کاشته می‌شود، ممکن است با انواع آفات روبرو شود یا بر اثر تندبادها آسیب ببیند. حضور روحانی مانند همان تکیه‌گاه و عمودی است که در کنار نهال می‌گذارند تا او را از طوفان‌های سخت در امان نگه دارد.

### ۲- وجود دانش‌آموزان با تعداد بالا (کمیت):

در هیچ مؤسسه و آموزشگاهی حتی در مساجد نمی‌توان یکجا و حداقل ۲۰۰ تا ۵۰۰ نفر دانش‌آموز را به راحتی در کنار هم دید؛ اما در مدارس این امر به سهولت امکان‌پذیر است.

### ۳- حضور مستمر و روزانه و حداقل ۵ ساعت در روز (ظرفیت):

فقط مدارس هستند که چنین ظرفیت و توانایی را دارند که در ۵ تا ۶ روز از روزهای هفته دانش‌آموزان را در مدرسه جمع کنند. آن هم روزی حداقل چهار ساعت و نیم.<sup>۱</sup>

۱. حسن آخوندپور، بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه، پورتال ستاد اقامه نماز صدا و سیما.

« ب: وضع موجود

علی‌رغم اینکه در بخشی از قانون برنامه سوم توسعه آمده است:

- «ماده ۱۶۳ - با توجه به اهمیت گسترش فضاهای مذهبی و مساجد ضمن حفظ اصل ساماندهی ساخت‌وساز، احیا، تعمیر و تجهیز مساجد از طریق مشارکت‌های مردمی و شوراهای شهری و روستایی، دستگاه‌های اجرایی موضوع این ماده موظف‌اند طی سال‌های اجرای برنامه اقدامات زیر را انجام دهند:

و - با هدف اعتلای جایگاه مسجد و مدرسه در فعالیت‌های اجتماعی - فرهنگی محلات، روستاها و شهرها و هماهنگ‌سازی فعالیت‌های سازماندهی شده در این مکان‌ها در جهت ارتقای ایمان و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و شکوفایی خلاقیت‌های علمی، فرهنگی و هنری گروه‌های مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، اقدامات ذیل در سال‌های برنامه سوم توسعه انجام می‌گیرد:

۲ - تعریف فعالیت‌های آموزشی، فرهنگی و هنری مشترک مسجد و مدرسه در آیین‌نامه‌ها و مقررات بخش‌های آموزش، فرهنگ و هنر و تبلیغات اسلامی، تربیت بدنی و ورزش.»

ولی در عمل همکاری چندانی بین مدرسه و مسجد مشاهده نمی‌شود؛ نه مسجد و اهالی آن دست دوستی و همکاری به‌سوی مدارس دراز می‌کنند و نه مدارس چندان رغبتی به ارتباط دادن دانش‌آموزان با مساجد دارند! البته این موضوع کلیت ندارد و هستند مدارسی که رویکرد کاملاً دینی دارند و تحت عنوان مدارس معارف اسلامی و غیر آن فعالیت می‌کنند و ضمن آنکه ارتباط وثیقی با مسجد دارند، در مناسبت‌های مختلف و حتی برای برگزاری نماز جماعت روزانه از وجود روحانی و امام جماعت بهره‌مند هستند؛ ولی این یک جریان نیست و عمومیت ندارد؛ بلکه آنچه نمود دارد و به‌منزله جریان اصلی این بخش قابل مشاهده است، بی‌توجهی به این ارتباط معنوی است!

در حال حاضر آنچه در مدارس اتفاق می‌افتد دو مقوله مهم زیر است:

#### « ۱- در اولویت بودن آموزش در مدارس:

اگرچه مدارس تحت پوشش سازمانی به نام «آموزش و پرورش» هستند، لکن ۸۰٪ فعالیت‌ها و دغدغه‌های متولیان مدرسه در بحث آموزش متمرکز است و ۲۰٪ باقی‌مانده به بحث ورزش، بهداشت و نهایتاً مسائل پرورشی و روحی دانش‌آموزان معطوف می‌شود؛ بنابراین توجه به پرورش که همان تربیت دینی و معرفت‌بخشی به کودکان و نوجوانان است بسیار کم‌رنگ است. متأسفانه، حتی اولیای دانش‌آموزان و مطالبات آن‌ها نیز دچار چنین نگرشی شده‌اند. به‌عنوان مثال اگر یک هفته معلم و یا دبیر فارسی، علوم و یا عربی در کلاس حاضر نشود، حتی اگر معلم ورزش نداشته باشند، همه لب به اعتراض باز می‌کنند، از مراجعه به مدیر گرفته تا مراجعه به اداره آموزش و پرورش و حتی گاهی وزارتخانه. بعضی مواقع نامه می‌نویسند و پیگیر مسئله هستند و حتی گاهی کار به صدا و سیما و مطبوعات هم کشیده می‌شود. البته این حق آنان است که نگران وضع درسی فرزندان خود باشند؛ لکن بحث اینجاست که آیا این حساسیت و این احساس را در موارد دیگر نیز دارند؟ مثلاً اگر معلم دینی و قرآن نداشته باشند، اگر نماز جماعت در مدرسه برگزار نشود آیا باز هم این‌گونه دلسوز هستند؟!

#### « ۲- فقدان مسجد در برنامه تقسیم اوقات دانش‌آموزان:

اگر وقت دانش‌آموزان را به سه قسمت تقسیم کنیم:

- وقتی برای خواب و استراحت
- وقتی برای حضور در مدرسه
- وقتی برای تفریح و یارسیدگی به امور بعد از مدرسه،

بنابراین عملاً بیشترین زمان یک دانش‌آموز مستقیم یا غیرمستقیم، مرتبط با

مراکز آموزشی است و عملاً وقت کمتری برای حضور در مساجد و ارتباط با مسجد خواهد داشت؛ لذا لازم است فضای مدرسه را مسجدی نمود و با پرداختن به اموری مانند ایجاد نمازخانه و برگزاری نماز جماعت و یا اینکه متولیان مساجد خصوصاً روحانیون در مراکز علمی حضور فعال داشته باشند آن خلأ معنوی پر شود.<sup>۱</sup>

البته عوامل مختلفی دست‌به‌دست هم داده‌اند تا از حساسیت و اهتمام دینی معلمان و مدیریت مدارس کاسته شود؛ عامل اول وضعیت نامناسب معیشتی معلمان و کفاف نکردن حقوق برای نیازهای اولیه زندگی آنهاست؛ شرایط این عامل که هرروز بدتر از دیروز می‌شود و فشار اقتصادی برای آنان سنگین‌تر می‌شود، خواسته و ناخواسته در کمتر شدن اهتمام دینی آنها تأثیر می‌گذارد؛ بخش کم شدن خودخواسته اهتمام دینی بدین علت است که فعالیت آنها در زیر لوای دولت اسلامی صورت می‌گیرد و لذا نقصان در دریافتی‌ها منتسب به دولت می‌شود. در چنین وضعیتی شاید برخی افراد به مشکلات دولت و تحریم‌ها و خانواده بزرگ آموزش و پرورش و سایر عوامل توجه کنند و حتی در صورت علم به ضعف عملکردی دولت‌ها، این مباحث را به موضوعات دینی و معنوی ارتباط ندهند، ولی در بخشی از افراد چنین نیست. در بخش ناخواسته نیز چنین می‌شود که وقتی دریافتی‌های آموزش و پرورش کفاف نمی‌کند، چاره‌ای جز رو آوردن به شغل دوم و سوم نمی‌ماند - هرچند در نگاه دینی گنج‌های بزرگی همچون قناعت و ساده‌زیستی نیز برای جبران نقایص و کمبودهای مالی در زندگی وجود دارند ولی در عمل، کمتر به این گنج‌ها و سرمایه‌ها توجه می‌شود - نتیجه اینکه، تمام زندگی و فکر و ذهن معلم می‌شود تدریس و کار مضاعف و دیگر چه در بیرون از مدرسه و چه در داخل، توجه به مقوله نماز جماعت و نماز اول وقت و مانند این‌ها کمرنگ شده و از اولویت‌های زندگی‌اش خارج می‌شود؛ چنین معلمی خواه‌ناخواه، رفتار و گفتارش و نوع تفکر و ذهنیاتش در تقلیل ارتباط دانش‌آموزان با مسجد اثرگذار می‌شود.

و اما مدیریت مدارس و قوانین بالادستی که باهم مرتب‌تند، در طول دو سه دهه اخیر

۱. همان.



به سمتی پیش رفته‌اند که مکمل و یاریگر همدیگر در کم‌توجهی به مقوله تربیت و پرورش دینی دانش‌آموزان باشند. با این توضیح که روند گسترش غیرانتفاعی شدن مدارس و پولی شدن آن‌ها سبب شده تا آنچه مورد اهتمام مدیریت مدارس است و نیز اولین خواسته‌ی اولیای دانش‌آموزان از مدیران مدارس، آموزش علمی و تقویت مهارت‌های کسب نمره و قبولی در کنکور باشد و در نتیجه به شکل خودکار، توجه به مقوله‌ی تربیت دینی و آشنایی با معارفی همچون نماز از اولویت خارج شود. خصوصاً در فضای غیرانتفاعی که با هر چیزی کاسب‌کارانه برخورد می‌شود، از جا گرفته تا زمان. لذا اختصاص فضا برای نمازخانه، وقت گذاشتن برای اقامه نماز جماعت در نمازخانه، اختصاص هزینه برای امام جماعت، اختصاص وقت برای بردن بچه‌ها به مسجد و نیز هزینه‌های بردن بچه‌ها به مسجد، همه در تضاد با مدیریت سوداگرانه حاکم بر مدارس غیرانتفاعی است.

به قطع و یقین می‌توان حتی این مدارس را الزام به خواسته‌های مدنظر در خصوص ارتباط دادن دانش‌آموزان با مساجد نمود؛ لیکن نه قوانین قاطعانه‌ای در این حوزه وجود دارد و نه نظارت کافی و مطلوبی!

یکی از نشریات معتبر کشور در نقد روند خصوصی‌سازی آموزش و پرورش می‌گوید: «مروری کوچک بر طرح‌ها و ایده‌های جهانی در امر «آموزش» نشان از آن دارد که ایده «جهانی‌سازی» جوامع با هدف تربیت نسلی مطیع و فرمان‌بردار سیستم لیبرال سرمایه‌داری، نیازمند «خصوصی شدن» و خروج داوطلبانه دولت و حاکمیت‌های مردمی از این حوزه پرمشتری است. خصوصی‌سازی آموزش و پرورش از آموزه‌های نظام‌های لیبرالی و نئولیبرالی است که در آن تلاش می‌شود دخالت دولت در تمامی حوزه‌ها به حداقل کاهش یابد. حتی در غرب نیز متفکرین پرشماری پس از مشاهده عواقب این نوع تفکر در حوزه‌های عمومی همچون بهداشت و درمان و آموزش و پرورش، به موضع‌گیری علیه این دیدگاه‌ها پرداختند. آموزش و پرورش برای کاهش هزینه‌های خود در حال اجرای طرح خصوصی‌سازی مدارس دولتی است؛ درحالی‌که این موضوع در قانون ذکر نشده است؛ بلکه در قانون بحث خرید خدمات آموزشی از مدارس غیردولتی ذکر شده است اما آموزش و پرورش

هم‌اکنون مدرسه دولتی را با دانش‌آموز به موسسه بخش خصوصی واگذار کرده است. به نظر می‌رسد با ادامه مسیر مذکور و به دنبال کودتای خاموش در مسیر تغییر سیاست‌های کلی نظام در حوزه آموزش و پرورش، امکان تصحیح برخی از مسیرهای انحرافی ایجادشده در حوزه حساس «تربیت نسل آینده» فراهم نگردد.<sup>۱</sup>

۱. عباس علوی، روزنامه کیهان، «نقدی بر عملکرد دولت در خصوصی‌سازی نظام تعلیم و تربیت»، ۱۳۹۳/۱۱/۱۴، شماره ۲۰۹۸۶.

۱. راهکارهای عام

در این قسمت باید به دنبال راهکارهایی بود که اختصاص به مسجد و نماز ندارد بلکه توجه بدان‌ها سبب تقویت ارتباط نهاد مدرسه و دانش‌آموزان کودک و نوجوان با مجموعه معارف دینی و نمادها و شعائر آن می‌شود که طبیعتاً یکی از آن موارد نیز نماز و مسجد است. همچنین خروجی اجرایی شدن راهکارهای اصلاحی در این بخش، نگاه بهتر به مقوله تربیت دینی و اهتمام لازم نسبت به آن خواهد شد که اهتمام به نماز و مسجد نیز بخشی از آن است.

در این قسمت رویکرد اصلی در ارائه راهکارها آن است که رجعتی دوباره به ماهیت آموزش و پرورش صورت گیرد و هدف فراموش‌شده تربیت، احیاء شود. لذا در این قسمت پیشنهاد می‌شود که:

امر معیشت معلمان مورد توجه جدی قرار گیرد.

تخصصی شدن آموزش و روند افزایش مدارس غیرانتفاعی با حضور افراد متخصص و دلسوز مورد بازنگری و بازاندیشی قرار گیرد.

قوانین قاطعی همراه با ضمانت اجرایی برای اهتمام مدارس به مقولات دینی و تربیتی دانش‌آموزان وضع گردد.

حمایت‌های مالی لازم برای هزینه‌کرد مدارس در مسائل تربیتی و دینی در نظر گرفته شود.

گزینش اخلاقی معلمان و استفاده از افراد متخلق به اخلاق اسلامی و معتقد به آرمان‌های انقلاب، مورد اهتمام باشد.

قدر و منزلت معلمان و مدیران اثرگذار در حوزه تربیت، پاس داشته شود. با تقدیر و تشویق مادی و معنوی درخور و تنبیه افراد کم‌کار می‌توان زمینه بخشی از راهکارهای اصلاحی موردنیاز را فراهم کرد.

## ۲. راهکارهای اختصاصی نماز و مسجد

در این قسمت راهکارهایی ارائه می‌شوند که خروجی آن‌ها نسبت به ترویج عملی تمام معارف دین عام و فراگیر نیست بلکه صرفاً به نماز و مسجد اختصاص دارد و برون‌داد آن‌ها، تقویت ارتباط دانش‌آموزان با نماز و مسجد است. این راهکارها خود بر دو نوع‌اند:

قسمت اول راهکارهایی مبنایی هستند که هدف آن‌ها تغییر رویکردها و جهت‌گیری‌ها است لذا نیاز به زمان زیاد دارند و بلندمدت‌اند؛ اما بخش دوم راهکارهای به‌قول معروف دم‌دستی هستند که برای شرایط حال با تمام داشته‌ها و نداشته‌هایش تجویز می‌شوند؛ اجرای این راهکارها نیاز به زمان طولانی ندارد و همین‌الآن هم مدارس می‌توانند آن‌ها را عملی سازند؛ هدف از این راهکارها آن است که تا زمان تحقق راهکارهای اساسی و تغییر رویکردها، عرصه خالی از برنامه‌های اثرگذار در این حوزه نباشد و ارتباط ضعیف فعلی، با این راهکارها حفظ شود.

## ۲-۱. راهکارهای بلندمدت مبنایی و اساسی

« ۲-۱-۱. تقویت پشتوانه علمی:

همچون سایر عناصر کلیدی در ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، در این مورد نیز لازم است نهاد مسجد، به شکل تخصصی و علمی و با تعریف سرفصل‌های مشخص دانشگاهی وارد کار شود و محققان و صاحب‌نظرانی را پرورش دهد که تخصصشان صرفاً در موضوع مسجد و همکاری مدرسه و مسجد باشد.

در حال حاضر چنین چیزی وجود ندارد لذا ضعف ادبیات کار و فقدان راهکارهای علمی مشخص به‌شدت محسوس است. اینکه برای ارتباط عملی کودکان و نوجوانان با مسجد، مدرسه چگونه می‌تواند ایفای نقش نماید، جای کار فراوان دارد. از تغییرات در سبک زندگی گرفته تا سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌هایی که باید در نهاد مدرسه عملی شوند. یا اینکه چه ضوابطی در ساخت‌وساز مدارس یا اجاره آن‌ها از حیث امکان ارتباط با مساجد باید لحاظ شود، در جایی ذکر نشده و شاید

اصلاً فکرش هم نشده است! چقدر جالب است که در کشورهای غربی، ضوابط مشخص و تخلف‌ناپذیری در خصوص رعایت حریم مدارس وجود دارد؛ به طوری که مجوز هر حرفه و شغلی را در محدوده مشخصی از فاصله مدرسه نمی‌دهند و متقابلاً برخی دیگر از کاربری‌ها و مشاغل در آن محدوده اولویت دارند. یا در مورد استادیوم‌های ورزشی قوانین محکمی مبنی بر غیرقانونی بودن فروش مشروبات الکلی در نزدیکی آن‌ها وجود دارد؛ چون تماشاگران نوعاً احساسی و هیجانی هستند و استفاده از مشروبات الکلی در چنین حالی، اوضاع را کاملاً از کنترل خارج می‌کند؛ ولی متأسفانه چنین قوانین اولیه یا هم‌سنخ آن‌ها برای ارتقای ارتباط مدرسه و مسجد مشاهده نمی‌شود!

بنابراین انتظار می‌رود محققان ژرفاندیش، راه‌کارهای ناظر به ساخت‌وساز، گذران اوقات فراغت و سایر موارد پیرامونی مدرسه را که می‌تواند در ارتباط‌گیری نهاد مدرسه با مسجد مؤثر باشد مورد توجه قرار دهند. همچنین سیاست‌گذاری‌ها در جهت اقدامات لازم در برنامه مدارس برای آشنایی دانش‌آموزان با مسجد و برقراری ارتباط آن‌ها با مسجد مورد بررسی قرار گیرند. حتی برنامه‌ریزی به‌منظور برگزاری دوره‌های آموزش مسئولان مربوطه مدرسه برای نحوه ارتباط‌دهی کودکان و نوجوانان با مساجد، می‌تواند کارساز باشد که این مسئله نیازمند تحقیق و بررسی علمی است.

#### « ۲-۱-۲. قوانین حمایت‌کننده با ضمانت اجرایی و حمایت مالی:

بعد از تحقیقات علمی نیاز به نظام‌مندسازی و ایجاد چارچوب‌های گریزناپذیر قانونی برای عملی شدن آن‌هاست تا آنچه در مرحله نظری به اثبات رسیده در مرحله عمل نیز محقق شود.

این قوانین لازم است که

- اولاً ضمانت اجرایی قوی‌ای داشته باشند.
- ثانیاً حمایت‌های مادی و معنوی لازم برخوردار باشند.

● ثالثاً نظارت مداوم بر حسن اجرای آن‌ها وجود داشته باشد.

## ۲-۲. راهکارهای کوتاه مدت برای وضعیت پیش‌رو

« ۲-۲-۱. افزایش کارکردهای مسجد به تناسب زمان

مسجد همواره در طول تاریخ برحسب نیازهای زمان خود کارکردهای متنوع و گسترده‌ای غیر از کارکرد عبادی داشته است و به هر شکلی که می‌توانست و نیاز بود تا در خدمت دین و تربیت دینی باشد، حضور داشته است. در زمان حاضر نیز که یکی از نیازهای عمده، تربیت دینی کودکان و نوجوانان است. این زمینه مشکلاتی وجود دارد. بهره‌گیری از ظرفیت مسجد و سوق دادن کارکردهای آن به سمت مسجدی کردن کودکان و نوجوانان و تربیت دینی آنان یک ضرورت است لذا به‌عنوان چند پیشنهاد می‌توان موارد زیر را مطرح کرد:

**مسجد محل برگزاری کلاس‌های درس:** کودکان، نوجوانان و جوانان را می‌توان بنا به دوره تحصیلی آنان، به گروه‌های درسی ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان تقسیم نمود و برای هر دوره مسئولی از خود جوانان توسط امام جماعت انتخاب نمود تا برای هر دوره، کلاس‌های دروس مدرسه‌ای آنان برگزار گردد. در این روش می‌توان برای تدریس از افراد رده بالاتر تحصیلی استفاده نمود؛ به طوری که نوجوانان راهنمایی که زرنگ‌تر هستند و یا جوانان دبیرستانی با استعداد به دوره ابتدایی تدریس کنند و جوانان دبیرستانی زرنگ و باهوش، تدریس دوره راهنمایی را به عهده گیرند و دانشجویان نیز تدریس دروس تخصصی‌تر دوره دبیرستان را متقبل شوند. در این حال همه آنان نسبت به هم احساس مسئولیت نموده و همه خود را در مسجد فعال و مسئول کاری خواهند دانست. البته لازم است تا با استفاده از معلمان باتجربه کلاس‌های کنکور نیز در مساجد برگزار گردد.

برگزاری کلاس‌های درس در مساجد هم اعتماد خانواده‌ها را جلب خواهد کرد و هم سبب می‌گردد تا یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های جوانان که تحصیل است در مساجد باشد.

**مسجد محل آموزش ابزارهای فناوری روز:** جوانان امروز به ابزارهای فناوری روز

همچون بازی‌های رایانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی علاقه فراوان دارند و بر کسی پوشیده نیست که دنیای امروز بدون تصور فعالیت‌های فضای مجازی و سرگرمی‌های جدید بسیار دشوار است و از طرفی این ابزارها به وسیله‌ای بسیار گسترده برای به انحراف کشیدن جوانان تبدیل شده است. از این رو لازم است تا چندین رایانه با مسئولان مشخص در هر مسجد موجود باشد - که البته مسئولان آن را امام جماعت مسجد مشخص می‌کند - تا جوانان در مساجد چگونگی به کارگیری آن‌ها را یاد بگیرند و در آنجا بتوانند از این ابزارها استفاده بهینه کردن را بیاموزند. با این کار یکی از نیازهای جوانان امروز در مساجد تأمین می‌گردد و موجبات کاهش انحراف جوانان از این طریق را فراهم می‌آورد.<sup>۱</sup>

**مسجد مکان آموزش‌های دینی و قرآنی:** می‌توان کلاس‌هایی به صورت حساب شده برای تدریس قرآن، احکام و امور اعتقادی برای دوره‌های سنی مختلف در مساجد ترتیب داد و ضمن برنامه‌های دیگر، معارف دینی و تربیتی را به جوانان آموخت و برای آنان برنامه‌های دعا و هم‌خوانی و نظایر آن را به فراخور نیاز آنان اجرا کرد. مسجد محل برگزاری مسابقات علمی: با توجه به اینکه دروس مختلف در مساجد تدریس می‌شود، لازم است برای ایجاد رقابت بین دوره‌های تحصیلی مختلف مسابقات علمی برگزار گردد و از این طریق ضمن ایجاد رقابت بین دانش‌آموزان هر دوره و هر سال تحصیلی، این امکان فراهم می‌آید تا دانش‌آموزان هر دوره توان علمی خود را محک بزنند. برگزاری مسابقات علمی شایسته است به طور دائمی و در فواصل زمانی معقول صورت پذیرد. علاوه بر مسابقات علمی، می‌توان مسابقات حفظ و قرائت و مفاهیم قرآن نیز به فراخور سن برای هر دوره برگزار کرد؛ همچنین برگزاری مسابقات احکام و اصول اعتقادی در دوره‌های طولانی‌تر ولی دائم لازم به نظر می‌رسد.

**مسجد محلی برای برنامه‌های اردوهای تفریحی:** در هر مسجد تدوین برنامه‌هایی برای اعزام کودکان و نوجوانان به اردوهای تفریحی می‌تواند موجبات شادی کودکان و نوجوانان را فراهم سازد. هزینه این اردوها را می‌توان از خود آن‌ها گرفت. تفریح

۱. رحمت‌الله دانش میر کهن، چگونگی جذب پایدار جوانان به مساجد، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۱.

و سرگرمی و جست‌وخیز از نیازهای جدایی‌ناپذیر دوره کودکی و نوجوانی است و نادیده گرفتن آن می‌تواند صدمات جبران‌ناپذیری به روح و روان کودکان و نوجوانان وارد سازد؛ مضاف بر اینکه تأمین تفریح می‌تواند شادابی کودکان و نوجوانان را حفظ کند.<sup>۱</sup>

### « ۲-۲-۲. برگزاری نماز در مدرسه

یکی از مسئولیت‌های مهم مربیان مدارس، آماده کردن محیطی مناسب برای برگزاری نماز است که باید دارای این ویژگی‌ها باشد: فضای نمازخانه با تعداد دانش‌آموزان مناسب داشته باشد، نمازخانه مدرسه جذاب‌ترین مکان مدرسه باشد، مفروش باشد، محراب داشته باشد؛ تهیه وسایل رفاهی نماز مثل دمپایی، سرویس بهداشتی، قفسه، جاکفشی، جامه‌ری و امکانات گرمایشی در چنین محیطی می‌تواند جاذبه لازم را برای دانش‌آموزان داشته باشد. حضور مسئولان مدرسه و معلمان همراه دانش‌آموزان در نماز دانش‌آموزی بسیار تأثیرگذار و ضروری است.<sup>۲</sup>

### « ۳-۲-۲. حضور عناصر الگویی مسجد در مدرسه

اعزام روحانی جوان توسط مسجد محله برای اقامه نماز جماعت در مدارس موجود محله و در صورت عدم حضور ائمه جماعات، به میزان کافی، حداقل هفته‌ای یا ماهی یک‌بار یکی از برنامه‌هایی است که برای آشنایی دانش‌آموزان با الگوهای دینی و مذهبی محله ضروری است؛ امام جماعت مسجد، باید در مدارس نزدیک، به‌تناوب نماز جماعت اقامه نماید.<sup>۳</sup>

۱. همان.

۲. علیرضا خزایی، نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاقی جامعه، مجموعه مقالات برگزیده همایش معلم، فرهنگ و توسعه، ص ۱۵.

۳. محمدعلی موظف رستمی، همان، ص ۱۶۷.



« ۴-۲-۲. حضور عناصر الگویی مدرسه در مسجد

دانش‌آموزی که از معلم خود معرفت دینی کسب کرده و توسط او معرفتش را تبدیل به باور قلبی نموده، حالا به معلمش به‌عنوان یک الگو نگاه می‌کند تا مانند او رفتارش را در چارچوب اعتقاداتش قرار دهد. اگر ببیند معلمش دقیقاً به آنچه گفته عمل می‌کند، این دانش‌آموز نیز در اعتقاداتش پابرجا می‌ماند و سعی می‌کند رفتارش را منطبق با اعتقاداتش نماید.<sup>۱</sup>

حضور معلم همراه با دانش‌آموزان در نماز جمعه و جماعت در خارج از محیط مدرسه به‌صورت دسته‌جمعی، همچنین شرکت در اعیاد دینی مثل عید فطر و قربان و مراسم شب‌های قدر در علاقه‌مندی دانش‌آموزان به نماز و مسجد و تثبیت عقاید اسلامی مؤثر است.

۱. بتول فتاحی بافقی، نقش معلم در تربیت دینی دانش‌آموزان، پورتال سازمان مدارس معارف اسلامی، ۱۳۹۰/۹/۸.

## نتیجه فصل

بررسی عوامل نه‌گانه این فصل که عمدتاً از عناصر کلیدی درون مسجد بودند نشان می‌دهد که در بخشی از آن‌ها به دلیل فقدان سامانه آماری ملی با داده‌های معتبر در موضوع مسجد، نمی‌توان در خصوص وضعیت نقش‌آفرینی آن‌ها در ایجاد و یا تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد اظهار نظر کرد؛ هرچند از طریق بررسی فرایندها و علل و عوامل هر کدام، شواهد و قرائنی حاصل شده است ولی به هر حال این شواهد و قرائنی در حد و اندازه‌ای که بتواند مبنای اقدام و برنامه‌ریزی باشد نیستند. در بخشی نیز که آمار در دسترس بود، باز مشکل به‌گونه‌ای دیگر خودنمایی می‌کند؛ زیرا آمارها یا به‌روز نبودند و عمدتاً مربوط به یک یا دو دهه پیش بودند - هرچند آمارهای موردی از وضعیت امروز نیز موجود بود - یا جامع و فراگیر نبودند و صرفاً به بخشی از قضیه پرداخته‌اند و یا تفصیلی نبودند و به‌اجمال مسئله پرداخته‌اند. لذا بخش تبیین وضع موجود در عوامل مورد بحث با اینکه شمایی کلی از وضعیت را به مخاطب ارائه می‌دهد، لیکن نمی‌تواند مبنای برنامه راهبردی کوتاه و بلندمدت باشد. بر این اساس در راهکارهای هر بخش به‌نوعی بر مسئله تقویت پشتوانه پژوهشی و تحقیقی بر حسب مورد و نیز ایجاد سامانه آماری ملی با توضیح داده‌های مورد نیاز، تأکید شده است.

بر این اساس پیشنهاد می‌شود:

۱. مسئولان نهاد مسجد، تقویت پشتوانه پژوهشی و ایجاد رشته‌های دانشگاهی و پژوهشگاهی در موضوع مسجد را به‌منظور تربیت محققان و صاحب‌نظران زبده در موضوع نماز و مسجد، جزء مطالبات جدی و اقدامات اولویت‌دار خود قرار دهند. بسیاری از موضوعات در کشور ما و نیز در همه جای دنیا وجود دارند که نه اهمیتشان مانند مسجد است، نه کارکرد و نتایج فردی و اجتماعی مسجد را دارند، نه میزان مخاطبان آن‌ها - آن‌هم به شکل حضوری - به اندازه مسجد است و نه رسالت سنگینی همچون مسجد خصوصاً در این برهه حساس از تاریخ پس شکل‌گیری انقلاب اسلامی بر عهده دارند و نه این‌همه مرکز دایر در تمام کشور

با این گستردگی و پراکندگی شگفت‌انگیز دارند، ولی رشته‌های متعدد دانشگاهی را به خود اختصاص داده‌اند!

این کار همچنین پشتوانهٔ روانی بسیار خوبی نیز برای نهاد مسجد خواهد بود تا در مطالبه‌گری مالی و اقدام لازم برای جذب حمایت‌های مالی موردنیاز برای ساخت و تجهیز مساجد و نیز فعالیت‌های فرهنگی از جمله ارتباط کودکان و نوجوانان با مساجد، موفق عمل نماید و با پشت سر گذاشتن مرحلهٔ اول راه - که همان تحقیق و پژوهش است - به شکل جدی و دانشگاهی، مسئولان را در گام‌های بعدی این مسیر یعنی تقنین و حمایت‌های مالی و سایر مسائل به همراه شدن با نهاد مسجد مجاب نماید.

۲. لازم است برای مدتی هرچند اندک از حوزه نظر و تئوری فاصله گرفت و بیشتر به مباحث عملی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد پرداخته شود؛ آن‌هم به دو دلیل:

دلیل اول اینکه بخش عمده‌ای از مباحث نظری مبتنی بر واقع نیستند و بر پایه واقعیاتی که برآمده از داده‌های متقن باشد صورت نمی‌گیرند؛ بلکه صرفاً بارش فکری محققان دغدغه‌مندی هستند که به کلیات ابعاد قضیه می‌پردازند و لذا نمی‌توانند معطوف به اقدام عملی باشند.

دلیل دوم اینکه بین مباحث نظری و مباحث راهبردی اقدام‌گرانه و عملیاتی، به‌هیچ‌وجه تعادل حجمی وجود ندارد؛ حال آنکه مباحث نظری و عملی باید در حالت طبیعی مکمل همدیگر و رافع نیازهای یکدیگر باشند و در رفت و بازگشت از نظر به عمل و از عمل به نظر، مباحث کامل‌تر و شفاف‌تر شوند.

این وضعیت وصف شخصی شبیه است که مدام دور استخری می‌گردد و در خصوص استخر و مزایا و راهکارهای یادگرفتن شنا و نجات از خطرات غرق شدن و مانند این‌ها نظریه‌پردازی می‌کند و حاضر نیست یک‌بار وارد آب شود و ببیند چقدر گفته‌هایش با واقع تطابق دارد. یا اینکه کدام‌یک از گفته‌هایش مهم‌تر هستند و لازم است در اولویت پردازش قرار گیرد. و نیز کجاها بحث را بیراهه رفته و نیاز به

حذف یا اصلاح دارد و در چه مواردی نظریه‌هایش متقن و صواب بوده است.

۳. راهکارهایی که در فصل سوم و بخش مدیریت کلان نهاد مسجد ارائه شد، علاوه بر آنکه بسیار اساسی و کلیدی و لازمه هر گونه مدیریت سازماندهی شده در نهاد مسجد است، عمومیت نیز دارند و می‌توانند به‌عنوان نقشه راه اقدام عملی برای سایر عوامل و بخش‌ها مطرح شده و مورد استفاده قرار گیرند. این راهکارها به جنبه‌های مدیریتی کار ناظر هستند که در تمام بخش‌ها به‌نوعی با مدیریت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد مواجه هستیم و تلاش‌ها در جهت ارتقای آن صورت می‌گیرد.

## چکیده فصل سوم

بعد از نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی، طبیعتاً آنچه اتفاق می‌افتد مرحله عملی ساختن نگرش‌ها و ارزش‌هاست که در اینجا عبارت است از رفتن کودکان و نوجوانان به مسجد و ارتباط فیزیکی داشتن با آن.

در این فصل به بررسی عوامل ارتباط کودک و نوجوان با مسجد در دو حوزه پرداخته می‌شود: حوزه خارج از مسجد که عوامل موجود در آن بیشتر در «ایجاد» ارتباط نقش بازی می‌کنند و عبارت‌اند از خانواده، مدرسه و خود مسجد؛ و حوزه داخل مسجد که عوامل مربوط به آن، بیشتر در «تقویت» ارتباط، ایفای نقش می‌کنند؛ این عوامل عبارت‌اند از: امام جماعت، خادم مسجد، نمازگزاران، کانون فرهنگی مسجد، هیئت‌امنا و مدیریت کلان مسجد.

### « دسترسی به مسجد:

از جمله عناصر و عوامل عمده و پایه‌ای در برقراری ارتباط بین کودک و نوجوان با نهاد مسجد، وجود مسجد مجهز و آماده - از حیث امکانات موردنیاز برای جذب کودکان و نوجوانان - و البته در دسترس کودکان و نوجوانان است؛ به طوری که در صورت فراهم شدن زمینه‌های دیگر و رفع موانع فکری و عینی، خانواده و والدین کودک و نوجوان بتوانند از چنین مسجدی برای فرزند خود بهره ببرند و گرنه تمام عناصر و عوامل بعدی که در بخش‌های آتی ذکر خواهند شد، در صورت بی‌توجهی به این عامل، عقیم و ناقص خواهند بود؛

هرچند ممکن است برخی عوامل و عناصر همچون امام جماعت یا خادم از حیث ارزشی و میزان تأثیر بر جذب و ارتباط‌گیری با کودک و نوجوان، دارای تقدم رتبی نسبت به مسجد باشند، ولی از حیث وجودی، بی‌گمان وجود مسجد مجهز در دسترس، مقدم بر تمام عوامل است.

در قدم اول و به‌منظور شکل‌دهی به ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، باید قبل از هر چیزی به فکر ایجاد مسجد با امکانات سخت‌افزاری موردنیاز کودک و نوجوان بود.

## « آمار مساجد:

آمارهای دقیقی به شکل تخصصی از میزان وجود انواع مساجد در کشور وجود ندارد و نیز از مساجدی که قابلیت و توانایی و امکانات لازم را برای جذب و برقراری ارتباط با کودکان و نوجوانان دارند آماری منتشر نشده است؛ ولی برخی آمارهای کلی که متأسفانه به روز نیستند، وجود دارند. در شرایط فعلی که نهاد مسجد با نقصان شدید در حوزه آماري مواجه است، چاره‌ای جز تمسک به این آمارهای هرچند کلی و غیرروزآمد نیست.

روند مسجدسازی در شهرها در مقایسه با تغییرات جمعیتی در بازه زمانی مذکور، یک روند منفی و رو به کاهش را نشان می‌دهد. از طرفی با افزایش مشکلات اقتصادی و نیز عدم اقدام قابل ملاحظه در امر مسجدسازی، روند ساخت‌وساز نیز به نظر می‌رسد نزولی‌تر از قبل باشد.

مساجد در سال‌های قبل، اماکن مقدسی بودند که نمازگزاران می‌توانستند تا پاسی از شب در آن به عبادت بپردازند؛ ولی امروزه هرچند تلاش شده تا از بار قداست این اماکن کم نشود، اما شرایط اجتماعی و امنیتی بر عملکرد و مدیریت این اماکن تأثیر گذاشته و در نتیجه، مساجد تنها در ساعات اذان ظهر و مغرب و البته برخی هم هنگام اذان صبح آماده پذیرایی از نمازگزارانند.

## « پشتوانه تحقیقاتی:

هم‌اکنون تحقیقات و پژوهش‌های وزینی در حوزه کودک و نوجوان و مسجد به طوری که شرایط مسجد مطلوب و بهینه برای کودک و نوجوان را به لحاظ نظری و تئوریک، بررسی کنند وجود ندارد و یا بسیار اندک و تقریباً ضعیف هستند؛ خصوصاً که این گونه پژوهش‌ها به کلی گویی پرداخته‌اند و به صورت تفصیلی برای مکان‌های مختلف، این کار را انجام نداده‌اند.

سامانه آماري مسجد از نیازهای اصلی و اجتناب‌ناپذیر برای انجام کارهای حساب شده در حوزه نماز و مسجد است؛ و گرنه وقتی وضع موجود مشخص نباشد، نقاط قوت و ضعف و خلأها و کمبودها و نیز رشدها و ارتقاها مشخص نباشد، چگونه می‌توان

برای نیل به وضع مطلوب برنامه‌ریزی کرد؟! و آیا اقدام در چنین وضعیتی، مصداق تیر در تاریکی افکندن نخواهد بود؟

نواقص آماری در این حوزه آن قدر عمیق و زیادند که اصلاً بحث به نیازهای آماری کودک و نوجوان و مسجد نمی‌رسد؛ زیرا داده‌ها برای اولیات و ضروریات نیز کفایت نمی‌کند. در این حوزه آمارهای منسجم و متوالی به شکل معتبر و رسمی از وضعیت دسترسی به مسجد و میزان مساجد در دسترس برای عموم مردم (بنابراین این فرض که زمان مطلوب دسترسی به مسجد استخراج شده باشد) وجود ندارد و مشخص نیست که چه تعداد از مساجد نیازهای عموم مردم و نه اختصاصاً کودک و نوجوان را از حیث دسترسی به مسجد برآورده می‌سازند؛ بلکه یکسری آمارهای کلی و بعضاً متناقض، صرفاً از تعداد مساجد موجود در کشور و از طریق نهادهای مختلف منتشر شده که رقمی بین ۵۰ هزار تا ۹۰ هزار مسجد در آن‌ها قابل مشاهده است.

#### « قوانین حمایت از مسجد:

رویکرد قوانین موجود چه در حوزه ساخت و چه در حوزه مکان‌یابی منفعلانه است و صرفاً نظر به رفع آسیب‌ها و نواقص در این حوزه دارند؛ به طوری که باندکی تعمق در قوانین موجود این برداشت حاصل می‌شود که اکثریت نزدیک به تمام قوانین برای شهرک‌های تازه تأسیس، مراکز درمانی، جاده‌های بین‌راهی و مانند آن است که موضوع نماز و مسجد را مورد کم‌لطفی قرار داده‌اند و فلسفه وضع این قوانین، ملزم ساختن آن‌ها و مسئولینشان به در نظر گرفتن مکانی مناسب برای نماز خواندن است؛ و سخنی از محیط عام جامعه و مساجدی که در این‌ها هستند و فعالیت می‌کنند به میان نیامده است.

در حال حاضر همه انواع مساجد به طور یکسان مورد حمایت قانونی قرار گرفته است و حال آنکه مساجد بر حسب جایگاه‌های مختلف، نیازهای سخت‌افزاری متفاوت دارند و در نتیجه به حمایت‌های قانونی کمتر و بیشتر نیازمندند. ضمن آنکه با توجه به موضوع این تحقیق، امکانات مسجد مطلوب برای کودکان و نوجوانان متفاوت با

مسجد در شکل عام آن است که در این قوانین به حمایت‌های قانونی لازم برای مرتفع ساختن این نیازها در مساجد، توجهی نشده است. حقیقت آن است که نه قوانین حمایت‌کننده در بخش مالی و نه کمک‌های مالی عینی صورت گرفته، در حد و اندازه نیازهای مالی در حوزه مسجد و مسجدسازی نیست و فاصله زیادی بین آن دو وجود دارد.

به نظر می‌رسد اگر دولت‌های جمهوری اسلامی به فکر تربیت اسلامی نسل کودک و نوجوان و ارتباط اخلاقی و عاطفی آن‌ها با نهاد مسجد هستند، باید قدم‌های بزرگ‌تر را در حمایت‌های مادی و معنوی از مساجد بردارند و در ساماندهی به مساجدی که امکانات جاذبه‌آفرین برای نسل کودک و نوجوان دارد و ارتباط وثیق با آن‌ها برقرار می‌نماید کوشا و فعال و پیگیر باشند و گرنه با صرف وضع قوانینی چند، آن هم ناقص و بدون پشتوانه مالی، کار به جایی نخواهد رسید. مسجدی که جذب کودک و نوجوان و تقویت ارتباط با وی را به‌عنوان بخشی از رسالت و هدف فعالیت‌های خویش قرار داده است، طبیعتاً باید امکانات سخت‌افزاری موردنیاز این ارتباط را هم فراهم نماید.

#### « امام‌جماعت:

امام‌جماعت یا روحانی مسجد مهم‌ترین نقش را هم در ارتباط‌گیری کودک و نوجوان با مسجد و هم در جذب نوجوانان به مسجد دارد و در واقع در موضوع تقویت ارتباط کودک و نوجوان با مسجد، هرچند وجود مسجد در دسترس، تقدم رتبه‌ای بر سایر عناصر و عوامل دارد، لیکن به لحاظ میزان تأثیر، عنصر و عامل امام‌جماعت، تقدم ارزشی و ماهوی بر سایر عناصر دارد و هیچ‌کدام از عناصر و عوامل دیگر مانند امام‌جماعت نمی‌توانند در به وجود آوردن ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و خصوصاً در تقویت آن تأثیرگذار باشند.

امام‌جماعت می‌تواند هم در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان با این کانون معنویت و هم در جذب آن‌ها به مسجد نقش ایفا کند؛ بدین‌صورت که عملکرد و رفتار مناسب امام‌جماعت با مأمومین که طبیعتاً بخشی از آن‌ها را والدین کودکان و



نوجوانان تشکیل می‌دهند، سبب خواهد شد تا آن‌ها حضور پررنگی در مسجد داشته باشند که این وضعیت ناخودآگاه به حضور تبعی کودکان و نوجوانان نیز منجر خواهد شد و این موضوع در مورد سایر عوامل و عناصر مسجد نیز مطرح است که عملکرد صحیح و رفتار مناسب آن‌ها با نمازگزاران و بزرگسالان و جذب آن‌ها به مسجد، به شکل غیرمستقیم، سبب تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با نهاد مسجد خواهد شد؛ اصل ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان تا حد زیادی تابع ارتباط والدین با مسجد است و هر آنچه از فرهنگ و سبک زندگی و اقتصاد و سیاست، بر حضور خود والدین در مسجد، تأثیر مثبت یا منفی می‌گذارد، همان نحو از تأثیر، به ارتباط فرزندان - کودکان و نوجوانان - با مسجد نیز منتقل می‌شود. نقش اثرگذار دیگر امام جماعت، از حیث رفتاری با خود کودکان و نوجوانان حاضر در مسجد است که می‌تواند در جذب و دفع آن‌ها و چه بسا بر حسب جایگاهی که روحانیت دارد و نماد دین و دین‌داری به شمار می‌رود، در تصویرآفرینی مثبت و یا احياناً منفی نسبت به اصل دین و دین‌داری تأثیرگذار باشد. بر این اساس انتظار می‌رود که به موازات فراهم نمودن مسجد در تمام نقاط کشور برای نمازگزاران، امامان جماعت مطلوب و مناسبی را نیز برای مساجد در نظر بگیرند. امامانی که ویژگی‌ها و شرایط لازم برای جذب کودکان و نوجوانان را هم داشته باشند. از اینکه عملکرد امامان جماعت چقدر برای عموم مردم و یا کودکان و نوجوانان مفید است و چه میزان از امامان جماعت قابلیت‌های لازم را در این خصوص دارا هستند؟ آمار و وجود ندارد و ظاهراً کاری در این حوزه صورت نگرفته است؛ موفقیت امامان جماعت در ارتباط دادن مردم و کودکان و نوجوانان با مسجد، در نگاه کلان، نیازمند آموزش برنامه‌ریزی شده و نظام‌مند آن‌هاست. این آموزش‌ها باید علاوه بر بدو خدمت در ضمن خدمت نیز باشد و همواره بر حسب نیازسنجی‌های دقیق، مهم‌ترین آموزش‌های موردنیاز، در اولین فرصت برای امامان جماعت عرضه گردد. (مانند فراگیری جدیدترین و تأثیرگذارترین روش‌های تبلیغی، آموزش مقابله با جدیدترین شبهات دینی، روش‌های مقابله با آسیب‌های اجتماعی نوپدید و متقابلاً روش‌های تبلیغ، ترویج و بالنده نمودن جدیدترین رویش‌های نگرشی،

ارزشی، رفتاری و نمادی اسلام و انقلاب) ضمن اینکه در کنار آموزش‌های رسمی، ارتباط با اساتید آموزش‌دهنده، ارتباط امامان جماعت با همدیگر و در میان‌گذاردن تجربیاتشان بسیار می‌تواند راهگشا باشد و لازم است نهادهای مسئول در این مورد، خصوصاً با توجه به فراگیر و سهل‌الوصول شدن ابزارهای ارتباطی و شکل‌گیری شبکه‌های اجتماعی، اقدام لازم را انجام دهند.

در حال حاضر در اصل وجود امام جماعت در مساجد و تأمین نیروی انسانی کافی در این خصوص مشکل اساسی وجود دارد و لذا در موارد فقدان امام جماعت، اصلاً جای این موارد نباید باشد که امام جماعت لابد باید فلان شرایط و ویژگی‌ها را داشته باشد تا بتواند به‌عنوان امام جماعت منصوب شود! آری؛ یکسری شرایط هستند که اصل هستند که در رساله‌های احکام نیز بدان‌ها اشاره شده است؛ مانند باتقوا بودن، مرتکب گناه کبیره نشدن و امثال این‌ها. این موارد لازم است مورد توجه باشد؛ لیکن بحث از اندوخته‌های علمی و فرهنگی و مانند آن، الزامات عارضی هستند؛ بدین معنی که وظیفه اولیه و بالذات امام جماعت این است که ضمن رعایت تقوا و اخلاق، نماز جماعت را اقامه نماید و نگذارد این امر خطیر که واجد برکات و مزایای مستقیم و غیرمستقیم فراوان است تعطیل شود و از طریق برپایی نماز جماعت، سبب شود تا بخشی ولو اندک از زمان و اوقات فراغت خانواده‌ها و کودکان و نوجوان در کانون آرامش و معنویت یعنی مسجد سپری شود. سخت‌گیری بیش‌از حد در مورد شرایط فرعی و سخن فراوان در این خصوص، عملاً کار را به سمت تقلیل کمی اقامه نماز جماعت سوق می‌دهد؛

#### « خادمان مساجد:

تمام ضعف‌هایی که در مورد سایر عناصر کلیدی مسجد وجود دارد باید شکل مضاعف آن را در مورد خادمان تصور نماییم؛ شاید عمده‌ترین مشکل در این زمینه، فقدان فرهنگ نگاه مناسب به موضوع خادمی مسجد باشد. نگاهی که برای همه واضح است و نیازی به تبیین آن نیست.

باید با تغییر نگرش‌ها در این خصوص، برای جایگاه ارزشمند خادمی مساجد

ارزش آفرینی نمود. باید مسئولین مربوطه و هیئت‌امنای مساجد به‌عنوان الگوهای رفتاری در این زمینه، رفتاری ارزش آفرین با خدام مساجد داشته باشند. اما این تمام راه‌حل در این محور نیست؛ بلکه بخش بعدی آن، نگاه علمی و سیستماتیک داشتن به این موضوع است. برای این کار لازم است عملاً موضوع خادم مسجد به‌عنوان یکی از موضوعات راهبردی ارتقای مساجد در نظر گرفته شود و با مواجهه کاملاً علمی و تخصصی با مسئله خصوصاً از حیث حمایت‌های قانونی مادی و معنوی لازم و آموزش نحوه ارتباط خادم با کودکان و نوجوانان، به‌منظور ارتقای نقش خادم مسجد به جایگاه شایسته و بایسته‌اش به رفع موانع و فراهم‌سازی اقتضائات و زمینه‌های لازم اقدام شود.

پس از آشنایی مسئولان و هیئت‌امنای مساجد با نقش تأثیرگذار خادم و جایگاه ویژه وی در تقویت ارتباط مأمومین و خصوصاً کودکان و نوجوانان با مسجد، لازم است سه اقدام ویژه را در این خصوص انجام دهند:

**الف:** اول این که در انتخاب و گزینش خادم مسجد، ملاک‌های فرهنگی و تربیتی و مهارت‌های ارتباطی شخص را کاملاً مدنظر قرار دهند و صرفاً ملاک‌های سنتی را که بیشتر ناظر به ویژگی‌های فیزیکی خادم مسجد است لحاظ نمایند.

**ب:** دوم این که صرفاً به اندوخته‌ها و داشته‌های قبلی خدامان مساجد اکتفا ننمایند و بلکه قبل از اینکه خادم وارد کار شود، وی را به فراگیری آموزش‌های تخصصی لازم -به شرطی که به شکل استاندارد و مشخص وجود داشته باشد و نهاد ارائه‌کننده آن موجود باشد- الزام نمایند. آموزش‌هایی همچون نحوه مواجهه با شلوغی‌ها و خرابکاری‌های کودکان و نوجوانان و مهارت دوست شدن با کودک و نوجوان و تقویت ارتباط آنان با مسجد و معارف مسجدی.

**ج:** سوم این که به دوره‌های آموزشی بدو خدمت نیز اکتفا نشود؛ بلکه در بازه‌های زمانی مشخص و با لحاظ نمودن شأن والای خدامان، دوره‌های آموزشی حضوری و

غیرحضوری برایشان در نظر گرفته شود.

### « نمازگزاران:

نمازگزاران و مأمومین، نقش بسزایی در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد دارند؛ نمازگزاران و مأمومین با عملکرد مناسبشان، هم می‌توانند مانع حضور و ارتباط نباشند و هم اینکه مشوق باشند. با این توضیح که بخشی از عملکرد مثبت نمازگزاران و مأمومین مربوط به صبر و خویشتن‌داری‌شان در برابر آزار و اذیت‌های ناشی از حضور کودکان و نوجوانان در مسجد است که در صورت بی‌صبری و اعتراض‌های زیاد، بی‌تردید در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان و نیز ارتباط‌دهی کودکان و نوجوانان توسط والدین با مسجد، تأثیر منفی خواهد گذارد؛ اما بخش دوم رفتارها که متعالی‌تر از بخش اول است رفتارهایی است که ضمن صبر نشان دادن، متضمن تشویق و ترغیب به حضور کودکان و نوجوانان از طریق گشاده‌رویی و رفتارهایی مانند آن است. این اخلاق پیامبرگونه از نمازگزاران و مأمومین، سبب می‌شود تا تصویر جذاب و مناسبی از مسجد در ذهن و دل کودک نوجوان نقش ببندد و نسبت به حضور در مسجد و تقویت ارتباط خود با آن، رغبت بیشتری پیدا کند؛ همچنین والدین نیز رغبت بیشتری به ارتباط دادن و فراهم آوردن زمینه‌های حضور فرزندان در مسجد، پیدا می‌کنند.

در همه حوزه‌های مربوط به موضوع «نقش نمازگزاران و مأمومین در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد»، با کمبود و نقص شدید اطلاعات و آمار متقن مواجه هستیم که لازم است به صورت جدی نسبت به رفع و اصلاح آن‌ها اقدام شود. اولین قدم در موضوع نمازگزاران، تولید علم در این زمینه و البته به شکل کاملاً تخصصی است؛ بدین معنی که لازم است با سوق دادن بخشی از تحقیقات و پژوهش‌های مسجد به موضوع تأثیر نمازگزاران در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد، اقدامات عملکردی موردنیاز، تبیین و مشخص شوند.

باید مشخص شود که کدام رویکردهای رفتاری و گفتاری نمازگزاران چه نقش مثبت و منفی را در ارتباط‌گیری کودکان و نوجوانان به جا می‌گذارد؛ همچنین باید به

لحاظ علمی نحوهٔ مواجهه مناسب نمازگزاران با رفتارهای کودکانه و اشتباه کودکان و نوجوانان مشخص شود؛ حتی راهکارهای تصحیح و تلطیف اقدامات تذکرگونه و منع برخی رفتارهای کودکان و نوجوانان تبیین شود. در این مسیر علاوه بر متون غنی و گهربار احادیث موجود که میراث گران قدر شیعه از امامان معصوم خویش است، بهره‌گیری از علوم روز همچون روان‌شناسی رشد و تربیت کودک، یک ضرورت است.

#### « کانون‌های فرهنگی هنری مساجد:

تعداد کانون‌ها برحسب آنچه اعلام شده در حد مطلوبی است؛ بدین معنی که به اهداف چشم‌انداز کوتاه‌مدت خود که نیل به پوشش ۲۵ درصدی مساجد (حدود ۲۰ هزار مسجد) از کانون‌ها در پایان برنامه پنجم بوده، تقریباً نائل شده و برحسب آمار منتشرشده از طرف نهادهای رسمی این آمار به رقم ۱۹ هزار کانون در اسفند ۱۳۹۳ رسیده است. البته هنوز به هدف نهایی و بلندمدت پوشش سراسری مساجد نرسیده و مساجد زیادی (تقریباً سه‌چهارم از آن‌ها) بدون کانون هستند.

تعداد اندکی از کانون‌ها دارای فعالیت رتبه ۱ و ۲ هستند و بخش قابل توجهی از آن‌ها در رتبه‌های پایین‌تری قرار دارند. این موضوع زمانی حائز اهمیت می‌شود که متوجه شویم برحسب اظهارات مسئولان، حتی همه کانون‌های دایر شده فعال نیستند و بلکه برخی از آن‌ها که آمار دقیقشان در دست نیست، نیمه فعال و یا راکد هستند؛ به‌رحال امیدواریم هدف و اولویت، نام‌گذاری محلی در مساجد تحت عنوان کانون به‌منظور نیل به چشم‌انداز رقمی اعلام‌شده، بدون توجه به کیفیت و محتوای فعالیت کانون‌ها نباشد.

پژوهش‌ها و تحقیقاتی که در حوزه کانون‌های مساجد صورت می‌گیرد، بسیار ضعیف و غیرواقع‌نما هستند؛ تحقیقاتی هستند که علاوه بر رنج بردن از وضعیت کمی، ضعف محتوای کیفی نیز دارند.

این تحقیقات توسط افرادی که صاحب‌نظر در حوزه مسجد و فرهنگ باشند و تحصیلات دانشگاهی خود را به‌طور تخصصی در این رشته‌ها گذرانده باشند

نوشته نشده است؛ بلکه صرفاً توسط افراد دغدغه‌مندی که البته با کلیت حوزه فرهنگ و مسجد نیز آشنایی دارند به نگارش درآمده‌اند؛ لذا خروجی کار آن‌ها نظام‌مند و برآمده از تحقیقات مبنایی و وضعیت‌سنجی‌های دقیق و علمی نیست و حاصل بارش فکری نویسندگان در این زمینه است.

حمایت‌های مالی صرفاً در مرحله تأسیس و راه‌اندازی کانون‌ها تعریف نمی‌شود بلکه این تازه قدم اول راهی است که قسمت عمده هزینه‌هایش هنوز شروع نشده و نیازمند حمایت‌های به‌مراتب بیشتر در گام‌های بعدی است؛ بدین معنی که در گام بعدی که کانون شروع به فعالیت نمود، فعالیت‌های فرهنگی آن نوعاً نیازمند صرف هزینه‌های مادی است و به‌قول معروف «بی‌مایه فتیرند»؛

با توجه به اهمیت گسترده‌ی فعالیت‌های مسجد و ابزارها و شیوه‌های نوین فرهنگی، امروزه مساجد بدون داشتن برخی از امکانات مادی و سخت‌افزاری اولیه نمی‌توانند با نهادهای به‌ظاهر فرهنگی رقیب رقابت کنند.

#### « هیئت‌امنای مساجد:

هیئت‌امنای مسجد نقش تعیین‌کننده‌ای در بهبود روابط کودک و نوجوان با مسجد و یا احیاناً تضعیف آن دارد. هیئت‌امنای چند طریق می‌تواند در این روند تأثیرگذار باشد:

اول از این حیث که متولی مسجد است و لذا نوع رفتار و مواجهه‌اش با مهمانان که همان نمازگزاران‌اند بسیار تعیین‌کننده است؛ خصوصاً اگر مهمان از نوع کودک و نوجوان باشد و چندان نتواند تمایز قائل شود بین رفتار هیئت‌امنای خوب یا بد بودن اصل مسجد که در چنین حالتی رفتارهای تشویق‌کننده و مثبت هیئت‌امنای سبب ایجاد تصویر مثبت از دین و نهاد مسجد در اذهان کودکان و نوجوانان خواهد شد و احیاناً رفتارهای منفی و بازدارنده سبب گریز کودک و نوجوان از مسجد و مسجدی خواهد شد.

دوم اینکه نوع رفتار هیئت‌امنای با کودکان و نوجوانان، در جهت‌گیری رفتاری والدین آن‌ها نیز تعیین‌کننده است؛ رفتار با متانت و صبورانه هیئت‌امنای سبب

دلگرمی والدین نسبت به حضور خود همراه با فرزندان در نماز جماعت و سایر فعالیت‌های مسجد خواهد شد و متقابلاً مواجهه نامناسب با فرزندان، به شکل غیرمستقیم در حضور والدین و نیز فرزندانشان تأثیرگذار خواهد بود؛ اما وجه سوم به عملکرد مدیریتی هیئت‌امنا مرتبط است؛ بیشترین نقش اعضای هیئت‌امنا از حیث مدیریت امور مسجد و تأثیر غیرمستقیم بر فرایندهاست. هیئت‌امنا با اعمال مدیریت در انتخاب امام جماعت و فعال نمودن کانون‌های هنری و فرهنگی مساجد و در نظر گرفتن فضاهای سخت‌افزاری لازم برای کودکان و نوجوانان، اهداف و رسالت‌های مسجد را به شکل غیرمستقیم به سرانجام می‌رساند و لذا نقش دیگر هیئت‌امنا نقش مدیریتی بر تمام ارکان مسجد و نظارت بر نحوه عملکرد آن‌ها و احیاناً اعمال تغییرات و اصلاحات در روندها و عملکردهاست که نقشی بسیار عمده در منظومه نقش‌ها و عملکردهای نهاد مسجد است.

#### « سیاست‌گذاری و مدیریت نهاد مسجد:

با توجه به نقش بی‌بدیل نهاد مسجد در فرهنگ مردم و تربیت دینی آن‌ها، نوع سیاست‌گذاری و تعیین راهبردها برای این نهاد، کاملاً مهم ارزیابی می‌شود؛ به طوری که کمترین تغییرات در این عرصه، خروجی‌های بسیار متفاوت و تأثیرگذاری را از خود بر جای خواهد گذاشت. بنابراین در نگاه کلان، باید مدیریتی قوی و سازمان‌دهی شده بر تمام مساجد را شاهد بود که هماهنگ‌کننده آن‌ها با همدیگر و ارتقا دهنده فعالیت‌های مساجد خصوصاً در حوزه ارتباط‌گیری با نسل کودک و نوجوان و جذب آن‌ها به نهاد مسجد باشد.

موفقیت در این راه صرفاً در اخلاص و تعهد صرف نیست؛ موفقیت به منزله پرنده‌ای است که دو بال قدرتمند دارد دو بالی که وجود هر دو لازم است و هر کدام بدون دیگری، کارایی خود را از دست خواهد داد و به حداقل‌ها خواهد رسید؛ این دو بال عبارت‌اند از تعهد و تخصص.

تخصص در مانحن‌فیه چیزی جز انجام کار حساب‌شده علمی نیست؛ لذا باید برای تمام نیازهای امروز و آینده نهاد مسجد در جهت بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های

آن در حوزه کودکان و نوجوانان با برنامه وارد شد و از هرگونه تقدیرگرایی و توکیل مصرانه امور به خداوند اجتناب نمود. باید در ضمن ملازمت تقوا و اخلاص، هر آنچه از دست برمی آید و هر فکر و اندیشه‌ای که لازم است به کار انداخته شود و از هر تجربه و نظر ارزشمندی استفاده نمود. به خصوص در شرایطی که رقبای هم‌عرض مسجد که بر کودک و نوجوان اثرگذار هستند، به شکل کاملاً حرفه‌ای و حساب‌شده مطابق با جدیدترین روش‌های مدیریتی روز وارد کار شده و اقدام می‌کنند؛ رقبایی همچون بازی‌های رایانه‌ای، شبکه‌های اجتماعی کودکان و نوجوانان و مروجان عرفان‌های کاذب و انحرافی.

اگر فعالیت‌ها منسجم و ذیل مدیریت واحد باشد، مکمل همدیگر خواهند بود و ضمن رفع موازی‌کاری‌ها، حوزه‌های مغفول مانده نیز مشخص و پوشش داده خواهند شد.

قوانین حضور فعال در عرصه فرهنگ، به‌طور چشمگیری تغییر کرده‌اند. برای رسیدن به موفقیت، مدیران دیگر نمی‌توانند کارها را آن‌گونه که همیشه انجام می‌داده‌اند، انجام دهند. در نتیجه یک مدیر موفق به یک سلاح قدرتمند جهت مقابله با این محیط پویا نیاز دارد. مدیریت راهبردی، یک برنامه جهت هدایت سازمانی که تلاش می‌کند بینش‌ها، مأموریت‌ها، اهداف و آرمان‌های خود را به عمل درآورد، خلق کرده، آن را از انحراف از خواسته‌ها و آرمان‌ها باز می‌دارد. مدیریت راهبردی، یک طرح برای هماهنگ کردن توانمندی‌ها و ضعف‌ها با فرصت‌ها و تهدیدهای محیط ارائه می‌دهد.

مدیریت راهبردی ارتباط کودک و نوجوان با مسجد و تقویت آن، مستلزم پیمودن گام‌هایی چند است که لازم است نهاد و سازمان متولی مسجد به آن‌ها توجه داشته باشد.



## نتیجه‌گیری

شاید بتوان از تمام مباحث طرح‌شده در این کتاب دو نتیجه کلی را اخذ نمود: دنیا متحول شده و مسجد به عنوان جایگاه تعلیمی و تربیتی در فرایند آموزش و تربیت خانواده‌ها و کودکان و نوجوانان دچار چالش‌های جدیدی شده است. نهادها و عوامل محیطی زیادی هم‌عرض مسجد بروز و ظهور پیدا کرده‌اند و هر کدام به‌نوعی در فرآیند نگرش‌سازی و ارزش‌آفرینی از نماز و مسجد در ذهن و اندیشه کودک و نوجوان، به‌گونه‌ای فعال عمل می‌کنند.

وضع موجود عملکرد این عوامل و نیز راهکارهای اقدام متناسب در مواجهه با نقش تربیتی و فرهنگ‌سازی آن‌ها به شکل مبسوط در فصل دوم این پژوهش گفته شده است.

جهت‌گیری فرهنگی عوامل مذکور عمدتاً معیوب و بعضاً ضدفرهنگی است؛ به‌طوری که خروجی آن عوامل، نه‌تنها رغبتی در کودک و نوجوان به مقوله نماز و مسجد ایجاد نمی‌کند، بلکه چه‌بسا فاصله، دوری و تنفر نیز به وجود می‌آورد. ضمن اینکه نباید از نقاط مثبت عملکرد برخی عوامل مانند بخشی از برنامه‌های مسجدی رسانه‌ ملی و برنامه‌های کارتونی آن و نیز بخشی از محتوای کتب آموزش و پرورش غافل بود.

این وضعیت که کلیت آن به فاصله گرفتن کودکان و نوجوانان از مسجد منجر شده، با فعال شدن نهاد مسجد به‌عنوان سنگر اسلام و انقلاب و اقدام متقابل آن همراه شده است و لذا در همین راستا بعد از انقلاب، تحقیقات بی‌شماری در موضوع مسجد و ارتباطش با کودک و نوجوان انجام شده است؛ در این پژوهش‌ها به نقش عناصری همچون امام جماعت و هیئت‌امنا و خادم و نمازگزاران در تقویت ارتباط کودکان و نوجوانان با مسجد به شکل وسیعی -البته صرفاً در حوزه نظری- پرداخته شد و بخشی از تحقیقات به این سمت سوق داده شد؛ در مواردی نیز محتوای برخی عوامل محیطی مانند رسانه ملی و آموزش و پرورش به کمک مسجد آمدند تا کودکان و نوجوانان را با مسجد ارتباط دهند؛ در کنار همه این‌ها به‌منظور تقویت محتوا و بخشیدن روح و جان به مساجد، راه‌اندازی کانون‌های فرهنگی در مساجد

آغاز شد تا پس از مسجدی شدن کودک و نوجوان، تغذیه فرهنگی مناسب نیز -که از اهداف اصلی و عمده آوردن کودک و نوجوان به مسجد بود- صورت گیرد. لیکن همه این مراحل با مشکلاتی همراه بود؛ مهم‌تر از همه اینکه عمده کارها به صورت علمی و نظام‌مند و بر اساس یک مدیریت صحیح و نگاه بلندمدت انجام نمی‌شد و لذا عوامل درون مسجد (که در فصل سوم این تحقیق معرفی شدند) توفیق شایسته و بایسته خود را در ارتباط دادن کودک و نوجوان با مسجد کسب نکردند؛ اگرچه این گفته به معنی در نظر نگرفتن اقدامات ارزشمند انجام شده همچون راه‌اندازی ۲۰ هزار کانون فرهنگی مسجد در طول ۲۰ سال اخیر نیست. نظر نگارنده در مقام جمع‌بندی این است که بر حسب حجمه فرهنگی بی‌امان دشمن که بعد از انقلاب صورت گرفت و به دلیل کم‌کاری و یا ضعف سایر نهادهای فرهنگی، بخش قابل توجهی از مسئولیت مقابله با تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن، به عهده نهاد مسجد گذاشته شد؛ نهادی که همپای سایر عوامل محیطی، به‌روز نشده بود و همچنان در گیرودار نگاه سنتی و با کمترین امکانات لازم برای مقابله به سر می‌برد؛ لذا با اینکه از ظرفیت بالایی در حوزه سخت‌افزاری برخوردار بود (با صرف نظر از برخی مشکلات در همین زمینه) در بخش نرم‌افزاری در حد و اندازه‌ای که باید می‌بود، نمی‌توانست ظاهر شود که اقداماتی در راستای توجه به مباحث فرهنگی مسجد و محتوابخشی به فعالیت‌های آن (که مواردش گفته شد) در این خصوص صورت گرفت ولی این اقدامات به هیچ‌وجه کافی نبودند. علاوه بر پیشنهادهایی که در انتهای بخش‌ها و نیز فصول دوم و سوم بیان شد، پیشنهادهای کلی دیگری نیز برای برون‌رفت از این وضعیت به نظر می‌رسد که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

### ۱. اتخاذ رویکرد واقع‌بینی نسبت به عوامل محیطی هم‌عرض

نهاد مسجد نباید به دنبال باز یافتن جایگاه پیشین خود -به شکل قبلی آن که مسجد و خانه و احیاناً مکتب‌خانه نقش‌های تقریباً انحصاری در تعلیم و تربیت داشتند- باشد. بلکه باید بر حسب شرایط موجود و با پذیرش کلیت ساختار نظام

آموزش موجود، با رویکرد اصلاحی و نه بازگونه‌ای، طرحی نو در اندازد و جایگاه واقعی خود را در منظومه آموزش و تربیت نسل کودک و نوجوان شناسایی نماید. لذا در رویکرد واقع‌بینی، فارغ از قضاوت ارزشی در مورد نهادهای هم‌عرض، اصل وجود آن‌ها و حتی ضرورت وجود برخی از آن‌ها را به دلیل سبک زندگی موجود در جامعه بشری و جامعه ایرانی باید به رسمیت شناخت و دنبال حذف تمام آن‌ها نبود؛ چنانکه در سبک زندگی فعلی اگر نهاد تربیتی هم‌عرضی همچون مدرسه وجود نداشته باشد، واقعاً خانواده و مسجد با مشقت مواجه می‌شود؛ نهادهای هم‌عرض دیگر نیز همین‌طور؛ بنابراین مسجد باید با مفروض گرفتن «وجود» این پازل (نه با فرض نبود آن‌ها) باید به دنبال جای مناسب خود باشد.

## ۲. انضمام رویکرد «مدیریت تربیت» با رویکرد «تولیت تربیت»:

در شرایط موجود هر چند مسجد نباید از نقش مستقیم خود در تربیت دینی کودک و نوجوان و ارتباط داشتن با وی غافل شود و از همه امکانات و ظرفیت‌های موجود برای تعلیم معارف دینی به کودک و نوجوان خصوصاً به شکل حضوری و چهره به چهره که مؤثرترین روش تربیتی است بهره گیرد، لیکن چنانکه گفته شد، بخش اعظم نهادهای تأثیرگذار بر تربیت دینی کودک و نوجوان و ابزارهای مؤثر بر باورها و نگرش‌های آن‌ها، خارج از مسیر مسجد عمل می‌کنند؛ در چنین شرایطی که مسجد نمی‌تواند و نباید هم جلو همه آن‌ها را بگیرد، باید مواجهه فعال با این قضیه داشته باشد؛ به این صورت که مسجد رویکرد مدیریت مسیرهای تأثیرگذار بر تربیت کودکان و نوجوانان را عهده‌دار شود که در این مسیر طبیعتاً لازم است با همکاری علمی و عملی با عوامل محیطی همچون بازی‌های رایانه‌ای و اسباب‌بازی - که مواردی از نحوه تعامل و همکاری با آن‌ها در بخش‌های مربوطه توضیح داده شد - کودک و نوجوان را در جهت بهره‌مندی از محتوای مسجدی مناسب در آن‌ها، یاری کند و حتی در قدم‌های بعدی و عملیاتی‌تر، زمینه را برای رشد ابزارها و نهادهای سالم فراهم آورد و تسهیل سازد و متقابلاً به مقابله نظری و عملی با

نهادهای ناسالم و دور ننگه‌داشتن کودک و نوجوان از این عوامل بپردازد. مسجد همچنین می‌تواند با فرستادن امام جماعت و فعالان فرهنگی خود به محیط برخی از رقبای خود همچون مدارس و مهدهای کودک، از این طریق ارتباط خود را با کودکان و نوجوانان ایجاد کند یا درصد تقویت آن باشد.

### ۳. اتخاذ رویکرد علمی و تخصصی:

همچنان که ابزارها و نهادهای رقیب از آخرین روش‌ها و جدیدترین مدل‌ها و فناوری‌ها برای پیشبرد اهداف خود در امر تربیت کودک و نوجوان و تأثیرگذاری بر آن‌ها بهره‌برداری می‌کنند و از هیچ خلاقیت و نوآوری در این مسیر رویگردان نیستند، مسجد نیز نباید در این رقابت شدید و تنگاتنگ از این مسائل غافل شود و باید با فاصله گرفتن از نگاه رایج قدیمی، نگاه کاملاً علمی - تخصصی و سامانمند به مسئله داشته باشد؛ لذا لازم است اولاً برای تمام تصمیماتش از پشتوانه علمی و پژوهشی قوی و استوار بهره‌مند باشد و تخصص و علم را چاشنی تمام برنامه‌ها و تصمیمات کند و ثانیاً از مدیریت متخصص و کارآمد بهره بگیرد؛ مدیریت مسجد علاوه بر برخورداری از اخلاق حسنه و تقوای دینی، لزوماً باید شخصی آشنا با مبانی مدیریت سازمانی، اصول جذب مخاطبان (کودک و نوجوان) و نگهداری آن‌ها بوده و نیز با موضوع ابزار رسانه در انواع مختلف آن و نحوه مواجهه فعال با این پدیده بسیار تأثیرگذار و حاوی ظرفیت تبلیغی بالقوه فراوان آشنا باشد. لذا نهاد مسجد باید فضا را برای کارها و تحقیقات علمی در موضوع ارتباط کودک و نوجوان با مسجد آن هم با رویکرد کاربردی برحسب شرایط جامعه مهیا نماید و برحسب خروجی آن تحقیقات گام بردارد.

## فهرست منابع

- « القرآن الکریم.
- « نهج البلاغه.
- « ابن بابویه، محمد بن علی، الامالی، کتابچی، چاپ ششم، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- « \_\_\_\_\_ محمد بن علی، ثواب الاعمال، مکتبه الحیدریه، نجف، بی تا.
- « ابن جبیر، محمد بن احمد، مساجد الاسلامیه، ترجمه پرویز اتابکی، انتشارات آستان قدس، چاپ دوم، مشهد، ۱۳۸۲ ش.
- « ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، مصحح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم، ۱۴۰۴ ق.
- « ابن فهد حلّی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، محقق احمد موحدی قمی، دارالکتب الاسلامی، قم، ۱۴۰۷ ق.
- « ابوحنیفه، نعمان بن منصور، دعائم الاسلام، جلد ۱، دارالمعارف، قاهره، ۱۳۸۳ ق.
- « اتابکی، هادی، نگاهی به تاریخچه حضور دین در اینترنت، ماهنامه تازه، شماره ۴، ۱۳۸۶ ش.
- « اتکینسون، ریتا، اتکینسون، ریچارد و هیلگارد، ارنست، زمینه روان شناسی، ترجمه برهانی و همکاران، انتشارات رشد، تهران، ۱۳۶۹ ش.
- « اخباریه، هانیه، آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای بر خانواده‌ها، پورتال موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۹۳/۱۰/۲۷.
- « اخلاقی، اسماعیل، نیازهای اساسی و عاطفی کودک و نوجوان در روش تربیتی امام صادق (علیه السلام) مجله پیام زن، شماره ۲۰۴، اسفند ۱۳۸۷ ش.
- « اسلام پور، کریمی، راهکارهای جذب کودک و نوجوان به مسجد، سایت مرکز رسیدگی به امور مساجد تهران، بی تا.
- « اظهارات رئیس بنیاد بازی‌های رایانه‌ای در مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۰/۱۰/۲۶ ش.
- « اظهارات رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد استان تهران، در اسفند ۱۳۹۳ ش
- « اظهارات مسئولان در نشست نوآوری فرهنگی و صنایع فرهنگی دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
- « افهمی، بنفشه و آقامحمدیان، حمیدرضا، بررسی عوامل مؤثر بر گرایش به ماهواره و تأثیر آن بر باورها و رفتارهای دینی مردم مشهد، مجله مطالعات تربیتی و روانشناسی، ش ۳۰، مهر ۱۳۸۶ ش.
- « الیاده، میرچا، دین پژوهی، بهاء‌الدین خرمشاهی، ج ۱، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
- « امامی، مجید، تلویزیون فرصتی برای تربیت کودک، نشریه الکترونیکی باحجاب، شماره مطلب ۲۶۴۷، تاریخ انتشار ۱۳۹۲/۵/۸ ش.
- « امانلو، حسین؛ بشقاب‌های سمی: آسیب‌های شبکه‌های ماهواره‌ای، فرآهنگ اندیشه، تهران، ۱۳۹۳ ش.
- « امیری، مصطفی؛ گفتمان بی‌مرز (چت، آسیب‌ها و کاربردها)، نشریه پیام، شماره ۹۱، پاییز ۱۳۸۷ ش.

- « امینی، راضیه، شریفی، زهرا، ارزیابی عملکرد دستگاه‌های مسئول و مرتبط با مساجد جهت جذب جوانان به مساجد و نماز جماعت، پورتال ستاد اقامه نماز صداوسیما، بی‌تا.
- « ایلانلو، مژگان، کلیساهای مجازی در جهان واقعی، مجله دین‌پژوهان، دوره سوم، شماره ۴ و ۵، بهمن و اسفند ۱۳۸۲ ش.
- « آخوندپور، حسن، بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه، پورتال ستاد اقامه نماز صداوسیما.
- « \_\_\_\_\_، بررسی علل عدم تعامل مسجد و مدرسه و ارائه راهکارهای کاربردی، پورتال صلاه رسانه ملی.
- « آرمون، عسگر، کامران، علیرضا، اسدی، عبدالله، مساجد و جوانان؛ فرصت‌ها و تهدیدها، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰ ش.
- « آکسفورد، باری، نظام جهانی: سیاست و فرهنگ، ترجمه حمیرا مشیرزاده، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۷۸ ش.
- « آیین‌نامه ساماندهی، بهسازی و عمران مساجد کشور.
- « بخش فرهنگی پورتال یالثارات، سکولاریزه کردن مهدکودک‌ها، ۱۳۹۲/۴/۲۹ ش.
- « برقی، احمد بن محمد، المحاسن، جلد ۱، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، قم، ۱۳۷۱ ق.
- « بغزیان، آلبرت، پیامدهای جهانی شدن یک رویکرد آماری، مجله توسعه مدیریت، شماره ۳۱، آبان ۱۳۸۰ ش.
- « بلقان‌آبادی، مصطفی؛ منطقی، مرتضی، تحلیل محتوای اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی (چت‌روم‌های) ایرانی، نشریه علمی - پژوهشی سلامت روانی، دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۹ ش.
- « بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای.
- « بهشتی، سید مهدی، تأثیر مسجد در تربیت کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۹/۲۳ ش.
- « بهشتی، سید مهدی، کودک، مسجد، نمازگزاران ۱ و ۲ و ۳، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۱۰/۷ ش.
- « بیچرانلو، عبدالله، کارکردهای شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای در جنگ نرم، مجله رسانه، ش ۷۸، تابستان ۱۳۸۸ ش.
- « پاک‌نهاد، هدی سادات، رقص بابانوئل در مهدکودک‌ها، بخش اجتماعی پورتال تبیان، ۱۳۹۳/۱۰/۱۵ ش.
- « پاول هنری، ماسن، رشد و شخصیت کودک، ترجمه مهشید یاسایی، نشر مرکز و کتاب ماد، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- « پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، امام جماعت، عامل پیشرفت مساجد، ۱۳۹۳/۸/۲۴ ش.
- « پایگاه خبری تحلیلی خرداد نیوز، بازار اسباب‌بازی و حفره‌های قانونی، ۱۳۹۰/۲/۱۴، کد خبر ۱۴۶۴۲۳.
- « پرکان، حسین، ارتقای کیفیت خدمات و محصولات در دستگاه‌های فرهنگی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- « پورتال ستاد اقامه نماز، جذب جوانان با شیوه‌های نو، ۱۳۸۹/۱۰/۱ ش.
- « پورتال مشرق نیوز، خطری به نام کم‌توجهی والدین به وضعیت مهدکودک‌ها، ۱۳۹۳/۸/۲۵، کد خبر ۳۶۳۰۱۶.
- « \_\_\_\_\_، سبک زندگی کاربران شبکه‌های اجتماعی، ۱۳۹۲/۱/۱۴، کد خبر ۱۹۵۷۸۲.

- « پویا، علیرضا، ارزیابی و آسیب‌شناسی نقش رسانه‌ها در گسترش فرهنگ نماز، مؤسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۹۴ ش.
- « پیش‌نمازی، باقر، نوشت‌افزار و سلامت تحصیلی، نشریه رسالت، ۱۳۹۳/۶/۱ ش.
- « تاج لنگرودی، محمدمهدی، نماز در خانواده، نشر ممتاز، ۱۳۷۵ ش.
- « تافلر، الوین، جایجایی در قدرت (دانایی، ثروت و خشونت در آستانه قرن بیست و یکم)، مترجم شهین‌دخت خوارزمی، ۱۳۷۱ ش.
- « تمیمی آمدی، عبدالوهاب، تصنیف غررال‌حکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، ۱۳۶۶ ق.
- « جباری، حبیب، پوردولتی، سعید، PPT کارگاه آموزشی آنالیز SWOT، مرداد ۱۳۹۰ ش.
- « جعفری، مصطفی و سیدحسین اصولی، حسام‌شهریاری، مژده شیرازی‌منش و امیرحسین فهیمی، ابزارهای استراتژیک و فرهنگی مدیریت کیفیت فراگیر، جلد ۱ و ۲، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- « جمال‌آبادی، سارا، اولین‌های جهانی مهد کودک، روزنامه سلامت، ۱۳۸۹/۷/۲۲ ش.
- « حاج‌علی‌اکبری، محمدجواد، مطلع عشق، نشر فرهنگ، تهران، بی‌تا.
- « حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد ۱، ۵، ۹، ۱۳، ۱۶، ۲۱، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحیاء التراث، قم، ۱۴۱۴ ق.
- « حسونندی، صبا و منطقی، مرتضی؛ فراز و فرود چت‌روم‌ها، عابد، تهران، ۱۳۹۰ ش.
- « حشمتی، محمدرضا، بررسی موضوعی و تحلیل کمی نتایج آماری طرح شناسنامه اماکن مذهبی کشور، انتشارات فلاح، ۱۳۸۴ ش.
- « خامنه‌ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲/۹/۱۹ ش.
- « \_\_\_\_\_، بیانات در دیدار علما و روحانیون استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹ ش.
- « خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، جلد ۲، ۷، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌تا.
- « خانیکی، هادی، چرایی و چگونگی رویارویی با شبکه‌های ماهواره‌ای، ضمیمه شماره ۱۳۲۹ روزنامه شرق، ۱۳۹۰ ش.
- « خبرگزاری دانشجو، آنچه که بازی‌های رایانه‌ای با کودکان و نوجوانان می‌کند، ۱۳۹۱/۴/۲۰، کد خبر ۱۹۵۳۱۳
- « \_\_\_\_\_، فلش‌بازی رایانه‌ای کودکانه و آموزش سبک زندگی غربی، ۱۳۹۲/۴/۴، کد خبر ۲۴۶۹۹۹.
- « خبرگزاری فارس، القای فرهنگ غرب در قالب اسباب‌بازی‌های چینی، ۱۳۹۱/۱۲/۱، شماره ۱۳۹۱۱۲۰۱۰۰۰۹۲۵.
- « خبرگزاری مهر، درآمد تولید اسباب‌بازی چین، چند برابر درآمد نفتی ایران است، ۱۳۹۳/۱۰/۱۱، شناسه خبر ۲۴۵۳۹۲۹.
- « خبرنامه دانشجویان، در مهدهای کودک چه می‌گذرد؟ ۱۳۹۲/۷ ش.
- « خزایی، علیرضا، نقش معلمان در توسعه باورهای دینی و رشد اخلاقی جامعه، مجموعه مقالات برگزیده همایش معلم، فرهنگ و توسعه، اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان، ۱۳۸۴ ش.



- « خوشبایی، کنایون، راهی برای اجتماعی شدن کودک، هفته‌نامه سلامت، شماره ۳۲۵، ۱۳۹۰ ش.
- « دادستان، محمود، روانشناسی ژنتیک (پیازه)، نشر ترمه، چاپ پنجم، ۱۳۷۰ ش.
- « دانش میرکهن، رحمت‌الله، چگونگی جذب پایدار جوانان به مساجد، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۱ ش.
- « دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، طرح آمایش فضاهای مذهبی استان تهران، سال ۱۳۹۳ ش.
- « دهنمکی، مسعود، اظهارات در مراسم بزرگداشت خود در افتتاحیه جشنواره فیلم عمار به نقل از شهید آوینی، ۱۳۹۳ ش.
- « راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، دارالکتب العلمیه، بی‌تا.
- « رسولی شورکی، زهرا، نقش مسجد در تربیت دینی کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۸/۲۷ ش.
- « رضایی، حامد، معظمی گودرزی، ابراهیم، گزارش رصدی اسباب‌بازی، سبک زندگی، مرکز رصد فرهنگ و علم شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰ ش.
- « روشه، گی، کنش اجتماعی، ترجمه هما زنجانی، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۰ ش.
- « رهبری، حسن، کودک و مسجد، بنیاد اندیشه اسلامی، ۱۳۹۲ ش.
- « زارعی، فائزه، ارتقای عملکرد مهدهای کودک، پورتال وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی.
- « زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس (من اهر القاموس)، جلد ۲، منشورات دارمکتبه الحیاه، لبنان، بی‌تا.
- « زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد باحکام المساجد، تحقیق ابو الوفاء مصطفی المرغی، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۴۰۳ ق.
- « سادات، رضا، این صنعت ۸۵ میلیارد دلاری...، نشریه جام جام، ۱۳۹۱/۸/۱ ش.
- « سادات، محمدعلی، رفتار والدین با فرزندان، انجمن اولیا و مربیان جمهوری اسلامی ایران، چاپ پنجم، تهران، ۱۳۷۶ ش.
- « ساروخانی، باقر، جامعه‌شناسی خانواده، انتشارات سروش، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- « سازمان ملل متحد، کنوانسیون حقوق کودک، مصوب سال ۱۹۹۰ م در مجمع عمومی.
- « ستاد مرکزی اقامه نماز کشور، نتایج بیش از ۶۰ طرح تحقیقاتی، بی‌تا.
- « ستارزاده، داود، فناد زادگان، حسینعلی، یوسف نژاد شیروانی، مانده، عوامل مؤثر بر جذب نوجوانان و جوانان به مساجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۷/۲۷ ش.
- « سجادی، زهرا، اظهارات در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس، تاریخ ۱۳۹۳/۳/۴ ش.
- « سجادی، سیدمهدی، جاذبه‌های مسجد؛ مسجد نقطه وصل، نشر فرهنگ، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- « سرچاهی، طاهره، علی‌اکبری، بی‌نا، بررسی راه‌های تقویت ارتباط و تعامل میان مسجد و جوانان، پورتال ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۹/۹/۱۰ ش.
- « سوئیزی، پل و دیگران، جهانی شدن با کدام هدف، ترجمه ناصر زرافشان، آگاه، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- « سهروردی، یحیی، جهانگیری، بی‌نا، مسجد مجازی تحول و نوآوری در مسیر ایران در سال ۱۴۰۴، ره‌آورد نور،

- شماره ۲۳، تابستان ۱۳۸۷ ش.
- « شاکری نیا، ایرج، تربیت دینی با تأکید بر نقش مهم خانواده، مصباح، شماره ۵۰، فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۳ ش.
- « شاه آبادی، حمیدرضا، مقدمه بر ادبیات کودک (بحثی در شناخت مفهوم دوران کودکی)، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، تهران، ۱۳۸۲ ش
- « شورای عالی انقلاب فرهنگی، آسیب‌شناسی، تحلیل و بررسی صنعت اسباب‌بازی، ۱۳۹۳/۱/۲۷، کد تحقیق ۶۴۰۶۴۰ (کتابخانه الکترونیکی پورتال دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی).
- « آیین‌نامه ستاد پشتیبانی و هماهنگی امور مساجد کشور، مصوب جلسه ۵۵۳ مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۲۲ ش.
- « پیش‌نویس سند نظام نوآوری فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
- « سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰ ش.
- « مصوبه شماره ۳۰۲.
- « مصوبه شماره ۴۵۹ در خصوص سیاست‌های مقابله با تهاجم فرهنگی.
- « شورای فرهنگ عمومی کشور، طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور، ۱۳۸۸ ش.
- « طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیرثبتهی شهر تهران)، ۱۳۹۰ ش.
- « طرح بررسی و سنجش شاخص‌های فرهنگ عمومی کشور (شاخص‌های غیر ثبتهی)، ۱۳۹۱ ش.
- « صادقی لویه، ناهید و همکاران، تحلیل محتوای کتاب درسی دین و زندگی پایه دوم متوسطه از دیدگاه معلمان، نشریه اطلاعات، ۱۳۹۲/۹/۳۰ ش.
- « صدیق، اسماعیل، جامعه‌شناختی تحولات فرهنگی - ارزشی خانواده در شهر تهران (پایان‌نامه)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، ۱۳۸۲ ش.
- « صفری، نسرن، و اما مهد کودک، پورتال تبیان، ۱۳۹۲/۱۲/۱۵ ش.
- « ضیایی‌پور، حمید، تأثیر بازی‌های رایانه‌ای، فردا نیوز، ۱۳۹۰/۸/۲۴، کد خبر: ۱۶۹۷۸۷.
- « طالقانی و دیگران، مدیریت مسجد، تدوین الگوی شایستگی منابع انسانی، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت منابع انسانی دانشگاه امام حسین، سال دوم، شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۹ ش.
- « طبرانی، المعجم الکبیر، جلد ۹، بی‌جا، ۱۴۱۵ ق.
- « طبرسی، ابی‌الحسن بن فضل، مکارم الاخلاق، مؤسسه الاعلمی، ۱۳۹۲ ق.
- « عبدالکریمی، بیژن، آسیب‌شناسی پاره‌ای از مبانی نظری تعلیم و تربیت دینی در ایران، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- « عبدالمهدی شترخفت، امید، وضعیت مساجد کشور، کتاب مجموعه گزارشات رصدی حوزه دین، مرکز رصد

- فرهنگ و علم دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳ ش.
- « عرشی نیاسر، عباس، مسجد گوهر بی همتا، معروف، قم، ۱۳۸۷ ش.
- « عسکری، اسلامپور، کریمی، بایسته‌های رفتار امام جماعت در مواجهه با کودکان و نوجوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ ش.
- « \_\_\_\_\_ راهکارهای جذب کودک و نوجوان به مسجد، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۲/۱۲/۲۵ ش.
- « عشقی، داریوش، مسجد، کودک و محرم، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۹/۲۳ ش.
- « عشقی، داریوش، مسجد، کودک و مسئولیت‌دهی، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۱۰/۲۱ ش.
- « عطایی، نوجوانی گذر از کودکی، مجله آشنای خانواده، شماره ۱۳۲، بی‌تا.
- « عظیمی، اقدس، مهد کودک دینی از رؤیا تا واقعیت، هفته‌نامه حزب مؤتلفه اسلامی، ۱۳۹۲/۱۱/۲۸، کد مطلب: ۹۶۷۵.
- « علوی، عباس، نقدی بر عملکرد دولت در خصوصی‌سازی نظام تعلیم و تربیت، روزنامه کیهان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۴، شماره ۲۰۹۸۶.
- « غفاری، سعید، سایه‌روشن شبکه‌های ماهواره‌ای، جام جم، ویژه‌نامه نوروز، ۱۳۹۰ ش.
- « فارسیجانی، حسن، استراتژی کلاس جهانی در مدیریت کیفیت بازرسی، قصیده‌سرا، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- « فاضلی، نعمت‌الله، گونه‌های در حال ظهور خانواده در تهران، کتاب مجموعه مقالات زن و زندگی شهری، بی‌تا، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- « فتاحی بافقی، بتول، نقش معلم در تربیت دینی دانش آموزان، پورتال سازمان مدارس معارف اسلامی، ۱۳۹۰/۹/۸ ش.
- « فراهانی، محسن، جهانی شدن به اختیار یا به اجبار، روزنامه جام جم، ۱۳۸۱/۵/۱ ش.
- « فرحی، مجتبی، زندگی در آیین اعتدال، انتشارات دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، قم، ۱۳۸۰ ش.
- « فرهادیان، رضا، عوامل آموزش و گرایش نوجوانان و جوانان به نماز، بی‌تا.
- « فرهی بوزنجانی، برزو، چگونگی ساماندهی دستگاه‌های متولی نماز و مسجد، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۲ ش.
- « فقفوری، محمدصادق، نگاهی به تربیت نیروی انسانی در مهدکودک‌های ایرانی، نشریه کیهان، ۱۳۹۳/۱۱/۱۳ ش.
- « قادری، مجید، ایران فاقد صنعت اسباب‌بازی است، گفت‌وگوی ویژه خبری شبکه دو سیما، ۱۳۹۱/۱/۲۳ ش.
- « قاسمی، طهمورث؛ سواد رسانه‌ای رویکردی نوین به نظارت رسانه‌ای، مجلس و پژوهش، سال ۱۳، شماره ۵۲، ۱۳۸۸ ش.
- « قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
- « قانون برنامه دوم، سوم، چهارم و پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
- « قیدرلو، کمیل، دایه مجازی؛ کودکی که تلویزیون برای ما پرورش می‌دهد، مجله سوره اندیشه، شماره دهم،

بی تا.

- « کارگر، بهمن، اظهارات سردار و معاون اجتماعی ناجا، تیر ۱۳۹۱ ش.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، جلد ۵، ترجمه آیت‌الله کمره‌ای، انتشارات اسوه، چاپ چهارم، ۱۳۷۹ ش.
- « گریدانوس و همکاران، مراقبت از نوجوانان، ترجمه صرافی و مطهری، انتشارات رشد، ۱۳۸۳ ش.
- « گل محمدی، احمد، جهانی شدن، فرهنگ، هویت، جلد اول، نشر نی، تهران، ۱۳۸۱ ش.
- « لاتوش، سرژ، غربی سازی جهان، ترجمه امیررضایی، قصیده، تهران، ۱۳۷۹، ش.
- « لطف‌آبادی، حسین، روان‌شناسی رشد اخلاقی ارزشی و دینی در نوجوانی و جوانی، مجله روش‌شناسی علوم انسانی، شماره ۲۹، زمستان ۱۳۸۰ ش.
- « ماسن، کانجر و همکاران، روان‌شناسی رشد و شخصیت، ترجمه مهشید یاسایی، انتشارات قدس، ۱۳۷۲ ش.
- « متقی الهندی، علی بن حسام‌الدین، کنز العمال، جلد ۳، ۷، ۱۶، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، جلد ۸، ۴۳، ۶۶، ۱۰۰، مؤسسه الوفا، بیروت، ۱۴۰۳ ق.
- « محبی، فاطمه، اسباب‌بازی؛ نمادی فرهنگی، شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۳ ش، کد تحقیق ۶۴۰۶۴۷ (کتابخانه الکترونیکی پورتال دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی).
- « محدث نوری، مستدرک الوسائل، جلد ۳، ۸، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، چاپ دوم، بیروت، ۱۴۰۹ ق.
- « محدثی، جواد، عشق برتر، بوستان کتاب، قم، ۱۳۸۱ ش.
- « محمدخانی شهری، لیلا، بررسی عوامل ایجاد پیوند و موانع جذب میان مسجد و جوانان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۹/۹/۱۱ ش.
- « محمدی سیف، معصومه، شبکه‌های ماهواره‌ای و تغییر در کارکردهای خانواده، فصلنامه رسانه و خانواده، شماره ۷، تابستان ۱۳۹۲ ش.
- « محمدی، محمدرضا، جنبه‌های مهم شخصیت نوجوان، مجله معرفت، شماره ۳۸، بهمن ۱۳۷۹ ش.
- « محمدی، مژگان، رویکرد کلی به آسیب‌شناسی تعلیم و تربیت، مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش، ج ۱، محراب قلم، تهران، ۱۳۸۲ ش.
- « مراد زاده، علی، آموزشگاه مسجد با درس‌های معنوی برای کودکان، پورتال مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳/۲/۸ ش.
- « مرکز آمار ایران
- « مرکز رسیدگی به امور مساجد، رسانه ملی و مسجد (تقابل یا تعامل)، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، بی تا.
- « مطهری، مرتضی، داستان راستان، جلد ۲، بی جا، ۱۳۸۱ ش.
- « معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، مسجد نقطه وصل، ۱۳۷۶ ش.
- « مفید، محمد بن محمد، الامالی، کنگره شیخ مفید، قم، ۱۴۱۳ ق.
- « منطقی، مرتضی، راهنمای اولیا در استفاده فرزندان از فناوری‌های ارتباطی جدید: تلفن همراه و بازی‌های ویدئویی، عابد، تهران، ۱۳۸۶ ش.

- « \_\_\_\_\_ رفتارشناسی جوانان در دهه‌های سوم و چهارم انقلاب، تهران، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۳ ش.
- « \_\_\_\_\_ چت‌روم‌های ایرانی، جوانان و اولیا، جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۸ ش.
- « موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی مفهوم و معیار کودکی در تفکر اسلامی و قوانین ایران برای بهره‌برداری از حقوق مربوطه، پژوهشنامه متین، شماره ۲۱، زمستان ۱۳۸۲ ش.
- « موسوی نژاد، ایمن‌السادات، کالبدشکافی موشکافانه بازی رایانه‌ای، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۷/۷، شماره: ۱۳۹۲۰۷۰۷۰۰۰۱۸۹.
- « موظف رستمی، محمدعلی، روش‌های جذب نوجوانان و جوانان به مساجد و نماز جماعت، ستاد اقامه نماز، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- « مهربانی‌فر، حسین و خلیل‌زاده، محمد مهدی؛ شبکه‌های ماهواره‌ای نگاهی به ابعاد فرهنگی و حقوقی، دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها، تهران، ۱۳۹۱ ش.
- « مؤسسه فرهنگی طه، نگاهی به فمینیسم، معاونت امور اساتید، قم، ۱۳۷۷ ش.
- « مؤمن نسب، روح‌الله، ۸۹ درصد محتوای شبکه‌های اجتماعی موبایل غیراخلاقی‌اند، خبرگزاری میزان، ۱۳۹۳/۷/۱۵، کد خبر: ۹۴۱۹.
- « نجفی، محمدحسن؛ جواهر الکلام، ج ۱۴، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۹۲ ق.
- « نش، کیت، جامعه‌شناسی معاصر، جهانی‌شدن، سیاست، قدرت، ترجمه محمدتقی دل‌فروز، انتشارات کویر، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۰ ش.
- « نشریه خراسان، کارنامه مسئولان در مقابله با عروسک‌های نامناسب فرهنگی، ۱۳۹۳/۱۱/۲۷ ش.
- « نصرالله‌پور، نقش اول ۸۷ درصد سریال‌های فارسی‌وان «زن» است، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲/۹/۴، شماره: ۱۳۹۲۰۸۰۴۰۰۰۳۹۶.
- « نصیری، قدیر، در چپستی جهانی‌شدن، تأملی نظری در سمت و سرنوشت آهنگ جهانی، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال چهارم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۰ ش.
- « نقدی، محمدرضا، اظهارات سردار در دهمین همایش تخصصی مدیران کانون‌ها و مسئولان سازمان بسیج فرهنگیان کشور در مشهد، ۱۳۹۳/۵/۳۰ ش.
- « نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، مؤلف، قم، ۱۳۷۳ ش.
- « نوروزی، مرضیه، مدرسه و اجتماعی شدن مذهبی دانش‌آموزان، دانشنامه روانشناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۱/۲/۲۹، کد مطلب: ۱۱۱۳۳.
- « نیکفام، کیانا، دختران نیمه‌عریان روی دفترها، پورتال موسسه فرهنگی تبیان، بخش اجتماعی، ۱۳۹۳/۷/۳ ش.
- « نیومن، فیلیپ و نیومن، باربارا، اثرات تلویزیون بر رشد کودکان و نوجوانان، ترجمه اسماعیل بیابانگرد، فصلنامه پژوهش و سنجش، ش ۱۵ و ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۷۷ ش.
- « نئون، پل. آر، ارزیابی متوازن-گام به گام (راهنمای طراحی و پیاده‌سازی)، ترجمه پرویز بختیار، صنم اله‌قلی، آن‌هیتا خزاعی و شیما مشایخی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی، تهران، ۱۳۸۶ ش.
- « والرشتاین، امانوئل، سیاست و فرهنگ در نظام متحول جهانی، ترجمه پیروز ایزدی، نشر نی، تهران، ۱۳۷۷ ش.

- « وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، طرح تهیه شناسنامه مساجد و اماکن مذهبی کشور ایران، ۱۳۷۵ ش.
- « \_\_\_\_\_، گزارش ده‌ساله ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد (۱۳۷۲-۱۳۸۲)».
- « ولی زاده، محمدجواد، مسجد و خانواده/ فروغ مسجد (مجموعه مقالات)، ج ۸، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۳ ش.
- « همتی‌فر، مجتبی، وقتی مهد کودک سکولار باشد، پورتال خبرگزاری مهر، ۱۳۹۳/۱۲/۲۳، کد خبر: ۲۵۱۵۷۲۴.
- « هیئت‌وزیران، آیین‌نامه مستثنی شدن خدام و کارکنان بقاع متبرکه، مساجد، حسینیه‌ها، تکایا، مدارس علوم دینی موقوفه و موقوفات عام غیرتولیدی از شمول موادی از قانون کار مصوبه هیئت‌وزیران در جلسه مورخ ۱۳۷۳/۱۱/۲۶.
- « \_\_\_\_\_ مصوبه شماره ۱۳۴۰۲۰/ت/۴۱۰۶۵ هـ ۱۳۸۷/۸/۵ در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۷/۲۳ ش.
- « \_\_\_\_\_ مصوبه شماره ۴۴۷۲۱/ت/۴۱۹۹۹ هـ ۱۳۸۸/۲/۳۱ در جلسه مورخ ۱۳۸۸/۲/۲۰ ش.
- « هیلگارد و همکاران، زمینه روانشناسی، ترجمه جمعی از مؤلفان، انتشارات رشد، چاپ دوم، ۱۳۷۱ ش.
- « www.dokhtiran.com، مهدکودک‌ها و تربیت مدرن،
- « asp44-http://www.vgpostmortem.blogfa.com/post، کالبدشکافی بازی‌های رایانه‌ای
- « www.zarrintoys.com، اظهارات دبیر شورای نظارت بر اسباب‌بازی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در صنعت اسباب‌بازی، ۱۳۸۹/۵/۹



